



فرہنگِ ضویٰ

سال نهم، شماره سی و پنجم، پاییز ۱۴۰۰



رژیم مملکت و فرهنگ، بنو و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



بنیاد ملی ترجمان
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

فصلنامه علمی فرهنگ رضوی

سال نهم، شماره سی و پنجم، پاییز ۱۴۰۰

هیئت تحریریه:

سید محمد رضا احمدی طباطبائی

دانشیار همکار بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا علیه السلام

حسن بشیر

استاد دانشگاه امام صادق علیه السلام

جلال درخشه

استاد دانشگاه امام صادق علیه السلام

فرشاد شریعت

استاد دانشگاه امام صادق علیه السلام

حسین علی قبادی

استاد دانشگاه تربیت مدرس

داریوش مطلبی

دانشیار همکار بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا علیه السلام

سید علیرضا واسعی

دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

محمد هادی همایون

استاد همکار بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا علیه السلام

ویراستار:

نعمت الله پناهی، محمد علی ندائی

ترجمه چکیده ها:

محمد رضا آرام

طراح و صفحه آرا:

فهیمه ناجی

صاحب امتیاز:

بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا علیه السلام

مدیر مسئول: محمود رضا برازش

سر دبیر: جلال درخشه

مدیر اجرایی: محمد علی ندائی



نشانی:

مشهد مقدس، بلوار شهید کامیاب، شهید کامیاب

۳۴، پلاک ۳، بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام

رضا علیه السلام، دفتر نشریه. تلفن: ۰۹-۳۲۲۸۳۰۴۴

پایگاه اینترنتی فصلنامه و سامانه دریافت مقالات:

www.farhangerazavi.ir

بر اساس نامه شماره ۳/۱۸/۲۰۲۰۶۶ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱ دفتر سیاست گذاری و برنامه ریزی امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه فرهنگ رضوی از شماره اول دارای اعتبار علمی - پژوهشی است.

بر اساس آیین نامه جدید نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که تمام نشریات مشمول این آیین نامه با عنوان «نشریه علمی» شناخته می شود، از این پس عنوان علمی - پژوهشی از فصلنامه فرهنگ رضوی حذف و تنها عنوان علمی درج می شود.

فصلنامه علمی فرهنگ رضوی در پایگاه های علوم استنادی جهان اسلام (ISC)، اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (noormags) و پایگاه اطلاعات نشریات کشور (magiran) نمایه می شود.

◀ درباره مجله

فصلنامه فرهنگ رضوی، مقاله‌های پژوهشی در زمینه‌های اعتقادی، کلامی، فقهی، تفسیری، حدیثی، تاریخی، تطبیقی و سایر ابعاد علمی با محوریت امام رضا (علیه السلام) را می‌پذیرد.



◀ راهنمای تهیه و تنظیم مقاله

- چکیده فارسی و انگلیسی مقاله (حداکثر ۲۰۰ کلمه) و واژگان کلیدی (حداکثر ۵ واژه) همراه مقاله ارسال شود.

- یادداشت‌ها و مآخذ به ترتیب الفبایی نام خانوادگی در پایان مقاله درج شود.

- در متن مقاله، هر جا که لازم بود، نام مؤلف، سال انتشار، منبع و صفحه موردنظر (روش APA) و در مورد منابع خارجی (لاتین) معادل خارجی آنها در پایین همان صفحه درج شود. - نشانی کامل مقاله‌ها، کتاب‌ها، رساله‌ها و گزارش‌های لاتین ترجمه شده به فارسی باید ضمیمه مآخذ شود.

- مؤلف باید سمت پژوهشی یا آموزشی، نشانی کامل محل کار و نشانی پست الکترونیکی (e-mail) خود را ضمیمه مقاله کند.

- پذیرش نهایی مقاله و چاپ آن در مجله منوط به تأیید هیئت تحریریه و داوران متخصص «فرهنگ رضوی» است.

- مقاله‌های رسیده نباید در مجله‌های فارسی زبان داخل و خارج کشور چاپ شده باشد.

- مجله در «ویرایش» مقاله رسیده، بدون تغییر در مفاهیم آن، آزاد است.

- «فرهنگ رضوی» ترجیح می‌دهد مقاله‌هایی را چاپ کند که نتیجه پژوهش‌هایی درباره معارف و فرهنگ رضوی (امام رضا (علیه السلام)) باشد.

- مسئولیت مطالب مقاله‌های مندرج در فصلنامه، برعهده نویسندگان آن‌هاست.



اشتراک

هزینه اشتراک سالیانه فصلنامه مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ ریال است.
متقاضیان محترم می توانند این مبلغ را به شماره حساب ۰۱۱۲۵۵۸۰۱۴۰۰۴ بانک ملی
به نام بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام) واریز کنند و فیش آن را همراه با نشانی
پستی خود به ایمیل فصلنامه یا به نشانی بنیاد بفرستند.



۹	ملیحه اکبری حسین خاکپور ابراهیم نوری	تحلیل رویکرد اجتماعی امام رضا (علیه السلام) در مواجهه با سران زیدیه (با الگوگیری از روش تحلیل گفتمان روایی پدام (PDAM))	مقاله اول
۳۷	مهدی باصولی سعیده درخش	بررسی نیازهای زائران معلول در اماکن مذهبی (مطالعه موردی: حرم مطهر رضوی)	مقاله دوم
۶۳	حبیب الله تقی پور سهل آبادی عفت عباسی مرجان کیان محمدعلی رضایی کرمانی نسب پور	تدوین ساختار فعالیت‌های فوق برنامه مدارس با توجه به سیره امام رضا (علیه السلام)	مقاله سوم
۹۱	یزدان شیرمحمدی اکبر بهمنی مژگان مستان راد	نقش زیارت حرم امام رضا (علیه السلام) در کیفیت زندگی	مقاله چهارم

۱۲۳

کریم خان محمدی

بررسی پدیدار شناختی پنجره
 فولاد مشهدالرضا (علیه السلام)

مقاله پنجم

۱۵۳

سید حسین حسینی

مفهوم یابی در تمدن پژوهی؛ نقد
 روش شناختی کتاب «تمدن
 رضوی»

مقاله ششم

۱۸۹

رها شکفته
 سید محمدنوعی

ارزش یابی کتاب های کودک
 تولید شده در معاونت تبلیغات
 آستان قدس رضوی از نگاه کودک

مقاله هفتم

۲۲۳

English Abstracts

چکیده های انگلیسی

زجمه



تحلیل رویکرد اجتماعی امام رضا (علیه السلام) در مواجهه با سران زیدیه (با الگوگیری از روش تحلیل گفتمان روایی پدام (PDAM))

دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۴ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۳۱

ملیحه اکبری^۱، حسین خاکپور^۲، ابراهیم نوری^۳

چکیده

سلوک رفتاری و گفتاری امام رضا (علیه السلام) می‌تواند به عنوان الگویی در تعاملات مورد توجه قرار گیرد. در این دوران «زیدیه» از انقلابی‌ترین فرقه‌های شیعی محسوب می‌شد که چندان مورد تأیید و حمایت امام عصرش نبود. تعاملات امام رضا (علیه السلام) با فرقه زیدیه به عنوان یک دوست منحرف، الگوی رفتاری سازماندهی شده‌ای را به دست می‌دهد که راهگشای مسائل نو ظهور خواهد بود.

این مقاله به روش توصیفی تحلیلی، به شناسایی رویکردهای اجتماعی گفتمان امام رضا (علیه السلام) در مواجهه با سران فرقه زیدیه می‌پردازد. امام رضا (علیه السلام) در گفتمان‌های اجتماعی مربوط به عامه و دانشمندان، با طرح مباحث توحید، امامت و ولایت و پاسخ به پرسش‌ها و شبهه‌ها، رهنمودهای رفتاری ارزشمندی از خود به جای گذاشته‌اند. این گفتمان‌ها به طور غیر مستقیم، متأثر از عنصر سوم گفتمان (مأمون عباسی- قدرت) نیز است. محورهای اساسی خلق گفتمان امام رضا (علیه السلام) با سران فرقه زیدیه (دوست منحرف)، در مقابل دشمن مشترک (مأمون)، با هدف روشنگری و هدایت صورت پذیرفته است؛ اما محورهای اساسی در خلق گفتمان رضوی با مأمون با هدف تبیین و سازش ناپذیری است که گاهی با تقیه در اظهار نظر همراه است. در هر کدام از این رویکردها به دال‌های مرکزی می‌رسیم که نقش مهمی در تحلیل گفتمان امام رضا (علیه السلام) با زیدیه دارد.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (علیه السلام)، رویکرد اجتماعی، تحلیل گفتمان روایی، زیدیه.

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران، زاهدان: salma.akbari800@gmail.com
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران، زاهدان (نویسنده مسئول): dr.khakpour@theo.usb.ac.ir
۳. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران، زاهدان: e.noori@theo.usb.ac.ir

۱. مقدمه

استفادهٔ الگویی از روایات و تقریرات ائمه معصومین (علیهم السلام) در مسائل روز، نیاز ضروری جامعه اسلامی است. کشف و فهم صحیح گفتمان‌های روایی ایشان و استخراج الگوی مناسب برای کاربردی کردن آن در مسائل مشابه، راهگشای بسیاری از امور خواهد بود؛ از آنجا که امام رضا (علیه السلام) به عنوان یک مدبر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و...، راه حل‌های پیشگیری، تصحیح و درمان بسیاری از مسائل اجتماعی را بیان کرده‌اند؛ تحلیل گفتمانی ایشان با قشرهای مختلف مردمی، می‌تواند برای رفع نیاز امروز جوامع انسانی نیز مفید باشد.

امام رضا (علیه السلام) در عصر پرتلاطم هجوم افکار غیر اسلامی، با وجود خدعه‌های مأمون برای امام (علیه السلام) و علویان و اوضاع متشنج اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم، با گفتمان‌های به موقع و البته طلایی خود، با حفظ وحدت، تربیت و هدایت، تک و پاتک‌ها و ایجاد فضای استحفاظی، به بهبود و درمان اوضاع کمک کرد (خاکپور، ۱۳۹۳: ۳۲) به یقین همه این موارد، در آن واحد با چند گفتمان در زمانی محدود، جز از یک امام معصوم ساخته نیست. راهکارهای اساسی که با داشتن بصیرت بالا و شناخت موقعیت، توانمندی امام را در آن برهه زمانی نشان می‌دهد. از جمله فرقه‌هایی که مطالعه گفتمان امام رضا (علیه السلام) با آن‌ها می‌تواند سودمند باشد، فرقه زیدیه است.

در دوران حیات امام رضا (علیه السلام) فرقه زیدیه از انقلابی‌ترین فرقه‌های درون شیعی محسوب می‌شد که مورد تأیید و حمایت امام عصرش نبود و حتی با برخی، ابراز مخالفت شدید هم داشته‌اند (اصفهانی، بی تا: ۱۸۶) این فرقه از پیروان زید بن علی (علیه السلام) است که در دوران امامت امام سجاد (علیه السلام) ظهور کرد. زیدیه در تعظیم اهل بیت (علیهم السلام) با امامیه اتفاق نظر دارند؛ اما دربارهٔ واجب اطاعت بودن آنان اختلاف دارند. تنها امام بعد از امام حسین (علیه السلام)، امام رضا (علیه السلام) است که به دلیل حضور امام (علیه السلام) به منصب ولایت عهدی بوده است (فرمانیان، ۱۳۸۶: ۱۹۴) انقلابیون زیدی بدون شناخت مقام امام مفترض الطاعت، با دوری از آموزه‌های ناب اهل بیت (علیهم السلام) و فریبکاری‌های هارون و مأمون در عصر امام رضا (علیه السلام)، اجرای عدالت و قسط و مبارزه با طاغوت را که وظیفهٔ یک «امام» است برای خود می‌دانست.

درباره ضرورت پرداختن به این بحث باید گفت: تعاملات امام رضا (علیه السلام) با فرقه زیدیه به عنوان یک دوست منحرف، به سبب مشترکات اعتقادی فرهنگی، الگوی رفتاری سازماندهی شده‌ای را به دست می‌دهد که کشف عناصر آن در رویکردهای متفاوت اجتماعی به دلیل پیوند عمیق با آیات جاوید وحی، راهگشای همیشگی مسائل نو ظهوری این چنین خواهد بود.

فرقه زیدیه در نگاه دوست منحرف در تمامی رویکردهای امام نسبت به آن‌ها، تعامل و تسامح را در عین هدایتگری به همراه داشته است. از میان رویکردهای مختلف رویکرد جامعه‌شناختی اهمیت بیشتری دارد و خود دارای ابعاد مختلفی است که بُعد اجتماعی مسئله، مد نظر این پژوهش است. از این رو، ضمن کشف عناصر رویکردهای جامعه‌شناختی امام رضا (علیه السلام) در مواجهه با فرقه زیدیه، به طور ویژه در بعد اجتماعی و تطبیق دهی آن، می‌توان به نظریه اجتماعی امام (علیه السلام) در این حوزه نزدیک شد و لایه‌های پنهان گفتمان امام را مشخص کرد.

۲. روش کار

روش کار پژوهش پیش رو به این شکل است که روش پدام به عنوان الگوی زیرساخت اولیه در نظر گرفته شده و با توجه به تحقیقات پیشین نگارندگان (خاکپور و همکاران)، روایات امام رضا (علیه السلام) در برخورد با سران زیدیه به مثابه یک گفتمان در نظر گرفته شده و پژوهشی بینارشته‌ای شکل گرفته است. از این رو، بررسی‌های صورت گرفته بیشتر مربوط به تعاملات اجتماعی امام (علیه السلام) در مواجهه با سران زیدیه است.

۳. مبانی نظری بحث

برای روشن شدن دقیق موضوع و روش کار ابتدا چارچوب نظری بحث بیان می‌شود.

۳-۱. الگوی عملیاتی تحلیل گفتمان پدام

«الگوی عملیاتی تحلیل گفتمان» (PDAM)، روشی عملیاتی از تحلیل گفتمان برای تحلیل متون گوناگون از جمله متون سیاسی و ارتباطی است که با بهره‌گیری از روش نورمن و فرکلاف و توسعه آن ارائه و معرفی شده است. این الگو، در بردارنده سه اصل رهیافت نورمن و فرکلاف با تفسیر جدید، به علاوه دو سطح عمیق و عمیق‌تر است. ضمن این که در آن از مفاهیمی مانند دال مرکزی، دال شناور، عنصر وقته یا لحظه، تخصم، دلالت‌های ضمنی متن، هژمونی، مفصل‌بندی و بینامتنیت که در لا کلا و موفه دیده می‌شود، استفاده شده است.

الگوی عملیاتی تحلیل گفتمانی، بر دو پایه تحلیل لایه‌های سطح متن و عمق متن در پنج بُعد سطح سطح، عمق سطح، سطح عمق، عمق عمق و عمیق‌تر استوار است. «در سطح سطح، یا فوقانی‌ترین لایه متن، ساختار بیرونی و شکل بیان یا نمود گفتمان را می‌توان جست‌وجو کرد. عمق سطح که عمیق‌ترین لایه سطحی متن است، ساختار درونی یا محتوای بیان را در بردارد. در سطح عمق یعنی فوقانی‌ترین سطح از عمق متن، محتوای مشخص متن قرار دارد. انتخاب حوادث داستانی یا خبری یا موضوعات مطرح‌شده در متن و دلیل این انتخاب، در این لایه از متن واقع شده است. در عمق عمق، ساختارهای کلان واقع شده‌اند. محتوای گفتمان، نقش و کارکرد اجتماعی متن و نقش آن در فرهنگ و دانش اجتماعی فرهنگی مخاطب و بالاخره ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و حتی تاریخی در برگیرنده متن، از جمله ساختارهای کلانی هستند که شکل‌دهنده این لایه متن یعنی عمق عمق محسوب می‌شوند» (میرفخرایی، ۱۳۸۴: ۲۵) و در مرحله عمیق‌تر، نگاهی کاملاً کلان به متن و رابطه آن با زمینه و فرامتن خواهد شد و محورهای اصلی و جزئیات گفتمان متون استخراج، بررسی و تبیین می‌شود.

سه مرحله سطح سطح، عمق سطح، سطح عمق، به شکل سه محور اساسی ذیل مطرح شده است:

۱. برداشت از اصل متن، ۲. جهت‌گیری و گرایش متن، ۳. تحلیل توجیهی با توجه به

سایر گرایش‌های متن (بشیر، ۱۳۸۵: ۸) به عبارت دیگر، متن به عنوان یکی از بخش‌های اصلی تحلیل، باید مورد توجه و مطالعه جدی قرار گیرد.

«در مرحله بعدی، جهت‌گیری‌ها و گرایش‌های متن، به شکل جزئی و کلی و با توجه به لایه‌های سطحی و عمیق متن در سطوح مختلف متن، مورد توجه، مطالعه و ارزیابی قرار می‌گیرند» (میرفخرایی، ۱۳۸۴: ۱۴).

مرحله عمیق عمق؛ در این شیوه تحلیل پیشنهادی شامل دو مرحله است: ۱. مرحله عمیق ۲. مرحله عمیق تر. اولی برای مرحله نسبتاً کلان عمق عمق که بیانگر روابط بینامتنیت درون و بیرون متن است و دومی، برای مرحله کاملاً کلان عمق است که با تکیه بر ساختارها و اطلاعات مرتبط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، دینی و تاریخی در تلاش است گفتمان حاکم بر متن را با گفتمان‌های بیرون متن (ولی مرتبط با آن) پیوند دهد و مقایسه کند.

به این ترتیب، می‌توان مجموع دو مرحله اول و دوم این الگو (سطح سطح و عمق سطح) را مشابه با مرحله اول الگوی تحلیل گفتمانی فرکلاف یعنی توصیف در نظر گرفت. مرحله سوم این الگو (سطح عمق) را نظیر مرحله دوم الگوی تحلیل گفتمانی فرکلاف یعنی تفسیر ارزیابی کرد و در نهایت مراحل چهارم و پنجم این الگو (سطوح عمیق و عمیق تر) را در چارچوب مرحله سوم الگوی تحلیل گفتمانی فرکلاف یعنی تبیین تعریف کرد. به این ترتیب، مجموع پنج مرحله مزبور تشکیل دهنده تحلیل گفتمانی مد نظر خواهد بود. با چنین شیوه‌ای، می‌توان اطمینان یافت که با هر مرحله از تحلیل، بخشی از معنا در حلقه‌های مختلف، روشن و در نهایت، در مرحله پایانی تحلیل گفتمان، حلقه‌های معنایی مزبور، معنای کامل ارائه شود (بشیر، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

۳-۲. روش «پدام» در تحلیل متون دینی

در روش تحلیل گفتمان بر پایه پدام دو عنصر «زمینه» یا «بافت» و «فرامتن» نقش اساسی در خلق و کشف گفته‌ها و ناگفته‌ها دارد. بینامتنیت‌ها و گفتمان‌گونگی‌ها، اگرچه در

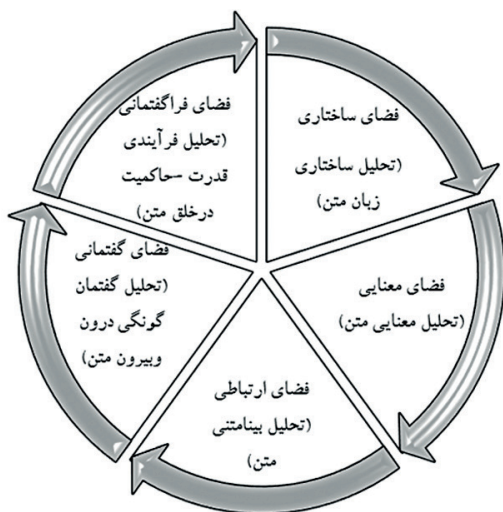
فرایند تحلیل گفتمان بسیار اهمیت دارد، در واقع به عنوان تکمیل کننده رابطه‌ای است که بر اساس مفصل‌بندی‌های ایجاد شده میان درون و بیرون متن استوار است. به عبارت دیگر، بینامتنیت‌های درون و بیرون گفتمانی، بیش از آنکه در تعیین دال‌های اساسی با عناصر محوری گفتمان نقش داشته باشند، در تبیین چگونگی دخالت آن‌ها در خلق معنا و در حقیقت «توسعه معنایی» به‌ویژه در ذهن مخاطبان که اساس کلیه رویکردهای مربوط به «قرائت‌های گوناگون» است، نقش محوری دارند.

برخلاف آنچه در تحلیل متون غیردینی، بحث زمینه، حائز اهمیت اساسی نیست، در تحلیل متون روایی به عنوان مصداقی از متون دینی، بینامتنیت‌های درون‌متنی و بیرون‌متنی، حائز اهمیت اساسی بوده و در حقیقت، می‌توانند به دلیل ثبت نشدن زمینه‌های خلق گفتمان مربوط به روایت‌ها، به مثابه جایگزینی نه کامل بلکه نسبی تلقی شوند. در روش پدام برای تحلیل متون غیردینی، تبیین رابطه متن و فرامتن در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... پنج سطح تعیین شده، اما در تحلیل گفتمان متون دینی، این پنج سطح به پنج فضا نام‌گذاری شده که منعکس‌کننده «فضای متنی و بینامتنی» مؤثر در خلق گفتمان روایی است. این پنج فضا عبارت است از: ساختاری، معنایی، ارتباطی، گفتمانی و فراگفتمانی. تحلیل و الگوی پیشنهادی نگارندگان بر این روش بیانگر آن است که فضای پیش‌ساختاری نیز باید در تحلیل متون دینی مورد توجه قرار گیرد. پیش‌ساختار خود متکی بر عوامل درونی و بیرونی است. از جمله عوامل درونی آن مبانی اعتقادی و جهان‌بینی امام (علیه السلام) است و از عوامل بیرونی می‌توان بر فضای قدرت، سیاست و عوامل دیگر استوار باشد. ناگفته نماند که عنصر تقیه نیز در برخی موارد نباید فراموش شود. چه بسا گفتمان امام (علیه السلام) بر اصل تقیه، به‌عنوان پیش‌ساختار استوار باشد.

در فضای ساختاری معمولاً زبان، ساختارهای زبانی، روابط دستوری و عوامل مؤثر بلاغی، مورد توجه قرار می‌گیرد. در فضای معنایی معنای زیرین مورد توجه است. این معنا، نه تنها در ظاهر و باطن الفاظ و جمله‌ها نهفته است، بلکه در اجزا و نیز معنای کلی متن پنهان است. فضای معنایی منعکس‌کننده جهت‌گیری‌های متن برای تحقق اهداف گفتمانی است که مورد توجه قرار می‌گیرد.

در فضای ارتباطی روابط بینامتنی میان ساختار و معنای موجود در متن با ساختارها و معناهای بیرونی متن بررسی می‌شود. کشف این روابط، شاید مهم‌ترین مرحله‌ای است که در تحلیل گفتمان روایی مورد توجه است (بشیر، ۱۳۸۵: ۱۰۱ و ۱۳۹۵: ۲۵).

در فضای گفتمانی شرایط قدرت - حاکمیت که مهم‌ترین عنصر مؤثر در خلق گفتمان روایی است، بررسی می‌شود. این شرایط، تعیین‌کننده رویکرد گفتمانی متون روایی است. در فضای فراگفتمانی می‌توان با رابطه میان «فضای گفتمانی» و «گفتمان روایی» در سطوح هم‌زمانی و در زمانی آشنا شد. این فضا، بیش از آنکه به سطح هم‌زمانی گفتمان توجه داشته باشد، به سطح در زمانی و به عبارت دیگر به فرایند تحول گفتمانی در دوره‌های مختلف توجه دارد. فضای فراگفتمانی، فضای ترسیم‌کننده شرایط قدرت - حاکمیت برای بروز گفتمان‌های مختلف روایی در دوره‌های مختلف است که با کشف این فضای فراگفتمانی می‌توان برای فهم روایت‌های مختلف و تعیین معانی، جهت‌گیری‌ها و اهداف آن‌ها اقدام کرد. این پنج گام در تحلیل متون روایی به روش پدام، فرایندی را ترسیم می‌کند که در سایه آن می‌توان برای تحلیل گفتمانی روایی اقدام کرد. نمودار شماره (۲) نشان‌دهنده این مراحل و معنای هر مرحله برای تحقق این فرایند است.



نمودار (۲): سطوح تحلیل متون روایی

۴. تحلیل رویکرد اجتماعی امام رضا (علیه السلام) با سران زیدیه

همان طور که مشخص است در این روش، پنج سطح، بحث و بررسی می‌شود. در «فضای ساختاری» به روابط دستور زبانی و عوامل شبیه آن توجه می‌شود و در «فضای معنایی»، معانی زیرین مورد توجه قرار می‌گیرد که منعکس‌کننده «جهت‌گیری‌های متن» برای تحقق «اهداف گفتمانی» است. از این رو، در پژوهش پیش رو متن گفتاری امام و سران فرقه زیدیه هر کدام به صورت مجزا در جدول‌ها مشخص شده تا تحلیل گفتمان راحت‌تر و دسترسی به لایه‌های مخفی و امکان مقایسه آسان‌تر باشد. با توجه به تعداد بسیار روایات و گستردگی آن‌ها، این شیوه انتخاب شده تا از حجم مقاله کاسته شود و خواننده بتواند به سادگی گفتمان‌های مختلف را با هم مقایسه کند و رویکرد اجتماعی امام (علیه السلام) نیز برجسته‌تر شود. نکته قابل توجه در تحلیل گفتمان معصومین این است که باید به فضای پیشاگفتمان نیز توجه کرد (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۹). این نکته‌ای است که در روش پدام به آن توجه نشده است. فضای پیشاگفتمان مجموعه عواملی است که رویکرد امام (علیه السلام) را در گفتمان شکل می‌دهد. مبانی فکری، اعتقادی و ... از جمله مهم‌ترین آن‌هاست. به عنوان نمونه در پژوهش پیش رو مبانی اعتقادی زیدیه که از سوی امام رضا (علیه السلام) در گفتمان با آن‌ها به چالش کشیده شده است، از فضای پیشاگفتمان شمرده می‌شود.

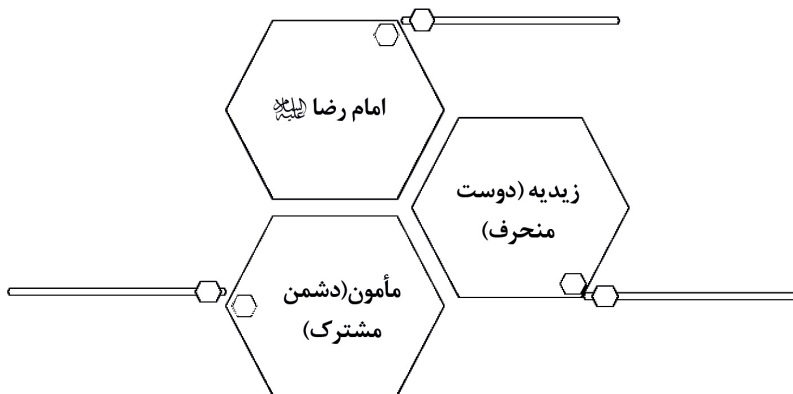
۴-۱. ارتباط‌شناسی گفتمان امام رضا (علیه السلام) با زیدیه (فضای ارتباطی)

ارتباطات طبق مکاتب مختلف تعریف می‌شود و هر کدام از آن‌ها اهدافی را دنبال می‌کند. نظریه‌پردازی در این موضوع نیز با توجه به مکاتب مختلف، دستاوردهای متفاوتی داشته است. امروزه با پیشرفت ارتباطات، با وجود رسانه‌های جمعی، ارتباطات، تأثیرات عمیقی بر مناسبات اجتماعی و روابط انسانی داشته است (شوتس ایشل، ۱۳۹۱: ۱۵) از این رو، در دسته‌بندی انواع ارتباطات اجتماعی، عناصر ارتباطی، ابزارآلات ارتباطی و وظایف آن‌ها و ... تعاریف و اندیشه‌های بسیاری چون مک لوهان، رایزمن، تونیس، لاسول، کولی، لیپمن

و مارکس و ... شاهد هستیم که خطاها و نواقص زیادی دارند (لیتل جان، ۱۳۸۴: ۷۹۵).

بر این اساس در جهت گیری اسلامی به این علم، باید به علوم اسلامی مراجعه کرد و با تبیین اصول و مبانی الهی آن، به نظریه های هدفمند الهی رسید. امروزه نظریه های ارتباطات، اساس تمام تجربیات انسانی است که اهداف آن ها از پیش تعیین شده و تنها با شناختی از تاریخ و تجارب گذشتگان به دست آمده است که در برخی موارد، به نکات قابل قبولی رسیده (نه اصل حقیقت) و گاهی نیز از نظر فرهنگی مورد تایید تمام اقوام و ملیت ها نیست. گفتمان های صورت گرفته بین امام رضا (علیه السلام) و زیدیه، با نظر به دو عنصر گفتمانی امام رضا (علیه السلام) و افراد زیدی اعم از رهبران قیام ها، عامه و دانشمندان است؛ اما از آنجا که تأثیر حکومت وقت (قدرت) در قیام های زیدی نقش اولیه را دارد، عنصر گفتمانی شخصیت مأمون عباسی نیز وارد عناصر خلق گفتمان شده و سه شاخه گفتمانی را در این شبکه ترسیم می کند:

نمودار (۲): عناصر خلق گفتمان اجتماعی رضوی با فرقه زیدیه.



۴-۲. تحلیل فضای ارتباطی

در فضای ارتباطات، روابط بینامتنی میان ساختار و معنای موجود در متن با ساختارها و معنای بیرونی متن بررسی می شود. کشف این روابط مهم ترین مرحله محسوب می شود که در تحلیل گفتمانی روایی مورد توجه است (بشیر، ۱۳۹۲: ۷۳) در پژوهش پیش رو، با

روش تحلیل گفتمان روایت‌های امام رضا (علیه السلام) با شخصیت‌های مطرح شده در تاریخ در روش پدام، به تحلیل دقیق‌تری از روابط صحیح انسانی با رویکردی اسلامی می‌رسیم که با عنوان رویکردشناسی اجتماعی مطرح شده است. با تأمل در کتاب‌های رجالی شیعه، مثل رجال کشی، عیاشی، ابن غضائری، حلی و معجم الرجال خویی ودقت در کتاب‌های تاریخی، در کنار تأمل در کتاب‌های روایی شیعه، به شخصیت‌های اصلی زیدیه یعنی رهبران قیام‌ها و اندیشمندان آن‌ها دست می‌یابیم. نکته قابل تأمل این است که در متن پیش رو روایت را به مثابه گفتمان در نظر گرفته‌ایم و اگرچه به منابع تاریخی هم مراجعه شده است؛ اما منبع اصلی با توجه به نوع کار، کتاب‌های اصیل روایی شیعه است. از این رو، نقش کتب اربعه شیعه و کتاب‌های رجالی اصیل پررنگ‌تر است. با توجه به مطالب پیش گفته، طبق بررسی‌های انجام‌شده، کنش شخصیت‌های برجسته زیدیه روشن می‌شود. پس از آن، به رویکردشناسی رفتار امام (علیه السلام) پرداخته شده است.

جدول (۲): تحلیل فضای ارتباطی گفتمان رضوی، عباسی بازیدیه

متن گفتاری - رفتاری زیدیه	تحلیل گفتمان زیدیه	متن گفتاری - رفتاری امام رضا (علیه السلام)	تحلیل گفتمان امام (علیه السلام)	متن گفتاری - رفتاری مأمون	تحلیل گفتمان مأمون
(در قیام ابن طباطبا) اگر از امام رضا (علیه السلام) نیز بیعت گرفته شود،... امر ما یکی می‌شود (ما نیز می‌آییم!)...	-تطبیع امام (علیه السلام) برای جذب نیرو. -عدم اعتبار رهبران در بین خاندانشان و سایر مردم. -بی بصیرتی و گمراهی رهبران	-امام (علیه السلام): ... پس از ۲۰ روز نزد شما خواهم آمد... -(۱۸ روز بعد در حال فرار زیدیان): ... ۲۰ روز گذشت یا نه!...	-بی اعتنائی. -عدم ارشاد. -صبر و انتظار. -دوری از اتهام و توهین از طرف زیدیه و عدم حرف شنوی از آنان در جریان برپایی قیام‌ها ^۲	-واگذاری امور جنگ با شورشیان به فضل بن سهل و دخالت نکردن در آن‌ها	-نبود اطمینان قلبی به دوستی با علویان ایران ^۱

- او خود را امیر المومنین خواند.^۹ - چشمش آسیب دید (گفت: امیدوارم مهدی قائم باشم...^{۱۰} - (بعد شکست در نبرد با مأمون، سیاه پوشید) گفت: خلافت از آن مأمون است و من در آن حقی ندارم.^{۱۱}	- استفاده از سمت الهی برای تجمع نیرو بیشتر. - دعوت به خلافت خود. - ناتوانی در کنترل قیام. - بی وفایی و فسق نیروها.^۸	- ای عمو! پدر و برادر خود را تکذیب مکن که این امر تمام نمی شود...^۵ - من با خود عهد کردم که با او (عمویشان) زیر یک سقف نباشم. اگر رفت و آمد نداشته باشیم و او درباره من چیزی بگوید گفته اش مورد قبول مردم نمی شود.^۶ - به نزد محمد برو و بگو فردا قیام نکند... زیرا شکست می خورد و یارانش کشته می شوند.^۷	- نصیحت و گوشزد نافرجامی قیام. - دوری از ارتباط با مدعی دروغگو (دیباج). - اظهار ابراز تنفر از مدعی دروغگو. - دعوت به هدایت و راستی او تا آخرین لحظه. - بریدن پیوند خویشاوندی با مدعی دروغگو. - تلاش برای حفظ جان مدعی دروغگو تا آخرین لحظه - قبول وساطت بین دوست نادان و دشمن.	- (زیر نعلش) او راه می رفت می گفت: این زخم من است... (۳۰ هزار دینار قرض دیباج را پرداخت)^۳. - فرستادن امام رضا (علیه السلام) برای پایان جنگ.^۴	- اظهار دوستی و انعطاف پذیری و خیر خواهی برای دشمن نسبی. - ریاکاری در همه امور. - دخالت دادن امام (علیه السلام) به عنوان فردی مقبول دو طرف، برای کنترل بهتر اوضاع.
---	--	--	---	--	---

- فرصت طلبی در ابراز حسن نیت. - مغلطه‌گری کردن. - ریاکاری. - استفاده نکردن از مسائل تنش‌زا با علویان و در رأس با امام (علیه السلام). - استفاده از مقام نسب‌ی با امام رضا (علیه السلام) برای یکی معرفی کردن اهداف حکومتش	- (زید را به توصیه امام رضا (علیه السلام) آزاد کرد)^{۱۲}. - (قیام زیدالنار را با قیام زید بن علی در هدف یکی بیان کرد)^{۱۳}.	- بصیرت افزایی امام (علیه السلام). - انتقاد از مغلطه حق و باطل مأمون. - توضیح و تبیین انحرافات و اشتباهات زید و مأمون. - براءت و مخالفت با اصول غیر اخلاقی قیام زید.	- شرط رسیدن به پاداش ... اطاعت از خداست^{۱۴} - تو وقتی برادر منی که خدا را اطاعت کنی ...^{۱۵} - خدا تنها آتش جهنم را بر فرزندان فاطمه، حسن و حسین حرام نموده و شامل حال تو نیست.^{۱۶} - (مثل تو مثل پسر نوح است) بنابراین به سبب نافرمانیش خدا او را از خاندان نوح بیرون کرد!^{۱۷} - زید (ابن علی (علیه السلام) مردم را به "الرضا من آل محمد" دعوت می کرد و اگر پیروزمی شد البته به آنچه مردم را دعوت می کرد، وفا می نمود.^{۱۸}	- ریاست طلبی و سلطه جویی رهبران. - خشونت طلبی و انتقام جویی در قیام‌ها. - سفله‌گری رهبر قیام	- من برادر و فرزند پدر تو هستم. ۱۹ - (به آتش کشیدن منازل و خود عباسیان).^{۲۰} - (ترویج افکار سفله اهل کوفه).^{۲۱} ...
--	---	--	--	---	--

تحلیل فضای ارتباطی در گفتمان امام به روشنی موضع و رویکرد اجتماعی امام در هر مورد را مشخص می‌کند. به عنوان نمونه در مسئله قیام ابن طباطبا، گستردگی این قیام و حضور برادران حسود امام (علیه السلام) در قیام (زید، ابراهیم، اسماعیل) موجب این رفتار امام (علیه السلام) شده است. خشونت و بی رحمی یکی از مهم‌ترین عقاید آنان بود، چنانکه زید به زیدالنار (به خاطر به آتش کشیدن عباسیان) و ابراهیم به جزار (قصاب) مشهور شدند و بسیاری از مردم از آنان روی گردانیدند (اصفهانی، بی تا: ۵۳۴؛ طبری، ۱۳۵۳، ج ۴: ۱۲۳۴؛ ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۶: ۱۱۲-۱۱۴؛ اللیثی، ۱۳۸۵: ۳۴۵). تحلیل گفتمان اجتماعی مامون در همین مسئله، نشان می‌دهد که وی دریافت که نه تنها در میان فرزندان پدر بلکه در میان اعراب و علویان هم اعتباری ندارد (نیای رشتخوار، ۱۳۸۹: ۱۳۵). در سایر موارد همان طور که در جدول‌ها مشخص است، به استخراج و تحلیل گفتمان‌ها پرداخته‌ایم.

۳-۴. فضای گفتمان روایی عناصر خلق گفتمان و تحلیل آن

برای تحلیل درست فضای گفتمان روایی عناصر خلق گفتمان، ابتدا به تفکیک گفتمان‌ها می‌پردازیم. به طوری که گفتمان امام رضا (علیه السلام) با هر کدام از سران زیدیه، مامون با این افراد و گفتمان امام با مامون به صورت دو به دو و مجزا از درون گفتمان روایی استخراج شده است. در این مسیر هم از منابع روایی اصیل شیعه و هم کتاب‌های معتبر تاریخی استفاده کرده‌ایم. پس از این کار اقدام به تحلیل بینامتنی گفتمان‌ها کرده‌ایم.

در گام سوم، مولفه‌گیری با توجه به گفتمان روایی و تحلیل بینامتنی گفتمان صورت پذیرفته است. این کار تا حد زیادی رویکرد اجتماعی امام (علیه السلام) را روشن می‌سازد. با توجه به حجم قابل توجه گفتمان‌های روایی، مطالب پس از استخراج به طور خلاصه در جدول ذیل قابل مشاهده است. مراجع و مستندات گفتمان روایی و برخی توضیحات در پانویست ذکر شده است.

جدول (۳): تحلیل فضای گفتمان روایی عناصر خلق گفتمان رضوی، عباسی و زیدی.

شخصیت‌ها (دو به دو)	تحلیل بینامتنی گفتمان‌ها (مولفه‌گیری)
امام (علیه‌السلام) - ابن طباطبا.	بی اعتنائی ^{۳۶} ، عدم برخورد مستقیم ^{۳۷} ، فاصله‌گیری و عدم اظهار نظر برای حفظ احترام و شخصیت خود. ^{۳۸} توجه کردن به درخواست‌ها در حد شنیدن.
امام (علیه‌السلام) - زیدالنار	شبهه‌زدایی ^{۳۲} ، حق‌مداری ^{۳۳} ، برائت از امور غیر اخلاقی ^{۳۴} ، خدامحوری بجای قوم‌گرایی ^{۳۵} ، شجاعت، بصیرت‌زایی ^{۳۶} ، واسطه‌گری برای حفظ جان منحرف ^{۳۷} ، مخالفت مستقیم با عقاید منحرف ^{۳۸}
امام (علیه‌السلام) - دیباج	نصیحت و ارشاد ^{۴۳} ، واقع‌نگری ^{۴۴} ، قطع ارتباط با مدعیان دروغ پرداز ^{۴۵} ، امید داشتن به توبه خطاکار و منحرف. واسطه‌گری در حفظ جان ^{۴۶}
مأمون - ابن طباطبا	عدم اعتماد به علویان، تطمیع نیروها برای حفظ حکومت، بی توجهی به درخواست‌های قیام کنندگان. ^{۴۸}
مأمون - دیباج	قوم‌گرایی، ریاکاری و اظهار خیرخواهی، عفو‌ریایی، شناخت کامل دشمن. ^{۵۰}
	قدرت طلبی، تطمیع برای جذب طرفدار ^{۳۲} ، بی بصیرتی ^{۳۳} ، بی اعتباری ^{۳۴} ، کینه توزی ^{۳۵} .
	خشونت طلبی، خون خواهی ^{۳۹} ، بی بصیرتی، سلطه طلبی ^{۴۰} ، خونریز، جائز، فاسق، برتری جو ^{۴۱} .
	خود رأیی ^{۳۹} ، فریب کاری، قدرت طلبی، دروغ‌گویی، برتری جویی، بی بصیرتی، بی خردی نظامی ^{۴۰} ، عدم استقامت در برابر فشارها و بی ثباتی اعتقادی ^{۴۱} ، جو زدگی ^{۴۲} .
	خون خواهی، قدرت طلبی، شورش‌گری، کینه‌توزی ^{۴۷} .
	بی بصیرتی، ترسو، جو زدگی، خود محوری بی ثباتی اعتقادی، ساده لوحی، عدم شناخت دشمن ^{۴۹} .

مأمون-زیدالنار	قوم‌گرایی، اظهار دوستی، مغلطه‌گری، ریاکاری، فرصت‌طلبی برای مقبول افتادن در اذهان و ثبوت حکومتش، عفو‌رایی، شناخت کامل دشمن ^{۵۲} .	بی بصیرتی، ترسو جودگی، خشونت‌طلبی، خودمحوری، ظاهر سازی، قدرت‌طلبی، خون‌خواهی ^{۵۱} .
امام (علیه السلام)-مأمون	واسطه‌گری برای زیدیه، افشاگری ^{۵۸} ، نصیحت و ارشاد ^{۵۹} ، مشاوره، خنثی‌سازی ^{۶۰} .	نفاق ^{۵۳} ، فریبکاری ^{۵۴} ، ستمگری ^{۵۵} ، تخریب شخصیت و برچسب زدن ^{۵۶} ، تهاجم فرهنگی فکری ^{۵۷} ، سلطه‌طلبی.
امام (علیه السلام)-عامه و عالمان.	بصیرت‌افزایی، در دسترس قرار دادن علوم ناب و سالم اسلامی ^{۶۲} ، دعوت به امامت خود، شبهه‌زدایی، ابراز کرامت، دعوت به تقیه، اخلاق‌مداری، ترویج فرهنگ اسلامی، توجه به امور معیشتی.	مشتبه‌شدن، اسنادخواهی در قبول حقیقت ^{۶۱} ، پرسش‌گری، حقیقت‌طلبی، کسب تکلیف، تسلیم شدن بر حق یا کتمان و عدم پذیرش حق، فقر.

امام رضا (علیه السلام) در گفتمان‌های اجتماعی مربوط به عامه و دانشمندان، با طرح مباحث توحید، امامت و ولایت، و پاسخ به پرسش‌ها و شبهه‌ها، رهنمودهای رفتاری ارزشمندی از خود به جای گذاشته‌اند. این گفتمان‌ها نیز به طور قطع، به طور غیر مستقیم، متأثر از عنصر سوم گفتمان (مأمون عباسی) بوده است که به صورت جداگانه بررسی می‌شود.

موضوع پرسش‌ها شامل موارد ذیل می‌شود: پرسش از عقل، دانش، ایمان، شناخت خدا، قضا و قدر، نبوت (عام و خاص)، عصمت انبیا، قرآن و تفسیر برخی آیات، مرگ و قیامت، بهشت و دوزخ، شناخت اهل بیت (علیهم السلام)، امامت (عام و خاص)، اثبات امامت ایشان، آموزه‌های عبادی، حکمت‌های اخلاقی و عملی (ظاهر انسان) و توصیه‌های پزشکی و بهداشتی، رهنمودهای اقتصادی و... که توسط مردم، عالمان دینی و مذهبی یا دشمنان ایشان، مطرح می‌شد. امام رضا (علیه السلام) هم با سعه صدر به آن‌ها پاسخ می‌گفتند.

با توجه به اینکه در موضوعات پیش گفته مخاطب شناسایی نمی شد یا زیدی بودنش قطعی نبود، تأثیرش را به طور غیر مستقیم، بر بحث مطالعه می کنیم. به عبارت دیگر، رفتار امام (علیه السلام) را بر علویان خراسان که اکثر آنان زیدی بودند و اهل قیام، تعمیم می دهیم. از این رو شناسایی این مولفه ها، به رویکردشناسی گفتمان امام (علیه السلام) با زیدیه کمک می کند.

۴-۴. رویکردها و مولفه های گفتمان اجتماعی امام رضا (علیه السلام) در مواجهه با زیدیه

پس از تحلیل فضای گفتمانی عناصر خلق گفتمان و اسناددهی مولفه های برداشت شده به گفتمان امام (علیه السلام) با زیدیه (دوست منحرف) و مأمون (دشمن مشترک)، برای رسیدن به سطح بعدی یعنی فضای فرا گفتمانی، به دسته بندی رویکردها و مولفه های گفتمان امام (علیه السلام) با زیدیه می پردازیم و از رهگذر آن مولفه های مطرح شده در هر کدام از این گفتمان ها نیز ترسیم می شود.

جدول (۴): رویکردها و مولفه های گفتمان امام رضا (علیه السلام) با زیدیه و مأمون.

رویکرد اعتقادی	امام شناسی - تصحیح مشترکات اعتقادی (توحید - قرآن - اهل بیت (علیهم السلام)).
رویکرد فرهنگی	آزاد اندیشی - خودباوری - حقیقت طلبی - مهدویت گرایی.
رویکرد اجتماعی	دین گرایی - دینی سازی.
رویکرد تاریخی	اصالت مداری امامت اهل بیت (علیهم السلام).
رویکرد سیاسی	حق امامت اهل بیت (علیهم السلام) تا قیامت - مبارزات منفی با غاصبان و مدعیان امامت. حفظ امت واحد.
رویکرد اخلاقی	جذب حداکثری - دفع حداقلی.
رویکرد اقتصادی	دین گرایی اقتصاد - اولویت بندی نیازمندی ها - عمل گرایی مسئولان.

فرهنگ‌سازی علوم- توسعه‌طلبی علمی- ظرفیت‌سازی تکثیر علوم- برتری طلبی علمی- تولید علم- مدیریت اخلاق مناظرات- تحدی‌گرایی.	رویکرد علمی
ولایت‌محوری سلوک توحیدی.	رویکرد عرفانی
امام‌محوری کائنات- لدنی بودن علم امام- نص‌گرایی امامت- امامت‌محوری اصول دین- واجب‌الاطاعه بودن امام.	رویکرد معرفتی

۴-۵. تحلیل فضای فراگفتمانی

در تحلیل فضای فراگفتمانی در روش تحلیل گفتمان پدام، بهتر می‌توان محوریت موضوع گفتمان را پیدا و جمع‌بندی کرد. در فضای فراگفتمانی، گفتمان حاکم بر متن با گفتمان‌های مرتبط بیرونی پیوند می‌خورد. این گفتمان خارج از متن به دنبال گفتمان‌های مشابه و مرتبط با گفتمان حاکم است؛ روابط گفتمان داخل متن و فراگفتمان‌های داخل متن، سطح تحلیل را عمیق‌تر می‌کند و به معنای خارج از متن می‌رسیم که با زمینه‌های مختلف و گفتمان‌های گوناگون بیرونی مرتبط است (ر.ک: بشیر، ۱۳۹۵: ۵).

جدول (۵): رویکرد شناسی محورهای فراگفتمان اجتماعی امام رضا (علیه السلام) با زیدیه و مأمون

امام‌شناسی- تصحیح مشترکات اعتقادی (توحید- قرآن- اهل بیت (علیهم السلام)).	رویکرد اعتقادی
آزاد اندیشی- خودباوری- حقیقت‌طلبی- مهدویت‌گرایی.	رویکرد فرهنگی
دین‌گرایی- دینی‌سازی.	رویکرد اجتماعی
اصالت‌مداری امامت اهل بیت (علیهم السلام).	رویکرد تاریخی
حق امامت اهل بیت (علیهم السلام) تا قیامت- مبارزات منفی با غاصبان و مدعیان امامت. حفظ امت واحد.	رویکرد سیاسی
جذب حداکثری- دفع حداقلی.	رویکرد اخلاقی

رویکرد اقتصادی	دین‌گرایی اقتصاد- اولویت‌بندی نیازمندی‌ها- عمل‌گرایی مسئولان.
رویکرد علمی	فرهنگ‌سازی علوم- توسعه‌طلبی علمی- ظرفیت‌سازی تکثیر علوم- برتری‌طلبی علمی- تولید علم- مدیریت اخلاق مناظرات- تحدی‌گرایی.
رویکرد عرفانی	ولایت‌محوری سلوک توحیدی.
رویکرد معرفتی	امام‌محوری کائنات- لدنی بودن علم امام- نص‌گرایی امامت- امامت‌محوری اصول دین- واجب‌الاطاعه بودن امام.

بحث و بررسی

محورهای اساسی خلق گفتمان امام رضا (علیه السلام) با سران فرقه زیدیه، به عنوان دوست منحرف در مقابل دشمن مشترک (مأمون) با هدف روشن‌گری و هدایت صورت پذیرفته است؛ اما محورهای اساسی در خلق گفتمان رضوی با مأمون، با هدف تبیین اهداف و نیات او و سازش‌ناپذیری با اوست که البته گاهی با تقیه در اظهار نظر امام (علیه السلام)، همراه بوده است که در جدول (۳) و (۴)، ضمن تحلیل گفتمان‌ها، به محورهای آن نیز اشاره شد.

دال‌های مرکزی رویکردهای اجتماعی امام رضا (علیه السلام) به روشنی گواه این مطلب است که رفتار و گفتار سنجیده امام (علیه السلام) در مواجهه با زیدیه، برخاسته از نظرگاه جامعه‌شناختی صحیح است که می‌تواند به عنوان الگوی گفتمانی رفتاری در مواجهه با هر منحرفی به کار رود. از مهم‌ترین رویکردهای جامعه‌شناختی برای مواجهه با فرقه زیدیه، رویکرد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی است که می‌تواند گفتمان اجتماعی امام با این فرقه را مورد تحلیل قرار دهد. در رویکرد اعتقادی دو محور امام‌شناسی و تصحیح مشترکات اعتقادی، نقش بسیار مهمی دارد و هر کدام دارای دال‌های مرکزی خود است. محور «امام‌شناسی» به عنوان مهم‌ترین محور گفتمان امام (علیه السلام) در رویکرد اعتقادی با چهار دال مرکزی مهم تبیین شده است:

۱. امام مفترض الطاعه است.

۲. امامت به انتصاب خداوند است (به نص).

۳. امام عصمت دارد.

۴. امام ظالم نیست.

در حقیقت امام (علیه السلام) با تاکید بر این چهار دال مرکزی، تلاش کردند تا سران زیدیه را به این شناخت برسانند که قیام‌های آنان چیزی جز تجاوز، ظلم و گمراهی از مسیر حق نیست. بر این اساس به سبب وجود دشمن مشترک (مأمون)، گفتمان را غالباً به نحو «مسالمت آمیز» و با «حفظ دوستی» ادامه دادند. البته در مواردی که فرد متجاوز است گفتمان امام تفاوت می‌کند. به عنوان نمونه امام (علیه السلام) در مواجهه با زید النار که تجاوز به جان و مال مردم را جایز شمرده بود، بسیار قاطع برخورد نمودند.

تحلیل گفتمان اجتماعی امام رضا (علیه السلام) در محور «تصحیح مشترکات اعتقادی» ما را به سه دال مرکزی رهنمون می‌سازد:

۱. توحیدی (پرستش خدای واحد و مشترک)؛

۲. قرآن (کتاب مشترک آسمانی)؛

۳. قبول داشتن اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان نسلی از حضرت فاطمه (علیها السلام).

امام (علیه السلام) با تبیین جایگاه توحید و امامت و بیان ارتباط تنگاتنگ آنان با یکدیگر و تأیید آن با آیات کریمه قرآن و به رفع شبهات اعتقادی زیدیه اقدام کردند. امام (علیه السلام) از سوی دیگر به ترویج احکام و آرا ناب محمدی از اجداد مطهرشان پرداختند. امام (علیه السلام) در این رویکرد به تصحیح و اظهار اشتباهات زیدیه اقدام نموده و از ارتباطی استفاده می‌کنند که موجب اتحاد و قدرت دوستان می‌شود و دشمن مشترک را زمین گیر و نابود می‌کند. در رویکرد اجتماعی، محور «دین‌گرایی و دینی‌سازی» بسیار فعال است. به عبارت

دیگر، امام (علیه السلام) در گفتمان رفتار خویش به گونه‌ای عمل کردند که رفتارهای اجتماعی را به درجه‌ای از استاندارد شیعه اثناعشری برسانند که بتواند در مسیر رشد رفتارهای دینی قرار گیرد و در نهایت به تمدن اسلامی منجر شود.

این محور را می‌توان در چهار دال مرکزی مشاهده کرد:

۱. تقوای پیشگی

۲. حفظ حق الناس

۳. ایثار و فداکاری

۴. خدمات رسانی

امام رضا (علیه السلام) با توجه ویژه به بیان نکات مهم سبک زندگی در خانواده و جامعه اسلامی پرداختند. از ثبت بیشترین احادیث اجتماعی در دوره صادقین (علیهم السلام) و امام رضا (علیه السلام) نشان می‌دهد که هویت بخشی دینی جامعه برای ایجاد یک تمدن اسلامی با اولویت بسیار، مورد توجه امامان (علیهم السلام) بوده است.

رویکرد فرهنگی با چهار محور مهم در رفتار (گفتمان) امام رضا (علیه السلام) در مواجهه با زیدیه، همراه است:

۱. آزاد اندیشی

۲. خود باوری

۳. حقیقت طلبی

۴. مهدویت گرایی

آزاد اندیشی یکی از بهترین و مهم‌ترین راه حل‌های مقابله با تهاجمات فرهنگی در عصر امام رضا (علیه السلام) به شمار می‌رود. گفت‌وگوی ادیان، مناظرات علمی و اعتقادی و ... درمان

خوبی بود برای زیدیه‌ای که انحراف اعتقادی داشتند و آماج تهاجمات فرهنگی سایر ادیان و مذاهب هم قرار گرفته بودند. پیروزی‌های امام رضا (علیه السلام) در مناظرات و برتری علم ایشان بر سایر اصحاب علم، مسیر خودباوری اجتماعی را رشد داد و سیر خونریزی‌های معترضان حکومتی را در زیدیه تنزل بخشید. این برتری امام (علیه السلام)، زیدیه را صبور کرد تا به جای خونریزی به مقام حکومتی ایشان (ولایت‌عهدی) بیشتر توجه کنند. از این رو، کشف حقیقت برای آنان با اهمیت‌تر شد. زیدیه در طلب حقیقت به جلسات پرسش و پاسخ و مناظرات مراجعه می‌کردند تا جایی که انتشار عقاید درست مهدوی توسط امام رضا (علیه السلام)، صبر و انتظار را برای زیدیه معنا بخشید. در نتیجه، قیام‌هایی که بر اساس ظلم‌ستیزی انجام می‌شد، با این کار مهم، کمتر شد.

نتیجه‌گیری

خلق گفتمان‌های امام رضا (علیه السلام) گنجینه‌ای از علوم است که دال‌ها و عناصر رویکردهای آن، در امور فردی و اجتماعی، می‌تواند دقیق‌ترین تحلیل‌ها را به ثمر آورد. تحلیل فضای گفتمان امام نشان می‌دهد که این امام همام با تبیین جایگاه توحید و امامت و بیان ارتباط تنگاتنگ آنان با یکدیگر و تأیید آن با آیات کریمه قرآن، به رفع شبهات اعتقادی زیدیه اقدام کردند. امام در این رویکرد اجتماعی اعتقادی خود به تصحیح اشتباهات زیدیه اقدام و از ارتباطی استفاده می‌کنند که موجب اتحاد و قدرت دوستان و ضعف دشمن مشترک شود.

در رویکرد اعتقادی دو محور: امام‌شناسی و تصحیح مشترکات اعتقادی، نقش بسیار مهمی دارد و هر کدام دارای دال‌های مرکزی خود است. محور «امام‌شناسی» به عنوان مهم‌ترین محور گفتمان امام در رویکرد اعتقادی، با چهار دال مرکزی مهم تبیین شده است. در حقیقت امام (علیه السلام) با تأکید بر این چهار دال مرکزی، تلاش کردند تا سران زیدیه را به این شناخت برسانند که قیام‌های آنان چیزی جز تجاوز، ظلم و گمراهی از مسیر حق نیست. بر این اساس به سبب وجود دشمن مشترک (مأمون)، گفتمان را غالباً به

نحو «مسالمت‌آمیز» و با «حفظ دوستی» ادامه دادند. البته در مواردی که فرد متجاوز است گفتمان امام تفاوت می‌کند. در رویکرد اجتماعی امام (علیه‌السلام)، محور «دین‌گرایی و دینی‌سازی» بسیار فعال است. به عبارت دیگر امام (علیه‌السلام) در گفتمان رفتار خویش به گونه‌ای عمل کردند که رفتارهای اجتماعی را به درجه‌ای از استاندارد شیعه اثناعشری برسانند که بتواند در مسیر رشد رفتارهای دینی قرار گیرد و در نهایت به تمدن اسلامی منجر شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. مامون دریافت که نه تنها در میان فرزندان پدر بلکه در میان اعراب و علویان هم اعتباری ندارد. (نیای رشتخوار، ۱۳۸۹: ۱۳۵).
۲. اصفهانی، بی تا: ۵۳۴؛ طبری، ۱۳۷۳، ج: ۴؛ ۱۲۳۴؛ ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج: ۶؛ ۱۱۲-۱۱۴؛ مختار اللیثی، ۱۳۸۵: ۳۴۵.
۳. تشید، ۱۳۸۵: ۱۴۲.
۴. او سخنان امام (علیه السلام) را قبول نکرد و یارانش قلع و قمع شدند و شکست خورد (اصفهانی، بی تا: ۴۴۰-۴۴۱).
۵. اربلی، ۱۴۰۵، ج: ۳: ۹۴.
۶. صفار قمی، ۱۳۹۱، ج: ۱؛ ۲۳۶؛ ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج: ۱: ۲۲۱.
۷. ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج: ۲؛ ۲۰۷؛ اربلی، ۱۴۰۵، ج: ۲: ۳۰۰.
۸. طقوش، ۱۳۸۰: ۱۳۲.
۹. گفتمان مربوط به محمد دیباج است (مظفر، ۱۳۶۸: ۱۱۰).
۱۰. اصفهانی، بی تا: ۵۳۹.
۱۱. اربلی، ۱۴۰۵، ج: ۳: ۹۳-۹۴.
۱۲. ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج: ۲: ۲۳۴.
۱۳. ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج: ۲: ۲۳۳.
۱۴. همان: ۱۰۴.
۱۵. ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳۶۱.
۱۶. ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج: ۲: ۲۳۴.
۱۷. فیاض، ۱۳۸۲: ۱۷۹.
۱۸. ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج: ۱: ۲۵۷-۲۵۹.
۱۹. گفتمان مربوط به زید النار است (همان).
۲۰. همان، ج: ۲؛ ۲۳۴؛ طبری، ۱۳۵۳، ج: ۸: ۵۳۵.
۲۱. ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج: ۲: ۲۳۵.
۲۲. ابوالسرایا این قیام را به نام: «ابن طباطبایا» و «رضای آل محمد» و «عمل به کتاب و سنت»، دعوت می‌کرد؛ بعد پیروزی مناطقی به فرماندهان لشکرش که از برادران امام (علیه السلام) نیز بودند واگذار شد، ابراهیم، اسماعیل و زید برای یمن، فارس، اهواز، و ... (ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج: ۶؛ ۳۰۵؛ ابن خلدون، ۱۹۶۱، ج: ۴؛ ۸؛ شامی، ۱۳۶۷: ۱۷۵).
۲۳. بی‌بصیرتی از اوصاف تمام زیدیان و عامه است که بدون توجه به واقعیت اوضاع و شرایط دست به قیام و کشتار بی‌فایده و حتی بی‌برنامه می‌زدند و در دستان عباسیان له می‌شدند (مجلسی، ۱۴۰۲، ج: ۱۴: ۹۱۳).
۲۴. ابوالسرایا از علویان نبود، لذا مردم به خاطر ابن طباطبایا و بعد از او محمد بن جعفر (علیه السلام) حمایت‌شان را داشتند، ابوالسرایا از فرماندهان معترض عباسی بود که از آنان جدا شده بود. از طرف دیگر خشونت‌طلبی‌های بعدی افرادی چون زیدالنار، ابراهیم جزار و بی‌احترامی هواداران ابوالسرایا به مکه و خانه خدا و ... باعث دور شدن مردم و ناراحتی از آنان شد (الیثی، ۱۳۸۵: ۳۵۱-۳۵۳).
۲۵. ابن طباطبایا به سبب توهینی که از طرف بنی اعمام شد و قیامش را در هنگام بیعت گرفتن نصرین شیبب برای او، به هم زدند اظهار عدم رضایت کرد و در حال غضب اشعاری بیان کرد؛ از طرف دیگر اختلاف بین ابن اطباطبایا و ابوالسرایا نیز در تاریخ شده که به مرگ ابن طباطبایا منجر شده است که می‌توان برداشت کینه‌توزی ابوالسرایا را داشت (اصفهانی، بی تا: ۴۷۸-۴۷۹؛ ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج: ۴: ۱۴۹).
۲۶. ابن طباطبایا به سبب توهینی که از طرف بنی اعمام شد و قیامش را در هنگام بیعت گرفتن نصرین شیبب برای او، به هم زدند اظهار عدم رضایت کرد و در حال غضب اشعاری بیان کرد؛ از طرف دیگر اختلاف بین ابن اطباطبایا و ابوالسرایا نیز

در تاریخ ثبت شده که به مرگ ابن طباطبای منجر شده است که می‌توان برداشت کینه‌توزی ابوالسرایا را داشت (اصفهانی، بی تا: ۴۷۸-۴۷۹؛ ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۴: ۱۴۹).

۲۷. عدم مخالفت مستقیم امام (علیه السلام) بر خلاف رفتار ایشان بود که تنها در این مورد روایت رسیده، به نظر می‌رسد «گستردگی قیام و عدم حرف شنوی و یا توهین احتمالی» سبب این رفتار بوده است (همان).

۲۸. بودن برادران حاسد به امام (علیه السلام) در این قیام، مانع از بیان نصایح و ارشادات می‌شد، از طرفی گستردگی این قیام بعد از ۱۰ سال قوت‌گیری و در عوض ضعف احتمالی مأمون به خاطر تازگی پایان درگیری با امین، آنان را مصمم و امیدوار کرده بود (اصفهانی، بی تا: ۱۸۶؛ ابن خلدون، ۱۹۶۱، ج ۴: ۸؛ میرحسینی، ۱۳۹۲: ۳۹۱).

۲۹. زید از جمله اهدافش در پیوستن به ابن طباطبای و ابوالسرایا، انتقام‌گیری و کشتن عباسیان بود، چنانکه بعد از پیروزی نسبی بر مأمون، منازل عباسیان را به آتش کشید و حتی هر لباس سیاه‌پوشی می‌دید آتشش می‌زد (ادیب، ۱۳۸۸: ۲۲۵).

۳۰. گرفتن حکومت از حاکمان جائز و غاصب از مهم‌ترین اهداف قیام‌های زیدیه بود که البته در دوره امامت امام (علیه السلام) تنها دلیل به شمار می‌رفت، رکود اخلاقی رهبران به نسبت رهبران اولیه چون زید بن علی (علیه السلام)، نفیس زکیه و برادرانش، این امر را قوی‌تر می‌کند؛ هر چند با همان شعار «الرضا من آل محمد» پیش می‌رفتند اما خلاف کتاب و سنت عمل می‌شد... (نیای رشتخوار، ۱۳۸۹: ۱۳۵).

۳۱. وی از عقاید فاسقی که داشت: فاطمی خواندن خود بود به این معنا که این نسب او را از آتش جهنم دور خواهد کرد، لذا هر کاری از جور و گناه را انجام می‌داد که امام (علیه السلام) او را از این افکار برانت می‌داد: «این که شنیده‌ای خاص حسن و حسین است، ... اگر خیال می‌کنی تو که معصیت خدا را می‌کنی وارد بهشت می‌شوی و موسی بن جعفر که خدا را فرمانبرداری کرد نیز داخل بهشت می‌شود، پس باید تو از موسی بن جعفر نزد خدا گرمی‌تر باشی...» (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۵۷-۲۶۱) زید در پیمان عمر ندیم منتصر عباسی بود (همان: ۲۲۸) کشتن هر سیاه‌جامه و تصاحب اموال غیر عباسیان، از دیگر اعمال او بود (ابن اثیر، ۱۳۷۰: ۱۷۷).

۳۲. امام (علیه السلام) چه در گفت‌وگوی مستقیم با زید و چه در جلسه اجرای حکم زیدالنار توسط مأمون، به پاسخ شبهات مأمون، زید و کوفیان که چنین فکری (فاطمی بودن) را به زید داده بودند، پرداختند و از التقاط حق و باطل جلوگیری کردند تا سبب گسترش گمراهی و فسق و فجور نشود (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۲۵-۲۲۶).

۳۳. امام (علیه السلام) با وجود اینکه جلسه محاکمه زیدالنار، در کنار دشمن مشترک بود اما باز هم دست از حق گویی برنداشتند و زیدبن علی دفاع کردند (مفید، ۱۳۷۲: ۴).

۳۴. امام (علیه السلام) بعد از توبیخ و نكوهش زید، قسم خوردند تا زنده‌اند با او صحبت نکنند (مجلسی، ۱۴۰۲ق، ج ۴۹: ۲۱۶؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۳۳).

۳۵. در روایتی دیگر نیز آمده: امام (علیه السلام) از حسن بن جهم: «ای زیدا! از خدا ترس که ما به هر مرتبه‌ای که رسیده‌ایم از پرهیزگاری بوده است و کسی که از خدا نترسد و دین خدا را مراعات نکند از ما نیست و ما از او نیستیم... ای پسر جهم! کسی که با دین خدا مخالفت کند من از او بیزارم، هر کس و از هر قبیله‌ای باشد و هر کس با خدا دشمنی کند با او دوستی نکن هر کس و از هر قبیله‌ای باشد... (گفتم:) کیست با خدا دشمنی کند؟ (گفتند:) کسی که معصیت او را کند» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۳۵).

۳۶. امام (علیه السلام) در عین بیان دفاعیات، در مقابل مأمون و همه شیعیانی که به خاطر اهل بیت (علیهم السلام) مورد عداوت و دشمنی حاکمان بوده‌اند راه زید بن موسی (علیه السلام) را مخالف اصول اسلام در قیام‌ها معرفی کرده؛ رضایت خداوند، رضایت ائمه (علیهم السلام)، مشورت با ائمه (علیهم السلام)، عدم منافات با اصول امامت و عدم ادعای امامت، از مهم‌ترین اصول در این روایت شمرده می‌شوند (کارخانه، ۱۳۹۲: ۶۸-۷۰).

۳۷. وجود مبارک امام (علیه السلام) در مقابله‌های مأمون با علویان، موثر بود، مأمون با سیاست اظهار دوستی (ریاکاری) بخشش‌های بزرگی به خاطر امام (علیه السلام) انجام داد که برخی آن را روش امام (علیه السلام) در نجات جان علویان دانسته‌اند (زین‌العالمی، ۱۳۷۰: ۱۷۵).

۳۸. مجموع روایات و استدلال‌ها، از نارضایتی و مخالفت شدید با رفتار و اعتقادات زیدالنار در هر مکان (در نزد دشمن، در نزد شیعیان) خبر می‌دهد (کارخانه، ۱۳۹۲: ۷۵)، لذا امام (علیه السلام) قسم یاد کردند تا پایان عمر با او سخن نگویند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۴: ۵۸۷).

۳۹. وی با وجود نصایح و مشاوره‌های امام (علیه السلام)، با اکاذیب و ادعاهای دروغین‌اش، خود را امیر المومنین (ابن مهنا، ۱۳۶۲: ۱۷۲؛ مظفر، ۱۳۶۸: ۱۱۰) و مهدی موعود (اصفهانی، ۱۴۲۷ق ۴۴۰) خواند و سوءاستفاده از نسبش به آل محمد (علیهم السلام) (الیثی، ۱۳۸۵: ۳۳۸)، انحرافات در مهدویت، امامت و ولایت به وجود آورد، لذا امام (علیه السلام) با اظهار برانت و ترک صله ارحام، مخالفت خود را

ابراز کردند(ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج: ۲، ۵۰۰).

۴۰. تشخیص ندادن مصلحت و سعادت جامعه و ناآگاهی سیاسی اجتماعی و گوشه‌نشینی او باعث شد تا قیام منحرف شود و شکست بخورد، امام (علیه السلام) در این باره فرمودند: «و کان محمد بن جعفر معتزلاً تلک الامور لم یدخل فی شی منها...»(ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج: ۱، ۲۴۹). وی حکومت را حق خود می‌دانست(کارخانه، ۱۳۹۲: ۸۷) و زمانی که تسلیم مأمون شد گفت: ...من شاهد بر پیمان هارون برای دو پسرش بودم... به من خبر رسید که مأمون مرده و مردم مرا خواندند و چون بر من از مأمون موثقی بود، با من بیعت کردید، اما اکنون خبر رسیده او زنده است... (لذا) استغفار می‌کنم... (ر.ک: طبری، ۱۳۵۳، ج: ۱۰: ۱۲۷-۱۲۸).

۴۱. وی بعد دستگیری ماهیت قیام خود را منکر شد(ر.ک: کلینی، ۱۴۰۱، ج: ۱، ۴۸۸) و خلافت را از آن مأمون خواند(ر.ک: طبری، ۱۳۵۳، ج: ۱۰: ۱۲۷-۱۲۸؛ اربلی، ۱۴۰۵، ج: ۳، ۹۳-۹۴) و امان خواست(اصفهانی، بی تا: ۴۴۰-۴۴۱).

۴۲. وی به سبب ظاهر زاهد و عابد و نسبش به اهل بیت (علیهم السلام)(مفید، ۱۴۱۳، ج: ۲، ۲۱۱؛ اصفهانی، ۱۴۲۷، ج: ۱، ۴۳۸-۴۳۹)، مورد حمایت مردم قرار گرفت و از وی درخواست قیام کردند(طبری، ۱۳۵۳، ج: ۱۳، ۵۶۶) (لذا به خاطر جو حاکم، متأثر شد) و برخی علت را جوابی برای توهین به اهل بیت (علیهم السلام) گفته‌اند(اصفهانی، بی تا: ۵۳۸).

۴۳. امام (علیه السلام) وی را از تکذیب پدر و برادرش(ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج: ۲، ۵۰۰) و برپایی قیام(ابن شهرآشوب، ۱۳۷۶، ج: ۴، ۳۳۹) برحذر داشت؛ اما وی به وساطت امام (علیه السلام) توجهی نکرد و قیام کرد(قمی، ۱۳۸۰: ۳۳۰).

۴۴. انحرافات، بی برنامگی، ستیزدگی قیام‌ها، با کشته شدن افراد بسیاری مواجه می‌شد که امام (علیه السلام) با این شیوه برپایی قیام‌های علویان مخالف بودند(بختیاری، ۱۳۹۲: ۱۲۶).

۴۵. امام (علیه السلام): «... من با خود عهد کردم با او در زیر یک سقف نباشم» و قطع صله رحم کردند(ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج: ۲، ۲۲۱).

۴۶. امام (علیه السلام) با وجود ترک صله رحم، باز هم در شب آخر، کسی را برای نهدیج از قیام فرستادند(ر.ک: اربلی، ۱۴۰۵، ج: ۷۴) امام (علیه السلام) واسطه‌گری مأمون را برای نصیحت دیباج پذیرفت(ر.ک: تشید، ۱۳۸۵: ۱۴۲).

۴۷. مأمون تمام قیام‌ها را برخاسته از این موارد می‌دانست(ر.ک: نیای رشتخوار، ۱۳۸۹: ۱۳۵-۱۳۷) و به گفته برخی مورخان شهری نمی‌یافتی که شخصی علوی در صدد قیام نباشد یا از وی نخواهند تا قیام کند... (مرتضی عاملی، ۱۳۶۵: ۱۸۴).

۴۸. همان: ۱۰.

۴۹. مأمون برای دفع بهتر شورشیان، با ریاکاری به جذب علویان پرداخت به خاطر شناخت خوب رهبران قیام‌ها(ر.ک: تشید، ۱۳۸۵: ۱۴۲) برای دیباج، تنها به ترساندن و امان دادن اکتفا کرد(مظفر، ۱۳۶۸: ۱۱۰).

۵۰. مأمون از تمام ترفندها برای حفظ حکومت استفاده کرد حتی لباس علویان را پوشید(سبزو، مسعودی، بی تا: ۳۰۲ و بختیاری، ۱۳۹۲: ۹۱).

۵۱. مأمون زیرک‌ترین خلیفه عباسی بود لذا با شناخت کامل و با دقت تمام سیاستش را عملی می‌کرد(بختیاری، همان).

۵۲. مأمون فردی بسیار فربیکار و دو رو بود به گونه‌ای که در کتب تاریخی از او در دو چهره خوب(اربلی، ۱۴۰۵: ۲۸۲-۲۸۳) و بد (بیهقی، ۱۳۸۳: ۱۵۷؛ فضل الله، ۱۳۸۴: ۱۲۶) یاد شده است.

۵۳. مأمون کوشید تا در اظهار دوستی با علویان، دادن ولایت‌عهدی را از سر حق باوری و علاقه به امام (علیه السلام) نشان دهد(بشیر، ۱۳۹۲: ۲۱۰).

۵۴. مأمون با فربیکاری از طرفی عباسیان(تنها انگیزه من از دادن ولایت‌عهدی، حفظ خون شما بود؛ ... اگر تصور می‌کنید انگیزه من دادن ولایت‌عهدی به آل علی بوده، ... اشتباه می‌کنید، ... من در فکر اصلاح کار شما و نسل شما هستم، در حالی که سرگردان و حیران اید و نمی‌دانید چه نقشه‌هایی برایتان دارند(مجلسی، ۱۴۰۲، ج: ۴۹، ۲۱۳) و از طرف دیگر علویان را با دادن ولایت‌عهدی به امام رضا (علیه السلام) آرام ساخت. حال اینکه امام (علیه السلام) در این باره به یاران نزدیک خود فرموده‌اند: «فرب مأمون را نخورید، به خدا قسم کسی غیر از اوقاتل من نیست ولی من چاره ای ندارم جز اینکه صبر کنم تا تقدیر الهی فرا رسد(خضری، ۱۳۸۷: ۱۷۶).

۵۵. مأمون به اجبار امام (علیه السلام) را بعد از چندین نامه نگاری به مرو آورد(بیهقی، ۱۳۸۳: ۱۵۷) و به اجبار ولایت‌عهدی را با تهدید به مرگ به ایشان داد... (به خدا قسم باید ولایت‌عهدی را بپذیری اگر قبول نکنی، مجبور خواهی نمود و اگر باز هم ابا کردی، شما را خواهیم کشت، در نهایت به ستم ایشان را مجبور به خوردن زهر کردند(خضری، ۱۳۸۷: ۲۴۵).

۵۶. مأمون تمام تلاش خود را برای تهمت زدن به امامت و ولایت اهل بیت (علیهم السلام) کرد، وی برگزاری جلسات مناظره را برای تخریب شخصیت امام (علیه السلام) و تضعیف حکومت آل علی (علیهم السلام) انجام می‌داد. جلسه اجرای حکم زید النار، مناظره سلیمان مروزی،

مناظرات با ادیان مختلف، مناظرات با خود مأمون در باب امامت و... همگی از همین نوع اند (ن.ک: ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۵ به بعد).

۵۷. مأمون در ترویج علوم، ترجمه‌های زیادی از کتب یونان و مصر و هند و... را وارد جامعه اسلامی کرد، از طرفی تعویض ساختار حکومت به ایرانی و نفوذ افراد غیر مسلمان به دربار او کمک بسیاری به ترویج فرهنگ غیر اسلامی شد (حسینی فیروز آبادی، ۱۳۷۴: ۶۱-۶۳).

۵۸. امام علی (ع) از هر فرصتی با توجه به شرایط، برای افشاگری مأمون استفاده می‌کردند، کیفیت خداحافظی از مدینه (وداع جان‌سوز با قبر پیامبر ﷺ و خانواده‌شان و اصرار بر گریستن آنان) (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۴۸)؛ عدم مشروعیت حکومت مأمون در طول سفر، مقاومت در پذیرش ولایت‌عهدی، تأکید بر تشریفاتی بودن حکم ولایت‌عهدی (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۷۴-۷۵) نقد و اعتراضات به حکومت مأمون (عدم تصرفات بی حد و حصر) (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۷۵).

۵۹. امام علی (ع) در بسیاری موارد زبان به نصیحت و ارشاد مأمون می‌گشود (ابن بابویه: همان).

۶۰. امام علی (ع) با موضع‌گیری‌های خود در مقابل توطئه‌های مأمون به خنثی کردن آن‌ها می‌کوشید (مانند: وقتی مأمون تقاضا کرد ولایت‌عهدی را امضا کنند، امام علی (ع) نوشتند: به شرطی که نه دستوری بر انجام کار و نه ندادن آن ندهم، نه قضاوت کنم و نه تغییری در شرایط به وجود آورم و به شرطی که مرا در انجام همه این امور معاف داری...) (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۷۴-۷۵).

۶۱. بسیاری از افراد در مقابل شبیهات، پریشان می‌شدند، لذا صریحا از امامت ایشان سوال می‌کردند (ن.ک: کلینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۸۰).

۶۲. امام علی (ع) از زمانی که در مدینه بودند تا آمدن به مرو، به طرح گفتمان‌های امام‌شناسی پرداختند. به طور مثال در مسیر آمدن به نیشابور با بیان حدیث سلسله‌الذهب برای عامه، آنان را به امامت خود دعوت کردند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۹۸).

منابع و مآخذ

- ابن اثیر، عزالدین. (۱۳۷۰). *الکامل فی التاریخ*. ترجمه: حمید رضا آذیر. تهران: اساطیر.
- ابن خلدون، عبد الرحمن. (۱۹۶۱ق). مقدمه ابن خلدون. ترجمه: محمد پروین گنابادی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق). *مناقب آل ابی طالب*. تصحیح: رسول محلاتی. قم: انتشارات علامه.
- _____ (۱۳۷۶ق). *مناقب آل ابی طالب*. نجف: المطبعة الحیدریة.
- ابن مهنا، احمد بن علی. (۱۳۶۲). *عمده المطالب فی انساب آل ابی طالب*. قم: رضی.
- ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی. (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا (علیه السلام)*. ترجمه: محمد تقی نجفی. تهران: نور.
- _____ (۱۳۶۳). *عیون اخبار الرضا (علیه السلام)*. قم: جهان.
- ادیب، عادل. (۱۳۸۸). *زندگانی تحلیلی پیشوایان ما: ائمه دوازده گانه (علیهم السلام)*. ترجمه: اسدالله مبشری. - [ویرایش ۲]. - تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ارپلی، ابو الحسن علی بن عیسی. (۱۴۰۵ق). *کشف الغمه فی معرفه الائمه*. ترجمه: هاشم رسولی. تبریز: مکتبه بنی هاشم.
- اصفهانی، ابوالفرج. (بی تا). *مقاتل الطالبیین*. به کوشش احمد صقر. بیروت: دارالمعرفه.
- _____ (۱۴۲۷ق). *مقاتل الطالبیین*. به کوشش احمد صقر. بیروت: الاعلامی للمطبوعات.
- بختیاری، زهرا. (۱۳۹۲). *امام رضا (علیه السلام) و فرقه های شیعه*. ویراسته هادی حسینی. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- بشیر، حسن. (۱۳۹۲). *رویکردهای اجتماعی در گفتمان روایی امام صادق (علیه السلام): تحلیل گفتمانی (سیره رضوی)*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- _____ (۱۳۹۵). کاربرد تحلیل گفتمان در فهم منابع دینی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- _____ (۱۳۹۲). «گفتمان ولایت‌مندی امام رضا (علیه السلام) میان دو رویکرد «زیست-قدرت»». *فصلنامه فرهنگ رضوی*. سال اول. شماره ۳. صص: ۸۷-۴۹.
- _____ (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان در یقه ای برای کشف ناگفته ها*. تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- بیهقی، محمد بن حسین. (۱۳۸۳). *تاریخ بیهقی*. تصحیح: علی اکبر فیاض. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- تشید، علی اکبر. (۱۳۸۵). هدیه اسماعیل یا قیام سادات برای تصاحب خلافت. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- حسینی فیروزآبادی، مرتضی. (۱۳۷۴). *فضائل پنج تن (علیهم السلام) در صحاح ششگانه اهل سنت*. ترجمه محمد باقر ساعدی. قم: فیروزآبادی.
- خاکپور، حسین؛ محمودی، مرضیه؛ سعیدی، منصوره. (۱۳۹۳). «نقش مدیریت امام رضا (علیه السلام) بر جامعه شیعه». *فصلنامه فرهنگ رضوی*. سال دوم. شماره هشتم. صص: ۳۱-۵۵.
- خاکپور، حسین؛ اکبری، ملیحه؛ نوری، ابراهیم. (۱۳۹۷). «تحلیل رویکرد ارتباطات امام رضا (علیه السلام) با فرقه زیدیه (با بهره گیری از روش تحلیل گفتمان روایی پدام)». *فصلنامه فرهنگ رضوی*. سال ششم. شماره ۲۴. صص: ۸۶-۱۰۴.
- خاکپور، حسین؛ قربانی، افسانه؛ رضوی دوست، غلامرضا. (۱۳۹۹). «تحلیل رویکرد ارتباطات امام صادق (علیه السلام) با سران فرقه زیدیه (با بهره گیری از روش تحلیل گفتمان روایی پدام)» (PDAM). *مجله دین و ارتباطات*. سال ۲۷. شماره ۱. صص: ۲۶۷-۲۹۵.

- خضری، احمد رضا. (۱۳۸۷). تاریخ خلافت بنی عباس از آغاز تا پایان آل بویه. تهران: سمت.
- زین‌العاملی، محمد حسین. (۱۳۷۰). شیعه در تاریخ. ترجمه: محمد رضا عطایی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- الشامی، فضیلت. (۱۳۶۷). تاریخ زیدیه در قرن ۲ و ۳ هجری. ترجمه: علی اکبر مهدی پور. شیراز: دانشگاه شیراز.
- شوتس ایشل، رینر. (۱۳۹۱). مبانی جامعه‌شناسی ارتباطات. تهران: نشر نی.
- صفار قمی، محمد بن الحسن. (۱۳۹۱). بصائر الدرجات. ترجمه: علیرضا زکی‌زاده رنانی. قم: وثوق.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۵۳). تاریخ طبری. ترجمه: ابوالقاسم پاینده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- _____ (۱۳۷۳). دنباله تاریخ طبری. ترجمه: ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- طقوش، محمد سهیل. (۱۳۸۰). دولت عباسیان. ترجمه: حجت‌الله جودکی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- فرمانیان، مهدی. (۱۳۸۶). درسنامه تاریخ و عقاید زیدیه. قم: ادیان.
- فضل‌الله، محمد جواد. (۱۳۸۴). تحلیلی از زندگانی امام رضا (علیه السلام). ترجمه: محمد صادق عارف. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- فیاض، عبدالله. (۱۳۸۲). تاریخ الامامیه. ترجمه: جواد خاتمی. سبزوار: ابن‌یمین.
- قمی، شیخ عباس. (۱۳۸۰). منتهی‌الامال. قم: هجرات.
- کارخانه، علی. (۱۳۹۲). سیره سیاسی امام رضا (علیه السلام) و تحلیل مسئله ولا یعهدی. قم: بستان کتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۹). اصول کافی. ترجمه: سید جواد مصطفوی. تهران: نشر فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام).
- لیتل جان، استیفن. (۱۳۸۴). نظریه‌های ارتباطات. ترجمه: سید مرتضی نوربخش و سید اکبر میرحسینی. تهران: جنگل.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۲ق). بحار الانوار. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- مختار البیسی، سمیر. (۱۳۸۵). جهاد الشیعة فی العصر العباسی الأول. ترجمه: سید کاظم طباطبایی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مرتضی‌عاملی، جعفر. (۱۳۶۵). زندگانی سیاسی امام رضا (علیه السلام). ترجمه: دفتر انتشارات اسلامی. مشهد: کنگره جهانی حضرت رضا (علیه السلام).
- مرتضوی، محمد. (۱۳۸۶). ولایتعهدی امام رضا (علیه السلام). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مسعودی، ابوالحسن علی. (بی تا). التنبیه والارشاف. تصحیح: عبدالله اسماعیل الصاوی. قاهره: دارالصاوی.
- مظفر، محمد حسین. (۱۳۶۸). تاریخ شیعه. ترجمه: محمد باقر حجتی. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۳۷۲). امالی. ترجمه: استاد ولی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- میرحسینی، یحیی. (۱۳۹۲). مناسبات دوسویه امام رضا (علیه السلام) و زیدیه. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- میرفخرایی، تزا. (۱۳۸۴). فرایند تحلیل گفتمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
- نیای رشتخوار، مجید. (۱۳۸۹). جنبش علوی، هجرت رضوی: بررسی عوامل قیام علویان و تاثیر آن در دعوت امام رضا (علیه السلام) از مدینه به مرو. مشهد: وارستگان.



بررسی نیازهای زائران معلول در اماکن مذهبی

مقاله پژوهشی

(مطالعه موردی: حرم مطهر رضوی)

دریافت: ۱۳۹۹/۴/۶ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۲

مهدی باسولی^۱، سعیده درخش^۲

چکیده

تمایل به حضور در اماکن مذهبی مختص گروه خاصی نبوده و همه افراد جامعه به زیارت و بهره گرفتن از فضای معنوی این اماکن تمایل دارند. این تمایل به صورت روزافزون در گروه‌های مختلف اجتماعی گسترش یافته است. معلولان یکی از این گروه‌ها هستند که به واسطه محدودیت‌هایی که دارند کمتر فرصت حضور در مکان‌های پرتراکم را پیدا می‌کنند. این مقاله با هدف شناسایی نیازهای مهم زائران معلول برای تشریف به حرم رضوی تدوین شده است. در تدوین این مقاله از رویکرد کیفی کمی بهره گرفته شده و با بررسی اسناد و مطالعات نظری و مصاحبه با خبرگان و استفاده از روش تحلیل محتوا، شش بعد اصلی و ۳۱ مولفه مورد نیاز زائران معلول شناسایی و سپس با استفاده از روش نگاشت شناخت فازی، به بررسی روابط این عوامل و تعیین ابعاد پراهمیت پرداخته شده است. بر اساس این تحلیل، سهولت دسترسی و مناسب‌سازی و توان بخشی سه بعد اصلی نیازهای زائران معلول را تشکیل می‌دهد که برای هر کدام مولفه‌هایی نیز به منظور تدوین راهکارهای عملیاتی مشخص شده است.

کلیدواژه‌ها: زائران معلول، حرم رضوی، تحلیل محتوا، نگاشت شناختی فازی.

۱. استادیار پژوهش جهاد دانشگاهی (نویسنده مسئول): basouli@acecr.ac.ir

۲. دانشجوی دکترای مدیریت گردشگری دانشگاه علم و هنر یزد: s.derakhsh@stu.sau.ac.ir

۱. مقدمه

زیارت رسم متداولی است که از دیرباز میان اقوام و ملل مختلف و نیز در میان همه ادیان و مذاهب وجود داشته است (صداقت طالبی، ۱۳۹۳: ۱۸۱۳) و بخش مهمی از فعالیت‌های مربوط به گردشگری مذهبی را در برمی‌گیرد و می‌تواند به ایجاد آرامش درونی بینجامد. زیارت یکی از راه‌های ارتباطی بنده با خداست و به همین دلیل سفارش بسیار شده است. تشریف برای زیارت بارگاه ملکوتی آرامشگر وجود است و حضور در این فضا باعث ایجاد روحانیت مثبتی می‌شود که مردم به آن نیازمند هستند (سعیدی مدنی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲). برخی مطالعات بیانگر آن است که بدون سلامت معنوی، دیگر ابعاد زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی نمی‌تواند عملکرد درستی داشته باشد یا به حداکثر ظرفیت خود برسد؛ بنابراین بالاترین سطح کیفیت زندگی، قابل دستیابی نخواهد بود (نباتیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۶).

مشهد یکی از کلان‌شهرهای سیاحتی زیارتی ایران است که هر سال حجم بالایی از زوار را پذیراست. زائران با احساس نزدیکی به خدا در مراسم زیارت و همچنین تخلیه هیجانی، به احساس آرامش درونی بیشتری دست می‌یابند و اعتماد و اطمینان آنان به یاری و کمک خداوند افزایش می‌یابد. لذا به کمک رحمت الهی در حل مشکلات خود امیدوارتر می‌شوند و نگرش آن‌ها در برخورد با استرس‌ها تغییر کرده و این تغییر نگرش به شکل مثبت باعث بهبود خلق و سلامت روانی آن‌ها خواهد شد (رجوعی و مؤمنی، ۱۳۹۸: ۴۲).

انسان موجودی است که در تکامل و رشد خود به گذران اوقات فراغت مناسب و تعاملات اجتماعی مستمر نیاز دارد. یکی از اصلی‌ترین عواملی که مانع تفریح مناسب و اجتماعی شدن وی می‌شود، ضعف و ناتوانی جسمی است (میمندی پاریزی، ۱۳۹۱: ۱۹). معلولان به عنوان بخشی رو به رشد از جمعیت، قشر قابل توجهی از بازار گردشگری را به خود اختصاص می‌دهند. تحقیقات متعددی به ویژه در دو دهه اخیر اهمیت توجه به معلولان در بخش سفر و گردشگری را از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، روان‌شناختی و حقوق بشری به اثبات رسانده‌اند. معیارها، ضوابط و استانداردهای گوناگونی نیز برای بهره‌مند ساختن معلولان از تجربیات گردشگری، عمدتاً در کشورهای توسعه‌یافته، تدوین شده و به تصویب

رسیده است. با این حال، گردشگری دسترسی پذیر برای معلولان و سالمندان مقوله‌ای نسبتاً نادیده انگاشته شده در پژوهش‌های گردشگری در ایران است (قبادیان، ۱۳۹۶: ۷۸). حق سفر و دسترسی داشتن به فعالیت‌های گردشگری باید به عنوان یکی از حقوق اجتماعی کلیدی برای معلولان و خانواده‌های آنان تلقی شود (VAR & et al, 2011:600).

معلولان نیز همانند تمامی افراد دیگر تمایل به سفر دارند و این امر که اشتیاق به سفر برای افراد دارای معلولیت و بدون معلولیت یکسان است به طور گسترده پذیرفته شده است (Ibid, 2004:946).

با وجود پتانسیل مناسب بازار گردشگران معلول از یک سو و نیاز خاص این گروه اجتماعی به حضور در مکان‌های مذهبی از سوی دیگر، متأسفانه مسائل مربوط به سفر معلولان کمتر مورد توجه قرار گرفته است و افراد معلول به دلایل مختلف از حضور در مجامع محروم شده‌اند. به نظر می‌رسد گونه‌ای تبعیض در این خصوص در جوامع وجود دارد که باعث شده است معلولان فرصت استفاده از سفر و زیارت را از دست بدهند. از جمله دلایل این تبعیض نبود نگاه جامع و برابر به مسئله معلولیت در طراحی نظام‌ها و ساختارهای معماری مربوط به اماکن مختلف است. اعمال تبعیض در خصوص معلولان به دو شکل قابل تصور است:

- تبعیض مستقیم عبارت است از بی‌توجهی به اشخاص معلول و تحقیر آن‌ها از طریق ارتکاب یک فعل ایجابی، مثلاً تصویب قوانین و مقرراتی مانع دسترسی اشخاص معلول به امکانات یا فرصت‌ها تفریحی و فراغتی شود.

- تبعیض غیرمستقیم می‌تواند به صورت یک ترک فعل تعریف شود. مثلاً به علت عدم مناسب‌سازی محیط، فرد از حضور در یک مرکز محروم شود (مقامی و امیرشاکرمی، ۱۳۹۷: ۳۱۱).

در اکثر موارد، اماکن به گونه‌ای طراحی می‌شوند که بتوانند نیازهای گروه اکثریت را برطرف نمایند و در این طراحی به مسئله معلولیت کمتر توجه می‌شود. فضاها مناسب

حضور معلولان نبوده و آن‌ها برای دسترسی با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند. زمانی که این اماکن با شلوغی و ازدحام همراه باشد، محدودیت حضور معلولان بیشتر و بیشتر می‌شود. این در حالی است این گروه اجتماعی با توجه به شرایط روحی و روانی خود نیاز بیشتری به حضور در اماکن مذهبی و به خصوص حرم امن رضوی دارند تا بتوانند به آرامشی کم‌نظیر برسند.

با عنایت به اهمیت اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و روان‌شناختی توجه به معلولان در گردشگری و فراهم آوردن امکانات و خدمات خاص مورد نیاز آنان به خصوص در زیارت و حضور روزافزون زائران و عبادت‌کنندگان معلول در اماکن متبرکه و مذهبی کشور و الزام پاسخگویی و خدمت‌رسانی متناسب با این قشر، توجه ویژه به شناخت نیازهای گردشگران معلول در این مکان‌های زیارتی ضروری است. به گونه‌ای که باید معیارهای مختلفی را در نظر گرفت تا بتوان فضا را برای حضور معلولان در اماکن مذهبی مهیا کرد و شرایطی را به وجود آورد تا آن‌ها بتوانند از فرصت زیارت استفاده مطلوب‌تری ببرند. این مقاله با هدف بررسی نیازهای زائران معلول در حرم رضوی که به عنوان مهم‌ترین جاذبه مذهبی کشور ایران شناخته می‌شود، تدوین شده است.

۲. مبانی نظری

معلولان در هر جامعه چشم‌بینای جامعه هستند؛ بدین تعبیر که حکمت و مصلحت الهی در ظرفیت وجودی آن‌ها به عنوان موجودی با عزت و با ظرفیت تحمل مصائب متجلی گشته است (محمودی و تبریزی دهنو، ۱۳۹۶: ۱). وجود افراد معلول و کم‌توان در جامعه، قدمتی به بلندای پیدایش بشر دارد و معلولیت یک شانس برابر برای همه افراد جامعه است (حیاتی و کارخانه، ۱۳۹۷: ۲). درک از معلولیت به عنوان یک تعامل بدین معناست که معلولیت یک سازه اجتماعی است، نه یک ویژگی فردی. درباره واژه معلولیت تعاریف و تعابیر مختلف ارائه گردیده است که هر کدام از این تعاریف به نوعی معلولیت را بررسی کرده است (Hashem & et al, 2012:459).

مروری بر تاریخچه معلولیت نشان می‌دهد که در هر دوره‌ای از تاریخ، افرادی وجود داشته‌اند که از نظر فعالیت‌های اجتماعی پایین‌تر از حد طبیعی عمل نموده و با وجود این که نیازمند توجه ویژه‌ای بوده‌اند، با این حال تا قبل از قرن نوزدهم نه تنها به خواسته‌ها و امور اجتماعی و رفاهی آنان توجه چندانی نشده است، بلکه تاریخ نشان می‌دهد رفتار غالب جوامع با این گروه از افراد به دور از هرگونه عدالت اجتماعی و رفتارهای انسانی بوده است (مجیدی و تیموری، ۱۳۹۰: ۳۷).

لغت معلولیت^۱ به معنای از دست دادن یا محدودیت فرصت‌های شرکت در زندگی اجتماعی در سطحی مساوی با دیگران است و لغت کم‌توانی^۲ به معنای گروهی از محدودیت‌های عملکردی مختلف است که در هر جمعیت و کشوری در جهان روی می‌دهد (خزایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۷۴) هر چند در مواردی این دو لغت مترادف در نظر گرفته یا به جای هم به کار برده می‌شود.

در ماده یک قطعنامه ۳۴۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل، در سال ۱۹۷۵ شخص معلول را این گونه تعریف کرده است: شخص معلول یعنی هر شخصی که نمی‌تواند به تنهایی، تمام یا بخشی از نیازهای فرد عادی یا زندگی اجتماعی عادی را به علت نقص، اعم از مادرزادی یا غیرمادرزادی، توانایی‌های جسمی یا روانی خود، تامین نماید (مقامی و امیرشاکرمی، ۱۳۹۷: ۳۰۸).

جلالی فراهانی (۱۳۹۰) در کتاب مدیریت اماکن، تاسیسات و تجهیزات ورزشی معلولیت را محدودیت‌های دایمی در زمینه‌های مختلف چشمی، حسی یا ذهنی روانی تعریف می‌کند که شخص مبتلا به آن در زندگی روزمره در مقایسه با سایر افراد جامعه دچار مشکل یا محدودیت است. از حیث علت معلولیت، سه دسته را می‌توان شناسایی کرد:

- علل ژنتیکی مانند سندروم داون.
- علل مادرزادی که بر اثر مراقبت نکردن در دوران بارداری به وجود می‌آید.
- حوادث و اتفاقات زندگی مانند جنگ، تصادف، آلودگی‌های محیطی.

1. Handicap
2. Disability

مطالعات جامعه‌شناختی معلولیت، در قالب چهار مکتب کارکردگرایی، تفسیرگرایی، انسان‌گرایی رادیکال و ساختارگرایی رادیکال قابل بحث و بسط است (2011:455 Goodley). در نگاه کارکردگرایانه، جامعه یک وضعیت سازمانی است که همه اعضا در چارچوب هماهنگی و توافق با هم همکاری دارند. در این نگاه فرد معلول به عنوان یک جسم مادی ناقص دیده می‌شود که در انجام کارکردهای خود ناتوان است. رویکرد تفسیرگرایانه معتقد است معلولیت طی یک فرایند تفسیری در تعاملات اجتماعی پُر ساخته می‌شود. آن‌ها معلولیت را یک تولید ارادی فعال برای خلق یک هویت اجتماعی تعریف می‌کنند. این رویکرد بیان می‌کند نهادهای مختلف اجتماعی مانند مدرسه، بیمارستان یا هر مکان دیگر بر افراد معلول انگ ناتوانی زده و باعث می‌شوند آن‌ها متناسب با همان انگ از خود رفتار نشان دهند که این امر زمینه‌انزوای آن‌ها را فراهم می‌کند. انسان‌گرایان رادیکال، معلولیت و اختلال را علایمی فرهنگی اجتماعی تعریف می‌کنند که فرهنگ‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف آن را تولید می‌کنند؛ بنابراین واژه‌هایی که برای توصیف یک فرد معلول به کار می‌رود، حاوی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نهفته‌ای است که تنها با روش‌های عمیق علمی و مردم‌شناسانه می‌توان آن را درک کرد. ساختارگرایان رادیکال معلولیت را به عنوان فرایند طرد ساختاری، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تعریف می‌کنند که باعث می‌شود فرد معلول از عرصه‌های مختلف زندگی منزوی شود (صادقی فسایی و فاطمی‌نیا، ۱۳۹۴: ۵۸) دو رویکرد اول جامعه را دارای نظم می‌دانند و نیازمند حفظ وفاق و دو رویکرد بعدی بر این باورند که جامعه برای تعامل با معلولیت نیازمند اصلاح و تغییر است.

سفر همواره حس زندگی دوباره، امید و رها شدن از مشغله‌های روزانه را با خود به همراه دارد؛ بنابراین اغلب متخصصان، سفر را به همه افراد به ویژه سالمندان، معلولان و جانبازان توصیه می‌کنند؛ ولی موضوع اصلی این است که برای معلولان و افرادی که به لحاظ جسمی مشکلاتی دارند، در شبکه گردشگری جایگاهی تعریف نشده است (اسعدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۸۳). توجه و تامین زیرساخت‌های مناسب فضایی و کالبدی برای استفاده همه شهروندان با هر نوع مشکل خاص، از خدمات و امکانات عمومی، از موارد

تاثیرگذار بر رشد و توسعه شهری است که برای رسیدن به تحرك و جابه‌جایی بهتر و دسترسی آسان‌تر در سطح شهر، به منظور رفع نیازها و ایجاد تعاملات روزانه با محیط‌های اطراف مورد نیاز است (خانیانی و خوارزمی، ۱۳۹۳: ۱). مطالعات نشان می‌دهد که به طور کلی تفاوت‌های زیادی بین افراد ناتوان و افرادی که از نظر جسمی سالم هستند، وجود دارد. جمعیت معلولان در سرتاسر جهان روبه افزایش است و بر نیازها و مسائل آن‌ها نیز روز به روز افزوده می‌شود. معلولیت یا کم‌توانی به یکی از پدیده‌های پیدای پنهان زندگی امروزه بشر تبدیل شده است. پیدا از آن جهت که نرخ افراد دارای معلولیت بسیار بالا و در حال رشد است و پنهان از آن جهت که چندان مورد توجه جریان اصلی جامعه و سیاست‌گذاران اجتماعی نبوده‌اند (صادقی فسایی و فاطمی‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۵۷).

در دو دهه اخیر، پژوهش‌های متعددی در زمینه گردشگری و معلولیت صورت گرفته است. در این میان حوزه‌هایی مانند گردشگران معلول، انگیزه‌ها و نیازهای اطلاعاتی آنان، محرک‌های بازار، مقایسه کشورهای رویکردهای تبعیض بر مبنای معلولیت، رفتار عموم و عرضه‌کنندگان با معلولان و ... مورد توجه ویژه بوده‌اند (Darcy & et al: 2015). آهنگران همکاران (۱۳۹۳) معتقدند در صورت فراهم شدن بستر مناسب برای ورود جمعیت معلولان به بازار گردشگری، این امر می‌تواند تحول عمده‌ای در این بازار ایجاد کند. با این وجود، اکنون افراد دارای معلولیت تقریباً هیچ استفاده‌ای از خدمات گردشگری نمی‌کنند. تحقیقی توسط دانیل کلمن^۱ (۱۹۹۷)، با عنوان «اماکن مذهبی و دسترسی آن برای افراد معلول بر روی صندلی چرخدار» انجام شده است. در این تحقیق، شش بخش ساختمانی در ۱۰ مکان مذهبی در نیویورک، از نظر میزان دسترس‌پذیری آن‌ها برای معلولان روی صندلی چرخدار بررسی شده که شامل فضای پارکینگ، مسیرهای دسترس‌پذیر، ورودی‌ها، دسترسی به خدمات، سالن اجتماعات مرکزی و اتاق استراحت بوده است. در هیچ‌یک از اماکن مذهبی بررسی شده، شش بخش مد نظر به طور کامل دسترس‌پذیر نبودند و فضاهای پارکینگ، ورودی‌ها و اتاق استراحت بدترین فضاها از نظر دسترسی ذکر شده‌اند.

1. Danielle Coleman

محیط گردشگری برای افراد معلول دارای سه نوع مانع ذاتی (فیزیکی)، تعاملی و محیطی (جامعه‌شناختی) است. این محدودیت‌ها به عنوان درون‌فردی، بین‌فردی و ساختاری نیز شناخته می‌شوند و در طول زمان در حال تغییر و نوسان هستند. محدودیت‌های درون‌فردی به حالت‌های روانی غیرقابل اثبات افراد مانند افسردگی و اضطراب اشاره دارد که بر مشارکت و اولویت‌های افراد تاثیر می‌گذارد. محدودیت‌های بین‌فردی در غیاب یا عدم دسترسی معلولین به دیگران روی می‌دهد و مانع مشارکت اجتماعی آن‌ها می‌شود. این نوع محدودیت به طور خاص برای گردشگرانی روی می‌دهد که نیاز بیشتری به کمک سایرین در زندگی روزمره خود دارند. محدودیت ساختاری شامل عناصری است که بین اولویت فرد معلول و فعالیت اجتماعی او مداخله می‌کنند مانند حمل و نقل، اطلاعات و قیمت (اسعدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۸۷). این امر به اندازه‌ای جدی می‌نماید که به اعتقاد نظریه‌پردازان، معلولیت گونه‌ای از سرکوب و طرد اجتماعی است و معلولین نابرابری قابل ملاحظه‌ای را در همه ابعاد زندگی اجتماعی تجربه می‌کنند. طرد اجتماعی باعث می‌شود معلولین تمامی مزایای روان‌شناختی و مادی مربوط به عضویت در گروه‌های اجتماعی را از دست بدهند و تاثیر ویرانگری بر آن‌ها وارد شود (زرین کفشیان، ۱۳۹۵: ۱۷۹).

هنر برنامه‌ریزی در مکان‌های مختلف در این است که بتواند تعامل و تعادلی بین گروه‌های ذی‌نفع برقرار کند (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۹) و این موانع را از بین ببرد. برخی محققان بر این باورند که دلیل کم بودن سفر در بین معلولان، معلولیت نیست، بلکه محدودیتی است که با آن مواجه هستند (قبادیان، ۱۳۹۶: ۸۰).

کیفیت یک فضا در شهر از براینده مولفه‌هایی حاصل می‌شود که با شناسایی کارکردها و تاثیرات مناسب هر یک از آن‌ها بر فضا می‌توان راهکارهایی برای بهبود کیفیت فضاهای شهری ارائه داد. کیفیت چگونگی یک چیز یا پدیده است که تاثیر عاطفی و عقلانی خاصی بر انسان می‌گذارد. کیفیت باعث تمایز پدیده‌ها از هم شده و می‌تواند حاصل فرم (کیفیت صوری یا فرمال)، عملکرد (کیفیت عملکردی) یا معنا (کیفیت معنایی) باشد (سرور و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۱).

در واقع کیفیت توجه به نیازهای افراد در زمان طراحی فضای شهری است. با توجه به تفاوت نیازهای افراد مختلف، در نظر گرفتن مفهوم کیفیت در فضای شهری از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. فضاهای شهری را نباید محل سکونت دسته‌ای از افراد و مرکز قرارداده‌ها دانست، بلکه این فضاها متشکل از روحیات، افکار، آداب و رسوم، اعتقادات و احساسات خاص همه افراد است. سازگار ساختن فضاهای شهری با نیازهای افراد معلول در واقع بازگرداندن آن‌ها به اجتماع است (بزی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۴). در واقع معیار مطلوب یک محل برای معلولان، مناسب بودن فضای شهری اطراف با نیازهای حرکتی آن‌ها و قابل استفاده بودن فضا برای این افراد است (میقاتی، ۱۳۷۳: ۹). مناسب‌سازی عبارت است فراهم ساختن زمینه استفاده یکسان تک‌تک افراد جامعه از امکانات موجود جامعه با هر شرایط روحی و جسمی و مطابق با نیاز آن فرد اعم از رفاهی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و منابع طبیعی (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۱).

توجه نکردن به نیازهای اصلی و اساسی انسان‌ها، ادراکات و رفتارهای آن‌ها در زندگی روزمره، در نظر نگرفتن شرایط جسمانی و روانی همه اقشار و سنین جامعه، سبب ایجاد فضاهایی آسیب‌پذیر و مشکل‌دار شده که تنها تعداد معدودی از افراد را در خود جای می‌دهد (سرور و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۵). از طرفی نابسامان بودن فضاهای شهری و انطباق نداشتن آن‌ها با نیازها و خواسته‌های معلولان، علاوه بر منزوی کردن آن‌ها باعث می‌شود در بلندمدت خسارت‌های اجتماعی اقتصادی عظیمی بر جامعه وارد شود (خزایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۷۷).

درخور ذکر است فعالیت‌های تفریحی و گردشگری که در عرصه‌های بیرون از خانه شکل می‌گیرد، بیشتر جنبه مشارکتی و جمعی دارد که نیازمند فضا و امکانات ویژه‌ای است. در این راستا، فضاهای عمومی سهم عمده‌ای در تامین بستر شکل‌گیری و انسجام چنین فعالیت‌هایی به عهده دارد (حامد عبدی و رحیمی کاکه‌جوب، ۱۳۹۲: ۶۰). برای تشویق و ترغیب معلولان به حضور در یک مقصد گردشگری باید این فضاها را به گونه‌ای طراحی کرد تا بتوانند نیازهای خود در آن محیط برآورده سازند. این امر در رابطه با اماکن مذهبی از اهمیت بیشتری برخوردار است. محیط زیارتی باید به گونه‌ای طراحی شود که بتواند

نیازهای همه افراد را برای بهره‌برداری از فضای معنوی حاکم مهیا سازد و مانعی برای حضور گروهی از اعضای جامعه به دلیل محدودیت‌های حرکتی آن‌ها نشود.

۳. روش تحقیق

این پژوهش از نوع هدف کاربردی است؛ زیرا هدف آن به کارگیری و آزمون مفاهیم نظری درباره مسائل واقعی مربوط به زائران معلول در حرم رضوی است تا بتوان نیازهای اساسی این گروه از زائران را با توجه به شرایط جسمانی آن‌ها در حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) بررسی کرد. در ضمن از حیث چگونگی به دست آوردن داده‌های یک تحقیق توصیفی است؛ زیرا در این پژوهش به توصیف و تفسیر نیازهای اساسی زائران معلول در حرم مطهر و رابطه آن‌ها با یکدیگر پرداخته شده است. از منظر روش‌شناسی، این تحقیق بر اساس روش تحقیق آمیخته انجام می‌شود؛ زیرا ترکیبی از روش‌های مختلف را طی چند مرحله و بر اساس یک طرح از پیش تعیین شده به کار گرفته و نتیجه نهایی حاصل ترکیبی از روش‌های تحقیقاتی است نه یک روش خاص. بنابراین در چهارچوب روش‌شناسی پژوهش آمیخته، فرایند این تحقیق طی دو مرحله انجام شده است. ابتدا بر اساس نتایج مطالعه کتابخانه‌ای در خصوص مبانی نظری و پیشینه پژوهش و مصاحبه با خبرگان، چهارچوب مفهومی اولیه احتیاجات و نیازهای ضروری زائران معلول در محیط حرم مطهر رضوی استخراج شده است. برای این امر از روش تحلیل محتوا بهره گرفته شده است. پس از انجام تحلیل‌های لازم، مدلی برای شناسایی مهم‌ترین نیازها و اولویت آن‌ها نسبت به یکدیگر ارائه شده است تا بتوان رضایت هرچه بیشتر زائران معلول را در این محیط مذهبی افزایش داد. در این مرحله برای انجام تحلیل‌ها و مدل‌سازی از تکنیک نگاشت‌شناختی و همچنین تکنیک شبکه‌های اجتماعی برای انجام تجزیه و تحلیل‌های کمی مورد نیاز کمک گرفته شده است.

جامعه آماری این تحقیق عبارت بود از خبرگان حوزه گردشگری و همچنین متخصصان توان‌بخشی و بهزیستی که در زمینه ارائه خدمات به افراد معلول دارای تجربیات کاری و

مدیریتی مناسب بوده‌اند. با توجه به شرایط کنونی، برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده شده است و طی چندین مرحله برخی کارشناسان زبده شناسایی و پس از دریافت اطلاعات از هر کدام، از آن‌ها خواسته شده تا افراد صاحب‌نظر دیگر را معرفی کنند. در این راستا اصل اشباع نظری مد نظر قرار گرفت و در نهایت تعداد ۱۴ نفر از خبرگان برای مشارکت در ساخت مدل انتخاب شدند.

۴. رویکرد نگاشت‌شناختی

نقشه‌شناختی ابزاری است برای نشان دادن مدل‌های ذهنی افراد یا گروه‌ها که شامل مفاهیم و روابط بین آن‌هاست و برای درک محیط یا پدیده‌های پیرامونی استفاده می‌شود؛ بنابراین نقشه‌های شناختی، تصویری از الگوهای درونی یا مدل‌های ذهنی در خصوص یک موضوع خاص هستند که به واسطه تعامل فرد با محیط آموخته می‌شوند و شکل می‌گیرند. یک نگاشت‌شناختی، نمایشی از روابط علی و معلولی موجود بین عناصر تصمیم برای یک پدیده یا مسئله بوده و همچنین دانش ضمنی متخصصان حوزه مورد بررسی را توصیف می‌کند.

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. مطالعات اسنادی و تحلیل محتوا

به منظور تعیین نیازهای ضروری زائران معلول در حرم مطهر رضوی و افزایش میزان رضایت این گروه ابتدا مطالعات اسنادی در خصوص شناسایی این نیازها با استفاده از کتاب‌ها و مقالات معتبر صورت پذیرفته و برخی خبرگان در این خصوص مصاحبه انجام شد. سپس با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و به کمک کدگذاری‌های باز و محوری، تحلیل محتوای مصاحبه‌ها انجام شد. در این مرحله ابتدا براساس مطالعات نظری، ۳۸

نیاز ضروری در قالب شش بعد اصلی استخراج شد. به منظور شناسایی مهم‌ترین نیازهای زائران معلول، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته‌ای با هشت نفر از خبرگان این حوزه انجام گرفت. به منظور پالایش عوامل و روابط بین آن‌ها، از طریق روش دلفی مصاحبه با شش نفر از خبرگان ادامه یافت که در نتیجه آن از فهرست تهیه شده تعدادی از عوامل حذف، ادغام یا اضافه شدند. مبنای توافق معنادار بودن نیازها در حوزه معلولان و ارتباط آن‌ها با احتیاجات و نیازهای آن‌ها در محدوده فیزیکی حرم مطهر رضوی بوده است. فهرست پالایش شده شامل شش بعد اصلی و ۳۱ مولفه به عنوان خروجی این مرحله شناسایی شد که معرف نیازهای ضروری و لازم مربوط به زائران معلول در حرم مطهر رضوی است. این ابعاد و مولفه‌ها در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. نیازهای اساسی زائران معلول در حرم مطهر رضوی

بعد	مولفه
تسهیل دسترسی	اختصاص مسیری برای تشریف
	روشنایی مناسب در مسیرها و فضاهای معلولان
	ایجاد رمپ، آسانسور
	ابعاد مناسب در ورودی سرویس‌های بهداشتی
	ارتفاع مناسب آبخوری‌ها و سایر خدمات
	ارتفاع مناسب ایستگاه‌های سیار راهنمای زائر
مناسب‌سازی	وجود کفپوش متناسب با سنگ‌فرش‌های لغزنده
	وجود شیب‌راه‌ها با شیب مناسب
	وجود دستگیره مخصوص معلولان در سرویس‌های بهداشتی
	استاندارد طراحی مناسب ورودی‌ها، پارکینگ‌ها و صحن‌ها
	نصب تجهیزات مناسب در مسیر معلولان
	کف‌سازی ویژه نابینایان
	استفاده از علایم تصویری برای ناشنوایان
	استفاده از علایم شنیداری برای نابینایان
	وجود فضای کافی برای مانور صندلی چرخدار

ایجاد فضایی برای استراحت	توان بخشی
... تدارک ویلچر و	
تدارک وسایل ابتدایی برای توان بخشی	
ایجاد فضایی برای زیارت	برابری فرصت ها
محلی برای آموزش و پاسخگویی به سوالات شرعی	
فضای پارکینگ	
تدارک کتاب ادعیه صوتی و با خط بریل	
سهمیه غذای حضرتی	
خدمات کفشداری	
اختصاص فضایی برای دعا و عبادت	
آموزش و فرهنگ سازی خدام برای خدمات معلولان	امنیت
خادمان همراه معلولان	
جداسازی فضای عبور و استراحت معلولان	
امکانات حمل و نقل مناسب برای سهولت در حرکت	برآورده کردن نیازها
ایجاد سرویس های بهداشتی و وضوخانه مناسب	
ایجاد آبخوری	

ابعاد بیان شده در این جدول عبارت است از:

۱-۱-۵. **تسهیل دسترسی.** میزان دسترسی پذیری یعنی میزان قابل استفاده بودن یک محصول، وسیله، خدمت، محیط یا تسهیلات، برای بیشترین تعداد افراد ممکن که معلولان نیز بین آن ها هستند و شامل آن دسته از خصوصیات است که محصول، خدمت یا محیط مذکور باید داشته باشد تا بتواند به طور ایمن و در شرایط برابر توسط تمام افراد به ویژه آن هایی که به نوعی معلولیت دارند، استفاده شود (قبادیان، ۱۳۹۶: ۸۲)؛ بنابراین باید تمهیداتی اندیشیده شود تا تشریف زائر معلول به سهولت صورت گیرد و دسترسی زائر به نقاط مختلف حرم با توجه از دحام دیگر زائران، امکان پذیر باشد.

۲-۱-۵. **مناسب سازی.** قدمت مناسب سازی در معنای خاص خود به تاریخ زندگی بشر بر می گردد (سبحانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۸۷). مناسب سازی محیط برای معلولان، اصلاح

محیط و تدارک تجهیزات مورد نیاز به گونه‌ای است که افراد معلول قادر باشند آزادانه و بدون احساس خطر در محیط پیرامون خود فعالیت کنند و از تسهیلات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و خدماتی با حفظ استقلال فردی لازم بهره‌مند شوند (بابایی اهری، ۱۳۷۳: ۶۵). در حرم رضوی امکانات مختلفی تدارک دیده شده است که در برخی موارد باید متناسب با خصوصیات زائران معلول تغییر یابد. از طرفی با توجه به معلولیت‌های مختلف، این تفاوت نیز باید در طراحی در نظر گرفته شود.

۳-۱-۵. توان بخشی. خدمات توان بخشی یکی از محورهای خدمات سلامت به جامعه است. پیشگیری، تشخیص و مداخله زود هنگام از اهداف مهم در خدمات توان بخشی است. کیفیت پایین خدمات توان بخشی موجب افزایش شیوع ناتوانی و انواع معلولیت‌ها و همچنین، کاهش کیفیت زندگی در جامعه خواهد شد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۲). توان بخشی به روندی اشاره دارد که هدف آن توانا ساختن فرد معلول برای دستیابی و حفظ حداکثر سطح عملکرد فیزیکی، حسی، ذهنی، روان شناختی و اجتماعی است که به توان بخشی هدفمند منتج می‌شود (سعیدی و ذاکریان، ۱۳۹۷: ۲). توان بخشی یکی از نیازهای ضروری معلولان در حضور اجتماعی آن‌هاست. با توجه به خصوصیات جسمی معلولان، نیاز است امکاناتی برای توان بخشی معلولان در حرم رضوی تدارک دیده شود تا امکان تجدید قوای آن‌ها فراهم شود.

۴-۱-۵. برابری فرصت‌ها. بشر به محض تولد و حتی دوران جنینی صاحب حقوقی است که هر انسان صرف نظر از رنگ نژاد و جنس و کیش و قومیت و عقیده و هر موقعیت دیگر باید به آن برسد و کسی آن‌ها را به او اعطا نمی‌کند و قانون‌گذار صرفاً به آن‌ها جنبه عینی و ضمانت اجرا می‌بخشد؛ اما ناگفته پیداست وضعیت همیشه به این شکل نیست و گروه‌هایی از افراد همواره به خاطر شرایط و موقعیتی که دارند از دستیابی کامل حقوق‌شان محروم مانده‌اند؛ مانند کودکان، زنان، اقلیت‌ها و معلولان (حسین‌زاده و نظری، ۱۳۹۴: ۲). امروزه افراد دارای معلولیت در جوامع پیشرفته همسان با دیگر اقشار مردم از حقوق شهروندی خود برخوردار هستند. به باور جامعه‌شناسان، به‌طور کلی حقوق شهروندی را می‌توان به مجموعه قواعد حاکم بر روابط اشخاص در جامعه شهری تعریف

کرد؛ اما حقوق شهروندی افراد دارای معلولیت در جامعه به گونه‌ای است که نه تنها آنان از حق طبیعی خود محروم شده‌اند، بلکه خمودگی، تنهایی و انزوا به زندگی آنان تزریق شده است (محمودی و تبریزی دهنو، ۱۳۹۶: ۳). در واقع همه معلولان در هر جا و هر سنی بدون هیچ مانعی همان حقوقی را دارند که اگر سالم بودند، داشتند. بر اساس این مفاهیم هر دولتی موظف به ایجاد امکانات رفاهی و مورد نیاز معلولان است (خانیانی و خوارزمی، ۱۳۹۳: ۳). این امر به خصوص در زیارت از اهمیت زیادی برخوردار است. زائران معلول حق دارند بتوانند همسان با دیگران، با آرامش از محیط معنوی حرم رضوی بهره‌مند شوند. از این رو هر آنچه برای دیگران در نظر گرفته می‌شود باید برای این زائران که با محدودیت مواجه هستند، نیز تدارک دیده شود.

۵-۱-۵. امنیت. امنیت برای همه گروه‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است. در جایی که مردم احساس نبود آسایش می‌کنند یا می‌ترسند، قلمرو فضای شهری تنزل می‌کند و در آن فضا حضور پیدا نمی‌کنند. در خصوص معلولان مسئله امنیت از ظرافت بیشتری برخوردار است. زمانی که امنیت معلولان با طراحی نامناسب به خطر افتد، تردد آن‌ها کمتر و موجب کاهش تعاملات اجتماعی خواهد شد (اکبری اوغاز و حنایی، ۱۳۹۷: ۸۹).

برآورده کردن نیازها. همه زائران نیازهایی دارند که توسط امکانات مختلف در حرم رضوی برآورده می‌شود. با توجه به تفاوت برخی نیازهای معلولان، باید این موضوع مورد توجه طراحان قرار گیرد تا برخی امکانات به گونه‌ای طراحی شود که زمینه برطرف کردن نیازهای معلولان نیز وجود داشته باشد.

ب. استخراج نقشه علی خبرگان و تحلیل آن

بعد از تعیین ابعاد و مولفه‌های نیازهای زائران معلول در حرم رضوی، دومین مرحله از فرایند مدل‌سازی، استخراج و تحلیل نقشه علی خبرگان است. در این مرحله بار دیگر جدول نیازهای زائران معلول به خبرگان ارائه و پس از تأیید نهایی توسط خبرگان ماتریسی

از نیازهای اساسی و ضروری گردشگران معلول در حرم مطهر رضوی، تهیه و به خبرگان ارائه شد. خبرگان با نمره‌دهی از ۱- تا ۱+ چگونگی ارتباط بین عوامل و شدت هر یک از عوامل را نشان دادند و به این ترتیب ماتریس را تکمیل کردند و مدل ذهنی هر خبره به دست آمد. سپس نقشه‌ی علی هر خبره در نرم‌افزار ترسیم شد و برای اطمینان از دقت فرایند ثبت و استخراج مدل ذهنی خبرگان، نقشه‌ی علی ترسیم شده به تأیید خبرگان مربوط رسانده شد. پس از آنکه مدل ذهنی خبرگان تعیین و تحلیل‌های اولیه در رابطه با آن انجام گرفت، امکان استخراج نقشه‌ی علی ادغامی نیازهای ضروری و اساسی زائران معلول در محدوده حرم مطهر رضوی بررسی شد که این امر طی مراحل زیر صورت گرفت:

• بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصی خبرگان (سن، جنسیت، سابقه کار، میزان تحصیلات، نوع سازمان) و شاخص‌های پیچیدگی و قلمرو نقشه‌ی علی آن‌ها.

• بررسی وضعیت تشابه یا فاصله بین نقشه‌ی علی خبرگان.

پاسخگویی به این موارد امکان‌پذیری ادغام نقشه‌های علی خبرگان برای دستیابی به نقشه‌ی علی ادغامی را نشان می‌داد. برای پاسخ به این سوالات از آزمون‌های مختلفی استفاده شد که به طور خلاصه عبارت است از:

الف. آزمون کروسکال والیس، آزمون یومن وایت نی و آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن در نرم‌افزار Spss.

ب. تشکیل ماتریس‌های اولیه ادغامی و ترسیم آن‌ها در Fcmappper و تحلیل نقشه‌های ادغامی.

با پاسخگویی به موارد فوق مشخص شد که می‌توان برای ادغام نقشه‌های علی خبرگان اقدام کرد. جدول ۲، ماتریس ادغامی خبرگان را نشان می‌دهد. اعداد این ماتریس میزان تأثیر هر متغیر بر دیگری بر اساس جمع‌بندی نظر خبرگان است.

جدول ۲. ماتریس ادغامی خبرگان

نیازهای گردشگران معلول در حرم مطهر رضوی	تسهیل دسترسی	مناسب سازی	توان بخشی	برابری فرصت ها	امنیت	برآورده کردن نیازها
تسهیل دسترسی	۰	۱	۰	۰	۰	۰.۶۶
مناسب سازی	۰	۰	۱	۰	۰.۸	۰
توان بخشی	۰.۹۳	۰	۰	۰	۰	۰
برابری فرصت ها	۰	۰	۰	۰	۰	۰
امنیت	۰	۰	۰	۰	۰	۰.۴
برآورده کردن نیازها	۰.۵۴	۰	۰	۰.۲	۰	۰

پس از ادغام نظر خبرگان، میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هر يك از عوامل در نرم افزار Fcmapper تجزیه و تحلیل شد. این نتایج در جدول ۳ نشان داده شده است. هر عاملی در چه مرکزیت بالاتری داشته باشد، در شبکه عوامل دارای تأثیرگذاری بالاتری خواهد بود. با توجه به جدول ۳ و بررسی نیازهای ضروری زائران معلول در حرم مطهر رضوی و نقش این نیازها در بهبود وضعیت سایر عوامل، دو سناریو بررسی شده است.

جدول ۳. میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری و مرکزیت هر عامل

مرکزیت	تأثیرپذیری	تأثیرگذاری	عوامل
۳.۱	۱.۵	۱.۷	تسهیل دسترسی
۲.۸	۱	۱.۸	مناسب سازی
۱.۹	۱	۰.۹	توان بخشی
۰.۲	۰.۲	۰	برابری فرصت ها
۱.۲	۰.۸	۰.۴	امنیت
۱.۸	۱.۱	۰.۷	برآورده کردن نیازها

در سناریو سازی باید به این نکته توجه داشت که با چه سناریویی می توان به تغییر در عواملی رسید که بیشترین تأثیر را بین عوامل داشته باشد. قبل از تشکیل سناریوها

در خور ذکر است که در قسمت تشکیل سناریوها برای عاملی که براساس آن سناریو تشکیل می‌شود، دو عدد صفر و یک تعریف شده است. عدد صفر به معنی غیر فعال کردن یا نبود عامل مد نظر است و عدد یک به معنی وجود عامل مد نظر بدون هیچ گونه تغییری است. در تشکیل سناریوها، معمولاً عواملی که دارای بالاترین مرکزیت هستند مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. بنابراین در این پژوهش، سناریوها بر اساس عوامل تسهیل دسترسی، شرایط مناسب سازی و نیازهای توان بخشی در جهت افزایش میزان رضایت زائران معلول در حرم مطهر رضوی ساخته شده‌اند که در این جا بر اساس این عوامل به بررسی و مقایسه دو سناریو ارائه شده است.

در اولین سناریو وضعیتی شبیه سازی شده است که در آن به رغم توجه به عامل تسهیل دسترسی در این مکان مقدس، کاری برای دو عامل مناسب سازی فضای حرم مطهر و امکانات توان بخشی صورت نگیرد. در صورت توجه به عامل تسهیل دسترسی برای زائران معلول، دیگر عوامل نیز به دلیل تحت تأثیر قرار گرفتن از این عامل، تغییر می‌کنند و وضعیت شان ثابت نمی‌ماند.

در سناریو دوم، افزایش توجه به عوامل مناسب سازی فضاها و شرایط و نیازهای توان بخشی، بدون توجه به عامل تسهیل دسترسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از این سناریوها در شکل ۱ نشان داده شده است.

نتایج سناریو اول حاکی از حساسیت زیاد عامل تسهیل دسترسی به عوامل برابری فرصت‌ها و برآورده کردن نیازهای زائران معلول در حرم رضوی است. بدین معنا که در صورتی که تنها به عامل امکانات لازم برای تسهیل دسترسی زائران معلول توجه شود، با توجه به بهبودی که در شرایط و تسهیلات مورد نیاز به جهت برآورده کردن نیازهای زائران برابری فرصت‌ها برای آن‌ها صورت می‌گیرد، مسائل امنیتی لازم برای این گروه از زائران حرم رضوی در شرایط مناسبی قرار نمی‌گیرد و این نیاز با کاهش مواجه می‌شود.

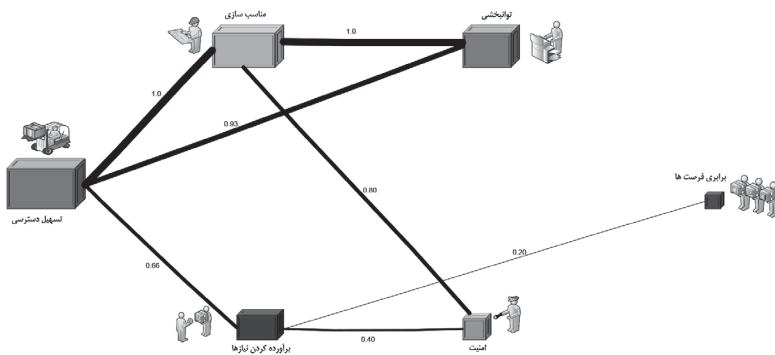
این در حالی است که نتایج سناریوی دوم، موقعیتی کاملاً مخالف را نشان می‌دهد. به این صورت که میزان امنیت زائران معلول در حرم مطهر رضوی، با افزایش توجه به عوامل

مناسب‌سازی فضاها و خدمات مورد نیاز این گروه از زائران و ارائه تسهیلات لازم در زمینه توان بخشی، به طور چشمگیری بهبود می‌یابد.

عوامل	بدون تغییر	سناریوی اول	سناریوی دوم	نتیج بدون تغییر	نتیج سناریوی اول	نتیج سناریوی دوم	مقیسه سناریوی اول با بدون تغییر	مقیسه سناریوی دوم با بدون تغییر
تسهیل دسترسی	۱	۱	۰	۰/۷	۱	۰	۰/۲۷	۰/۷۳-
مناسب‌سازی	۱	۰	۱	۰/۶۷	۰	۱	۰/۶۷-	۰/۳۳
توان بخشی	۱	۰	۱	۰/۶۶	۰	۱	۰/۶۶-	۰/۳۴
برابری فرصت‌ها	۱			۰/۵۳	۰/۵۴	۰/۵۳	۰	۰/۰۱-
امنیت	۱			۰/۶۳	۰/۵	۱	۰/۱۳-	۰/۰۶
برآورده کردن نیازها	۱			۰/۶۸	۰/۷	۱	۰/۰۳	۰/۱۱-

جدول ۳. نتایج شبیه‌سازی سناریوهای روی مدل پیشنهادی

پس از شبیه‌سازی سناریوهای مختلف روی مدل، داده‌های ماتریس ادغامی خبرگان در نرم‌افزار ویزیو ۲۰۱۶ وارد و گرافی از مدل رسم شد. این گراف در واقع مهم‌ترین نیازهای زائران معلول در حرم مطهر رضوی را نشان می‌دهد. همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود در گراف ترسیمی، شکل‌های کنار هر عامل و خطوط ترسیمی بین عوامل از لحاظ اندازه و ضخامت با یکدیگر تفاوت دارند. دلیل این امر تفاوت در میزان اهمیت هر عامل و رابطه هر یک از عوامل با یکدیگر در مدل است. به عبارت دیگر با توجه به روابط علی بین عوامل، هر عاملی که اهمیت و نقش مهم‌تری دارد، با شکل بزرگ‌تر و خطوط پررنگ‌تر رسم شده است و می‌توان با مشاهده گراف ارائه شده عوامل را از لحاظ اهمیت، اولویت‌بندی کرد.



شکل ۱. گراف نیازهای ضروری زائران معلول در حرم مطهر رضوی

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق ابتدا براساس مطالعات نظری و مصاحبه‌های انجام شده، شش بعد اصلی نیازهای زائران معلول حرم رضوی مشخص و برای هر بعد مولفه‌های متناسب با این مکان مقدس و نیازهای معلولان تدوین شد. در ادامه با رویکرد نگاشت‌شناختی مدلی ارائه شد که در آن ابعاد اصلی و مولفه‌های اولویت‌دار مشخص گردیدند تا بتوان با بررسی این مولفه‌ها راهکارهای عملیاتی را برای افزایش رضایت زائران معلول در زمان تشراف در نظر گرفت.

مدل ارائه شده مؤلفه‌ها و ابعاد نیازهای زائران معلول در حرم مطهر رضوی را به همراه رابطه علت و معلولی بین ابعاد آن‌ها و همچنین شدت این روابط نشان می‌دهد که این اطلاعات می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های مدیران سایر مقاصد گردشگری مذهبی و اماکن زیارتی نیز مورد استفاده قرار گیرد. همان‌طور که مشاهده می‌شود مدل استخراج شده شامل ۶ بعد و ۳۱ مؤلفه است. نتایج تحلیل مدل نشان می‌دهد که برخی از این ابعاد در میزان برآورده کردن نیازهای زائران معلول، تأثیرگذارتر و مهم‌تر از سایر ابعاد است.

براساس مدل، مهم‌ترین عامل تسهیل دسترسی است که خود در برگیرنده شش مولفه

است. اختصاص مسیری برای تشریف، روشنایی مناسب در مسیر و فضاهای معلولان، ایجاد رمپ، آسانسور، ابعاد مناسب در ورودی سرویس‌های بهداشتی، ارتفاع مناسب آبخوری‌ها و ارتفاع مناسب ایستگاه‌های سیار راهنمای زائر از جمله نیازهای اساسی و مهم زائرین معلول برای دسترسی سریع و راحت به امکانات و تسهیلات فراهم شده در حرم مطهر است.

معلولان به دلیل شرایط خاص بدنی و جسمی خود معمولاً محدودیت‌هایی را برای حضور در جوامع و به خصوص اجتماعات پرتراکم دارند که در صورت تسهیل دسترسی می‌توان زمینه حضور آن‌ها را در این مکان معنوی آماده کرد. از طرفی با توجه به روحیات خاص معلولان، حضور در این فضاها، می‌تواند در بهبود سلامت روانی و آرامش آن‌ها نقش موثری داشته باشد.

دومین عامل مهم در نیازهای زائران معلول و براساس نتایج این تحقیق، مناسب‌سازی فضاهاست. وجود کفپوش متناسب با سنگفرش‌های لغزنده، وجود شیب‌راه‌ها با شیب مناسب، وجود دستگیره مخصوص معلولان در سرویس‌های بهداشتی و سایر فضاهای خدماتی، استاندارد طراحی مناسب ورودی‌ها، پارکینگ‌ها و صحن‌ها، نصب تجهیزات مناسب در مسیر معلولان، کف‌سازی ویژه نابینایان، استفاده از علائم تصویری برای ناشنویان، استفاده از علائم شنیداری برای نابینایان و وجود فضای کافی برای مانور صندلی چرخدار به عنوان مولفه‌های اساسی و ضروری در زمینه مناسب‌سازی فضاها مورد توجه قرار گرفته است.

علاوه بر موارد ذکرشده، با توجه به نتیجه به دست آمده، رسیدگی و توجه به ایجاد فضایی برای استراحت زائران معلول در فضاهای معنوی حرم، تدارک ویلچر و و تدارک وسایل ابتدایی برای توان بخشی نیز از جمله نیازهای اساسی و لازم برای راحتی هر چه بیشتر این دسته از زائران در این مکان مقدس و مذهبی است. افراد معلول فرصت‌های کمتر یا بسیار محدودی برای لذت بردن از زیارت دارند. این محدودیت فقط به علت معلولیت آن‌ها نبوده و دلایل دیگری از جمله ناتوانی مدیران و برنامه ریزان برای قابل

دسترس کردن حمل و نقل، مراکز اقامتی و مراکز گردشگری دارد. با ایجاد تغییراتی اندک در طراحی‌ها می‌توان زمینه حضور این گروه مهم از جامعه را در اماکن مقدس و به خصوص حرم رضوی مهیا کرد و در افزایش رضایت و کیفیت زندگی آنها گام مهمی برداشت. تغییر کیفیت زندگی آنها باعث تغییر نگاه‌شان به زندگی می‌شود و این امر باعث می‌شود فرد معلول احساس طرد شدن از جامعه نداشته باشد و زمینه‌ای برای حضور جدی‌تر او در سایر بخش‌های جامعه نیز فراهم می‌شود.

منابع و مآخذ

- اسعدی، میرمحمد؛ باصولی، مهدی؛ برومندزاد، یاسمین؛ آقاباقری، فهیمه. (۱۳۹۸). «طراحی مدلی برای توسعه گردشگری معلولین در شهر یزد». *دوفصلنامه مطالعات اجتماعی گردشگری*. سال ۷. شماره ۱۴. صص: ۳۸۳-۴۰۳.
- اکبری اوغاز، زهرا؛ حنایی، تکتم. (۱۳۹۷). «تبیین عوامل افزایش امنیت به منظور ارتقا تعاملات اجتماعی معلولین جسمی حرکتی (مطالعه موردی: خیابان طبرسی شهر مشهد)». *معماری و شهر پایدار*. سال هفتم. شماره اول. صص: ۸۵-۹۸.
- آهنگران، جعفر؛ موسوی بازگان، سید جلال؛ نظری اورکانی، سولماز. (۱۳۹۳). «تدوین الگوی گردشگری قابل دسترس». *نشریه گردشگری*. شماره ۲. صص: ۱۱-۲۰.
- بابایی اهری، مهدی. (۱۳۷۳). *آیین نامه برابری فرصت ها برای معلولین (سازمان ملل متحد)*. تهران: انتشارات سازمان فنی و مهندسی شهر تهران.
- بزی، خدارحم؛ کیانی، اکبر؛ افراسیابی راد، محمدصادق. (۱۳۸۹). «ارزیابی ترافیک شهری و نیازهای معلولان و جانبازان با استفاده از مدل تصمیم گیری TOPSIS (مطالعه موردی: شهر شیراز)». *مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری*. سال اول. شماره سوم. صص: ۱۰۳-۱۳۰.
- تقوایی، مسعود؛ مرادی، گلشن؛ صفرآبادی، اعظم. (۱۳۸۹). «بررسی و ارزیابی وضعیت پارک های شهر اصفهان براساس معیارها و ضوابط موجود برای دسترسی معلولان و جانبازان». *مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی*. سال ۲۱. شماره پیاپی ۳۸. شماره ۲. صص: ۴۷-۶۴.
- جلالی فراهانی، مجید. (۱۳۹۰). *اصول و اهداف ورزش معلولان*. تهران: انتشارات علوم ورزشی.
- _____ (۱۳۹۰). *مدیریت اماکن، تاسیسات و تجهیزات ورزشی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حامدعبدی، محمد؛ رحیمی کاکهچوب، آرمان. (۱۳۹۲). «راهبردهای ارتقای عملکردی فضاها گذران اوقات فراغت، مطالعه موردی: مجموعه تفریحی دیدگاه سنج». *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری*. شماره چهارم. صص: ۵۵-۶۸.
- حسین زاده، مجتبی؛ نظری، مرضیه. (۱۳۹۴). «تحلیل فضاهای عمومی شهری برای استفاده معلولین حرکتی». *اولین کنفرانس بین المللی انسانی، معماری، مهندسی عمران و شهری*. تبریز.
- حیاتی، حامد؛ کارخانه، معصومه. (۱۳۹۷). «مشکلات نادیده گرفتن معلولین در فضاهای شهری». *مجموعه مقالات کنگره بین المللی معماری و شهرسازی معاصر پیشرو در کشورهای اسلامی*. دانشگاه فردوسی مشهد.
- خانیانی، پیمان؛ خوارزمی، امیدعلی. (۱۳۹۳). «ارزیابی عوامل موثر بر مدیریت ناتوانی شهر مشهد». *ششمین کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه های شهر اسلامی*.
- خزایی، مصطفی؛ امانی، مجتبی؛ داورپناه، مسعود. (۱۳۹۷). «تحلیلی بر شهر دوستدار معلول». *جغرافیا و روابط انسانی*. زمستان ۱۳۹۷. دوره ۱. شماره ۳. صص: ۷۶۹-۷۸۷.
- رجوعی، مرتضی؛ مؤمنی، امیرعباس. (۱۳۹۸). «شناسایی نیازهای زائران سالمند در اماکن متبرکه و مذهبی (مورد مطالعه: حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام)». *فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی*. سال ۷. شماره ۲۶. صص: ۳۷-۶۹.
- زرین کشیان، غلامرضا. (۱۳۹۵). «بررسی وضعیت طرد اجتماعی معلولین: مورد مطالعه معلولین جسمی و حرکتی تحت پوشش اداره بهزیستی شهرستان ری». *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*. سال دوازدهم. شماره ۴۳. صص: ۱۷۷-۲۰۱.

- سبحانی، نوبخت؛ بیراوندزاده، مریم؛ اکبری، مجید؛ سوری، فاطمه. (۱۳۹۵). «ارزیابی مؤلفه‌های مناسب‌سازی فضاهای عمومی شهری برای استفادهٔ جانبازان و معلولان در شهر خرم‌آباد». *پروژه‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*. دوره ۴. شماره ۲. صص: ۲۸۳-۲۹۸.
- سرور، رحیم؛ محمدی حمیدی، سمیه؛ ولی‌خانی، اژدر. (۱۳۹۳). «تحلیل وضعیت فضاهای عمومی شهری برای معلولین و کم‌توان‌های حرکتی، نمونه مورد مطالعه: میدان دوم صادقیه تهران». *جغرافیا (فصلنامه علمی پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)*. دوره جدید. سال دوازدهم. شماره ۴۱. صص: ۸۳-۱۰۵.
- سرور، هوشنگ؛ صلاحی ساریخان بیگلر، وحید؛ مبارکی، امید. (۱۳۹۶). «تحلیل نقش کاربری‌های تجاری در پویایی و ایجاد فضاهای جدید شهری، مطالعه موردی: مجتمع تجاری لاله پارک تبریز». *دوفصلنامه علمی پژوهشی بوم‌شناسی شهری*. سال هشتم. شماره ۱. پیاپی ۱۵. صص: ۲۹-۴۲.
- سعیدی مدنی، سید محسن؛ افراسیابی، حسین؛ ذهبی، عاطفه. (۱۳۹۴). «بررسی رابطه میان معنویت و نشاط اجتماعی در بین گردشگران مذهبی ایرانی (مورد مطالعه شهر مشهد)». *همایش ملی هزاره سوم و علوم انسانی*. شیراز. صص: ۸-۱.
- سعیدی، فرید؛ ذاکریان، مهدی. (۱۳۹۷). «سیاست‌گذاری افزایش مشارکت معلولین در پرتو قانون جامع حمایت از معلولین و اسناد بین‌المللی». *مجله مطالعات ناتوانی*. دوره ۸. شماره ۱۱۶. صص: ۹-۱.
- صادقی فسائی، سهیلا؛ فاطمی‌نیا، محمدعلی. (۱۳۹۴). «معلولیت؛ نیمه پنهان جامعه: رویکرد اجتماعی به وضعیت معلولین در سطح جهان و ایران». *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*. سال پانزدهم. شماره ۵۸. صص: ۱۵۷-۱۹۲.
- صداقت طالبی، مریم. (۱۳۹۳). «زیارت برای همه (مناسب‌سازی حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) با تأکید بر استفاده معلولان جسمی - حرکتی)». *اولین همایش بین‌المللی علمی راهبردی توسعه گردشگری جمهوری اسلامی ایران*. چالش‌ها و چشم‌اندازها. صص: ۱۸۱۲-۱۸۲۵.
- قبادیان، بهمن. (۱۳۹۶). «میزان سازگاری تأسیسات اقامت گاهی گردشگری ایران با نیازهای معلولین حرکتی (مورد مطالعه: هتل‌های ۲، ۳ و ۴ ستاره استان زنجان)». *دوماهنامه مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه*. سال دوم. شماره پنج (پیاپی هفت). صص: ۷۸-۹۲.
- مجیدی، فاطمه‌السادات؛ تیموری، سیاوش. (۱۳۹۰). «مطالعه موردی خیابان چهارباغ جهت اصلاح دسترسی جانبازان و معلولین (جسمی - حرکتی)». *نشریه طب جانباز*. شماره ۱۱. صص: ۳۶-۴۴.
- محمدی، ریحانه؛ کامران، فریده؛ درمچی، زینب. (۱۳۹۷). «بررسی کیفیت خدمات گفتار درمانی در درمانگاه توان‌بخشی دانشگاه علوم پزشکی ایران با استفاده از مدل سروکوال». *نشریه مدیریت سلامت*. شماره ۷۴. صص: ۱۰۱-۱۱۴.
- محمودی، آزاده؛ تبریزی دهنو، زهرا. (۱۳۹۶). «ایجاد همسان‌سازی افراد معلول در کنار افراد عادی». *چهارمین کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین علوم و تکنولوژی*. صص: ۱-۹.
- مقامی، امیر؛ امیرشاکرمی، مریم‌سادات. (۱۳۹۷). «حق تفریح معلولین در پرتو اسناد بین‌المللی». *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*. دوره دهم. شماره اول. صص: ۳۰۵-۳۴۴.
- میقاتی، ناصر. (۱۳۷۳). *مناسب‌سازی سیستم حمل و نقل شهری جهت معلولان*. وزارت کشور. تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری.
- میمندی پاریزی، صدیقه. (۱۳۹۱). «فضاهای سبز تفریحی، اوقات فراغت شهروندان، حضور معلولین در این فضاها». *نشریه*

جستارهای شهرسازی. شماره‌های ۳۷ و ۳۸. صص: ۱۸-۲۵.

- نیاتیان، الهام؛ قمرانی، امیر؛ ذاکریان، مجتبی؛ مهدیزاده، ایرج. (۱۳۹۲). «رابطه سلامت معنوی با کیفیت زندگی جانبازان و معلولین شهر بیرجند». مجله علمی پژوهشی طب جانباز. سال پنجم. شماره ۱۸. صص: ۳۵-۳۹.

- Var, T., Yeşiltaş, M., Yayli, A., & Öztürk, Y. (2011). A Study on the Travel Patterns of Physically Disabled People. *Asia Pacific Journal of Tourism Research*, 617-599 (6)16.
- Yau, M. K., McKercher, B., & Packer, T.L. (2004). Traveling with a Disability: more than an access issue. *Annals of Tourism Research*, 960-949, (4) ,31.
- Taylor,Z, Jozefowicz,I.(2012). Intra-urban daily mobility of disabled people for recreational and leisure purposes. *Journal of Transport Geography*, 172-24:155.
- Hashim,A , Samikon,S Faridah.(2012). Access and Accessibility Audit in Commercial Complex:Effectiveness in Respect to People with Disabilities (PWDs). *Journal of Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 461-50:452.
- Darcy, S., & Pegg, S. (2011). Towards Strategic Intent: Perceptions of Disability Service Provision amongst Hotel Accommodation Sector Managers. *International Journal of Hospitality Management* .476-468 ,(2) ,30.
- Danielle Coleman T .(1997). Religious Institutions and Wheelchair Accessibility for Person with Disability [Online]. ; Available from: URL: www.TouroBio-Med.Lib.com.
- Goodley, D. (2011). *Disability Studies: An Interdisciplinary Introduction*. London: SAGE



تدوین ساختار فعالیت‌های فوق برنامه مدارس

با توجه به سیره امام رضا (علیه السلام)

دریافت: ۱۳۹۹/۴/۲۷ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۲۷

حبیب الله تقی پور سهل آبادی^۲، عفت عباسی^۳، مرجان کیان^۴، محمدعلی رضایی کرمانی نسب پور^۵

چکیده

هدف این مقاله تدوین و ارائه ساختار فعالیت‌های فوق برنامه مدارس با تاکید بر سیره و روش تربیتی امام رضا (علیه السلام) است. روش مطالعه، تحلیل محتواست و جامعه پژوهش شامل پژوهشگران و استادان دانشگاهی خبره در حوزه آموزش و پرورش همچنین استادان حوزه علمی متخصص در مبنای سیره رضوی است. نمونه تحقیق ۱۷ نفر از میان خبرگان مذکور به صورت هدفمند و به شیوه گلوله برفی انتخاب شد و مورد مصاحبه نیمه ساختارمند قرار گرفتند. شیوه مصاحبه در مرحله اول با متخصصان حوزه برای کدگذاری مضامین و مفاهیم از متن و در مرحله دوم مصاحبه با متخصصان دانشگاهی به منظور تایید کدهای انتخابی متناسب با فعالیت‌های فوق برنامه مدارس بود. بر اساس یافته‌ها، در ساختار فوق برنامه مدارس متناسب با سیره رضوی، ابعاد و مولفه‌های برنامه شناسایی شده، سرفصل مطالب و روش‌های اجرایی هر کدام بیان شد. با توجه به نتایج این پژوهش، برای فعالیت‌های فوق برنامه مدارس منطبق با سیره رضوی، استفاده از روش‌های اجرایی همانند برگزاری اردو و سفر علمی، جلسات مباحثه و مناظره، مطالعه و تحقیق گروهی، عبادت و ... در بخش‌های مختلف پیشنهاد شد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل محتوا، سیره تربیتی رضوی، فعالیت‌های فوق برنامه درسی، مدارس، مضامین تربیتی.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکترای نویسنده اول است.
۲. دانشجوی دکترای دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: habibollahtaghipour@yahoo.com
۳. استادیار گروه مطالعات برنامه درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): e.abbasi@khu.ac.ir
۴. دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: kian@khu.ac.ir
۵. دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران: rezai@um.ac.ir

مقدمه

در تعریف فعالیت‌های فوق برنامه می‌توان این فعالیت‌ها را مجموعه تلاش‌هایی دانست که از ناحیه کودکان و نوجوانان با هدایت و برنامه‌ریزی و نظارت مربیان صورت می‌گیرد تا استعدادهای فردی که به شکل بالقوه در نهاد آنان است، آشکار و بر توانمندی آنان افزوده شود؛ از سوی دیگر با کسب مهارت‌های زندگی در زندگی اجتماعی جامعه آماده می‌شود تا آنان بتوانند ضمن ادامه حیات، برای خود و دیگران مفید باشند و تاثیر مثبتی در زندگی فردی و جمعی بگذارند. این فعالیت‌ها را می‌توان با مولفه‌هایی چون برگزاری اردو و سفر علمی، جلسات مباحثه و مناظره، مطالعه و تحقیق گروهی، عبادت، سخنرانی، ایفای نقش معرفی کرد (غلامزاده و جاربی، ۱۳۹۶: ۵۱۵).

امروزه بروز ناهنجاری‌های رفتاری و بی توجهی به مقررات، ارزش‌ها و انضباط اجتماعی و بی توجهی به حقوق شهروندان از جمله نشانه‌های خلأ در نظام تعلیم و تربیت است که تأثیرگذاری آموزش‌های ارائه شده در زمینه موضوعات اجتماعی را با تردید مواجه کرده است.

وقتی وضع موجود در نظام تعلیم و تربیت از جمله مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان، خروجی رفتار شاگردان پس از طی زیباترین ایام خود در مدرسه، شیوه دوست‌یابی، نحوه احترام به قوانین، چگونگی گذراندن اوقات فراغت، مهارت تفکر، مهارت حل مسئله و... را مشاهده می‌کنیم به خصوص دغدغه‌ای که اولیا و دانش‌آموزان مدارس از رفتارهای دینی فرزندان خود دارند و مشاهدات عینی رفتاری، آسیب‌های رفتاری و گزارش کانون‌های تربیتی و مراکز مشاوره و همه متولیان تعلیم و تربیت را متوجه این مسئله مهم کرده است که چالش‌های اساسی در حوزه فعالیت‌های پرورشی وجود دارد. چالش‌هایی چون نبود شاخص‌های هنجاری و ابهام در توقعات از تربیت دانش‌آموزان، چالش ساختار و چارچوب در فوق برنامه مدارس، نبود تناسب و همسویی برنامه‌های آموزشی کتب درسی و محتوای فعالیت‌های فوق برنامه مدارس، چالش فعالیت‌های مقطعی، احساسی، سطحی و ظاهری فوق برنامه‌های مدارس و توجه به گزارش‌ها و مستندات ظاهری و سطحی. به

نظر می‌رسد دلیل بسیاری از چالش‌ها، کاستی‌ها و مسائلی که آموزش و پرورش ما با آن دست و پنجه نرم می‌کند، ریشه در مبانی نظری این نظام دارد؛ زیرا این مبانی با اعتقادات، باورها، انتظارات و فرهنگ مردم مومن و خداجوی ما همخوانی ندارد» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰: ۱۴). از طرفی «چون فعالیت‌های فوق برنامه در راستای برنامه‌های رسمی مدارس به دنبال حیات طیبه انسانی و جامعه صالح است باید از چارچوب بنیادی و اصول آن بر اساس دین و آموزه‌های دینی برخوردار باشد (همان: ۲۹۹). متأسفانه در مدارس کشور به این ظرفیت و پتانسیل بی‌نظیر توجه جدی نشده و عموم آموزش‌ها بر پایه روش‌های سنتی متکی بر فعال بودن معلم و منفعل بودن دانش‌آموزان طراحی و اجرا می‌شود (نادری و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۳).

بنابراین راه برون‌رفت از این مشکلات و چالش‌ها داشتن فوق برنامه‌های مناسب است تا از طریق آن‌ها به دنبال تحقق اهداف نظام آموزشی و استفاده از سیره امامان و معصومین (علیهم‌السلام) در این گونه برنامه‌ها بود. برای نمونه در اندیشه‌های تربیتی امام رضا (علیه‌السلام) می‌توان عبادت اصلی را در افزایش اندیشیدن و بهره‌وری از خرد ملاحظه کرد. چنانکه در این زمینه می‌فرمایند: «عبادت به زیادی روزه و نماز نیست؛ بلکه فقط بسیار اندیشیدن در امر خداوند است» (دهقان سرخ آبادی و کرامتی، ۱۳۹۶: ۴۲).

لذا با نگاهی به مقوله فعالیت‌های فوق برنامه، ویژگی‌ها و آثار مثبتی که در جذب دانش‌آموزان و گرایش آن‌ها به سمت تربیت دارد، به چند دلیل از سیره امام رضا (علیه‌السلام) برای تدوین ساختار فعالیت‌های فوق برنامه مدارس می‌توان بهره برد:

۱. با توجه به استدلال فوق، همانند مطالعه جامعی که از زندگی امام رضا (علیه‌السلام) توسط غلامعلی (۱۳۹۳) صورت گرفته است، به مطالعه زندگی شخصی امام مثل اخلاق در منزل، عبادت، خوراک و بهداشت پرداخت؛ به طوری که نظام تعلیم و تربیت با بهره‌مندی از نتایج آن‌ها برای هر فرد در هر بخش از زندگی، توصیه‌های مبتنی بر سیره امام را ارائه داد که رعایت آن‌ها تمرین مهارت زندگی است. از طرفی با توجه به اینکه یکی از فعالیت‌های مهم و اساسی در مدارس در قالب برنامه فرهنگی و زیارتی به مشهد مقدس

و زیارت امام رضا (علیه السلام) صورت می گیرد، با آگاهی از سیره امام رضا (علیه السلام) می توان به طور ملموس و تجربی معیارها و شاخص های چگونگی اجرای فعالیت های فوق برنامه را از زندگی امام رضا (علیه السلام) به آنان آموخت و مصداق تبلور این حدیث امام (علیه السلام) شد که اگر مردم زیبایی های سخن ما را می شناختند، بی شک از ما پیروی می کردند (ابن بابویه، ۱۳۷۷: ۱۸۰). قصد ما این است که با معرفی شاخص و میزان علمی و دینی مثل سیره امام رضا (علیه السلام) برای دانش آموزان الگوی خوبی در اعتبار بخشی فعالیت های فردی و جمعی شاگردان در مدارس فراهم کنیم.

۲. پیرو مورد قبلی برنامه ریزان و متولیان فعالیت های فوق برنامه مدارس می توانند از تحقیقات و پژوهش های بسیار معتبر و غنی که در راستای سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) صورت گرفته به عنوان شاخص در انجام فعالیت های فوق برنامه مدارس بهره بگیرند. به همت محققان و علاقه مندان به ساحت قدسی حضرت رضا (علیه السلام) از طریق مطالعه سیره آن حضرت در زمینه مهارت های زندگی از جمله مهارت تفکر، مهارت سخن گفتن، مهارت انتقاد و مهارت مباحثه می توان کاربرد آن را در زندگی و در فعالیت های فوق برنامه مدارس مورد توجه قرار داد.

۳. همچنین قصد محقق از ورود به سیره امام رضا (علیه السلام)، پیوند آن با فعالیت های فوق برنامه مدارس، به عنوان یکی از راه های برون رفت از چالش های موجود در تربیت از جمله ناهمخوانی مبانی نظری نظام تربیتی با اعتقادات، باورها انتظارات و فرهنگ مردم مومن و خداجوی است.

بنا به چالش ها و دلایل یاد شده در شرایط عصر حاضر، جامعه اسلامی به ویژه کشور ما برای رشد و بالندگی خود باید از سیره تربیتی معصوم (علیه السلام)، از جمله مضامین و ویژگی های روش تربیتی امام رضا (علیه السلام) به عنوان الگو و مبنا در جهت رفع چالش های موجود بهره مند شود؛ چرا که یکی از اهداف تربیتی امامان معصوم (علیه السلام) و از جمله امام رضا (علیه السلام) در تعلیم و تربیت، توجه دادن مسلمانان به اخلاق، آداب اجتماعی، تقوای الهی و رشد تربیت دینی است (محمدی ری شهری، ۱۳۹۵: ۸۲۷). از این جهت در نظام تعلیم

و تربیت می‌توان با بهره‌مندی از سیره تربیتی ائمه معصوم از جمله امام رضا (علیه السلام)، به عنوان پشتوانه و سرمایه معنوی و الهی و با معیار قرار دادن آن در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان گام‌های ارزشمند و موثری برداشت. در این میان رسالت نظام آموزش و پرورش در ترویج تعلیم و تربیت اسلامی حائز اهمیت است؛ در این زمینه ارائه ساختار فعالیت‌های فوق برنامه بر مبنای مضامین و ویژگی‌های روش تربیتی امام رضا (علیه السلام) می‌تواند زمینه رفع برخی نابسامانی‌ها از جمله بزهکاری به ویژه در نوجوانان، افزایش اعتیاد به ویژه در جوانان و نوجوانان، کاهش جایگاه و ارج خانواده، افزایش آلودگی و نابودی محیط زیست، گسترش دامنه تقلب، کلاهبرداری و فریبکاری در روابط اجتماعی افراد که خود موجب افزایش بی‌اعتمادی بین افراد جامعه است، کاربردهای نادرست و غیر اخلاقی وسایل ارتباطی جدید مانند تلفن همراه، گسترش بد اخلاقی در حوزه آموزش و پژوهش، بهره‌گیری نادرست و غیر اخلاقی از شبکه تارنمای جهانی (اینترنت) را فراهم سازد. علاوه بر این از طریق فعالیت‌های فوق برنامه در مدارس می‌توان زمینه یادگیری نظم و مقررات اجتماعی، ارزش‌ها و انضباط اجتماعی را بین جامعه دانش‌آموزان ایجاد کرد؛ به طوری که بتوان برای سلامت و دور شدن از آلودگی‌ها و ناهنجاری‌ها، با روش پیشگیرانه در جهت حفظ ارزش‌های اخلاقی گام برداشت.

درباره بهره‌مندی از زندگی و سیره تربیتی امامان معصوم (علیهم السلام) از جمله اندیشه‌های تربیتی امام رضا (علیه السلام) مطالعات دیگری هر چند اندک از منظرهای متنوعی صورت گرفته است. از آن جمله طبق یافته‌های مطالعه دهقان سرخ‌آبادی و کرامتی (۱۳۹۶) که به بررسی روش‌های آموزشی در سیره رضوی پرداخته بودند، به پنج روش تدریس شامل آموزش انفرادی، بحث گروهی، پرسش و پاسخ، مناظره و عبرت‌آموزی بر اساس سیره رضوی پرداخته شده است. همچنین طبق مطالعه میرزاحمدی و همکاران (۱۳۹۶) و نیز پژوهش قمقامی و همکاران (۱۳۹۴) با بررسی و بازشناسی آموزه‌های تربیتی امام رضا (علیه السلام) چنین نتیجه گرفته‌اند که هدف تربیت از نظر امام رضا (علیه السلام) و نیز سیره پیامبر اسلام، رشد تمام ابعاد وجودی انسان است. علاوه بر این‌ها در پژوهش مسعودیان و بهشتی (۱۳۹۱) اهداف و اصول و روش‌های تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه و در پژوهش محمدی

پویا و همکاران (۱۳۹۴) محتوای نهج البلاغه در زمینه آموزش و پرورش بررسی شده و مولفه‌های مختلف اعتقادی و عبادی، اجتماعی و سیاسی، تربیت زیستی و ظاهری، زیبایی‌شناختی و هنری، اقتصادی و حرفه‌ای و علمی و فناوری بخش‌بندی شده است. همچنین رضوی دوست و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه خود به بررسی بایسته‌های اخلاقی زندگی خانوادگی از منظر امام رضا (علیه السلام) پرداخته‌اند. به طور کلی این موارد شامل تربیت فرزندان، تامین معیشت خانواده، نقش مدیریتی در خانواده، رفتار مناسب نسبت به مهمانان است؛ طبق پژوهش صمدی و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان بررسی روش‌های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) و پژوهش نجفی و همکاران (۱۳۹۳) که به بررسی روش‌های تربیت اخلاقی در سیره رضوی پرداخته‌اند، روش‌هایی را مطرح کرده‌اند که شامل چهار عنوان کلی است: ۱. روش‌های زمینه‌ساز: پرهیز از معاشرت با صاحبان رذایل، ایجاد فضای اخلاقی در جامعه، محبت و احسان، جذب و آراستگی. ۲. روش‌های آگاهی و بصیرت اخلاقی: الف. روش‌های آشنا کردن متربی با آموزه‌های اخلاقی: آموزش اصول و معیارهای اخلاقی، تبیین موانع رفتارهای اخلاقی و راه‌های غلبه بر آن، بیان عواقب و پیامدهای رفتارهای اخلاقی و ضد اخلاقی، بیان داستان‌های اخلاقی. ب. روش‌های پرورش تفکر اخلاقی: تشویق به تفکر در مسائل اخلاقی، تشویق به تفکر قبل از اقدام به عمل، بحث و گفت‌وگو در مسائل اخلاقی. ۳. روش‌های پرورش گرایش‌ها و عادات مطلوب: میل و رغبت در برابر خوف و ترس، تحریک انگیزه‌های ایمانی، ارائه الگو، توصیه به تحمیل رفتارهای پسندیده بر نفس، امر به فضیلت‌ها و نهی از رذیلت‌ها، نظارت و مراقبت. ۴. روش‌های اصلاح رذایل: شناخت روحیه متربی، اغماض و چشم‌پوشی و برخورد قاطع.

با اتکا به نتایج مطالعات مذکور و بر مبنای آنچه پیشتر در مقوله فعالیت‌های فوق برنامه مدارس گفته شد، با توجه به اینکه این قبیل برنامه‌ها ویژگی‌ها و آثار مثبتی در جذب دانش‌آموزان و گرایش آن‌ها به سمت تربیت دارد، لازم است به طراحی و ارائه سرفصل‌های مناسب در فعالیت‌های فوق برنامه مدارس از منظر اندیشه‌های تربیتی امام معصوم و مشارکت دانش‌آموزان در اجرای این برنامه‌ها اقدام کرد و دانش‌آموزان

را در مواجهه با مشکلاتی چون ناهنجاری‌های رفتاری و عدم توجه به مقررات، ارزش‌ها و انضباط اجتماعی در مدارس و بی توجهی به حقوق شهروندان آماده ساخت و از رفتارهای هنجارشکن آسیب‌زا و آسیب‌پذیر در دوران جوانی تا حد قابل توجهی پیشگیری کرد.

با توجه به چنین استدلالی مبنی بر ظرفیت‌ها و قابلیت‌های یاد شده برای فعالیت‌های فوق برنامه مدارس و بر اساس مسائل مطرح شده، هدف پژوهش حاضر تدوین و ارائه ساختار فعالیت‌های فوق برنامه مدارس با تاکید بر سیره و روش تربیتی امام رضا (علیه السلام) است.

روش پژوهش

در این مطالعه کیفی از روش تحلیل محتوا استفاده شد. تحلیل محتوا روشی برای شناسایی، تحلیل و گزارش مضامین موجود در داده هاست. این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (98: Braun & Clarke). لذا برای دستیابی به هدف تحقیق به منظور استخراج ساختار نظری برای فعالیت‌های فوق برنامه مدارس با تاکید بر سیره و روش تربیتی امام رضا (علیه السلام)، محتوای کتب و منابع مربوط به سیره و روش تربیتی امام معصوم (علیه السلام) از نظر سرفصل‌های فوق برنامه در مدارس بررسی شد.

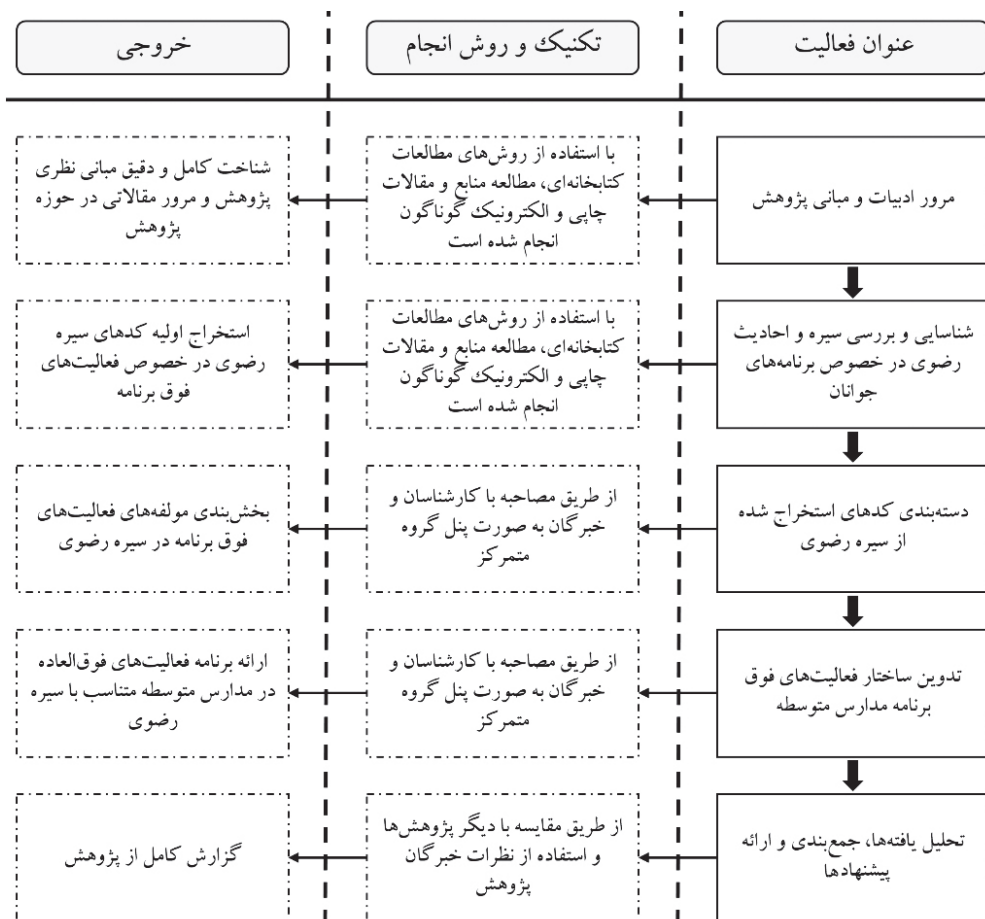
جامعه پژوهش شامل پژوهشگران و استادان دانشگاهی خبره در حوزه آموزش و پرورش و همچنین استادان حوزه علمیه است که به مباحث و مبانی سیره رضوی آشنایی و آگاهی داشتند. چون پایگاه داده مناسبی برای تعیین این گروه از خبرگان در دسترس نبود، برای جمع‌آوری نمونه از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد (جدول ۱).

جدول (۱). آمار توصیفی خبرگان پژوهش

ردیف	معیار	دسته	تعداد	درصد
۱	جنسیت	زن	۲	٪۱۲
۲		مرد	۱۵	٪۸۸
۳	آخرین مقطع تحصیلی	کارشناسی ارشد	۳	٪۱۸
۴		استادان حوزه علمیه	۶	٪۳۵
۵		دکتر	۸	٪۴۷
۷	رده سنی	۳۱-۴۰ سال	۶	٪۳۵
۸		۴۱-۵۰ سال	۸	٪۴۷
۹		بیش از ۵۰ سال	۳	٪۱۸
۱۰	سابقه پژوهش و فعالیت	۵-۱۰ سال	۷	٪۴۱
۱۱		۱۰-۲۰ سال	۶	٪۳۵
۱۲		بیش از ۲۰ سال	۴	٪۲۴

برای جمع آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد، به این دلیل که در این روش علاوه بر امکان تبادل نظرها، می توان بحث درباره موضوع را در دستیابی به اهداف پژوهش هدایت کرد. بر این اساس ابتدا از طریق مصاحبه با شش تن از خبرگان و استادان حوزه علمیه در مرحله نخست کدهای استخراج شده از منابع سیره رضوی دسته بندی شد و در مرحله بعد با هدف پاسخ به اعتبارسنجی کدها و موارد شناسایی شده از منابع سیره رضوی از نظر تایید کدهای انتخابی متناسب با فعالیت های فوق برنامه مدارس، بر اساس نظرات ۱۱ تن از خبرگان و استادان دانشگاه ساختار فوق برنامه مدارس مبتنی بر سیره رضوی بررسی و تدوین شد. درخور ذکر است در این راستا، قبل از مصاحبه با استادان حوزه و دانشگاه منابعی از جمله عیون اخبار الرضا، فقه الرضا، مسندالامام الرضا، بحار الانوار، الحیاه، اصول کافی، منتهی الآمال، میزان الحکمه، وسائل الشیعه، مجالس صدوق، حکمت های رضوی، تحف العقول، فروع کافی، الحجه، الحدیث، مستدرک الوسائل، کامل الزیارات، المحاسن، مکارم الاخلاق، تهذیب الاحکام و الارشاد به طور دقیق بررسی و کدهای مربوطه استخراج شد.

در شکل زیر، ساختار کلی گام‌های پژوهش نشان داده شده است.



شکل (۱) گام‌های پژوهش

در فرایند اعتبار بخشی داده‌ها اقدامات زیر مورد توجه قرار گرفت:

برای افزایش قابلیت اعتماد یافته‌های پژوهش، پروتکل مصاحبه شامل شیوه شروع مصاحبه، ورود به بحث و سیر پرسش‌ها تدوین و در طول مصاحبه‌ها راهنمای پژوهشگر در مصاحبه بود تا پراکنده‌گویی و نوسان زیاد در مصاحبه‌ها اتفاق نیفتد. از سوی دیگر،

با مشخص کردن محورهای اصلی مصاحبه و آزاد بودن پژوهشگر برای طرح پرسش‌های خود در هر محور، روایی پژوهش نیز حفظ شده است. مستقل بودن پژوهشگر نسبت به موضوع پژوهش و حذف تعصب و پیش‌فرض‌های غیر لازم، مهم‌ترین عنصر پایایی در پژوهش‌های کیفی است (دانایی فرد و مظفری، ۱۳۷۷). علاوه بر این، در این مطالعه امکان مرور تطبیقی داده‌های به دست آمده از منابع مختلف فراهم شد که این امر به بهبود اعتمادپذیری داده‌ها کمک کرد. همچنین استفاده از نظرات ۱۷ تن به اعتبار کدها و موارد شناسایی شده از منابع سیره رضوی افزود.

یافته‌ها

در بخش مطالعه نظری، ابتدا طبق اطلاعات جدول (۲)، یافته‌های نظری در قالب کدها و مضامین کلیدی از منابع استخراج شد. این کدها، در مرحله اول خام بوده و در مراحل بعدی به طور دقیق بررسی و تحلیل و موارد تکراری حذف شد. در بخش مصاحبه با خبرگان به منظور پاسخ به اعتبارسنجی کدها و موارد شناسایی شده از منابع سیره رضوی و همچنین تایید کدهای انتخابی متناسب با فعالیت‌های فوق برنامه مدارس، بر اساس نظرات ۱۱ تن از خبرگان و استادان دانشگاه ساختار فوق برنامه مدارس مبتنی بر سیره رضوی بررسی و تدوین شد که بر مبنای آن در جدول زیر ساختار فوق برنامه مدارس متناسب با سیره رضوی تهیه شد. در خور ذکر است در ستون اول و دوم، ابعاد و مولفه‌های شناسایی شده در سیره رضوی بیان شده، در ستون سوم سرفصل برنامه‌ها و در ستون چهارم منبع هر کدام ذکر شده است.

جدول (۲). ساختار فوق برنامه مدارس متناسب با سیره رضوی بر مبنای تایید کدهای انتخابی توسط خبرگان

منبع	سرفصل برنامه‌ها بر مبنای مضامین کلیدی سیره رضوی	کدباز (مضامین کلیدی)	بعد
(ابن بابویه، ۱۳۹۲: ۵۶۵)	ادعیه و زیارت ائمه	پیوند با اهل بیت (علیهم‌السلام)	خودسازی
	آشنایی با سیره و زندگی ائمه		
(فقه الرضا، ۱۴۰۶ ق. : ۳۸۰)	ایجاد روحیه حریت و آزادگی	ایجاد روحیه جهادی	
	تعهد		
	انگیزه و اشتیاق		
(فقه الرضا، ۱۴۰۶ ق. : ۳۸۰)	شناخت جهاد اکبر	جهاد اکبر	
	پرورش جهاد اکبر در دوران جوانی		
(عطاردی، ۱۳۹۱: ۳۸۲)	شناخت شرایط امر به معروف و نهی از منکر	ایجاد روحیه امر به معروف و نهی از منکر	
	شناخت روش‌های امر به معروف و نهی از منکر		
	آشنایی با برکات امر به معروف و نهی از منکر		
(عطاردی، ۱۳۹۱: ۱۴۹)	روش‌های خویش‌داری	افزایش ظرفیت شخصی و خویش‌داری	
(مجلسی، ۱۳۸۹: ۳۵۲)	اهمیت محاسبه نفس در خودسازی	محاسبه نفس	
	روش‌های محاسبه نفس		

توانایی تصمیم‌گیری و حل مساله	تصمیم‌گیری در مراحل مختلف	چگونگی تصمیم‌گیری در شرایط مختلف	(ابن بابویه، ۱۳۹۲: ۳۱۵)
	گزینش خردمندانه	شاخص‌های گزینش در حوزه‌های مختلف	(مجلسی، ۱۳۸۹: ۳۴ و حکیمی، ۱۳۸۰: ۵۵۸)
	توسل به اهل بیت (علیهم‌السلام) در تصمیم‌گیری‌ها	اهمیت توسل به اهل بیت در تصمیم‌گیری‌ها	(عطاردی، ۱۳۹۱: ۲۳۵)
		شیوه‌های توسل به اهل بیت در تصمیم‌گیری‌ها	
	دعا و نیایش در هنگام حل مسائل و تصمیم‌گیری	اهمیت دعا و نیایش در حل مسائل	(کلینی، ۱۳۹۲: ۴۶۹ و عطاردی، ۱۳۹۱: ۴۰)
		شیوه‌های دعا و نیایش در حل مسائل	
روابط اجتماعی	ریزبینی و توجه بالا	شناخت ابعاد ریزبینی در حل مسائل	(قمی، ۱۳۹۰: ۲۶۳ و ۲۶۴)
		شیوه‌های بررسی و تحلیل در حل مسائل	
	روحیه انتقادپذیری	شناخت اسلامی و رضوی روحیه انتقادپذیری	(عطاردی، ۱۳۹۱: ۴۵۶)
		روش‌های ایجاد روحیه انتقادپذیری	
	دوری از خودستایی و غرور	شناخت ابعاد و حوزه‌های فروتنی در لایه‌های مختلف اجتماع	(ابن بابویه، ۱۳۹۲: ۸۴)
	قدردانی و تشکر از خوبی دیگران	اهمیت تشکر از خوبی‌های همدیگر	(عطاردی، ۱۳۹۱: ۲۹۹)
		آموزش تشکر از همدیگر به صورت عملی	
	صله رحم	اهمیت صله رحم	(عطاردی، ۱۳۹۱: ۲۸۶)
		شناخت صله رحم	
		چگونگی اجرای صله رحم طبق اصول رضوی	

روابط اجتماعی	دوست‌یابی	اهمیت پیدا کردن و نگهداشتن دوست روش‌های دوست‌یابی و نگهداری صحیح دوست	(فقه الرضا، ۱۴۰۶: ق. ۳۳۸ و ابن شعبه حرانی، ۱۳۹۳: ۴۴۲)
	پرهیز از خصومت و دشمنی با دیگران	شناخت اهمیت و روش‌های دوری از دشمنی با دیگران	(حر عاملی، ۱۳۸۶: ۸۲)
	دوستی و محبت با مردم	شناخت اهمیت و روش‌های دوستی و محبت با مردم	(عطاردی، ۱۳۹۱: ۲۸۵)
	هم‌زبانی و هم‌اندیشی	روش‌های هم‌زبانی و هم‌اندیشی با هم‌دیگر	(ابن بابویه، ۱۳۹۲: ۲۵۲)
	کار گروهی	اهمیت کار گروهی ضوابط و شرایط کار گروهی در سیره رضوی	(عطاردی، ۱۳۹۱: ۲۸۶)
	مشورت دادن و مشورت گرفتن	اهمیت و چگونگی مشورت دادن اهمیت و چگونگی مشورت گرفتن	(عطاردی، ۱۳۹۱: ۲۸۶)
	مهمان‌نوازی	اهمیت و برکات و شرایط مهمان‌نوازی	(کلینی، ۱۳۹۲: ۲۸۳)
	عدالت‌خواهی برای همه ادیان	رعایت عدالت در مراوده با دیگر ادیان	(ابن بابویه، ۱۳۹۲: ۱۸)
	استقلال و اثرنپذیرفتن از فشارهای اجتماعی	اهمیت و فواید استقلال یافتن شرایط و رویکردهای استقلال یافتن	(عطاردی، ۱۳۹۱: ۴۵۶)
	صبر و بردباری	اهمیت و فواید صبر شرایط ایجاد و رشد صبر و بردباری	(عطاردی، ۱۳۹۱: ۲۷۳ و ۲۵۸)
رشد شخصیتی	رفتار هوشمندانه با بدخواهان	شناخت بدخواهان و رفتار با آن‌ها	(محدثی، ۱۳۹۶: ۵۳)
	مدیریت یاس و ناامیدی و امیدواری	روش‌های مدیریت یاس و ناامیدی ایجاد و تقویت روحیه امیدواری و انگیزه	(ابن بابویه، ۱۳۹۲: ۶۵۵ و ۶۵۶)

مدیریت اندوه و شادی	اصول مدیریت اندوه و شادی در سیره رضوی	(عطاردی، ۱۳۹۱: ۸۱ و ۲۶۰)
مدیریت خشم	روش های کنترل خشم	(صدرالدین شیرازی، ۱۳۹۴: ۳۱۴ و ۵۰۰)
کرامت و بخشش	اهمیت کرامت در زندگی دنیوی و اخروی	(عطاردی، ۱۳۹۱: ۲۹۹)
	اصول کرامت و بخشندگی در ابعاد زندگی	
ساده زیستی	اصول ساده زیستی در سیره رضوی	(ابن بابویه، ۱۳۹۲: ۱۹۲)
حفظ آبروی دیگران	اهمیت حفظ آبرو	(مفید، ۱۳۷۲: ۲۵۵)
	شیوه ها و اصول حفظ آبرو در سیره رضوی	
هم نشینی بازیردستان	چگونگی هم نشینی بازیردستان	(ابن بابویه، ۱۳۹۲: ۱۷۰)
رعایت آداب غذا خوردن	یادگیری آداب غذا خوردن	(برقی، ۱۳۷۴: ۲۰۰)
مدیریت زمان	اصول و شیوه مدیریت زمان به سبک رضوی	(عطاردی، ۱۳۹۱: ۸۴)
مهربانی و عطوفت	شیوه مهربانی و عطوفت با افراد مختلف	(عطاردی، ۱۳۹۱: ۴۵)
توانایی مذاکره کردن	اصول و روش های مذاکره در سیره رضوی	(ابن بابویه، ۱۳۹۲: ۳۱۳)
گوش فرادادن به دیگران	اهمیت ارتباط موثر و گوش فرادادن به دیگران	(محمدی ری شهری، ۱۳۹۵: ۹۴)
ارتباطات بین فردی	اهمیت و شرایط استغفار	(عطاردی، ۱۳۹۱: ۲۶۰)
	استغفار از خداوند بخشنده	
اتفاق	اصول رضوی اتفاق	(ابن بابویه، ۱۳۹۲: ۶۴۳)

ارتباطات بین فردی	نیت پاک	اهمیت نیت در زندگی	(کلینی، ۱۳۹۲: ۴)
	ترس از خدا	اهمیت و چگونگی ترس از خدا	(کلینی، ۱۳۹۲: ۵۰۲)
	صرفه جویی و جلوگیری از اسراف	الگوی صحیح مصرف و مقابله با اسراف	(کلینی، ۱۳۹۲: ۲۹۷)
	نشر قرآن و روایات ائمه	بررسی و نشر مفاهیم قرآنی و روایات ائمه	(ابن بابویه، ۱۳۹۲: ۳۰۷)
	گرامی داشت ایام مهم اسلامی	برگزاری مراسمی مانند عید غدیر و...	(طوسی، ۱۳۶۴: ۲۴)
	اهمیت نماز	خواندن نماز اول وقت	(قطب راوندی، ۱۳۶۸: ۳۳۷ و ابن بابویه، ۱۳۹۲: ۱۹۴-۱۹۶)
		اهمیت نماز نافله و مستحبی	
خانواده	برنامه‌های مستحبی	اهمیت روزه مستحبی، ختم قرآن و ذکر صلوات	(ابن بابویه، ۱۳۹۲: ۱۹۴-۱۹۶)
	احترام و نیکی به والدین	اهمیت احترام و نیکی به والدین	(عطاردی، ۱۳۹۱: ۲۶۸)
		روش‌ها و ابعاد احترام و نیکی به والدین	
رشد ظاهری	مرتب و زیبا بودن	اصول ظاهری رضوی	(طبرسی، ۱۳۷۰: ۷۲ و ابن بابویه، ۱۳۹۲: ۲۵۲)

در تدوین ساختار فوق برنامه مدارس مبتنی بر سیره رضوی ترتیب کار به این صورت بود که ابتدا از طریق مصاحبه با شش تن از خبرگان و استادان حوزه علمیه در مرحله نخست کدهای استخراج شده از منابع سیره رضوی با تایید شش تن از خبرگان و استادان حوزه علمیه دسته بندی شدند و در مرحله بعد از نظر تایید کدهای انتخابی متناسب با فعالیت‌های فوق برنامه مدارس، بر مبنای نظرات ۱۱ تن از خبرگان و استادان دانشگاه نسبت به تدوین ساختار فوق برنامه مدارس مبتنی بر سیره رضوی بررسی و اقدام شد و در ادامه از جهت نیل به اجرایی شدن برنامه مذکور، راهبرهای پیشنهادی از منظر استادان و خبرگان طبق جدول زیر ارائه شد.

جدول (۳). راهبردهای پیشنهادی و مجموعه عملیات تحت پوشش آن‌ها

راهبرد	مجموعه عملیات
راهبرد ۱ آموزش مربی	در ابتدا مربی طی یک دوره کوتاه مدت در خصوص موضوع ابعاد تربیتی حاصل از زندگی معصوم از جمله سبک زندگی امام رضا (علیه السلام) شناخت کافی حاصل کند. همچنین با توجه به سرفصل‌های فوق برنامه بتواند برای تهیه محتوای مرتبط با هر فصل اقدام کند.
راهبرد ۲ اتخاذ روش مناسب	مربی برای نیل به اهداف متناسب با محتوای هر سرفصل فوق برنامه، برنامه مناسب (مثال: ترتیب دادن یک سفر اردویی) را انتخاب می‌کند.
راهبرد ۳ آموزش و یادگیری	مربی با توجه به محتوای هر سرفصل فوق برنامه از طریق به کارگیری روش‌های مناسبی دانش‌آموزان را برای یادگیری آموزه‌های تربیتی امام معصوم ترغیب می‌نماید و آن‌ها به فعالیت‌های پیش‌بینی شده می‌پردازند و همچنین مربی در حین فعالیت دانش‌آموزان در صورت صلاح‌دید به فعالیت‌های پیش‌بینی نشده نیز توجه می‌کند.
راهبرد ۴ ارزشیابی	مربی هم‌ضمن فعالیت‌های فوق برنامه و هم در فرصت‌ها و زمان‌های دیگر به رفتارهای دانش‌آموزان توجه کند و اثر برنامه‌های اجرا شده را مورد بررسی و بازبینی قرار دهد.

در اینجا به عنوان نمونه از فعالیت‌های فوق برنامه به نحوه آموزش سبک زندگی بر مبنای سیره رضوی در یک برنامه سفر به شرح زیر ارائه می‌شود که متولیان و مجریان فوق برنامه مدارس می‌توانند با بهره‌گیری از متن احادیث و روایات و سیره امام رضا (علیه السلام) زمینه تحقق این گونه فعالیت‌ها را فراهم سازند.

• نمونه فعالیت فوق برنامه (سفر اردویی برای آموزش سبک زندگی بر مبنای سیره رضوی)

• رئوس برنامه:

۱. آموزش بهداشت تغذیه ۲. آموزش روابط اجتماعی سالم ۳. تقویت زندگی معنوی در دانش‌آموزان

• اجرا:

• شرح برنامه در بعد تغذیه:

در جریان سفری که از طرف مدرسه برای دانش‌آموزان تدریس شده است، حین سفر رعایت نکات بهداشتی در تغذیه دانش‌آموزان در دستور کار آموزش‌های مربی مدرسه خواهد بود؛ به این منظور حین سفر که دانش‌آموزان بخشی از سفر را به تغذیه می‌پردازند، مربی به احادیثی از حضرت رضا (علیه السلام) متوسل می‌شود و نکاتی را در خصوص بهداشت تغذیه به آن‌ها متذکر می‌شود. برای مثال در این برنامه سفر در یکی از وعده‌های غذایی مربی رو می‌کند و به دانش‌آموزان می‌گوید: امام رضا می‌فرمایند خدای تبارک و تعالی هر چیز سودبخش و نیرو دهنده جسم و تن را حلال و هر زیان آور و کشنده را حرام کرده است (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۶۲: ۱۶۶)؛ حضرت رضا (علیه السلام) می‌فرماید جسم همچون زمین پاک سبز است در صورتی که از حیث آباد کردن و آب دادن مراقبت شود به گونه‌ای که نه آن اندازه آب دهند که غرق شود و نه آن اندازه کم آب باشد که پژمرده و خشک گردد به این حالت آبادانی دوام می‌یابد و خیرش زیاد می‌شود و زراعت سود پیدا می‌کند و اگر درباره آن غفلت ورزند آن زمین تباه و بی حاصل می‌گردد و گیاه در آن می‌روید و در نهاد آدمی نیز همین گونه است یعنی اگر در حد اعتدال به آن رسیدگی و نیازهایش مرتفع شود تندرست و از بیماری‌ها در امان است (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۶۲: ۳۱۰)

مربی در موقعیت مناسب دیگر به دانش‌آموزان این پیام را می‌دهد: حضرت رضا (علیه السلام) می‌فرماید: چون گرسنه شوی بخور و زمانی که تشنه شدی بنوش که سبب تندرستی است (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۵۹: ۳۶۰) و نیز می‌فرماید پرهیز اساس هر دارو است و معده خانه هر درد است. جسم را عادت بده به هر آنچه استحکام و سامان بخشی بدن با آن محقق می‌شود و به چیزی که برای جسم مهم است و احساس نیاز می‌شود، پرداز (همان).

مربی نکته‌های کلیدی سخنان امام رضا (علیه السلام) را موقع صرف شام که برای سلامت دانش‌آموزان خیلی مهم است این گونه جمع‌بندی می‌کند: امام رضا (علیه السلام) چهار اصل اساسی در بهداشت و تغذیه مسلمانان را متذکر شده‌اند: ۱. اصل سود و زیان خوردنی‌ها برای جسم ۲. اصل مدیریت خوردن و آشامیدن با توجه به نیاز طبیعی بدن ۳. اصل پرهیز و پیشگیری ۴. اصل توجه به پیشگیری و درمان اسلامی.

مربی به دانش‌آموزان می‌گوید یکی از چیزهایی که در بهداشت غذا و تغذیه حضرت رضا (علیه السلام) به آن تاکید دارند جدول زمان‌بندی در خوردنی‌هاست. جدول زمانی که باید روزانه در خوردن غذا رعایت کنی به این ترتیب است: روزانه یک مرتبه وقتی که هشت ساعت از روز گذشته باشد یک وعده غذایی میل کن یا سه وعده غذا در مدت دو روز زمان‌های تعیین‌شده برای خوردن غذا باید رعایت گردد و غذا در همان وقت تعیین شود بدون اینکه جلو و عقب بیفتد میل شود. در خوردن غذا در صورتی که هنوز میل و اشتها داری دست از غذا بکش (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۵۹: ۳۱۱) مربی به این نکته هم اشاره می‌کند که درباره بهداشت غذا و تغذیه حضرت رضا (علیه السلام) در رساله ذهبیه خودشان به بیش از ۱۱۱ دستور درباره بایسته‌ها و نبایسته‌های خوردنی‌ها و انواع آن سفارش کرده است.

به این ترتیب دانش‌آموزان در طول سفر با الگو قرار دادن بیانات معنوی امام رضا (علیه السلام) در روش تغذیه خود دقت و با رعایت موازین بهداشتی به طور عملی تغذیه سالم را در سبک زندگی خود وارد می‌کنند.

• شرح برنامه در بعد آموزش روابط اجتماعی سالم

مربی در جریان سفر در موقعیت‌های مناسبی که پیش می‌آید به روابط اجتماعی سالم توجه دارد و دانش‌آموزان را با آشنا ساختن به آموزه‌های امام رضا (علیه السلام) در خصوص روابط اجتماعی سالم در این امر آن‌ها را راهنمایی می‌کند؛ به این ترتیب مربی در طی سفری که با دانش‌آموزان خواهد داشت در موقعیت‌های مناسبی که تشخیص می‌دهد موارد لازم را با الگو قرار دادن امام رضا (علیه السلام) برای تاثیر بر رفتار دانش‌آموزان و حاکم شدن روابط سالم بین دانش‌آموزان به آن‌ها بازگو می‌کند. لذا مربی از قول امام (علیه السلام) نکاتی را در موقعیت‌های مختلف برای دانش‌آموزان متذکر می‌شود.

برای مثال مربی با درکی که از بیانات امام رضا (علیه السلام) دارد، به دانش‌آموزان می‌گوید: انسان خود سرنوشت خود را می‌سازد؛ امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: بین خداوند و کسی

خویشاوندی وجود ندارد و انسان جز با عبادت خداوند به ولایت تو نمی‌رسد و در جایی دیگر امام رضا (علیه السلام) از قول پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند به واسطه اعمال خود نزد من بیاید نه به خاطر خویشاوندی که با من دارید (ابن بابویه، ۱۳۹۲، ج ۲: ۵).

ممکن است مربی در موقعیتی که پیش می‌آید به اخلاق محوری که یکی از اصل‌های مهم روابط اجتماعی پردازد و به بیان امام رضا در این باره استناد کند؛ آنجا که امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: در عبادت به زیادی نماز، روزه، حج و دیگر اعمال عبادی و زمزمه‌های شبانه انسان‌ها نگاه نکنید؛ بلکه به راستگویی و امانتداری آنان توجه کنید (همان). مربی در این سفر مولفه حق‌مداری و مسئولیت‌پذیری را برای دانش‌آموزان متذکر می‌شود و به بیان امام رضا (علیه السلام) توسل می‌جوید؛ آنجا که امام می‌فرماید کسی که رعایت حقوق برادران دینی نداشته باشد شیعه ما نیست (کلینی، ۱۳۹۲: ۳۴۵) همچنین مربی توجه دادن دانش‌آموزان به ارزش‌های اجتماعی را جزو برنامه خود می‌داند؛ امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: به خدا حسن ظن داشته باشید چرا که خداوند فرمود من به بنده مومن همان گونه نگاه می‌کنم که او به من نگاه می‌کند. اگر خوب نگاه کند خوب نگاهش می‌کنم و اگر بد نگاه کند بد نگاهش می‌کنم (فعالی، ۱۳۹۴: ۹۵)؛ مربی در حین مسافرت دانش‌آموزان را به شکر عملی (بخشش به دیگران) تشویق می‌کند؛ امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: اگر خداوند به کسی نعمتی بدهد و از آن نعمت به کسی بخشش کند خداوند نعمت او را زیاد می‌کند و افزایش نعمت دریغ ندارد (ابن بابویه، ۱۳۹۲، ج ۲: ۱۰۷) مربی در موقعیت‌های مناسب از جلوه‌های دیگر روابط اجتماعی سخن می‌گوید و دانش‌آموزان را به تلاش در آن زمینه‌ها تشویق می‌کند. مانند دعا کردن در حق همدیگر که مایع انس و الفت می‌شود. امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: مومنی نیست که برای برادران و خواهران مومن یا زنان و مردان مسلمان چه مرده و چه زنده آنان دعا کند مگر اینکه خداوند به ازای هر زن و مرد مومن برای هر دو تا دامنه قیامت حسن ثبت می‌کند (حر عاملی، ۱۳۶۸: ۴۲۴) در حدیث دیگر امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: هر کس در غیاب برادر مومن خویش برایش دعا کند از کناره‌های آسمان ندا می‌شود فلانی برای توست مانند آنچه برای برادرت درخواست کردیم و برای توست ۱۰۰ هزار برابر آن (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۵۹: ۳۸۶).

چنانکه ملاحظه می‌شود در جریان سفر مربی با این روش می‌تواند به اقتضای موقعیت‌های مناسبی که پیش می‌آید به روابط اجتماعی سالم دانش‌آموزان بپردازد و با آشنا ساختن آن‌ها به آموزه‌های امام رضاع در خصوص روابط اجتماعی سالم در این امر آن‌ها را راهنمایی کند و به این ترتیب مربی تاثیر این روش را بر رفتار دانش‌آموزان و حاکم شدن روابط سالم بین دانش‌آموزان شاهد باشد.

• شرح برنامه در بعد تقویت زندگی معنوی

مربی در جریان سفر اردویی به تشخیص خود، زمانی که دانش‌آموزان آماده می‌شوند تا در نماز جماعت شرکت کنند یا بعد از نماز به شاخص‌های اساسی برای ایجاد یک زندگی معنوی بر اساس بیانات حضرت رضا (علیه السلام) بیان اشاره می‌کند:

برای مثال مربی برای دانش‌آموزان از داشتن تقوا صحبت می‌کند و این‌گونه بیان می‌کند: امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: گناهان کوچک راه‌هایی به سوی گناهان بزرگ است. هر کس از گناهان کوچک نترسد از گناهان بزرگ نخواهد ترسید (ابن بابویه، ۱۳۹۲، ج ۲: ۱۸۰) در حدیث دیگری امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند بپرهیز از نردبانی که بالا رفتن آن آسان و پایین آمدش دشوار است. نفس سرکش را به میل و خواهش خود رها مکن؛ زیرا نابودی‌اش در رها کردن است (فعالی، ۱۳۹۴: ۴۲)

مربی در موقعیتی دیگر در حین سفر که دانش‌آموزان برای عبادت آماده شده‌اند، می‌گوید: رعایت اخلاق از نظر امام رضا (علیه السلام) برای زندگی معنوی بسیار مهم است؛ امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند خلق نیکو را از دست ندهید چرا که اخلاق نیکو جایش در بهشت است و از خوی بد دوری کنید زیرا جایش دوزخ است (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۶۷: ۳۸۶). در جای دیگر امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: کسی که تقوا داشته باشد دوستدار خداست و خداوند دوستداران خویش را خوار نمی‌سازد (فعالی، ۱۳۹۴: ۵۰).

در اینجا مربی برای دانش‌آموزان مصداق‌های تقوا را مورد توجه قرار می‌دهد و به آن‌ها

می‌گوید: از مصداق‌های تقوا می‌توان توجه به آیات و نشانه‌های الهی، حفظ حقوق دیگران، اعتدال و میانه‌روی در زندگی، بردباری، تواضع و فروتنی دانست. مربی در جایی دیگر به عامل معنوی ارتباط بنده با خدا اشاره می‌کند و قول امام رضا (علیه السلام) را بیان می‌کند که می‌فرماید: همانا عبادت ۷۰ در هست که ۶۹ در آن در رضا و تسلیم در برابر خدا و رسول و اولی الامر است (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۱۲). از جلوه‌های بندگی می‌توان به ذکر خدا، نماز، دوری از گناه، عبادت، بخشش، نفع‌رسانی و خدمت به مردم، ارتباط با خویشان، آشتی دادن میان مسلمانان است.

در این برنامه سفر، مربی با علم به اینکه ممکن است در طول سفر برخی دانش‌آموزان از هم دلخور شوند و ناراحتی پیش بیاید برای ایجاد الفت و کمک دانش‌آموزان به همدیگر به فرمایش امام (علیه السلام) متوسل می‌شود و به دانش‌آموزان می‌گوید: امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید آشتی میان دو نفر برتر از یک سال نماز و روزه است (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۶۲: ۴۳). همچنین مربی با توسل به همین بیان زیبای امام رضا (علیه السلام) برای نفع‌رسانی دانش‌آموزان به همدیگر در طول سفر دانش‌آموزان را به انفاق قلبی، گذشت و مدارا، تغافل و چشم‌پوشی، عدم رشک، انفاق مالی، بخشش زبانی و اخلاص در عمل دعوت می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف تدوین و ارائه ساختار فعالیت‌های فوق برنامه دانش‌آموزان مدارس با بهره‌گیری از سیره امام رضا (علیه السلام) انجام گرفت. در این پژوهش ضمن بررسی انواع فعالیت‌های فوق برنامه در مدارس و شناسایی آن‌ها، جایگاه آن‌ها در متن احادیث و روایات امام رضا (علیه السلام) بررسی شده و ارتباط آن‌ها را با جایگاه احادیث امام تعیین و سپس ساختار فعالیت‌های فوق برنامه را در برنامه‌های مختلف و عملکرد مربیان بر مبنای نظرات خبرگان دانشگاه و حوزه به عنوان منبع اثرپذیر و قابل اطمینان مشخص و در جدول‌های ترسیمی ابعاد، مولفه‌ها، سرفصل برنامه و روش اجرا تعیین شد تا متولیان و مجریان ضمن مراجعه به آن‌ها بتوانند ارزشمندی برای فعالیت فوق برنامه خود در مدارس داشته باشند. در این

پژوهش سعی شد فعالیت فوق برنامه در مدارس با بهره‌گیری از متن احادیث و روایات و سیره امام رضا (علیه السلام) در قالب موارد مختلف برای متولیان و مجریان فوق برنامه مدارس ارائه شود. به طوری که با استفاده از احادیث رضوی و بازبینی نظرات خبرگان دانشگاه و حوزه، صحت و اعتبار اجرایی آن با اطمینان بیشتری در مدارس مورد توجه قرار گرفت و همچنین در نهایت سه نمونه عینی از فعالیت‌های موثر در ساختار فعالیت فوق برنامه ذکر گردید.

به طور کلی به دلیل آنکه برای یافته‌های این مطالعه پیشینه مرتبط کمی وجود دارد، شاید بتوان گفت که این یافته‌ها در نوع خود نوین و اطلاعات مفیدی را برای پژوهش‌های بعدی معرفی کرده است. با وجود این، مطالعاتی نیز وجود دارد که در آن‌ها نسبت به بهره‌مندی از زندگی و سیره تربیتی ائمه معصوم و از جمله اندیشه‌های تربیتی امام رضا (علیه السلام) از نگاه‌های متنوعی توجه شده است.

طبق یافته‌های تحقیق حاضر در بخش روش اجرا برای سرفصل‌های فوق برنامه مدارس به بحث گروهی، مناظره و بحث علمی و برگزاری اردو توجه شده است که از این لحاظ با مطالعه دهقان سرخ‌آبادی و کرامتی (۱۳۹۶)، که به بررسی روش‌های آموزشی در سیره رضوی پرداخته بودند، همخوانی دارد. به این دلیل که در بخشی از یافته‌های پژوهش آن‌ها به پنج روش تدریس شامل: آموزش انفرادی، بحث گروهی، پرسش و پاسخ، مناظره و عبرت آموزی بر اساس سیره رضوی پرداخته شده است.

یکی دیگر از یافته‌های این مطالعه، توجه به رشد ابعاد وجودی انسان از منظر سیره تربیتی امام رضا (علیه السلام) اعم از فردی و اجتماعی است که در قالب فعالیت‌های فوق برنامه توجه شده است. این یافته با مطالعه میرزامحمدی و همکاران (۱۳۹۶) و نیز پژوهش قمقانی و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی دارد، چرا که آن‌ها نیز با بررسی و بازشناسی آموزه‌های تربیتی امام رضا (علیه السلام) چنین نتیجه گرفته‌اند که هدف تربیت از نظر امام رضا (علیه السلام) و نیز سیره پیامبر اسلام رشد تمام ابعاد وجودی انسان است و توجه به تمامی ابعاد درونی و محیطی فرد اعم از جامعه و خانواده و فرزندان را شامل می‌شود. در همین زمینه، یافته دیگر تحقیق حاضر پرداختن به ابعاد زندگی اجتماعی در سرفصل‌های فوق برنامه مدارس

است. از جمله در پژوهش حاضر به ابعاد تربیت مسئولیت‌پذیری، صداقت، وفای به عهد و ... پرداخته شد که با پژوهش مسعودیان و بهشتی (۱۳۹۱) که به بررسی اهداف و اصول و روش‌های تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه پرداخته است، تا حدودی همخوان است. همچنین در پژوهش محمدی پویا و همکاران (۱۳۹۴) نیز که به بررسی محتوای نهج البلاغه در زمینه آموزش و پرورش پرداختند و مولفه‌های مختلف اعتقادی و عبادی، اجتماعی و سیاسی، تربیت زیستی و ظاهری، زیبایی‌شناختی و هنری، اقتصادی و حرفه‌ای و علمی و فناوری را بخش‌بندی نمودند، یافته‌های این مطالعه نیز با توجه به همخوانی یافته‌ها به شکلی دیگر این موارد را در سرفصل‌های فوق برنامه مدارس پیشنهاد داده است.

همچنین از یافته‌های این تحقیق استخراج مولفه‌های اخلاقی زندگی امام رضا (علیه السلام) بود که به جنبه‌های مختلف از جمله تربیت فرزند، مدیریت خانواده، رفتار مناسب با دیگران و ... که در سرفصل‌های فعالیت‌های فوق برنامه مدارس به آن‌ها توجه شده است و از این نظر با پژوهش رضوی دوست و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی دارد؛ چرا که آن‌ها نیز در مطالعه خود به بررسی بایسته‌های اخلاقی زندگی خانوادگی از منظر امام رضا (علیه السلام) شامل تربیت فرزندان، تامین معیشت خانواده، نقش مدیریتی در خانواده، رفتار مناسب نسبت به مهمانان و ... پرداختند. در بخشی دیگر از یافته‌های تحقیق حاضر به تربیت اخلاقی و ویژگی‌های اخلاقی همچون محبت و احسان و پیامدهای اخلاق پسندیده اشاره شده است؛ به نحوی که طبق نظر متخصصان این موارد جایگاه ویژه‌ای در سرفصل‌های فعالیت‌های فوق برنامه دارد. این یافته‌ها با پژوهش صمدی و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان بررسی روش‌های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) و پژوهش نجفی و همکاران (۱۳۹۳) که به بررسی روش‌های تربیت اخلاقی در سیره رضوی پرداخته‌اند، همخوانی زیادی دارد؛ چرا که نجفی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود روش‌هایی را مطرح کرده‌اند که با یافته‌های تحقیق حاضر همسو است.

همچنین در پژوهش نیرو (۱۳۹۵) که با هدف بررسی پدیدارشناختی دانش‌آموزان زائر حرم مطهر حضرت امام رضا (علیه السلام) انجام یافته است، می‌توان طبق یافته‌های آن، همسویی قابل ملاحظه‌ای با پژوهش حاضر مشاهده کرد طبق یافته‌های پژوهش مذکور فوق برنامه

سفر زیارتی منجر به تغییراتی در سه زمینه رفتاری فردی و جمعی، معنوی، روحی-روانی می‌شود.

همان گونه که در مطالعات فوق اشاره شد، در هر کدام به شکلی به شیوه‌های تربیتی اسلامی و به طور خاص در سیره تربیتی ائمه (علیهم‌السلام) و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اشاره شده است که به شکلی دیگر در مطالعه حاضر نیز بدان پرداخته شده است؛ بنابراین در مقابله یافته‌های پژوهش حاضر با برخی مطالعات اشاره شد، همخوانی و همسویی یافته‌ها با مطالعات مذکور می‌تواند پشتوانه علمی برای اعتبار یافته‌های پژوهش حاضر باشد و از این نظر توجه و عنایت برنامه‌ریزان و مسئولان آموزش و پرورش را برای بهره‌برداری از پیشنهاد ارائه شده در ساختار فعالیت‌های فوق برنامه مدارس، فراهم کند. در واقع از طریق یافته‌های این پژوهش در خصوص تلفیق مضامین روش تربیتی رضوی با ویژگی‌های فعالیت‌های فوق برنامه مدارس و نحوه استفاده از آن در بخشی از اجرای فعالیت‌های فوق برنامه مدارس با استفاده از نظرات متخصصان بررسی‌های لازم صورت گرفت به نحوی که امکان استفاده از مضامین روش تربیتی امام رضا (علیه‌السلام) را برای فعالیت‌های فوق برنامه مدارس، در فرایند تربیت دانش‌آموزان میسر سازد. به این ترتیب ساختاری برای فعالیت‌های فوق برنامه مدارس با نظر استادان و خبرگان تهیه شد که ابعاد تربیتی بر مبنای سیره رضوی در آن لحاظ شده و از هر بعد تربیتی، مضامین و ویژگی‌های روش تربیتی امام رضا (علیه‌السلام) که از سرمایه معنوی و الهی برخوردار است در جهت تربیت دانش‌آموزان بهره گرفته شود.

در اینجا به کمک یافته‌های این پژوهش در خصوص تلفیق مضامین روش تربیتی رضوی با ویژگی‌های فعالیت‌های فوق برنامه مدارس، پیشنهاد می‌شود در بخشی از اجرای فعالیت‌های فوق برنامه مدارس امکان استفاده از مضامین روش تربیتی امام رضا (علیه‌السلام) در فرایند تربیت دانش‌آموزان در چارچوب فعالیت‌های فوق برنامه، اقدامات لازم صورت گیرد.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش استفاده از منابع گذشته و کمتر مرتبط بود و علاوه بر این از دیگر محدودیت‌های این پژوهش جلب همکاری استادان و خبرگان برای مصاحبه و تکمیل پرسش‌نامه بود و تعدادی از استادانی که به دلایل مختلف تمایل به همکاری

نداشتند از گروه نمونه حذف شدند. شاید از این حیث یافته‌های این مطالعه در نوع خود نوین بوده و اطلاعات مفیدی را برای پژوهش‌های بعدی معرفی کرده است. لذا به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که موضوعات زیر برای پژوهش ادامه پیدا کند:

اعتبارسنجی ساختار فعالیت‌های فوق برنامه شناسایی شده در ابعاد اهداف، محتوا و روش‌های مشخص؛ همچنین بررسی و تدوین الزامات اجرایی فعالیت‌های فوق برنامه مدارس مبتنی بر سیره رضوی.

منابع و مآخذ

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲). الخصال. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- (۱۳۹۲). عبون/اخبار الرضا (علیه السلام). ترجمه و شرح آقا نجفی اصفهانی. قم: نبوغ.
- (۱۳۷۷). معانی الاخبار. ترجمه عبدالعلی محمدی شاهرودی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ابن شعبه حرانی، ابو محمد. (۱۳۹۳). تحف العقول. ترجمه صادق حسن زاده. قم: آل علی (علیه السلام).
- ابن قولویه، جعفر بن محمد. (۱۳۷۷). کامل الزیارات. ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی. تهران: پیام حق.
- احمدی، حسین؛ شکوهی، مرتضی؛ بنی اسدی، حسین؛ جعفری، پروین؛ منصور کیایی، نادر. (۱۳۸۳). فعالیت‌های فوق برنامه، مبانی نظری و شیوه‌های ارزشیابی. تهران: موسسه فرهنگی منادی تربیت.
- برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۴). المحاسن. تحقیق مهدی الرجائی. قم: المجمع العالمی لاهل البيت (علیهم السلام).
- تاجور، آذر؛ پورطهماسبی، الهام. (۱۳۹۴). «اهداف و روش‌های تعلیم و تربیت در سیره امام رضا (علیه السلام)». همایش علمی-پژوهشی تعلیم و تربیت در فرهنگ رضوی. از مجموعه برنامه‌های سیزدهمین جشنواره بین المللی امام رضا (علیه السلام). دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی (پردیس شهید بهشتی مشهد).
- حجتی، سید محمد باقر. (۱۳۶۶). مسائل تربیتی اسلام. تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۸۶). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. مصحح عبد الرحیم ربانی شیرازی. تهران: اسلامیه.
- حکیمی، محمد رضا. (۱۳۸۰). الحیاه. ترجمه احمد آرام. ج اول. چاپ چهارم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دهقان سرخ آبادی، سیده محدثه؛ کرامتی، انسی. (۱۳۹۶). «روش‌های آموزشی در سیره رضوی و دلالت‌های آن برای تربیت عقلانی در دانشگاه فرهنگیان». فرهنگ رضوی. ۵ (۱۷). صص: ۳۵-۵۸.
- رضوی دوست، غلامرضا؛ موسوی، سید محمد حسین؛ حسومی، ولی اله؛ شایانفر، جواد. (۱۳۹۴). «بایستگی‌های اخلاقی زیست‌خانوادگی از منظر امام رضا (علیه السلام)». نشریه اخلاق زیستی. دوره ۵. شماره ۱۵. صص: ۷۰-۴۱.
- شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۸). مهارت‌های زندگی در سیره رضوی. چاپ پنجم. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۴). الحجه. تهران: برگ سبز.
- صمدی، معصومه؛ دوائی، مهدی؛ اقبالیان، طاهره. (۱۳۹۱). «مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام)». مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. سال بیستم. دوره جدید. شماره ۱۶. صص: ۳۷-۶۴.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰). مکارم/اخلاق. قم: انتشارات شریف الرضی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۴). تهذیب الأحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عطاردی قوچانی، عزیزاله. (۱۳۹۱). مسند الامام الرضا (علیه السلام). ج ۱ و ۲. تهران: عطارد.
- غلامزاده، مهین؛ جاری، علی. (۱۳۹۶). «بررسی تاثیر فعالیت‌های فوق برنامه بر ایجاد مهارت‌های شهروندی دانش آموزان مدارس خاص شهر میناب». مجموعه مقالات همایش ملی آموزش ابتدایی. تهران: وزارت آموزش و پرورش. صص: ۵۱۳-۵۳۵.
- غلامعلی، مهدی. (۱۳۹۵). امام رضا (علیه السلام) و زندگی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی (به نشر).

- فرید، مرتضی. (۱۳۸۶). الحادیث: روایات تربیتی از مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فعالی، محمد تقی. (۱۳۹۴). سبک زندگی رضوی. مشهد: بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه‌السلام).
- _____ (۱۳۹۶). سفر یا خورشید، زندگی به سبک امام رضا (علیه‌السلام). مشهد: انتشارات احیای امر ولایت.
- فقه الرضا. (۱۴۰۶ ق.). المنسوب الی الامام الرضا (علیه‌السلام). قم: مؤتمر العالمی للامام الرضا (علیه‌السلام).
- قطب راوندی، سعید بن هبه الله. (۱۳۶۸). الخرائج و الجرائح. قم: موسسه الامام المهدی (علیه‌السلام).
- قمقامی، مریم؛ میدانی، محمد؛ رشوند آوه، اشرف. (۱۳۹۴). «ویژگی‌های الگوی تربیتی در سیره رضوی». ارائه شده در اولین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی با رویکرد بومی-اسلامی و با تاکید بر پژوهش‌های نوین.
- قمی، عباس. (۱۳۹۰). منتهی الآمال. ویراسته کاظم عابدینی مطلق. تهران: مبین اندیشه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۹۲). اصول کافی. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. ناشر: اسوه.
- _____ (۱۳۹۵). فروع کافی. ترجمه محمد حسین رحیمیان. ج ۶. ناشر: قدس.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۹). بحار الانوار. ج ۲، ۷، ۴۴، ۵۹، ۶۲، ۶۷ و ۷۸. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محدثی، جواد. (۱۳۹۶). حکمت‌های رضوی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی (به نشر).
- محمدی پویا، فرامرز؛ صالحی، اکبر؛ مومینوند، فاطمه. (۱۳۹۴). «تحلیل محتوای نهج البلاغه بر اساس ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش». پژوهشنامه نهج البلاغه. ۳ (۱۰). صص: ۶۳-۸۱.
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۹۵). میزان الحکمه. قم: دار الحادیث.
- مسعودیان، پریسا؛ بهشتی، سعید. (۱۳۹۱). «بررسی اهداف و اصول و روش‌های تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه». پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. ۲۰ (۱۷). صص: ۷-۲۵.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۳۷۹). الاختصاص. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۳۷۲). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت (علیهم‌السلام). قم: کنگره بزرگداشت شیخ مفید.
- میرزاحمدی، محمد حسن؛ جهانی جوانمردی، فاطمه؛ نوروزی، محمد. (۱۳۹۶). «بازشناسی آموزه‌های تربیتی امام رضا (علیه‌السلام) و کاربست آن‌ها در عصر حاضر». فرهنگ رضوی. ۵ (۲۰). صص: ۶۹-۱۰۴.
- نادری، امیر؛ حاجی حسین نژاد، غلامحسین؛ تاجیک اسمعیلی، عزیزالله؛ زین آبادی، حسن رضا. (۱۳۹۱). «ویژگی‌های اهداف فعالیت‌های فوق برنامه دانش‌آموزان دبیرستانی با رویکرد پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی». فصلنامه روان‌شناسی تربیتی. ۸ (۲۴). صص: ۷۲-۱۰۱.
- نجفی، محمد؛ قربانی، منصوره؛ نصرتی هشی، کمال؛ شاهی، محمد. (۱۳۹۳). «روش‌های تربیت اخلاقی در سیره رضوی (علیه‌السلام)». مجله پژوهش‌های اخلاقی. سال پنجم. شماره یک. صص: ۱۱۳-۱۲۷.
- نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۳۷۳). مستدرک الوسائل. قم: موسسه آل البيت (علیهم‌السلام).
- نیرو، محمد. (۱۳۹۵). «تجربه دانش‌آموزان زائر دبیرستانی از زیارت حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام): مطالعه‌ای پدیدارشناسی». فصلنامه علمی پژوهشی مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی. ۱ (۲). صص: ۱۲۸-۱۴۶.

- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 101-77, (2)3.



نقش زیارت حرم امام رضا (علیه السلام)

در کیفیت زندگی

دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۹ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲۹

یزدان شیرمحمدی^۱، اکبر بهمنی^۲، مژگان مستان راد^۳

چکیده

در این پژوهش به بررسی اثر تجربه سازنده زیارت بر مزایای سفر مذهبی زیارتی به واسطه آرامش ذهن، فرار از تجربیات، تجربه منحصر در زمان زیارت، تجربیات تعاملی و تصویر برند پرداخته شده است. تصویر برند مجموعه زیارتی- مذهبی برداشتها و تصوراتی است که از کل موجودیت مجموعه در ذهن زائرین شکل می گیرد. این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش تحقیق در زمره تحقیقات توصیفی پیمایشی قرار می گیرد. جامعه آماری پژوهش، گردشگران مشهد مقدس (بارگاه ملکوتی امام رضا (علیه السلام) است و در مدل این پژوهش ۱۴ متغیر مورد سنجش قرار گرفت که ۵۱۰ پرسش نامه با روش نمونه گیری تصادفی ساده جمع آوری شد. تحلیل های آماری نیز با استفاده از نرم افزار SPSS و Amos انجام شده است. در تحلیل استنباطی داده ها از ضریب آلفای کرونباخ و برای تعیین ثبات درونی ابزار آزمون KMO و کرویت بارتلت برای مناسب بودن حجم نمونه و درست بودن تفکیک عامل ها و برای تعیین ارتباط علی بین متغیرها از روش مدل معادلات ساختاری استفاده شد. یافته ها پژوهش حاکی از آن است که تجربه سازنده زیارت بر مزایای سفر مذهبی به واسطه آرامش ذهن، فرار از تجربیات، تجربه منحصر در زمان زیارت، تجربیات تعاملی زائران و تصویر برند بارگاه ملکوتی امام رضا (علیه السلام) تأثیرگذار است. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که مزایای سفر گردشگران مذهبی بر وضعیت سلامتی گردشگران تأثیر مثبت و معناداری دارد. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که گردشگری مذهبی می تواند، فرصت های مادی، معنوی و فرهنگی زیادی را برای شهرهای مذهبی فراهم کند.

کلیدواژه ها: تجربه سازنده زیارت، گردشگری مذهبی، برند گردشگری، فرهنگ مذهبی.

۱. استادیار مدیریت بازرگانی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول): Y.Shirmohammadi@pnu.ac.ir

۲. استادیار مدیریت دولتی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران: Bahmani.akbar@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران: Mastanrad@gmail.com

مقدمه

کشور و تمدن ایران یکی از ارکان برجسته در تمدن زرّین اسلامی در قرون نخستین و میانی هجری قمری (به ویژه سده های ۴ و ۵ هجری قمری) بوده؛ اگرچه شهرهای گوناگون و ملل مختلف این تمدن اسلامی هر کدام دارای خاستگاه های تاریخی، قومی و فرهنگی متفاوتی از یکدیگر بوده است (عسکری، ۱۳۹۶: ۶). فضای شهری در ترکیب با تجربه حضور و استمرار آمیختگی با ساحت های چندگانه فضایی زمانی، انگاره ای است حاصل آمده از موجودیت کالبدی و محتوایی فضا و عامل انسانی حضور مردم که محصول آن رسیدن به مفهوم تکامل یافته مکان است. توجّه به مسائل اجتماعی و هویتی زندگی در شهرهای امروز، در مصادیق کالبدی آن اهمیت بسیاری دارد. در این بین حرم امام رضا (علیه السلام) در شهر مشهد از اهمیت زیادی بین شهرهای اسلامی برخوردار است. پس از شهادت امام رضا (علیه السلام) آرامگاه مطهر ایشان همواره به عنوان یک مکان مقدس شناخته می شده (مطهری و نجفی نژاد، ۱۳۹۷: ۹) و هر سال تعداد زیادی گردشگر مذهبی از این مکان مقدس بازدید می کنند. گردشگری مذهبی پدیده نوظهوری نیست، بلکه قرن های متعددی است که افراد به دلایل مختلف از جمله، کنجکاوی، عبادت و شرکت در مراسم مذهبی به مکان های مذهبی و مقدس سفر می کنند (Olsen and Timothy, 2006: 27). در برخی از شهرهایی اعتقادات مذهبی، قوی ترین عامل در انسجام اجتماعی آنها است. از جمله می توان به شهرهای زیارتی در عربستان یعنی مکه معظمه و مدینه منوره، در عراق کربلا و نجف، در هندوستان بنارس، احمدآباد و الله آباد و در بریانی شهر رانگوران متعلق به بوداییان، در تایلند شهر بانکوک، در تبت شهر لاهاسا، در فلسطین اشغالی شهر بیت المقدس، در ایتالیا واتیکان و در اسپانیا شهرهای مذهبی سن سباستین اشاره کرد.

در ایران نیز مشهد مقدس، قم و شیراز بهترین نمونه شهرهای مذهبی هستند که نقش فرهنگی اسلامی نیز دارند. شهر مشهد به دلیل شرایط خاص جغرافیایی، مذهبی و فرهنگی دارای موقعیت خاص در کشور است. حضور سالانه حدود ۳۰ میلیون زائر در کلان شهر مشهد با توجه به جمعیت ۱۸۴ / ۰۰۱ / ۳ آن، حاکی از این امر است که مدیریت

پذیرش گردشگری در این شهرها و به خصوص در این مقیاس حجیم امری واجب است (مافی و سقایی، ۱۳۸۸: ۲۳). گردشگری يك نظام با معناست که هر فردی با هدفی از مکانی به مکانی جابه‌جا می‌شود و سلسله تجربیات و اتفاقاتی را درک می‌کند (Ibid: 30). گردشگری مذهبی بر زیارت و حضور در اماکن مذهبی تأکید دارد. ریشه گردشگری را زیارت و سفرهای مذهبی دانسته‌اند که از دیرباز در زندگی نسل بشر به عنوان يك وظیفه و يك اقدام پسندیده، نسل به نسل ادامه داشته است (Ibid: 55). سفر زیارتی مسیری است برای رسیدن به خود واقعی انسان و در نهایت زنده بودن چیزی یا کسی که به ما کمک می‌کند معنای واقعی مفهوم زندگی را درک کنیم (باقرنیا و احمدیان، ۱۳۹۴: ۵۱). وجود حرم مطهر علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و جاذبه‌های دیدنی، تاریخی و تفریحی بسیار، شهر مشهد را به یکی از شهرهای گردشگری ایران تبدیل کرده است که از ایران و حتی خارج از ایران افراد بسیاری به آن سفر می‌کنند. مشهد پایتخت معنوی ایران نامیده می‌شود و علاوه بر جنبه مذهبی و زیارتی این شهر در جنبه‌های گردشگری نیز پیشرفت‌های چشمگیری داشته و دارای مجموعه‌های تاریخی، تفریحی، فرهنگی متنوعی است و می‌تواند علاوه بر سیاحت، شهری جالب برای گردشگران باشد. به دلیل تعداد زیاد مسافر با هر سن و سالی برای بازدید از مشهد و زیارت امام رضا (علیه السلام) تنوع انتخاب برای سفری برنامه‌ریزی شده با در نظر گرفتن تمامی عناصر سفر همچون هتل مناسب، هزینه حمل و نقل یا غذا بسیار زیاد است. در این پژوهش، تجربه سازنده گردشگری از طریق تصویر برند مقصد زیارتی بر مزایای گردشگری مذهبی مورد سنجش قرار گرفته است. بین این متغیرها نیز ارتباط وجود دارد. به عنوان مثال تعامل خود بر تجربه منحصر در زمان زیارت اثر می‌گذارد، آرامش ذهن، تجربه منحصر در زمان زیارت، فرار از تجربیات روزمره و تجربیات تعاملی زائران خود بر گردشگری سازنده مذهبی اثرگذار است. تعامل زائران با یکدیگر بر تجربه منحصر در زمان زیارت اثر دارد. منظور از تجربه منحصر در زمان زیارت تجربه فردی زائران در مکان‌های زیارتی است. در این مکان‌های مقدس افراد از زندگی روزمره و تکراری فاصله می‌گیرند و خود این موضوع منجر به آرامش ذهنی آن‌ها می‌شود. تأکید اصلی در تجربیات تعاملی در

گردشگری، روش‌های گوناگونی است که افراد از طریق آن‌ها به پدیده‌ها، رویدادها، تجربیات معنا می‌بخشند (Riss & Woodhead, 2015:15). همه این‌ها بر ایجاد یک تجربه سازنده مذهبی در ذهن افراد تأثیرگذار است. شهر مشهد و حرم مطهر حرم علی بن موسی الرضا ع به عنوان مطالعه موردی انتخاب شد. بر اساس آمارهای موجود از مجموع حدود ۹ هزار مکان مذهبی در نقاط مختلف کشور، ۵ هزار و ۸۰۰ بقعه متبرکه به عنوان آرامگاه‌های امامزادگان ثبت شده، هزار و ۲۰۰ بقعه در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده و بیش از سه هزار مکان مذهبی مقدس ثبت شده شامل حسینیه‌ها، مساجد، مدارس مذهبی و حوزه علمیه، کلیسا، کنیسه، آتشگاه و نیایشگاه شناسایی شده است (آقاجانی، فراهانی‌فرد: ۱۳۹۴: ۴۵). آنچه بیش از هر چیز، ضرورت توجه به مقوله گردشگری مذهبی را حائز اهمیت می‌سازد، فرصت‌های مادی، معنوی و فرهنگی است که توسعه گردشگری دینی و جذب گردشگران مذهبی برای افراد فراهم می‌آورد. آرامش ذهن، فرار از روزمرگی، تجربه منحصر به فرد زیارت، سلامت افراد و بهبود کیفیت زندگی، تعامل با دیگر گردشگران، تجربه زیارت از دستاوردهای گردشگری مذهبی می‌تواند باشد. در سطح کلان نیز گردشگری مذهبی می‌تواند فرصت‌های فراوانی را برای کشور به ارمغان بیاورد و به همین دلیل، لزوم سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح در این حوزه بسیار اهمیت دارد. رونق جهانگردی مذهبی میان کشورها و جوامع اسلامی و گشت و گذار مسلمانان جهانگرد در سایر کشورهای اسلامی موجب نزدیکی و آشنایی ملل مسلمان با یکدیگر شده و شناخت مشکلات و ویژگی‌های فرهنگی جوامع مسلمان و یافتن نقاط اشتراک و اختلاف میان فرهنگ‌ها را در پی خواهد داشت که این امر کمک شایانی در جهت رسیدن به فرهنگ مشترک اسلامی، برقراری پیوند و اتحاد میان مسلمانان و احیای دوباره مفهوم امت واحد اسلام خواهد کرد. تاکنون پژوهشی درباره اثر تجربه سازنده زیارت بر مزایای سفر مذهبی به واسطه تصویر برند شهر مشهد و یادگیری فرهنگ مذهبی (مورد مطالعه حرم مطهر امام رضا (علیه السلام)) انجام پذیرفته است که این مطالعه می‌کوشد، این خلأ را تا حدی مرتفع کند.

مبانی نظری و تعاریف گردشگری

صنعت گردشگری یکی از بزرگ‌ترین و پربازده‌ترین فعالیت‌های اقتصادی در دنیاست که بالاترین میزان ارزش افزوده را ایجاد می‌کند و به طور مستقیم و غیرمستقیم، سایر فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گردشگری نوعی فعالیت فرهنگی برخوردار از منافع اقتصادی است که به دلیل ماهیت و ویژگی‌های خاص آن، فرصت‌هایی مناسب برای ورود به عرصه‌های تجارت بین‌المللی را فارغ از سطح توسعه‌یافتگی کشورها را فراهم می‌آورد (نیک‌سرشت و همکاران، ۱۳۹۵: ۸). این موضوع مهم باعث شده است که از این فعالیت اقتصادی به عنوان صنعت یاد شود که اساساً ماهیت خدماتی دارد و بعد از صنعت نفت و خودروسازی به عنوان سومین صنعت جهان شناخته می‌شود (تقی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۵). گردشگری یکی از منابع عمده درآمدزایی و ایجاد اشتغال در جهان به شمار می‌آید؛ به طوری که بسیاری از آن به عنوان صنعت اول دنیا یاد می‌کنند. بسیاری از کشورها همچون اسپانیا، فرانسه و ایتالیا بخش اعظمی از درآمد ارزی خود را از طریق گردشگری به دست می‌آورند. گرچه گردشگری به تنهایی نمی‌تواند منجر به توسعه کشور شود ولی با ورود گردشگر به تدریج نیاز به تغییر و ایجاد امکانات برای اقامت، جابه‌جایی و سایر فعالیت‌های مربوطه، توسعه را نیز در پی خواهد داشت و در درازمدت باعث افزایش امکانات و تأسیسات خواهد شد. بر اساس گزارش سازمان جهانی گردشگری در سال ۲۰۰۶ تعداد ۸۳۵ میلیون جهانگرد جابه‌جا شده‌اند که این جهانگردان حدود ۸۰۰ میلیارد دلار هزینه کردند. این در حالی است که سهم ایران از صنعت گردشگری جهانی در سال ۲۰۰۶ کمتر از یک دهم درصد بوده است و به رغم اینکه ایران، طبق اعلام یونسکو یکی از ۱۰ کشور دارای جاذبه‌های گردشگری است ولی آمار موجود گویای ضعف صنعت گردشگری کشور است و نارسایی‌های موجود باعث عدم توفیق در جذب جهانگردان به میزان توانمندی‌های کشور شده است. افزایش رشد بین‌المللی از یک سو و افزایش علاقه به مقصدهای گردشگری از سوی دیگر سبب شده است که روز به روز پسوند و پیشوندهای بیشتری همچون گردشگری جنگ، گردشگری مذهبی، گردشگری شهری، گردشگری روستایی، گردشگری ورزشی و گردشگری سلامت

را در کنار واژه گردشگری شاهد باشیم (حقیقی کفاش و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۵). لذا این صنعت در عصر حاضر یکی از بزرگ‌ترین فعالیت‌های خدماتی دنیاست (غفاری و همکاران، ۱۳۹۸: ۷).

گردشگری مذهبی

سفر از مباحثی است که خداوند سبحان در قرآن کریم تأکید زیادی بر آن کرده است. به عنوان مثال می‌توان به آیه شریفه ۱۳۷ سوره آل عمران اشاره کرد که می‌فرماید: قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ؛ قطعاً پیش از شما سنت‌هایی [بوده و] سپری شده است، پس در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است. یا در آیه ۱۱ سوره انعام که می‌فرماید: قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ؛ روی زمین گردش کنید! سپس بنگرید سرانجام تکذیب‌کنندگان آیات الهی چه شد؟ در آیه ۳۶ سوره نحل می‌فرماید: وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ؛ همانا ما در میان هر امتی پیغمبری فرستادیم که خدای یکتا را پرستید و از بتان و فرعونان دوری کنید. پس بعضی مردم را خدا هدایت کرد و بعضی دیگر ضلالت و گمراهی بر آنان حتمی شد. اکنون در روی زمین گردش کنید تا بنگرید عاقبت آنان که (انبیا را) تکذیب کردند به کجا رسید و آن‌ها چگونه هلاک ابدی شدند. در آیه ۶۹ نمل می‌فرماید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ؛ بگوروی زمین سیر کنید و ببینید عاقبت کار مجرمان به کجا رسید! یا در آیه ۲۰ سوره عنکبوت که می‌فرماید: قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يَنْشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ بگودر زمین بنگرید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس خداوند آخرت را ایجاد می‌کند! یقیناً خدا بر هر چیز توانا است! در آیه ۴۲ سوره روم می‌فرماید: قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ؛ بگودر زمین بگردید و بنگرید فرجام کسانی

که پیشتر بوده و بیشترشان مشرک بودند چگونه بوده است.

در خطابه‌ای مختلف نیز از انسان دعوت می‌کند، به مسافرت و زمین‌گردی پردازند (رحیم‌پور و سید حسینی، ۱۳۷۹: ۱۳) در واقع قرآن کریم با به کارگیری واژه «سیر» در شکل‌های مختلف دستور به گردشگری می‌دهد یا به طور مستقیم (عنکبوت، ۲۰؛ روم، ۴۲؛ نحل، ۳۶؛ نمل، ۶۹؛ انعام، ۱۱؛ آل عمران، ۱۳۷) یا به گونه استفهام و غیرمستقیم (یوسف، ۱۰۹؛ روم، ۹؛ فاطر، ۴۴؛ غافر، ۲۱؛ محمد، ۱۰)، اهداف و منافی که قرآن از گردشگری بیان می‌دارد عبارت است از: دیدن آثار گذشتگان و عبرت‌آموزی و پندگیری، مسئله سپاس‌گزاری، خداشناسی، برای آگاهی از چگونگی آفرینش، برای خردورزی در مسائل و آگاهی از وضعیت گذشتگان، برای آگاهی از سنت‌های گذشتگان که بیانیه‌ای برای مردم و سبب هدایت است، بر خورداری تجاری و بازرگانی از سیر و سیاحت و گردش سرمایه و اقتصاد پویا و زنده، انتقال فرهنگی و علم و تمدن، آشنایی با اقوام و تنوع فرهنگی و زبانی و تمدنی دیگران؛ انتقال زبان و فرهنگ و تمدن و علوم خود به دیگری و بهره‌مندی از علوم آن‌ها و انتقال به قوم و منطقه خود (آقاجانی و فراهانی‌فرد: ۱۳۹۴: ۵۹). از سوی دیگر معصومین (علیهم السلام) هم سیر و سفر را بسیار مورد تأکید قرار داده و به فواید گوناگون مسافرت اشاره کرده‌اند. از آن جمله می‌توان از تحصیل سلامتی و نشاط جسم و روح، دانش‌اندوزی و کسب علم، آشنایی با بزرگان و آداب و اخلاق اجتماعی سایر ملت‌ها، پندگیری و عبرت‌آموزی، از بین رفتن غم‌ها و رنج‌ها، تأمین معیشت و کسب شغل، تفکر در نعمات الهی، تفریحات سالم و گذراندن اوقات فراغت، یادکرد (تکابنی، ۱۳۷۷: ۱۴۶).

گردشگری مذهبی در زمره قدیمی‌ترین و پر رونق‌ترین گردشگری‌های گذشته و امروز سراسر جهان قرار دارد (Ajit, 2004: 2) و قدمت آن، به قدمت خود فرهنگ دینی می‌رسد. در تعریفی از گردشگری مذهبی آمده: گردشگری مذهبی عبارت است از بازدید گردشگران (با تعریف ویژه جهانگردی) از اماکن مقدس نظیر زیارتگاه‌ها، مقابر امامزاده‌ها و نظایر آن‌ها. گردشگران مذهبی، گردشگرانی فرهنگی هستند که برای زیارت اماکن، آثار، یادمان‌های مذهبی، انجام اعمال مذهبی و دینی، ترویج و آموزش و گذران اوقات فراغت به مکان‌ها و مراکز مذهبی جهان سفر می‌کنند (رحیم‌پور و سید حسینی، ۱۳۷۹: ۱۴). گردشگری

مذهبی تمامی مذاهب و ادیان را شامل می‌شود. گردشگران مذهبی ممکن است، بارها به زیارت اماکن مقدس بروند و یک بار رفتن به این اماکن، آن‌ها را از مراجعه مکرر منصرف نمی‌کند (فیض آبادی و وزیری محبوب، ۱۳۹۰: ۲). گردشگران مذهبی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: یکی زائران یا کسانی که انگیزه آن‌ها از مسافرت، فقط انجام امور مذهبی است و زمان و مدت اقامت‌شان، تابع اوقات فراغت نیست؛ دیگری، گردشگران مذهبی که ضمن انجام زیارت و شرکت در مراسم مذهبی از مکان‌های دیگر گردشگری اعم از مذهبی و غیر زیارتی نیز دیدن می‌کنند یا به عبارت دیگر، اهداف مسافرت آن‌ها چند منظوره با اولویت زیارت است (مؤمنی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴). در دسته‌بندی دیگری دو دسته مختلف از جهانگردان روبه‌رو می‌شویم؛ دسته اول کسانی که از اماکن مقدسه در دین خود بازدید می‌نمایند و گروه دوم کسانی که از اماکن مقدسه سایر ادیان دیدن می‌کنند (رحیم‌پور و سید حسینی، ۱۳۷۹: ۱۴). گردشگری دینی و گردشگری مذهبی اکثر مواقع یکسان گرفته می‌شود؛ ولی با توجه به تعاریف هر کدام، می‌توان گفت که گردشگری دینی بخشی از گردشگری مذهبی محسوب می‌شود. جهانگردی دینی ویژه کسانی است که برای مقصد، ارزش دینی و معنوی قائل‌اند، سفر حج از مثال‌های بارز این نوع جهانگردی است (همایون، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

در یک تعریف کلی می‌توان گردشگری مذهبی را گونه‌ای از گردشگری دانست که شرکت‌کنندگان در آن فقط دارای انگیزه‌ای مذهبی یا به صورت ترکیبی با سایر انگیزه‌ها هستند که از اماکن مقدس نظیر معابد، کلیساها، مساجد، مقابر و اماکن مذهبی بازدید می‌کنند. با توجه به تعریف بالا، گردشگران مذهبی کسانی که از اماکن مقدس دینی خود بازدید می‌کنند، مانند مسلمانانی که به زیارت اماکن مقدس خود نظیر مکه مکرّمه و عتبات عراق می‌روند و برخی گردشگران نیز کسانی هستند که از اماکن مقدس سایر ادیان دیدن می‌کنند. نظیر افرادی که مسیحی نیستند اما از کلیساهای مختلف بازدید می‌کنند. خاستگاه خود گردشگری نیز به سفرهای زیارتی برمی‌گردد که اهل هر دین برای زیارت اماکن مذهبی خود انجام می‌دادند و گردشگری، شکل جدید و پیشرفته از سفرهای زیارتی است. امروزه گردشگری مذهبی به سبب ویژگی‌های ساختاری و کارکردی

خاص توانسته خود را در متن گردشگری جهانی جای دهد و بر اساس برآوردهای صورت گرفته، ۲۶ درصد از کل جریان‌های گردشگری به گردشگری مذهبی اختصاص دارد. گردشگری مذهبی تمامی مذاهب و ادیان را شامل می‌شود. گردشگران مذهبی ممکن است، بارها به زیارت اماکن مقدس بروند و یک بار رفتن به این اماکن، آن‌ها را از مراجعه مکرر منصرف نمی‌کند (فیض آبادی و وزیری محبوب، ۱۳۹۰: ۲). گردشگران مذهبی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: یکی زائران یا کسانی که انگیزه آن‌ها از مسافرت، فقط انجام امور مذهبی است و زمان و مدت اقامت‌شان، تابع اوقات فراغت نیست و دیگری، گردشگران مذهبی که ضمن انجام زیارت و شرکت در مراسم مذهبی از مکان‌های دیگر گردشگری اعم از مذهبی و غیر زیارتی نیز دیدن می‌کنند یا به عبارت دیگر، اهداف مسافرت آن‌ها چندمنظوره با اولویت زیارت است (مؤمنی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴) در آمار سازمان جهانی گردشگری برآورد شده است که هر سال ۳۰۰ تا ۳۳۰ میلیون زائر از مناطق مذهبی جهان بازدید می‌کنند که این تعداد از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ با افزایش ۳۰ درصدی مواجه شده است. با توجه به آمار سازمان جهانی گردشگری ۳۹/۱ میلیون سفر بین‌المللی به منطقه خاورمیانه در سال ۲۰۰۵ انجام شده که پیش‌بینی می‌شود، این تعداد به ۱۵۹ میلیون سفر در سال ۲۰۳۰ برسد. این منطقه به علت مرکزیت برای سه دین اسلام، مسیحیت و یهودیت، کانون گردشگری مذهبی دنیا شده است. گردشگری در خاورمیانه درآمدی حدود ۲۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ ایجاد کرده است (آقاخانی و همکاران، ۱۳۹۴).

گردشگری سازنده^۱

ریچارد و ویلسون^۲ (۲۰۰۶) بیان می‌کنند که گردشگری سازنده، گردشگران را عمیقاً در چشم‌انداز فرهنگی مقصد درگیر می‌سازد (Richards & Wilson, 2006: 1209)؛ به گونه‌ای که آنان در فعالیت‌های گوناگون آن مقصد از قبیل صنایع دستی، هنر، آشپزی و سایر

1. Creative Tourism

2. Richards & Wilson

فعالیت‌های خلاقانه مشارکت می‌کنند؛ بدین ترتیب فرصت‌های جدیدی برای یادگیری مهارت‌های جدید و برقراری پیوند نزدیک میان گردشگران و مردم محلی و میراث فرهنگی آن‌ها پدید می‌آید (Huang & Lee, 2016:763). گردشگری سازنده تأثیر مثبتی بر رشد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه دارد، رشد گردشگری سازنده، توسعه اقتصاد یک مقصد را افزایش می‌دهد و تأثیر مثبتی بر جذابیت مقصد می‌گذارد و هنگامی که گردشگران از محل زندگی خود به مقصد گردشگری می‌رسند، تجربه مثبتی را به دست می‌آورند (Ali & Hussain, 2016:85). بر این اساس، بسیاری از مناطق تلاش خود را برای ایجاد جاذبه‌های خلاقانه برای برآوردن نیازهای گردشگران و ساکنان انجام می‌دهند. در محیط رقابتی و چالش برانگیز گردشگری جهانی، یک استراتژی مهم برای مقصد، ایجاد یک تصویر منحصر به فرد و مناسب است (Loi & Fong, 2017:115). ادبیات گردشگری نشان می‌دهد که یک عنصر حیاتی در ایجاد یک تصویر مثبت مقصد، ارائه کیفیت مناسب جاذبه‌های گردشگری است (Stylidis, Shani, 2017:184).

مزایای گردشگری مذهبی

گردشگری دینی نقش بسیار بارزی در بسط ارزش‌های معنوی، توسعه گردشگری پایدار کلان‌شهر مشهد و ارتقای سرمایه فرهنگی آن شهر دارد. در واقع یکی از موضوعات مهمی که هنگام فراغت برای گذران تعطیلات می‌تواند، مورد اهتمام گردشگران باشد، سفرهای زیارتی به اماکن مقدس و متبرکه است. سفر زیارتی، رفتن به سوی مکانی مقدس است. سفر زیارتی عامل آرامش روح و جلای جان بشریت است که زائر مسافتی را می‌پیماید و می‌خواهد از جایگاهی مقدس دیدار کند؛ بنابراین، در دل سفرهای زیارتی هدف بازید از مکانی مقدس نهفته است (محلاتی، ۱۳۸۰: ۱۲). در این پژوهش مزایای این سفر مذهبی شامل سلامتی و آرامش در نظر گرفته شده است. سفرهای مذهبی می‌تواند، باعث آرامش ذهن روان فرد شود و سلامتی افراد را ارتقا دهد.

تجربه سازنده زیارت

تجارب سازنده گردشگری مذهبی یکی از عوامل کلیدی است که به درک تصویر برند گردشگری خارجی، زمانی که آن‌ها فرهنگ آن مکان را تجربه می‌کنند، کمک می‌کند و گردشگران از طریق ارزیابی مثبت و تأثیرات مقصد در دستیابی و دریافت مزایای سفر استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، تجارب سازنده گردشگران برای ایجاد یک تصویر مقصد و مزایای سفر ضروری است (Ali & Hussain, 2016:85). آغاز ارتباط احساسی با رضایت مسافران ایجاد می‌کند (Blapp & Mitas, 2017:23). گردشگران دارای تجارب سازنده می‌توانند تأثیر مثبتی بر تصویر برند مقصد داشته باشند. در مقایسه با تأثیر مستقیم اثر خلاقانه بر تصویر برند، استدلال بر این است که هدف یادگیری فرهنگ مذهبی، ظرفیت یادگیری گردشگران را در زمینه یادگیری فرهنگ مذهبی جدید و تفکر بیشتر درباره خود را تقویت می‌کند و در نتیجه یادگیری فرهنگ مذهبی، اثر مثبت بر تصویر برند و بر مزایای سفر دارد (Richard, 2014:1225; Funk & Bruun, 2007:806)؛ تجارب سازنده گردشگری مذهبی از طریق تعاملات اجتماعی در طول گردشگری منجر به ایجاد هماهنگی خاطرات از تجربه منحصر در زمان زیارت و پس از آن، ارزیابی تصویر مثبت در مقصد است.

در ادبیات گردشگری و ادبیات فرهنگی، این ایده مطرح می‌شود که سطح بالایی از تعامل، با خاطرات مثبت بازدید کنندگان و مشارکت منحصربه‌فرد ارتباط دارد (2015:8 Bond & et al,). به عنوان مثال، مشارکت منحصربه‌فرد در تجربیات فرهنگی، بخشی از نتیجه فرایند همکاری است که نیاز به رهایی از چیزهایی در زندگی را شامل می‌شود، در حالی که ارتقای دانش فرهنگی و عقاید مذهبی آرامش ایجاد می‌کند (2017:145 Hung et all,). آرامش ذهن به نگرانی اصلی گردشگران درباره نیاز فیزیکی و روانی برای ایمنی و آسایش اشاره دارد (Chen & Chen, 2010:30). با توجه به مطالب بالا در این پژوهش به بررسی تجربه سازنده زیارت و تأثیر آن بر تصویر برند و مزایای سفر با نقش تعدیل کننده یادگیری فرهنگ مذهبی پرداخته می‌شود. آنچه بیش از هر چیز، ضرورت توجه به مقوله گردشگری مذهبی را حائز اهمیت می‌سازد، فرصت‌های مادی، معنوی و

فرهنگی است که توسعه گردشگری دینی و جذب گردشگران مذهبی را برای هر کشوری به ارمغان می‌آورد و به همین علت، لزوم سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح در این حوزه بسیار اهمیت دارد. رونق جهانگردی مذهبی میان کشورها و جوامع اسلامی و گشت و گذار مسلمانان جهانگرد در سایر کشورهای اسلامی موجب نزدیکی و آشنایی ملل مسلمان با یکدیگر شده است (آقاجانی و فراهانی، ۱۳۹۴: ۴۳).

تصویر برند مقصد گردشگری مذهبی

تصویر برند مجموعه زیارتی مذهبی برداشت‌ها و تصوراتی است که از کل موجودیت مجموعه چه براساس واقعیت و چه براساس برداشت ذهنی در ذهن زائرین شکل گرفته است. تجربه‌ی برند را به عنوان پاسخ‌های درونی و ذهنی مصرف‌کننده (ادراکی، احساسی و شناختی) و پاسخ‌های رفتاری مصرف‌کننده که به وسیله‌ی محرک‌های مرتبط با برند ایجاد می‌شوند، بیان می‌کنند (Huang & Liu, 2018:155). تصویر مقصد یک مفهوم پیچیده است و تعریف آن بین دانشمندان متفاوت است. تصویر مقصد به طور کلی به عنوان خلاصه‌ای از تصورات، باورها و ایده‌هایی که یک فرد در رابطه با یک مقصد دارد، تفسیر می‌شود (Stylidis, 2017:184). تعریف تصویر مقصد، پیچیدگی ساختار را نشان می‌دهد و در نتیجه روش‌های مختلفی در مطالعه تصویر مقصد مورد استفاده قرار می‌گیرد. رویکرد اول نشان می‌دهد که تصویر مقصد شامل سه بعد جنبه‌های شناختی، عاطفی و رفتار است. آگاپیتو و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند که تصویر مقصد شامل درکی است که یک فرد درباره‌ی چیزی دارد (عنصر شناختی) و شخص آن را می‌بیند (مؤلفه عاطفی) و نحوه‌ی رفتار با استفاده از اطلاعات درباره‌ی آن چگونه است (عنصر رفتاری). این ابعاد، تصویر شناختی یک درک و اعتقاد به ویژگی‌های یک مقصد را نشان می‌دهد که همزمان تصویربرداری از مقصد است (Agapito, 2013:471). تصویر شناختی حاوی دانش و اعتقاد به مقصد و عمدتاً تمرکز بر ویژگی‌های ملموس مقصد است (Lin et al, 2007:183).

فرهنگ یادگیری در گردشگری

فرهنگ به عنوان بخشی از کل جامعه می‌تواند از حالت بالقوه به بالفعل جاذبه گردشگری یک مقصد تبدیل شود. از دیدگاه ادوارد تیلور، فرهنگ نظامی است از نگرش‌ها، ارزش‌ها و دانشی که به طرز گسترده‌ای در میان مردم مشترک بوده و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (کروبی، ۱۳۸۲: ۲۲). گردشگری موجب افزایش آگاهی جوامع از شیوه‌های زندگی یکدیگر و در نتیجه نزدیکی فرهنگ‌های ملل مختلف و سبب می‌شود گردشگری فرهنگی به عنوان نزدیک‌ترین گونه به عنصر فرهنگ، رشدی سریع‌تر از میزان رشد گردشگری را در دنیا کسب کند.

پیشینه پژوهش

جعفری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی که با عنوان شناسایی و مفهوم‌پردازی کیفیت تجربه مذهبی گردشگر (مورد مطالعه: گردشگران خارجی شهر قم) انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که کیفیت تجربه مذهبی گردشگر شامل پنج بعد دانش افزایی دینی، روان‌شناختی، زیارتی، اخلاقی عبادی و تعاملات فرهنگی اجتماعی است. سلطانی و شریف (۱۳۹۴) در پژوهشی که با عنوان خدمات گردشگری مذهبی در حرم شاه چراغ شیراز با تأکید بر عوامل محیطی رضایت انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که رضایت‌مندی گردشگر مذهبی تابعی از شرایط اجتماعی اقتصادی گردشگران بوده و از طرفی میزان رضایت هم برای زائران بومی و غیربومی بالاتر از حد متوسط است. در پژوهشی که آقاجانی و همکار (۱۳۹۴) با عنوان گردشگری مذهبی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی ایران) انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که گردشگری از نگاه اسلام اهمیت بسیاری دارد و می‌توان آینده گردشگری مذهبی در ایران را مثبت ارزیابی کرد. در پژوهش آنان در نهایت با توجه به نتایج حاصل از برآورد اثر عوامل مؤثر بر میزان گردشگری مذهبی، راهکارها و تدابیر لازم از سوی آنان به منظور بهره‌گیری از فرصت‌های گردشگری مذهبی برای افزایش درآمدهای ناشی از صنعت جهانگردی مذهبی در ایران به عنوان یکی از بهترین راه‌های خارج شدن از اقتصاد تک‌محصولی نفت ذکر شد.

در پژوهشی که موسوی و همکاران (۱۳۹۳) با عنوان تحلیل نقش مذهب در توسعه گردشگری شهرستان اردکان انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که وجود اماکن زیارتی و پایبندی به آیین‌های مذهبی بیشترین تأثیر را در توسعه گردشگری مذهبی در این شهرستان داشته و همچنین افزایش تعداد گردشگران ساختار فضایی توسعه این شهرستان را نیز افزایش داده است. در پژوهشی که احمدی شاپورآبادی و سبزآباد (۱۳۹۰) با عنوان ظرفیت‌های توسعه گردشگری مذهبی فرهنگی شهر قم انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که استفاده بهینه از جاذبه‌های مذهبی، تاریخی و فرهنگی شهر قم در کنار سودآوری اقتصادی آن منجر به ترویج و گسترش ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی و معرفی فرهنگ ناب اسلامی ایرانی و غنا بخشیدن به فرهنگ معنوی در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی می‌شود. چانگ ان هوانگ و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی تجربه‌سازنده زیارت و تأثیر آن بر تصویر برند و مزایای سفر با نقش تعدیل‌یادگیری فرهنگ مذهبی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که اثر تعدیل‌کننده یادگیری فرهنگ مذهبی تأثیر مثبتی بر روی تصویر برند بر مزایای سفر دارد؛ زیرا آموزش فرهنگ باعث تقویت ارتباط می‌شود. به طور خلاصه، تجارب سازنده گردشگری مذهبی اثر مثبت غیرمستقیم بر مزایای سفر را از طریق تصویر برند را افزایش می‌دهد.

زیارتی عزیز (۲۰۱۱) در پژوهشی سعی می‌کند که با توجه به منابع چاپی و الکترونیکی موجود، موضوع گردشگری دینی با تأکید بر آیات قرآن و روایات را بررسی کند. خلیلی چرمهینی (۱۳۸۹) به طور اجمال به پدیده گردشگری اسلامی و ابعاد و اثرات آن و راه‌های ارتقا پرداخته است. تقوایی و همکاران (۱۳۸۹) نیز بر اهمیت مکان‌های مذهبی در جذب گردشگران تأکید می‌کنند و بر این باورند که مکان‌های مذهبی در جذب گردشگران و توسعه مناطق مختلف نقش و تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد. وارثی و حیدری (۲۰۱۰) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که گردشگری اسلامی بر همگرایی بین مسلمانان اثر قابل توجهی داشته است. نهاوندی و همکاران (۱۳۸۹) نیز در پژوهشی بر مفاهیم حوزه زیارت و گردشگری مذهبی پرداختند و با استفاده از مدل SWOT فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی گردشگری زیارتی در ایران را بررسی کرده‌اند. کار^۱ (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای به منافع و معایب

1. Kar

مرکز مذهبی شرق هند و تأثیر گردشگری مذهبی پرداخت. رویو و همکاران^۱ (۲۰۰۸) نیز به بررسی وقایع مذهبی به عنوان یکی از موارد گردشگری مذهبی در اسپانیا پرداختند.

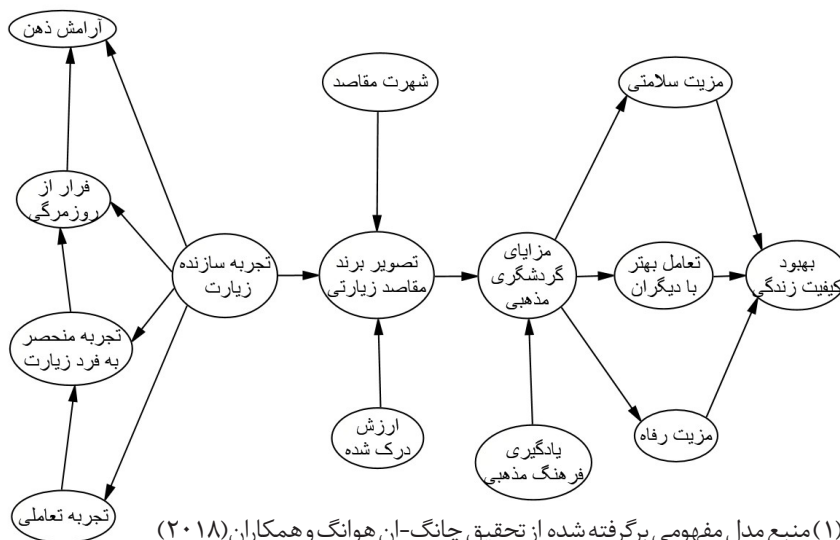
الگوی مفهومی پژوهش

برای ارائه چشم‌انداز گسترده‌ای از سازوکار یادگیری در گردشگری فرهنگی، مدل یکپارچه از میانجیگری اعتدالی به کار گرفته شد که اثر میانجی از تصویر برند را بر تجارب سازنده گردشگری مذهبی و مزایای سفر نشان می‌دهد، در حالی که اثر تعدیلی یادگیری فرهنگ مذهبی رابطه بین برند تصویر و مزایای سفر را تقویت می‌کند. مطالعه حاضر، یک مدل نظری میانجیگرانه و یکپارچه گردشگری را پیشنهاد می‌دهد. مدل اولیه پژوهش از مطالعات تحقیق چانگ-ان هوانگ و همکاران (۲۰۱۸) گرفته شده است که در این پژوهش تغییراتی در مدل اعمال شده و ابعاد شهرت مقصد گردشگری، ارزش درک شده شهر گردشگری مذهبی، تعامل بهتر با دیگران و بهبود کیفیت زندگی به آن اضافه شده است؛ بنابراین با توجه به مطالب بیان شده فرضیات زیر مطرح می‌شود:

۱. تجربه سازنده زیارت بر آرامش ذهن گردشگران مذهبی اثر مثبت و معناداری دارد.
۲. تجربه سازنده زیارت بر تجربه سازنده زیارت گردشگران مذهبی اثر مثبت و معناداری دارد.
۳. تجربه سازنده زیارت بر فرار از تجربیات روزمره گردشگران مذهبی اثر مثبت و معناداری دارد.
۴. تجربه سازنده زیارت بر تجربیات تعاملی گردشگران مذهبی اثر مثبت و معناداری دارد.
۵. تجربه سازنده زیارت بر تصویر برند گردشگران مذهبی اثر مثبت و معناداری دارد.
۶. تجربیات تعاملی بر فرار از تجربیات روزمره گردشگران مذهبی اثر مثبت و معناداری دارد.
۷. فرار از تجربیات روزانه بر تجربه منحصر در زمان زیارت گردشگران مذهبی اثر مثبت و معناداری دارد.

1. Rubio et al.

۸. تجربه زیارت بر آرامش ذهن گردشگران مذهبی اثر مثبت و معناداری دارد.
۹. تصویر برند شهر زیارتی بر مزایای سفر مذهبی گردشگران مذهبی اثر مثبت و معناداری دارد.
۱۰. یادگیری فرهنگ مذهبی بر مزایای سفر مذهبی گردشگران مذهبی اثر مثبت و معناداری دارد.
۱۱. مزایای سفر مذهبی بر مزیت سلامتی گردشگران مذهبی اثر مثبت و معناداری دارد.
۱۲. مزایای سفر مذهبی بر مزیت رفاه گردشگران مذهبی اثر مثبت و معناداری دارد.
۱۳. مزایای سفر مذهبی بر تعامل با دیگران اثر مثبت و معناداری دارد.
۱۴. شهرت شهر گردشگری مذهبی بر تصویر مقصد گردشگری اثر مثبت و معناداری دارد.
۱۵. ارزش درک شده شهر گردشگری مذهبی بر تصویر مقصد گردشگری اثر مثبت و معناداری دارد.
۱۶. مزایای گردشگری مذهبی بر تعامل با دیگران اثر مثبت و معناداری دارد.
۱۷. مزیت سلامتی بر بهبود کیفیت زندگی گردشگران مذهبی اثر مثبت و معناداری دارد.
۱۸. مزیت رفاه با دیگران بر بهبود کیفیت زندگی گردشگران مذهبی اثر مثبت و معناداری دارد.



شکل (۱) منبع مدل مفهومی برگرفته شده از تحقیق چانگ-ان هوانگ و همکاران (۲۰۱۸)

روش تحقیق

این پژوهش بر اساس هدف کاربردی است. از سوی دیگر، از نظر ماهیت و روش تحقیق، توصیفی (غیرآزمایشی) از نوع پیمایشی است. در این تحقیق، پژوهشگر ماهیت مسئله تحقیق را که همان بررسی تجربه سازنده زیارت و تأثیر آن بر تصویر برند و مزایای سفر با تأکید بر نقش تعدیلی یادگیری فرهنگی مذهبی است توصیف می کند. قلمرو مکانی این تحقیق بارگاه ملکوتی امام رضا (ع) در شهر مشهد است. قابل ذکر است عمده پرسش نامه ها در دی ماه مصادف با ایام فاطمیه ۱۳۹۹ گردآوری شد. روش نمونه گیری تصادفی ساده است. در این تحقیق برای جمع آوری داده ها از روش میدانی و از ابزار پرسش نامه محقق ساخته برگرفته از مطالعات چونگ ان هوانگ (۲۰۱۸)، ژانگ و همکاران (۲۰۱۹) و لی هانگ و همکاران (۲۰۱۴) استفاده شده است. پرسش نامه به کمک طیف لیکرت به صورت خیلی کم (۱)، کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴) و خیلی زیاد (۵) نمره گذاری شده که در جدول ۱ ابعاد و گویه های پرسش نامه آمده است. در این پژوهش متغیر مستقل ارزش درک شده و متغیرهای میانجی آرامش ذهن، فرار از روزمرگی، تجربه منحصر به فرد زیارت، تجربه تعاملی، تجربه سازنده زیارت، تصویر برند شهر مذهبی زیارتی، یادگیری فرهنگ مذهبی، مزایای گردشگری مذهبی، مزیت سلامتی، تعامل بهتر با دیگران و مزیت رفاه و متغیر وابسته بهبود کیفیت زندگی است. در تحلیل استنباطی داده ها از ضریب آلفای کرونباخ و برای تعیین ثبات درونی ابزار آزمون KMO و کروییت بارتلت برای مناسب بودن حجم نمونه و درست بودن تفکیک عامل ها و برای تعیین ارتباط علی بین متغیرها از روش مدل معادلات ساختاری استفاده و در مدل این پژوهش ۱۴ متغیر مورد سنجش قرار گرفته شده است که ۵۱۰ پرسش نامه پر شد. با توجه به اینکه در این تحقیق از روش معادلات ساختاری برای آزمون فرضیه ها استفاده شده است؛ بنابراین تعداد نمونه آماری طبق اصل کفایت نمونه، باید بین ۵ تا ۱۵ برابر گوی های متغیرها در پرسش نامه تحقیق باشد. از آنجا که تعداد گوی ها (سؤالات) پرسش نامه این تحقیق، ۳۴ سؤال است؛ بنابراین باید تعداد نمونه آماری بین ۱۷۰ تا ۵۱۰ نفر باشد که تعداد ۵۱۰ پرسش نامه پر شده این پژوهش در این بازه است. جدول ۱ تعداد سؤالات پرسش نامه ۳۴ سؤالی تحقیق را نشان

داده است. کلیه محاسبات آماری این پژوهش با استفاده از نرم افزار آماری SPSS۲۳ و تحلیل های مربوط به مدلیابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار Amos۲۳ انجام گرفت و سطح معناداری تمامی آزمون $P < ۰/۰۵$ است.

جدول ۱: گویه ها پرسش نامه

ابعاد	گویه ها
آرامش ذهن	۱. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) باعث شد، احساس راحتی کنم.
	۲. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) باعث می شود، من احساس آرامش کنم.
	۳. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) باعث می شود، من احساس امنیت کنم.
فرار از روزمرگی	۱. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) می تواند، مرا از نگرانی های زندگی دور کند.
	۲. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) می تواند، باعث شود کارهای روزانه ام را فراموش کنم.
	۳. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) می تواند، باعث شود که من تجربه های متفاوتی داشته باشم.
تجربه منحصر به فرد زیارت	۱. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) منحصر به فردترین تجربه ی فراموش نشدنی من است.
	۲. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) جدیدترین تجربه است، متفاوت از آنچه من قبلاً انجام داده ام.
تجربه تعاملی	۱. خادمین بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) برخورد دوستانه با من دارند.
	۲. کارکنانی که بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) را اداره می کنند، آگاه هستند.
	۳. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) به من حس انتخاب و تصمیم گیری های بیشتری در زندگی می دهد.
تجربه سازنده زیارت	۱. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) باعث می شود تجربه جدیدی در زندگی داشته باشم.
	۲. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) باعث می شود کاری را انجام دهم که من معمولاً انجام نمی دهم.
شهرت شهر مذهبی	۱. بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) از شهرت بی بدیلی در میان بدیلی در میان شیعیان برخوردار است.
	۲. بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) از شهرت بی بدیلی در میان بدیلی در میان مسلمانان برخوردار است.

۱. فضای بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) متناسب با شخصیت من است.	تصویر برند شهر زیارتی
۲. تجسم فضای مذهبی یا نفس من سازگار است.	
۱. زیارت بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) از شهرت بی بدیلی در میان شیعیان برخوردار است.	ارزش درک شده
۲. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام)، تعامل بهتر با محیط کار را بهبود می بخشد.	
۳. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) درک من را از زندگی بیشتر می کند.	
۱. من پس از بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام)، چیزهای بسیار آموختم.	یادگیری فرهنگی مذهبی
۲. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام)، ذهن مرا برای یادگیری درباره فرهنگ‌های جدید باز می کند.	
۳. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) یک تجربه است که در آن شما واقعاً چیزی درباره فرهنگ یاد می گیرید.	
۱. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) باعث می شود با افراد و فرهنگ‌های مختلف آشنا شوم.	مزابای گردشگری مذهبی
۲. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) باعث تغییر در رفتار می شود.	
۱. بازدید از مکان مذهبی تعالی روح برایم دارد.	مزیت سلامتی
۲. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) فشار خون من را کاهش می دهد.	
۱. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام)، تعامل بهتر با خانواده را بهبود می بخشد.	تعامل بهتر با دیگران
۲. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام)، تعامل بهتر با اطرافیان را بهبود می بخشد.	
۱. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) به من احساس احترام می دهد.	مزیت رفاه
۲. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) به من روحیه می دهد. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) باعث می شود که استرس نداشته باشم.	
۳. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام) باعث می شود که استرس نداشته باشم.	
۱. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام)، تجربه من را از زندگی بهبود می دهد.	بهبود کیفیت زندگی
۲. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام)، احساس من نسبت به زندگی مثبت می کند.	
۳. بازدید از بارگاه مطهر امام رضا (علیه السلام)، کیفیت زندگی مرا ارتقا می دهد.	

یافته‌های تحقیق

برای تعیین اعتبار محتوای و روایی پرسش‌نامه از نظر خبرگان استفاده شد. آلفای کرونباخ

همه سازه‌ها این پژوهش بیشتر از ۰/۷ است. برای محاسبه این پایایی از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. جدول ۲ شاخص‌های مورد نیاز برای اعتبار و پایایی سازه‌ها نشان داده است. به منظور تحلیل ساختار درونی پرسش‌نامه و کشف عوامل تشکیل دهنده هر سازه، روایی سازه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی انجام شده است. همچنین برای تعیین اعتبار محتوای و روایی پرسش‌نامه از نظر خبرگان استفاده شد. جدول ۳ شاخص‌های مورد نیاز برای روایی و پایایی سازه‌ها را نشان داده است.

جدول (۳) تحلیل عاملی تأییدی: شاخص‌های اعتبار و پایایی

سازه	گویه‌ها	بار عاملی	آلفای کرونباخ	اعتبار سازه (CR) بالایی ۰/۶۰	میلگین واریانس استخراج شده بالایی (AVE) ۰/۵
آرامش ذهن	PM۱	۰/۸۷۱	۰/۹۲۳	۰/۸۵۲	۰/۶۵۹
	PM۲	۰/۸۴۲			
	PM۳	۰/۷۱۴			
فرار از روزمرگی	ED۱	۰/۷۶۴	۰/۸۹۹	۰/۸۱۵	۰/۵۹۵
	ED۲	۰/۷۸۹			
	ED۳	۰/۷۶۰			
تجربه منحصراً به فرد زیارت	UE۱	۰/۸۸۲	۰/۸۸۱	۰/۶۷۱	۰/۵۲۲
	UE۲	۰/۵۱۵			
تجربه تعاملی	EI۱	۰/۹۰۳	۰/۸۸۷	۰/۶۸۵	۰/۵۸۰
	EI۲	۰/۷۷۳			
	EI۳	۰/۷۴۱			
تجربه سازنده زیارت	EM۱	۰/۸۵۷	۰/۹۵۲	۰/۹۰۱	۰/۸۲۰
	EM۲	۰/۹۵۲			
شهرت شهر مذهبی	FM۱	۰/۸۱۸	۰/۷۷۸	۰/۶۸۵	۰/۵۸۰
	FM۲	۰/۶۱۹			

۰/۷۱۷	۰/۸۳۵	۰/۹۰۶	۰/۸۳۱	IB۱	تصویر برند شهر
			۰/۸۶۲	IB۲	زیارتی
۰/۶۹۲	۰/۸۷۱	۰/۹۰۶	۰/۸۳۱	PU۱	ارزش درک شده
			۰/۸۳۸	PU۲	
			۰/۸۲۶	PU۳	
۰/۵۰۹	۰/۷۵۶	۰/۷۲۵	۰/۷۱۹	CI۱	یادگیری فرهنگ مذهبی
			۰/۷۶۸	CI۲	
			۰/۶۴۸	CI۳	
۰/۶۱۶	۰/۷۶۲	۰/۹۰۰	۰/۷۶۸	BT۱	مزایای گردشگری مذهبی
			۰/۸۰۱	BT۲	
۰/۶۵۶	۰/۷۹۲	۰/۸۸۵	۰/۷۷۷	AH۱	مزیت سلامتی
			۰/۸۴۲	AH۲	
۰/۷۲۶	۰/۸۴۱	۰/۹۵۴	۰/۸۵۱	BI۱	تعامل بهتر با دیگران
			۰/۸۵۳	BI۲	
۰/۵۴۷	۰/۶۹۵	۰/۷۴۶	۰/۶۲۲	AW۱	مزیت رفاه
			۰/۷۸۹	AW۲	
			۰/۷۳۵	AW۳	
۰/۵۲۷	۰/۶۹۰	۰/۶۵۲	۰/۶۹۴	IQ۱	بهبود کیفیت زندگی
			۰/۷۵۷	IQ۲	

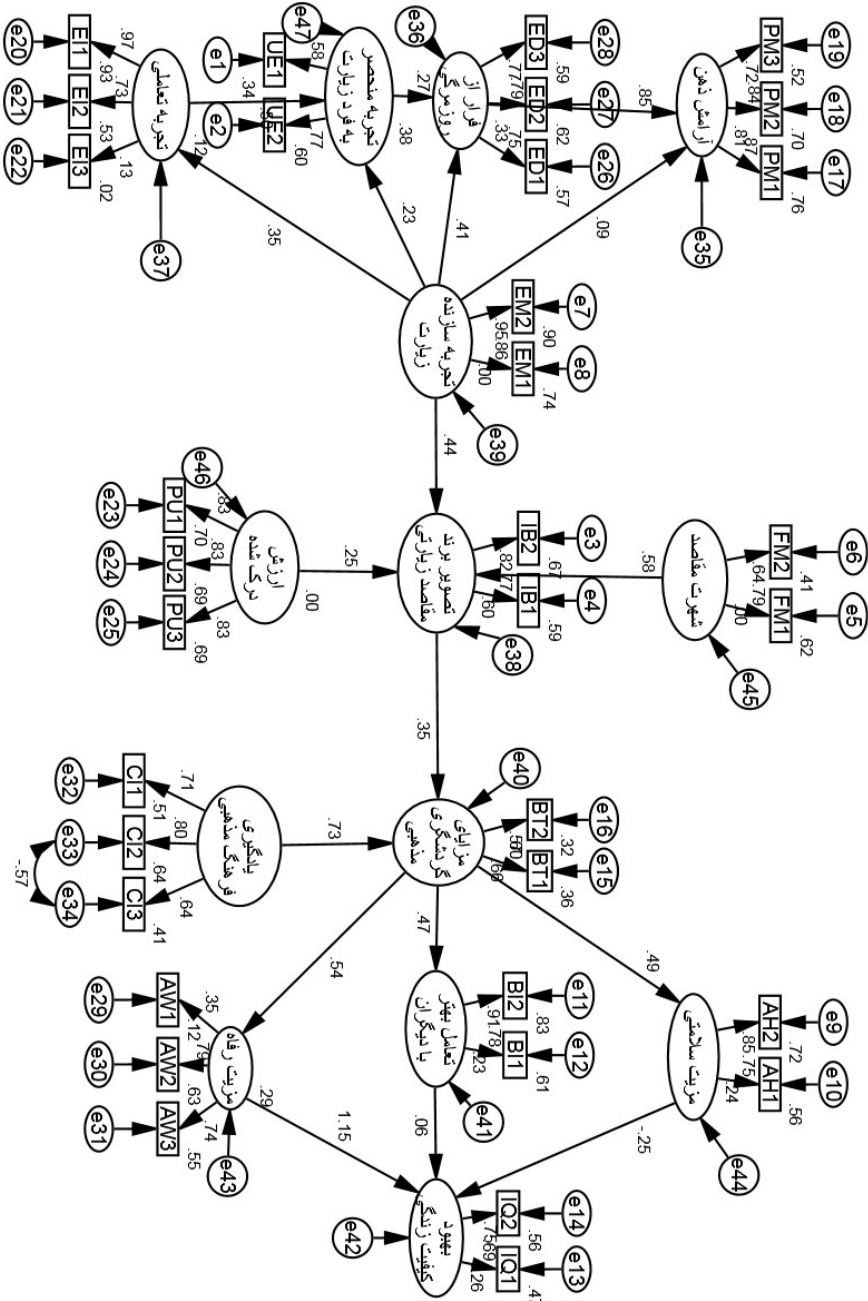
برای آزمون مدل مفهومی و فرضیه‌های پژوهش از مدل‌سازی معادلات ساختاری و تحلیل مسیر در نرم‌افزار Amos استفاده شده است. از این رو، با افزودن کواریانس بین مؤلفه‌های خطا اصلاح شد؛ بنابراین، با توجه به جدول ۳، مدل اصلاح شده از برازش مناسبی برخوردار است.

جدول (۳) شاخص‌های برازندگی مدل

گروه شاخص برازش	نام شاخص	مقدار مجاز	مقادیر نهایی
برازش مطلق	CMIN/DF (کای اسکور بهنجار شده)	کمتر از ۵	۳/۴۳۸
	RMSEA (ریشه میانگین مربعات خطای برآورد)	کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۷۲
	GFI (نیکویی برازش)	بالتر از ۰/۷	۰/۸۴۰
برازش افزایشی	AGFI (شاخص برازندگی تعدیل یافته)	بالتر از ۰/۷	۰/۷۸۲
	CFI (شاخص برازش مقایسه‌ای-تعدیل یافته)	بالتر از ۰/۷	۰/۸۶۱
	NFI (برازندگی نرم شده)	بالتر از ۰/۷	۰/۸۳۰
	TLI (برازندگی نرم نشده)	بالتر از ۰/۷	۰/۸۲۱

با توجه به اطلاعات جدول بالا می‌توان دریافت که مدل از برازش بسیار خوبی برخوردار است. با در نظر گرفتن نتایج تجزیه و تحلیل مدل به بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است که نتایج آن در شکل شماره (۲) ارائه شده است. در پژوهش حاضر به منظور آزمون معناداری فرضیه‌ها از دو شاخص جزئی مقدار بحرانی CR و P استفاده شده است. بر اساس سطح معناداری ۰/۰۵ مقدار بحرانی باید بیشتر از ۱/۹۶ باشد، مقدار پارامتر کمتر از این در الگو مهم شمرده نمی‌شود، همچنین مقادیر کوچک‌تر از ۰/۰۵ برای مقدار P حاکی از تفاوت معنادار مقدار محاسبه شده برای وزن‌های رگرسیونی با مقدار صفر در سطح ۰/۹۵ است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش معادلات ساختاری و نرم افزار Amos ۱۸ استفاده شده است که خروجی نرم افزار به صورت شکل (۲) است. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، این پژوهش مبتنی بر ۱۸ فرضیه است. برای بررسی این فرضیه‌ها از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. سطوح معناداری به منظور آزمون این فرضیه‌ها در جدول (۳) نشان داده شده است. مبنای تایید فرضیه‌ها این است که سطح معناداری (p-value) برای آن‌ها کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد.

شکل (۲) برآورد مسیر فرضیه‌های پژوهش



جدول (۳) بررسی فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌ها	مسیر	برآورد مسیر	نتیجه
		(Estimate (p-value)	
فرضیه ۱	تجربه سازنده زیارت ← آرامش ذهن	۰/۰۸۹ (۰/۰۳۲)	تایید فرضیه
فرضیه ۲	تجربه سازنده زیارت ← فرار از روزمرگی	۰/۴۰۷ (***)	تایید فرضیه
فرضیه ۳	تجربه سازنده زیارت ← تجربه منحصر به فرد	۰/۲۲۷ (***)	تایید فرضیه
فرضیه ۴	تجربه سازنده زیارت ← تجربیات تعاملی	۰/۳۴۶ (***)	تایید فرضیه
فرضیه ۵	تجربه تعاملی ← تجربه منحصر به فرد	۰/۵۰۰ (***)	تایید فرضیه
فرضیه ۶	تجربه منحصر به فرد ← فرار از روزمرگی	۰/۲۷۳ (***)	تایید فرضیه
فرضیه ۷	فرار از روزمرگی ← آرامش ذهن	۰/۸۵۲ (***)	تایید فرضیه
فرضیه ۸	تجربه سازنده زیارت ← تصویر برند شهر زیارتی	۰/۴۴۲ (***)	تایید فرضیه
فرضیه ۹	شهرت شهر مذهبی ← تصویر برند شهر زیارتی	۰/۵۸۴ (***)	تایید فرضیه
فرضیه ۱۰	ارزش درک شده ← تصویر برند شهر زیارتی	۰/۲۵۲ (***)	تایید فرضیه
فرضیه ۱۱	تصویر برند شهر زیارتی ← مزایای گردشگری	۰/۳۵۲ (***)	تایید فرضیه
فرضیه ۱۲	یادگیری فرهنگ مذهبی ← مزایای گردشگری	۰/۷۳۰ (***)	تایید فرضیه
فرضیه ۱۳	مزایای گردشگری ← مزیت سلامتی	۰/۴۹۴ (***)	تایید فرضیه
فرضیه ۱۴	مزایای گردشگری ← تعامل بهتر با دیگران	۰/۴۷۵ (***)	تایید فرضیه
فرضیه ۱۵	مزایای گردشگری ← مزیت رفاه	۰/۵۳۹ (***)	تایید فرضیه
فرضیه ۱۶	مزیت سلامتی ← بهبود کیفیت زندگی	۰/۲۴۵ (***)	تایید فرضیه
فرضیه ۱۷	تعامل بهتر با دیگران ← بهبود کیفیت زندگی	۰/۰۶۱ (۰/۱۱۲)	رد فرضیه
فرضیه ۱۸	مزیت رفاه ← بهبود کیفیت زندگی	۱/۱۴۶ (***)	تایید فرضیه

با توجه به جدول شماره (۴) و آزمون فرضیات اصلی پژوهش، مشاهده می‌شود که فرضیات اصلی پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود. در توضیح آزمون فرضیات اصلی باید گفت که با توجه به مقدار بحرانی (CR) که برای تمامی فرضیات

دارای مقدار بیش از ۱/۹۶ و مقدار (P) که کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرضیات اصلی پژوهش تایید می شود.

نتیجه گیری

به لحاظ موقعیت فرهنگی مذهبی خاص ایران در میان کشورهای دیگر و با وجود ۸ هزار و ۹۱۹ مکان مذهبی، گردشگری مذهبی جای رشد و توسعه بسیاری در کشور ما دارد که با برنامه ریزی صحیح برای تقویت آثار مثبت آن و جلوگیری و رفع آثار منفی می توان از مزایای بسیار زیاد گردشگری مذهبی بهره جست. گردشگری مذهبی را می باید یک حرکت فرهنگی و تبلیغی دید به گونه ای که جنبه های اقتصادی آن همواره تابع مصالح فرهنگی و تبلیغی آن باشد. گردشگری مذهبی می تواند فرصت های مادی، معنوی و فرهنگی زیادی را برای شهرهای گردشگری به خصوص شهر مقدس مشهد فراهم کند. نتایج این پژوهش نشان داد که رونق جهانگردی مذهبی میان کشورها و جوامع اسلامی و بازدید گردشگران از امکان متبرکه به ویژه حرم علی بن موسی الرضا موجب نزدیکی و آشنایی ملل مسلمان با یکدیگر خواهد شد و این امر کمک شایانی در رسیدن به فرهنگ مشترک اسلامی، برقراری پیوند و اتحاد میان مسلمانان و احیای دوباره مفهوم امت واحد اسلام خواهد کرد. در واقع حضور گردشگران مذهبی در مشهد مقدس تبلیغات سوئی را که علیه جهان اسلام می شود خنثی خواهد کرد و این دستاورد بسیار مهمی برای کشور محسوب خواهد شد و نشان خواهد داد که ایران دارای ساختاری امن است. گردشگری مذهبی به لحاظ سیاسی می تواند جایگاه کشور را ارتقا بخشد. از منظر فرهنگ تمدنی و سیاسی نیز صنعت گردشگری مذهبی به شناساندن فرهنگ و تمدن ایران اسلامی به دیگر کشورها کمک قابل توجه می کند. یافته های این پژوهش تحقیق حاکی از آن است که تجربه سازنده زیارت بر آرامش ذهن، فرار از تجربیات زندگی روزمره، تجربه منحصر در زمان زیارت، تجربیات تعاملی و تصویر برند گردشگران مذهبی اثرگذار است. می توان گفت گردشگری مذهبی برای زائران و گردشگران مشتاق به این نوع جهانگردی و سفر با نوعی جلای

روح و جان و آرامش روانی می‌تواند، همراه باشد که با نتایج تحقیقات چانگ-ان هوانگ و همکاران (۲۰۱۸) و نتایج تحقیق شربتیان (۱۳۹۳) مطابقت دارد. نتایج تحقیق نشان داد که تجربیات تعاملی گردشگری مذهبی بر فرار از تجربیات روزمره تأثیر مثبت و معناداری دارد که این نتیجه همسو با نتایج چانگ-ان هوانگ و همکاران (۲۰۱۸) است. از این رو، گردشگرانی که نسبت به یک مقصد گردشگری مذهبی تجربه خوبی کسب می‌کنند، به احتمال زیاد تمایل بیشتری خواهند داشت تا مجدد سفر به آن منطقه را تجربه کنند. گردشگران بار اول، معمولاً اطلاعات زیادی درباره شرایط، امکانات و داشته‌های مقصد مد نظر ندارند و برای اولین بار این مسائل را تجربه می‌کنند؛ اما گردشگران تکراری با مقصد آشنا هستند و گاهی علاقه‌مندند که تجارب خوش گذشته را تکرار کنند یا از جاذبه‌های دیگر موجود در مقصد که در سفر گذشته فرصت دیدار از آن را نداشته‌اند، بازدید کنند. یافته‌های پژوهش گویای آن است که تصویر برند و یادگیری فرهنگ مذهبی بر مزایای سفر گردشگری مذهبی تأثیر دارد. کرمی و فخرایی (۱۳۹۱) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که تصویر برند در مطالعات ۳۰ سال اخیر به عنوان مهم‌ترین عامل ارزیابی گردشگران از برند مقصد گردشگری تلقی شده است؛ بنابراین مدیران با ارائه اطلاعات فرهنگی می‌توانند باعث افزایش آگاهی گردشگران از فرهنگ مکان گردشگری شوند. نتایج این فرضیه همسو با نتایج چانگ-ان هوانگ و همکاران (۲۰۱۸) است. همچنین علی‌پور و همکاران (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی، به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبتی بین تجربه برند، تمایل به بازدید مجدد و تمایل به توصیه مقصد به دیگران وجود دارد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که یادگیری فرهنگ مذهبی در گردشگری مذهبی اثر تصویر برند گردشگری بر مزایای سفر را نمی‌تواند، تعدیل کند. شاید بتوان گفت مزیت رفاهی و سلامتی گردشگران به خوبی تأمین نشده است. نتایج این فرضیه مغایر با نتایج تحقیق چانگ-ان هوانگ و همکاران (۲۰۱۸) همچنین مغایر با نتایج تحقیقات جعفری و همکاران (۱۳۹۷) است. نتایج این پژوهش نشان داد که مزایای سفر برای بر وضعیت سلامتی و رفاه گردشگران مذهبی اثر مثبت و معناداری دارد. می‌توان گفت که در مکان‌های مذهبی وجود در مانگاه‌های تخصص و رایگان می‌تواند تأثیر مثبتی بر گردشگران مذهبی از لحاظ

وضعیت سلامتی داشته باشد. شهر مشهد، مرکز استان و قطب اصلی ارائه انواع خدمات برتر پزشکی، در سطح ملی و بین‌المللی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این شرایط به همراه وجود زیرساخت‌های حمل‌ونقل (راه‌های زمینی، راه‌آهن، فرودگاه بین‌المللی و...)، مراکز اقامتی، مراکز تفریحی و گردشگری و به ویژه گردشگری مذهبی توانسته زمینه جذب گردشگر درمانی و پزشکی را در این شهر فراهم آورد. نتایج این فرضیه‌ها همسو با نتایج چانگ-ان هوانگ و همکاران (۲۰۱۸) است. پس می‌توان گفت، هر چقدر مقصدهای زیارتی از امکانات رفاهی بیشتر برخوردار باشد، در جذب گردشگران مؤثر خواهد بود.

پیشنهادهای کاربردی

با توجه به نتایج فرضیه اول پیشنهاد می‌شود در بارگاه ملکوتی امام رضا (علیه السلام) برای آرامش ذهنی گردشگران تسهیلات رفاهی مناسبی به خصوص در صحن‌های حرم ایجاد شود. با توجه به نتیجه فرضیه دوم پیشنهاد می‌شود برای مشارکت فردی و فرار از تجربیات روزمره، طرح‌های مناسب برای معرفی آداب و معرفت زیارت مذهبی تهیه و تدوین شود. با توجه به نتایج فرضیه سوم پیشنهاد می‌شود، عوامل و کارکنان حرم رضوی با ایجاد فضای معنوی پربارتر، موجب شوند که گردشگران مذهبی در این حرم خارج از تعلقات مادی و در زمان زیارت، تجربه منحصر به فردی را سپری کنند. با توجه به نتایج فرضیه چهارم پیشنهاد می‌شود که آستان قدس رضوی تبلیغات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی در حوزه شناخت آداب و رسوم، فرهنگ زیارتی، تکریم زائران و گردشگران فراهم شود تا گردشگران بتوانند از تجربیات همدیگر استفاده کنند و تعاملات مناسبی با یکدیگر و مجموعه داشته باشند. با توجه به نتایج فرضیه پنجم پیشنهاد می‌شود، برای ایجاد تجربه سازنده زیارت برای زائران زمینه لازم فراهم آید تا از این طریق تصویر برند شهر مشهد بیش از پیش ارتقا یابد. ضروری است تمامی امکانات مورد نیاز گردشگران مذهبی در شهر مشهد فراهم آید. با توجه به نتیجه فرضیه ششم و هفتم پیشنهاد می‌شود، فضایی مذهبی با معماری اسلامی ایرانی در کل شهر مشهد گردشگران مذهبی فراهم آید تا گردشگران تجربه منحصر در زمان

زیارت کسب کنند. با توجه به نتایج فرضیه هشتم پیشنهاد می‌شود از طریق روش‌های مختلف آرامش ذهن گردشگران در شهر مشهد ارتقا یابد. با توجه به نتایج فرضیه نهم پیشنهاد می‌شود که مدیران هتل‌ها و همچنین مسئولان آستان قدس رضوی با ارائه اطلاعات فرهنگی باعث افزایش آگاهی گردشگران از فرهنگ مکان گردشگری شوند. با توجه به نتایج فرضیه دهم پیشنهاد می‌شود به یادگیری فرهنگ مذهبی و مشارکت در زمینه فرهنگی برای مزایا سفر و ارائه تصویر درست از مکان مذهبی توجه کافی داشته باشند. همچنین پیشنهاد می‌شود، مسئولان فرهنگی آستان قدس رضوی آموزش تعامل خود را با زائران افزایش دهند. با توجه به نتایج فرضیه یازدهم پیشنهاد می‌شود، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در شهر مشهد به هتل‌ها و غذای خوری نظارت کافی داشته باشند تا سلامتی گردشگران و زائران به خطر نیفتد. همچنین می‌شود شبکه بهداشتی و علوم پزشکی شهر مشهد برای ارائه خدمات پزشکی ارتقا یابد. با توجه به نتایج فرضیه دوازدهم پیشنهاد می‌شود آستان قدس رضوی و کلیه مسئولان مربوطه به ایجاد تسهیلات خدماتی، رفاهی، پذیرایی، بهداشتی، وسایل حمل و نقل و برخورد مناسب با گردشگران توجه بیشتری داشته باشند. با توجه به نتایج فرضیه دوازدهم پیشنهاد می‌شود که شهرداری شهر مشهد توجه بیشتر به تأمین اقامتگاه‌های مناسب، راه‌های خوب، پایانه‌های هوایی و زمینی مناسب برای رفاه گردشگران و زائران بارگاه ملکوتی امام رضا (علیه السلام) داشته باشند. با توجه به فرضیه سیزدهم پیشنهاد می‌شود در رسانه‌ها بر مزایای سفر مذهبی تأکید گردد. با توجه به فرضیه چهاردهم و پانزدهم پیشنهاد می‌شود بر افزایش تبلیغات شهر مشهد به انحاء مختلف برای جذب گردشگر تأکید شود. با توجه به فرضیه هفدهم و هجدهم پیشنهاد می‌شود در رسانه‌های مختلف بر اثر مثبت گردشگری مذهبی بر سلامتی اطلاعات فراگیری به مردم تأکید شود.

توجه بیشتر به تأمین اقامتگاه‌های مناسب، راه‌های خوب، پایانه‌های هوایی و دریایی و زمینی مناسب، ایجاد تسهیلات خدماتی، رفاهی، پذیرایی، بهداشتی، وسایل حمل و نقل و برخورد مناسب با گردشگران از طریق آموزش و کنترل و نظارت بر تمام خدمات ارائه شده برای زائران و گردشگران. همچنین آموزش راهنمای متخصص تور در گردشگری مذهبی از

دیگر پیشنهادهای این پژوهش موارد زیر است:

تبلیغات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی در حوزه شناخت آداب و رسوم، فرهنگ زیارتی، تکریم زائران و گردشگران نیز از دیگر توصیه‌های این تحقیق است. آموزش فرهنگی و تعاملی به مهمانان در برخورد با فرهنگ محلی و ساکنان محلی شهر زائرپذیر از دیگر پیشنهادهای این پژوهش است. تبلیغات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی در حوزه شناخت آداب و رسوم، فرهنگ زیارتی، تکریم زائران و گردشگران، آموزش فرهنگی و تعاملی به مهمانان و ساکنان محلی شهر زائرپذیر و آگاه‌سازی جامعه درباره مزایایی گردشگری مذهبی، از دیگر توصیه‌های این پژوهش است.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- احمدی شاپورآبادی، محمدعلی؛ سبزآبادی، احمد. (۱۳۹۰) «تحلیلی بر ظرفیت‌های توسعه گردشگری مذهبی فرهنگی کلان شهر قم». فصلنامه مطالعات ملی. سال دوازدهم. شماره ۶. صص: ۸۳-۱۱۲.
- آقاجانی، معصومه؛ فراهانی فرد، سعید. (۱۳۹۴). «گردشگری مذهبی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: ایران)». فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان. بهار ۱۳۹۴. دوره ۳. شماره ۹. صص: ۴۳-۶۶.
- باقرنیا، آذین؛ احمدیان، رضا. (۱۳۹۳). مبانی گردشگری فرهنگی. تهران: انتشارات تیسرا.
- تنکابنی، فرید. (۱۳۷۷). الحدیث (روایات ترتیبی از مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)). جلد دوم. چاپ یازدهم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، سید محمد باقر؛ غفاری، محمد؛ عباسی، احمد. (۱۳۹۷). «شناسایی و مفهوم‌پردازی کیفیت تجربه مذهبی گردشگر (مورد مطالعه: گردشگران خارجی شهر قم)». فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای). ۸(۳). صص: ۷-۲۹.
- حقیقی کفاش، مهدی؛ ضیایی، محمود؛ جعفری، قاسم. (۱۳۸۵). «اولویت‌بندی عوامل مربوط به توسعه گردشگری درمانی ایران». مطالعات مدیریت گردشگری. ۴(۱۱/۱۲). صص: ۲۳-۴۰.
- رحیم‌پور، علی؛ سید حسینی، سید داوود. (۱۳۷۹). سیمای جهانگردی/اسلامی. تهران: محیا.
- سلطانی، علی؛ شریف، حمیدرضا. (۱۳۹۴). «رضایت‌سنجی خدمات گردشگری مذهبی با تأکید بر نقش عوامل محیطی، مطالعه موردی حرم شاه‌چراغ شیراز». فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری. ۶(۲۳). صص: ۳۵-۵۴.
- فیض‌آبادی، مصطفی جهانگیر؛ وزیری محبوب، سید جمال. (۱۳۹۰). «ضرورت مطالعات آینده‌پژوهی و روش‌های آن در توسعه گردشگری مذهبی». مشهد: همایش میقات الرضا (علیه‌السلام).
- کروی، مهدی. (۱۳۸۲). «فرهنگ و گردشگری». مطالعات مدیریت گردشگری. ۱۱(۲). صص: ۲۱-۴۷.
- مافی، عزت‌الله؛ سقایی، مهدی. (۱۳۸۸). «کاربر مدل MS-SWOT در تحلیل مدیریت گردشگری، مطالعه موردی کلان شهر مشهد». جغرافیا و توسعه. ۷(۱۴). صص: ۲۷-۵۰.
- محلاتی، صلاح‌الدین. (۱۳۸۰). درآمدی بر جهانگردی فرهنگی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- مطهری، حمیدرضا؛ نجفی نژاد، سعید. (۱۳۹۸). «جایگاه حرم مطهر رضوی در سیاست مذهبی صفویان». فرهنگ رضوی. ۷(۲۶). صص: ۹-۳۵.
- موسوی، میرنجم؛ سلطانی، ناصر؛ باقری کشکولی، علی. (۱۳۹۳). «تحلیلی بر نقش مذهب در توسعه گردشگری مذهبی». پژوهش‌های جغرافیایی انسانی. ۴۶(۴). صص: ۸۲۵-۸۴۱.
- مؤمنی، مصطفی؛ صراف، مظفر؛ قاسمی‌خوزانی، محمد. (۱۳۸۷). «ساختار و کارکرد گردشگری مذهبی- فرهنگی و ضرورت مدیریت یکپارچه در کلان‌شهر مشهد». فصلنامه جغرافیا و توسعه. ۶(۱۱). صص: ۱۳-۳۸.
- نیک‌سرشت، فرامرز؛ کیانی، زهره؛ دلشادخرم‌آبادی، مرضیه. (۱۳۹۵). «مروری بر نظریه‌های پایه گردشگری سلامت و پزشکی و ساخت تسهیل‌گران گردشگری پزشکی و ویژگی‌های آنان». کنفرانس بین‌المللی گردشگری، جغرافیا و باستان‌شناسی.
- همایون، محمدهادی. (۱۳۹۱). جهانگردی؛ ارتباطی میان فرهنگی: مطالعه تطبیقی الگوی غربی معاصر و الگوی اسلامی. چاپ

دوم. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

- Agapito, D., Oom do Valle, P., & da Costa Mendes, J. (2013). The Cognitive-Affective-Conative Model of Destination Image: A Confirmatory Analysis. *Journal of Travel & Tourism Marketing*, 481-471 ,(5)30.
- Ajit, Kiran, Shinde. (2004). Quest for Good Governance, Contribution Find Potential of Religious Institutions as Stakeholders.
- Bond, N. Packer, J. & Ballantyne, R. (2015). Exploring visitor experiences, activities and benefits at three religious tourism sites. *International Journal of Tourism Research* 481-471 ,(5)17.
- Ali, F. Ryu, K. & Hussain, K. (2016). Influence of experiences on memories, satisfaction and behavioral intentions: A study of creative tourism. *Journal of Travel & Tourism Marketing*, 100-85 ,(1)33.
- Blapp, M. & Mitas, O. (2017). Creative tourism in Balinese rural communities. *Current Issues in Tourism*, 27-1.
- Chen, C. F. & Chen, F. S. (2010). Experience quality, perceived value, satisfaction and behavioral intentions for heritage tourists. *Tourism Management*, 35-29 ,(1)31.
- Funk, D. C. & Bruun, T. J. (2007). The role of socio-psychological and culture-education motives in marketing international sport tourism: A cross-cultural perspective. *Tourism Management*, 819-806 ,(3)28.
- Goeldner, R. J. Ritchie and R. McIntosh. (2003). *Tourism: Principles, Practices, Philosophies*, 8th Ed. New York: *John Wiley & Sons*.p33-30
- Huang, C. E. & Liu, C. H. (2018). The creative experience and its impact on brand image and travel benefits: The moderating role of culture learning. *Tourism Management Perspectives*, 155-144 ,28.
- Hung, K. Yang, X. Wassler, P. Wang, D. Lin, P. & Liu, Z. (2017). Contesting the Commercialization and Sanctity of Religious Tourism in the Shaolin Monastery, China. *International Journal of Tourism Research*, 159-145 ,(2)19.
- Hung, W.L. Lee, Y.J. & Huang, P.H. (2016). Creative experiences, memorability and revisit intention in creative tourism. *Current Issues in Tourism*, 772-763 ,(8)19.
- Kar, Jhikmik, (2009), Religious Tourism: A Case Study of the Greatest Religious & Tourism Industry of Eastern India: Puri in Orissa, *Social science research network*.
- Lin, C.H. Morais, D. B. Kerstetter, D. L. & Hou, J.S. (2007). Examining the role of cognitive and affective image in predicting choice across natural, developed, and theme-park destinations. *Journal of Travel Research*, 194-183 ,(2)46
- Loi, L. T. I. So, A. S. I. Lo, I. S. & Fong, L. H. N. (2017). Does the quality of tourist shuttles influence revisit intention through destination image and satisfaction? The

- case of Macao. *Journal of Hospitality and Tourism Management*, 123-115 ,32
- Olsen, D. H. and Timothy, D. J. (2006), *Tourism, Religion and Spiritual Journeys*, NY: Routledge.27
- Richard G. (2014). Creativity and tourism: The state of the art. *Annals of Tourism Research*, 1265-1225:(4)38.
- Richards, G. & Wilson, J. (2006). Developing creativity in tourist experiences: A solution to the serial reproduction of culture? *Tourism Management*, -1209 ,(6)27 1223.
- Riss O. Woodhead L (2010), *A Sociology of Religious Emotion*, oxford,p15
- Rubio Gil, Angeles & Javier de esteban Curiel; (2008), Religious events as special interest tourism, *A Spanish experience*. PASOS, Vol. 6, pp. 433 419.
- Styliadis, D. Shani, A. & Belhassen, Y. (2017). Testing an integrated destination image model across residents and tourists. *Tourism Management*, 195-184 ,58



بررسی پدیدار شناختی پنجره فولاد

مشهدالرضا علیه السلام

دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۸

کریم خان محمدی^۱

چکیده

شهر زیارتی مشهد مقدس که پایتخت فرهنگی مذهبی ایران لقب گرفته، علاوه بر مرقد امام رضا علیه السلام حاوی نمادهای پیرامونی است که در فرهنگ عمومی مردم نقش ایفا می کند. نمادهای مذهبی ضمن اینکه نشان دهنده فرهنگ مردم هستند، تأثیر زیادی در باز نمود و تداوم فرهنگ دارند. بنابراین، مطالعه نمادها، به ویژه نمادهای مذهبی، از منظر مطالعات فرهنگی از اهمیت ویژه برخوردار است. از جمله نمادهای مهم و بسیار معروف پیرامون حرم رضوی «پنجره فولاد» است. نگارنده با اتخاذ رویکرد پدیدار شناختی و استخدام مفهوم «مکان مقدس» میرچا الیاده، برای کشف معانی ذهنی زائران دارای تجربه زیسته پیرامون پنجره فولاد، از فنون «مصاحبه»، «مشاهده»، «مشارکت» و «بررسی اسناد» بهره برده است. تحلیل یافته های حاصل از مطالعه میدانی با روش «تحلیل مضمون» نشان می دهد پنجره فولاد با مضمون فراگیر «مکان مقدس و متعالی»، در ذهنیت ایرانی، محل تلاقی آسمان و زمین، جزئی از ساختار کلان اماکن مقدس شیعی، دست آویز مستحکم، نیروبخش، شفادهنده، امیدبخش، دل انگیز، دگرگون کننده، محرک جوانمردی و درگاه امام رضا علیه السلام تلقی می شود.

کلیدواژه ها: مشهدالرضا، پنجره فولاد، پدیدارشناسی، امام رضا علیه السلام.

۱. کریم خان محمدی، دانشیار گروه مطالعات فرهنگی و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام : khanmohammadi49@yahoo.com

مقدمه

یکی از شهرهای مهم مذهبی ایران که تأثیر به سزایی در فرهنگ عمومی دارد، مشهد است. این تأثیر به گونه‌ای است که برخی معتقدند: «پایتخت حقیقی ایران مشهد است»^۱. این جمله از زبان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت، به امام خمینی (ره) نسبت داده شده است (صفارهرندی، ۱۳۸۷: ۱). طبیعی است پایتخت بودن مشهد از حیث فرهنگی است. طبق گزارش رئیس شورای شهر مشهد سالانه بیش از ۲۵ میلیون زائر به مشهد سفر می‌کنند؛ بنابراین، هر سه سال یکبار جمعیتی معادل جمعیت کل کشور به عنوان زائر به شهر مشهد وارد می‌شوند و مشهد نگین شهرهای مذهبی محسوب می‌شود (حیدری، ۱۳۹۸: ۱). سفر زیارتی به جایی صورت می‌گیرد که مقدس بوده و هدف زائر همدلی با مزرور و به اصطلاح کسب «فیض» باشد؛ بنابراین شهر مشهد از یک سو «مقدس» است و از سوی دیگر این «تقدس» به وسیله مسافران مذهبی به کل کشور، بلکه جهان تشیع پخش می‌گردد. بدین ترتیب، شهر مشهد مرکز فرهنگی ایرانیان است؛ اما این تقدس ذاتی شهر نبوده بلکه به خاطر وجود مرقد امام رضا (علیه السلام) است. اصولاً تقدس مکان‌های مقدس به دلیل حوادثی است که در آن رخ می‌دهد. یزید ابن سلام می‌گوید: از رسول خدا پرسیدند چرا سرزمین مقدس را مقدس می‌نامند؟ فرمود به جهت اینکه در آن سرزمین روان‌ها پاک می‌شود و موجودات ماورایی (ملائکة) برگزیده می‌شوند و بدین جهت که در آن سرزمین خداوند با موسی سخن گفته است.^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹: ۳۰۶) بدین ترتیب، در مکانی که به دلیل حادثه‌ای تقدس یافته انسان‌ها حس می‌کنند با نیروهای ماورایی مرتبط شده و حس آرامش و طهارت روح پیدا می‌کنند.

در روایت فوق کارکرد مثبت «مکان مقدس» طهارت ارواح و پاک شدن روان‌هاست و اینکه این حالت از طریق اتصال به بالا و به وسیله نیروهای ماورایی یا ملائکة رخ می‌دهد؛

۱. این عبارت در منابع منسوب به امام خمینی (ره) پیدا نشد. ارجاع به منبع دست دوم بدین سبب است. البته آیت الله العظمی صافی گلپایگانی شبیه همین عبارت را دارند و می‌گویند: مشهد پایتخت حقیقی ایران است که امروز در دنیا به عنوان یکی از شهرهای بزرگ مذهبی از اعتبار خاص برخوردار است (tabnak.ir).

۲. عن یزید ابن سلام أنه سأل رسول الله ﷺ فقال: يا محمد فاخبرني عن الوادی المقدس لم سمی المقدس؟ قال: لانه قدس فيه الارواح و اصطفت فيه الملائكة و كلم الله موسى تكليما.

اما اینکه چرا این اتفاق در سرزمین مقدس رخ می‌دهد، دلیلش این است که در این سرزمین خداوند متعال با موسی تکلم کرده است یعنی در سرزمینی که موسی به عنوان امام و اسوه با خداوند متصل شده سایر مردم نیز می‌توانند از طریق حلول ملائکه در این سرزمین، به ماورا مرتبط شوند. برخی مفسران درباره «تقدس» مقدس‌ترین مکان مسلمانان، یعنی مکه در تفسیر سوره بلد، آیه ۱-۲ بر حلول پیامبر ﷺ در آن اشاره کرده‌اند و معتقدند: خداوند سبحان بر مکه قسم یاد کرده است که معمولاً به مقدسات قسم می‌خورند (لا اقسم بهذا البلد) و این قسم را به حلول رسول خدا ﷺ در آن شهر مقید کرده است (و انت حل بهذا البلد) تا بدین مطلب اذعان نماید که شرافت مکان به شرافت ساکنان آن است. «اقسم سبحانه بمكة وقیده بحلول الرسول ﷺ فيه اظهارا لمزيد فضله و اشعارا بأن شرف المكان بشرف اهله» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸: ۱۷۳) همچنانکه از باب «شرف المكان بالمکین» شرافت «وادی مقدس» به خاطر حادثه تکلم خداوند با موسی بوده و حضور پیامبر ﷺ به مکه سبب مزید شرافت آن است، شرافت مشهد نیز به حلول علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در آن است. امام رضا (علیه السلام) فرمود: همانا در خراسان بقعه‌ای است که زمانی محل آمد و شد ملائکه خواهد شد. بدون وقفه تا زمان نفخ صور، یک گروه از آسمان فرود آمده و گروه دیگر صعود می‌کنند. گفته شد ای فرزند رسول، کدامین بقعه؟ گفت: در سرزمین طوس واقع است. قسم به خدا باغی از باغ‌های بهشتی است. هر کس مرا در این بقعه زیارت کند همانند آن است که پیامبر خدا را زیارت کرده است^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۵۷۷). به موازات آمد و شد ملائکه، طوس محل رفت و آمد شیعیان می‌شود. چنانکه امام رضا (علیه السلام) در پاسخ به سؤال دعبل از محل قبر امام می‌فرماید: در گذر شب‌ها و روزها طوس محل آمد و شد شیعیان و زائران می‌شود. هر کس مرا زیارت کند در روز قیامت، به صورت آمرزیده، هم‌درجه من خواهد بود^۲ (همان، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۶۴).

۱. رَوَى الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَصَّالٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ بِخُرَاسَانَ لِبُقْعَةٍ يَأْتِي عَلَيْهَا زَمَانٌ تَصِيرُ مُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ: فَلَا يَزَالُ فَوْجٌ يُنْزَلُ مِنَ السَّمَاءِ وَفَوْجٌ يَصْعَدُ إِلَى أَنْ يُنْفَخَ فِي الصُّورِ فَقِيلَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَائِيَّةَ بُقْعَةٍ هَذِهِ قَالَ: هِيَ بِأَرْضِ طُوسٍ فَهِيَ وَاللَّهِ رُوضَةٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ مَنْ زَارَنِي فِي تِلْكَ الْبُقْعَةِ كَانَ كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ.

۲. فَقَالَ دَعْبِلُ بْنُ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ هَذَا الْقَبْرُ الَّذِي بِطُوسٍ قَبْرُ مَنْ هُوَ فَقَالَ الرُّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ): لَا تَنْقُضِي الْأَجَامَ وَالنَّبَايِلَ حَتَّى تَصِيرَ طُوسٌ مُخْتَلَفَ شِيعَتِي وَرُؤَايَ أَلَا فَمَنْ زَارَنِي فِي غُرْبَتِي بِطُوسٍ كَانَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْفُورًا لَهُ.

اگر بپذیریم که مشهد به عنوان شهر مقدس، پایتخت فرهنگی ایران بوده و در کلیت فرهنگی ایرانی نقش آفرین است و این جایگاه برای مشهد از حلول امام رضا (علیه السلام) در آن شهر ناشی می‌شود، مطالعه تمام عناصر، مؤلفه‌ها و نمادهای رضوی از ابعاد و زوایای مختلف ضرورت پیدا می‌کند؛ زیرا مطالعه علمی پدیده‌ها به خودآگاهی و در نهایت به «هویت بخشی» می‌انجامد. متأسفانه با وجود ضرورت، در حوزه فرهنگ‌سازی رضوی، کمتر رویکرد علمی مطمح نظر بوده و بیشتر به بعد احساسی توجه شده است. به عبارت واضح‌تر امام رضا (علیه السلام) بیشتر با استعاره «ضامن آهو» معرفی شده است. در حالی که آن حضرت «عالم آل محمد» (علیه السلام) است^۱ (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۱۷؛ طبری آملی، ۱۴۱۳ق: ۳۱۹)؛ بنابراین شایسته‌تر این است که استعاره «عالم» جایگزین «ضامن» گردد و این مهم، جز با ترویج تحقیقات علمی به انجام نمی‌رسد. تأسیس مراکز علمی دانشگاهی و مجلات تخصصی با محوریت «فرهنگ رضوی» نقطه عطفی در این زمینه محسوب می‌شود و رسالت این نهادها تقویت مبانی فرهنگ رضوی در تمام ابعاد و جنبه‌های پیدا و ناپیدا است.

از جمله ابعاد کمتر مطالعه شده، «نمادهای» شکل گرفته در حریم رضوی است. در حالی که اگر نتوان گفت مهم‌ترین مؤلفه، بلکه از عناصر بسیار مؤثر و نقش آفرین در فرهنگ عمومی همین نمادها هستند، تأثیر نمادها، غیرمستقیم، ناپیدا و در عین حال عمیق است. به طور مثال «پنجره فولاد» به عنوان یک مفهوم انضمامی هرچند یک پنجره ساخته شده از فلز معمولی است؛ اما به دلیل مضمون «نمادین» به تعبیر «رولان بارت» حاوی دلالت‌های آشکار و مضمیر بسیاری است که در ترویج فرهنگ رضوی نقش مهمی ایفا می‌کند (اسمیت، ۱۳۹۴: ۱۷۶) با وجود اهمیت تنها متن نگارش یافته با عنوان «پنجره فولاد» (صادقی گیوی، ۱۳۹۴) به گوشه‌هایی از زندگی امام پرداخته است؛ بنابراین مطالعه علمی پدیده پنجره فولاد از بعد پدیدارشناسی، عاری از پیشینه مطالعاتی است و از اهمیت به سزایی برخوردار است. از این رو، در این پژوهش محقق به دنبال این

۱. لَقَدْ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ أَبِيهِ أَنَّ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) كَانَ يَقُولُ لِإِنِّيهِ هَذَا أَخُوكُمْ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى غَالِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ فَسَلُّوهُ عَنْ أَذْيَانِكُمْ وَاحْفَظُوا مَا يَقُولُ لَكُمْ.

سؤال است که «پنجره فولاد» در تجربه زیسته ایرانیان چگونه انعکاس یافته است؟ به عبارت دقیق تر، پنجره فولاد مشهدالرضا (علیه السلام) برای زائران چگونه پدیدار می شود؟

تاریخچه نشانگاه

حرم امام رضا (علیه السلام) دارای صحن های مختلفی است که چهار صحن نزدیک به حرم به نامهای «صحن گوهرشاد» در جنوب، «صحن جمهوری اسلامی» در غرب، «صحن آزادی / صحن نو» در شرق و «صحن انقلاب اسلامی / صحن کهنه یا عتیق» در شمال واقع است. صحن، محل تجمع زائران و همچنین محل برگزاری مراسم مذهبی و اقامه نماز جماعت است. به فضاهای بعد از صحن ها که به خیابان منتهی می شود «بست» می گویند.

از میان صحن ها صحن انقلاب اسلامی به دلیل قدمت و در برگرفتن نمادهای «پنجره فولاد»، «سقاخانه» و «نقاره خانه» مشهورترین و مقدس ترین صحن محسوب می شود. این صحن از لحاظ بنا به دو قسمت تقسیم می شود که نهر کلسب و جایگزین امروزی آن، حوض آب، فاصل بین این دو قسمت است. قسمت جنوبی که در طرف ایوان طلای نادری واقع است از بناهای امیر علیشیر وزیر سلطان حسین بایقرا است که در سال ۸۲۷ قمری بنا نهاده است و درب این قسمت سابقاً در محل کشیک خانه صحن مطهر واقع بوده است. نصف شمالی آن از بناهای شاه عباس کبیر است که سال ۱۱۲۲ قمری بنا نهاده است (مولوی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۷).

چهار ایوان تاریخی و بزرگ، دور تا دور صحن را فراگرفته است که با معماری جالب و تزیینات نفیس، پیوسته مورد توجه زائران و بینندگان قرار دارند و عبارت اند از: ایوان جنوبی یا ایوان طلا، ایوان غربی (ایوان ساعت)، ایوان شمالی (ایوان عباسی)، ایوان شرقی (ایوان نقاره خانه).

بر ضلع جنوبی صحن انقلاب پنجره بزرگی معروف به پنجره فولاد در مقابل ضریح مطهر نصب است و بسیاری از زائران در این محل که نماد کرامت و باز شدن گره های بسته

زندگی‌شان است عرض ارادت و کسب فیض می‌کنند. در وسط صحن انقلاب، سقاخانه‌ای معروف به سقاخانه اسماعیل طلایی که در اطراف آن چهار حوض آب ساخته شده و از بناهای متعلق به زمان نادرشاه است. به روایت تاریخ سقاخانه بین سال‌های ۱۱۴۴ تا ۱۱۴۵ قمری ساخته شده است (عالم‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۴-۲۸).

این سقاخانه دارای یک سنگاب مرمر یکپارچه به ظرفیت سه کر آب است که نادرشاه افشار آن را از هرات آورده و بر روی آن هم اسماعیلخان طلایی سقف زده و سقف را بر روی ستون‌های مرمر قرار داده و روی آن را با خشت‌های طلا تزیین و نادرشاه مزرعه دهشک را بر آن وقف کرده است. گویا از این جهت به دو اسم «اسماعیل طلا» و «نادری» معروف شده که نادرشاه افشار، سنگاب آن را آورده و موقوفه‌ای برای آن قرار داده و اسماعیلخان طلایی بنای آن را ساخته است (ر.ک: فروزان، ۱۳۲۴: ۵۲).

برای نخستین بار در قرن نهم هجری در دوره صفویه و به پیشنهاد ملا محسن کاشانی پنجره‌های نسبتاً کوچک از جنس فولاد در نزدیک‌ترین مکان ممکن به ضریح مطهر رضوی در صحن عتیق قرار گرفت تا اشخاصی که به خاطر عذر شرعی یا موارد مشابه از رفتن به کنار ضریح معذورند بتوانند از پشت این پنجره که ضریح مطهر از داخل شبکه‌های آن پیدا است زیارتنامه بخوانند. دومین پنجره در عهد ناصرالدین‌شاه قاجار از جنس برنز ساخته شد که جایگزین پنجره اول شده و اکنون این پنجره در موزه قرار دارد. با توجه به فرسودگی و ساییده شدن برخی قسمت‌های پنجره قدیمی و مشکلاتی که برای زائران به وجود می‌آمد سومین پنجره از جنس برنز در اوایل انقلاب اسلامی ایران ساخته شده و جایگزین پنجره دوم شد که در پشت رواق توحیدخانه داخل صحن انقلاب اسلامی قرار دارد (ر.ک: مولوی، ۱۳۸۸: ۳۹؛ عالم‌زاده، ۱۳۹۱: ۸۱-۸۹).

با توجه به اینکه در قدیم شب‌ها درهای حرم بسته می‌شد، در این ساعات زائران داخل صحن می‌آمدند و از پشت پنجره فولاد ضمن عرض سلام و توسل به محضر امام (علیه‌السلام) رازهای نهان دل خود را با حضرت در میان می‌گذاشتند. کسانی که عذر شرعی داشته و ورودشان به روضه منوره مشکل داشت نیز از پشت پنجره فولاد آداب زیارت را به جا می‌آوردند.

چهار چوب مفهومی

هر چند مفهوم «پنجره فولاد» یک مفهوم انضمامی بوده و به یک مصداق عینی اشاره دارد؛ اما معنای آن فراتر از یک پنجره معمولی است. پنجره در اذهان افراد مختلف که برای آن بار معنایی قائل هستند به صورت‌های متکثر منعکس می‌شود. به عبارت دیگر، پنجره فولاد یک نماد است. نماد عموماً شیئی کمابیش عینی است که بر معنا یا معناهایی دلالت دارد؛ نمادپردازی از تداعی معانی و پیوستگی تصاویر ذهنی و احساسات ناشی می‌شود (لافورگ، ۱۳۷۴: ۱۴).

از آنجا که پنجره فولاد به یک مکان در حاشیه مشهدالرضا (علیه السلام)، شخصیت مورد احترام شیعیان، اشاره دارد، به نظر می‌رسد مفهوم «مکان مقدس» میرچا الیاده چارچوب خوبی برای توضیح این مفهوم فراهم می‌کند. از منظر الیاده هر چند مکان به عنوان محیط انسان دارای ارزش و احترام نسبی است؛ اما همه مکان‌ها به یک سان ارزشمند نیستند. برخی مکان‌ها از تقدس ویژه‌ای برخوردارند که در برابر «مکان عرفی» از آن «مکان مقدس» یاد می‌شود.

در میان پیروان ادیان مختلف، مکان امری متجانس و همگون نیست، برخی مکان‌ها تقدس دارند. خداوند در تورات به موسی می‌گوید: «به اینجا نزدیک نشو، نعلین خود را از پاهایت بیرون کن، زیرا مکانی که در آن ایستاده‌ای زمین مقدس است» (گروسی، بیتا، کتاب مقدس، خروج، ۳: ۵) همان عبارت در قرآن کریم تکرار شده است «انی انار یک فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی» (طه، ۱۲). به همین سان شهید مطهری به مردم توصیه می‌کند حتی اگر در سایر مکان‌ها حجاب را رعایت نمی‌کنید دست کم در مشاهد مشرفه و حرم امام رضا (علیه السلام) رعایت کنید زیرا مکان مقدس است (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۵: ۳۸۳).

مکان مقدس در اندیشه الیاده دارای ویژگی‌هایی است که مرور این ویژگی‌ها ما را در فهم معنای پنجره فولاد کمک می‌کند. چرا که پنجره نمادی از یک مکان مقدس در پیرامون حرم مطهر رضوی است.

الف. مرکزیت: مکان مقدس در اندیشه باورمندان میل به مرکزیت دارد. به زعم الیاده، مکان مقدس، مرکزی است که جهان در پیرامون آن نظم گرفته است؛ بنابراین مرکز خلقت و فیضان است (الیاده، ۱۳۹۵: ۷۱؛ ۱۳۹۴: ۱۷۶) در باور مسلمانان، کعبه، مرکز ثابت مطلق است که مرکز عالم و واسطه بین زمین و آسمان است (Eliade, 1959: 36-40). همچنانکه مسلمانان معتقدند بر اساس آموزه قرآن کریم (آل عمران، ۹۶) کعبه اولین مکانی است که در «دحو الارض» از زیر آب ظهور یافته و از منظرهای مختلف مرکز عالم است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کعبه از آن جهت کعبه نامیده می شود که وسط دنیاست؛ سُمِّيتِ الْكَعْبَةُ كَعْبَةً لِأَنَّهَا وَسَطُ الدُّنْيَا» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۱۹۰؛ ۱۳۷۸ ق: ۹۰) به دلیل همین مرکزیت، قبله محسوب می شود و همه مسلمانان به سوی کعبه نماز می خوانند؛ بنابراین هر نوع مکان مقدسی یک نوع مرکزیت نسبت به مؤمنین دارد و حلقه اتصال آنها محسوب می شود.

ب. حلقه اتصال: مکان مقدس حلقه اتصال زمین و آسمان است. به تعبیر بررتون نقطه تلاقی جهان با قلمرو الهی به شمار می آید (بررتون، ۱۳۷۷: ۱۴۰).

در مکان مقدس امکان ارتباط با جهان بالا (جهان لاهوت و خدایی) و جهان زیرین (جهان مرده ها) به سهولت میسر می شود (Eliade, 1959: 28) بنابراین انسان ها احساس می کنند در مکان مقدس به خدا نزدیک می شوند و دعای آنها قبول می شود و با همین منطق درگذشتگان را در این مکان ها بیشتر یاد می کنند چون حس واسطه گری به آنها دست می دهد و احساس می کنند می توانند برای زمین از آسمان کسب فیض نمایند.

ج. عناصر سه گانه: مکان مقدس معمولاً حاوی سه عنصر اساسی آب، سنگ و درخت است (الیاده، ۱۳۸۵: ۲۶۴) در مکان های مقدس دست کم یکی از عناصر فوق وجود دارد. به طور سنتی مکان های مقدس پیرامون چشمه، کوه یا درخت شکل می گیرند. حتی مکان های مقدسی که به دلیل دفن شدن یک شخصیت یا وقوع یک حادثه تقدس عاریتی یافته معمولاً نمادی از عناصر سه گانه وجود دارد.

به عنوان مثال، مقدس ترین مکان مسلمانان، کعبه، نه تنها از سنگ ساخته شده بلکه

حاوی سنگ سیاه، حجرالأسود، به عنوان نماد دست خداوند است^۱ (محدث نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۰: ۱۶۸). بر اساس روایات اسلامی هنگام حضور هاجر و اسماعیل در جوار کعبه، مکه سه عنصر اصلی مکان مقدس را دارا بود. زمانی که آن‌ها در این مکان فرود آمدند در آن درختی بود که هاجر بدان تکیه کرد. «فلما نزلوا فی ذلك المكان کان فیها شجر فألقت هاجر علی ذلك الشجر» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳: ۹۲) همچنین در کنار کعبه دو نماد دیگر یعنی مقام ابراهیم از سنگ بوده و جاه زمزم عنصر آب را به نمایش می‌گذارد.

در مکان‌های مقدس ایران نیز عناصر سه‌گانه کم و بیش قابل مشاهده است. امامزاده علی اصغر (علیه السلام) در زرآباد الموت قزوین با چنار خون‌بار شهرت دارد (خان محمدی، ۱۳۹۸: ۷۸-۸۳). امامزاده سلطانعلی فرزند امام باقر (علیه السلام) در مشهد ارده‌ال با دو نماد دیگر یعنی کوه‌های سنگی و چشمه شازده حسین هم‌جوار است (خان محمدی، ۱۳۸۵: ۸۱). بدین ترتیب، در نبود عناصر طبیعی مکان‌های مقدس حاوی سقاخانه است (عنصری، ۱۳۸۳: ۱۳۲-۱۳۵).

د. نیروبخشی: مکان مقدس توان‌بخش است. افراد حاضر در مکان‌های مقدس احساس می‌کنند. به دلیل اتصال به عالم بالا از نیروی بیشتری برخوردار می‌شوند. مکان مقدس، تقدس را به افراد حاضر در آن انتقال می‌دهد (Eliade, 1959: 24) مکان مقدس به مثابه نقطه اتصال آسمان و زمین سرشار از قدرت و حقیقت است و آدمی با پا نهادن در آن محدوده، از قدرت و قداستش بهره‌مند می‌شود (الیاده، ۱۳۸۵: ۳۴۶).

تسری تقدس و نیرو بخشی به افراد به گونه‌ای است که افراد عرفی، هنگام حضور در مکان مقدس، از وضع عادی متمایز می‌شوند. دیگران به او التماس دعا می‌کنند و خود وی نیز احساس نیرومندی می‌کند. البته این تقدس موقتی نبوده و تأثیر درازمدت دارد. به افرادی که طی مراسمی در مکه مکرمه حضور یافته‌اند «حاجی» اطلاق می‌شود و به

۱. قَالَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): مَنْ صَافَحَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ فَقَدْ صَافَحَ اللَّهَ تَعَالَى فَأَنْطَرُ يَا مَسْكِينُ لَا تُضَيِّعْ آخِرَ مَا عَظُمَ حُزْمَتُهُ وَتَنْقُضِ الْمُصَافَحَةَ بِالْمُخَالَفَةِ

افرادی که به مشهد مقدس سفر کرده‌اند «مشهدی» می‌گویند. اصولاً شمن‌ها از این ویژگی برخوردار هستند که به دلیل اتصال دایمی به مکان مقدس و آشنایی با ارواح از توانمندی دایمی بهره‌مند می‌شوند (الیاده، ۱۳۹۵، ج ۳: ۲۵).

ر. ساختارمندی: مکان مقدس جزئی از یک ساختار کلان است. یک مکان مقدس نه تنها از یک ساختار و نظم درونی برخوردار است بلکه در ساختاری بزرگ‌تر معنا می‌یابد که مکان مقدس را در برابر مکان نامتعین و عرفی قرار می‌دهد. یک مکان مقدس درست است که حدودی دارد که آن را از مکان‌های عرفی پیرامون جدا می‌کند؛ اما همین مکان وابسته به مکان‌ها و سایر عناصر مقدس دیگر بوده و جزئی از آن محسوب می‌شود (الیاده، ۱۳۸۵: ۲۶۴؛ ۱۳۹۴: ۱۹۵).

به عنوان نمونه، همه مساجد مقدس‌اند. احکام مسجد با دیوارهای محصور از سایر اماکن جداست؛ اما همین مساجد در اتصال به هم یک ساختار کلانی تشکیل می‌دهند و دارای احکام مشترک‌اند. در همه مساجد به سوی مسجدالحرام (کعبه) نماز خوانده می‌شود و در همه مساجد نمودار کعبه یعنی «محراب» وجود دارد. البته تقدس ذومراتب است. مسجدالحرام مقدس‌ترین مسجد مسلمانان است و بقیه مساجد نیز به صورت مشکک دارای تقدس هستند. این ساختار کلان درباره امام‌زاده‌ها نیز صادق است. تقدس همه امام‌زاده‌ها از اتصال به ائمه و در نهایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ناشی می‌شود. این نوع ساختارمندی نه تنها در سطح کلان بلکه در درون هر یک از مکان‌های مقدس به صورت مجزا نیز صدق می‌کند. تمام متعلقات یک مکان مقدس مثل منبر، فرش، درب، دیوار، چارو به تناسب مقدس می‌شوند و احکام ویژه‌ای بر آن‌ها بار می‌شود. فرش مسجد را نمی‌توان نجس کرد. مادامی که مساجد دیگر نیاز دارند نمی‌توان آن را به جای دیگر فروخت؛ بنابراین به سهولت نمی‌توان مکان مقدس و متعلقات آن را عرفی کرد (ر. ک: بنی هاشمی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۵۲۶-۵۲۹).

س. حرمت و احترام: مکان مقدس دارای حرمت است. حرمت دو معنای تناقضنا دارد. مکان مقدس در عین آنکه مقدس، مبارک و دوست داشتنی است، پرهیبت و خطرناک نیز

است. به تعبیر الیاده واژه sacer هم به معنای مقدس و هم به معنای ملعون به کار می‌رود. همچنان که واژه haghios نیز به دو معنای پاک و آلوده به کار می‌رود (الیاده، ۱۳۸۵: ۳۴۸) در ادبیات اسلام نیز «حرام» و «حرم» هم‌ریشه بوده و معنای دووجهی دارد. از یک سو مقدس و دارای احترام است از سوی دیگر می‌بایست از نزدیک شدن به آن‌ها در حالت دنیوی پرهیز شود. هر چه مکان مقدس‌تر باشد حرمت نیز بیشتر است. به عنوان نمونه در حالت جُنُب بودن، به هیچ وجه نمی‌توان داخل مسجدالحرام و مسجدالنبی شد؛ اما می‌توان در سایر مساجد از یک درب وارد و از درب دیگر خارج شد (خمینی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۴۸).

روش تحقیق

رویکرد پژوهشی در این مقاله پدیدارشناسی^۱ است. در مکتب پدیدارشناسی، اشیا نه «آن گونه که هستند» بلکه «آن گونه که بر ما ظاهر می‌شوند» مورد مطالعه قرار می‌گیرند (دانایی‌فرد، ۱۳۸۹: ۱۰۶). پدیدارشناسی از نظر لغوی عبارت از مطالعه پدیده‌ها از هر نوع و توصیف آن‌ها با در نظر گرفتن نحوه بروز و تجلی آن‌ها، قبل از هرگونه ارزش‌گذاری، تأویل یا قضاوت ارزشی است. پدیدارشناسی گستره معنایی وسیعی دارد؛ در سطوح نازل به توصیف صرف موضوع معین از طریق شعور بی‌واسطه^۲ اطلاق می‌شود اما در سطوح فراتر تلاش می‌کند از ظواهر عبور نموده و به باطن دست یابد (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۶: ۳۳۸).

پیش‌فرض این رویکرد این است که جهان خارج مستقل از آگاهی وجود دارد اما این نگرش طبیعی باید در «پرانتز» قرار بگیرد و اشیا آن گونه که در اذهان بینندگان نقش می‌بندد مورد مطالعه قرار بگیرد. مفهوم اپوخه (پرانتز) در مکاتب پدیدارشناسی بدین معنا است که نه خود شی بلکه چیستی آن در اذهان، مطالعه می‌شود. طبیعی است برحسب «افق»، معنا متکثر می‌شود ولی پدیدارشناس تلاش می‌کند جنبه فردی آگاهی را کنار

1. phenomenology
2. direct awareness

گذاشته و به آن‌ها به مثابه ایدوس^۱ یا ماهیت نگاه کند (آیت‌اللهی، ۱۳۸۲: ۱۲۳).

پدیدارشناسی اساساً مطالعه «تجربه زیسته» یا «جهان زندگی» است و می‌کوشد معانی پدیده را آنچنان که در زندگی روزمره زیسته می‌شود، آشکار سازد. در نتیجه، در این روش، هدف اصلی از انجام یک توصیف جامع از پدیده تجربه‌شده، دستیابی به درک ساختار ذاتی آن است و ارائه یک مفهوم تفسیری از درک پدیده، بیش از توصیف آن مدنظر است (امامی سیگارودی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۷-۵۸).

همچنان که ملاحظه می‌شود پدیدارشناس برای مطالعه «تجربه زیسته» افراد از یک پدیده باید دو مرحله اساسی را طی کند؛ اول اینکه پدیده در اذهان افراد تجربه‌کننده چگونه انعکاس یافته است؟ دوم اینکه با حذف افق و ملاحظه مشترکات، «ماهیت» پدیده مورد مطالعه چیست؟ مرحله اول به تولید داده و جمع‌آوری اطلاعات و مرحله دوم به تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط است که به شرح مختصر آن‌ها می‌پردازیم.

الف. جمع‌آوری اطلاعات

نگارنده برای طی مرحله اول در مطالعه پدیدارشناختی «پنجره فولاد»، به منظور جمع‌آوری اطلاعات و کشف باورداشت‌ها و برداشت‌های محلی (رهیافت امیک^۲) از فنون مختلف مردم شناختی، یعنی؛ مصاحبه، مشاهده مشارکتی، شجره‌شناسی و بررسی اسناد و مدارک، بهره گرفته است (کتاک، ۱۳۸۶: ۶۸۶). از این رو، در این پژوهش، در بازه زمانی تابستان ۱۳۹۷ تا تابستان ۱۳۹۹ محقق از فنون زیر بهره برده است.

۱. **مشاهده مشارکتی:** نگارنده با حضور در نشانگاه، در تابستان ۱۳۹۷، عید ۱۳۹۸، تابستان ۱۳۹۸ و عید ۱۳۹۹، با مشاهده کامل پدیده از منظرهای مختلف، چه به صورت آشکار و چه پنهان، تمامی عناصر و مؤلفه‌ها، فضای فیزیکی، مناسک و مراسم را بررسی

1. Eidos

2. emic

کرد. در فرایند این مشاهدات، مشارکت در صحنه، استفاده از عکس، فیلم‌برداری، نتایج بهتری را نصیب محقق کرد.

۲. مصاحبه همدلانه: برای کشف معنای انعکاس یافته از پنجره فولاد در تجربه زیسته ایرانیان ۷۰ مصاحبه کوتاه و همدلانه، در نشانگاه، یعنی صحن انقلاب اسلامی و سایر مکان‌ها انجام گرفته است. معیار برای انتخاب مصاحبه‌شونده، داشتن تجربه پدیده است که اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان دارای چنین تجربه‌ای هستند. همچنان که کرسول بیان می‌کند «در یک مطالعه پدیدارشناسی ممکن است افراد در یک محل باشند یا نباشند. مهم‌ترین چیز این است که آنان باید افرادی باشند که همگی پدیده مورد مطالعه را تجربه کرده و بتوانند تجارب زنده‌شان را به خوبی بیان کنند» (کرسول، ۲۰۰۷: ۱۱۹، به نقل از: دانایی‌فرد، ۱۳۸۹: ۱۳۸).

انتخاب مصاحبه‌شوندگان به صورت هدفمند به لحاظ مکانی به دو بخش نشانگاه و خارج از نشانگاه و به لحاظ سطح آگاهی به دو گروه نخبگانی و عادی تقسیم می‌شود. بدین ترتیب با ۳۰ نفر از افراد حاضر در جوار پنجره فولاد گفت‌وگو صورت گرفته و از خلال آن جملات کلیدی یادداشت شده است. در بخش نخبگانی، با الهام از فنون فرافکنی در روان‌شناسی، از قبیل «آزمون بیست گزاره‌ای»، «اوزگود»، «رورشاخ» و «تکمیل جملات»، به ۳۰ دانشجوی دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)، در قم و اصفهان، تصویر یا واژه «پنجره فولاد» ارائه و از آن‌ها درخواست شد احساسات خویش را بیان کنند یا بنگارند. از ۱۰ نفر از استادان^۱ همان دانشگاه نیز خواسته شد دست‌کم پنج جمله در باره پنجره فولاد بنویسند.

۳. شجره‌شناسی و بررسی اسناد: برای آگاهی از تاریخچه پدیده و شناخت از پیشینه بحث و همچنین بررسی دقیق ابعاد گوناگون موضوع، ضروری است اسناد و مدارک تاریخی پدیده به دقت بررسی شود. لذا نگارنده از یک سو با ورود به مکان و گرفتن فیلم و عکس و پرسیدن اطلاعات از متولیان و خادمان، سعی در جمع‌آوری اسناد شفاهی و از دیگر سو با

۱. با تشکر از استادان محترم و حجج اسلام: دکتر حمید پارسانیا، دکتر سید محمود موسوی، دکتر نعمت‌الله کرم‌اللهی، دکتر سید محمدحسین هاشمیان، دکتر اصغر اسلامی تنها، دکتر محمدعلی غمامی، دکتر رفیع الدین اسماعیلی، دکتر حسین سوزنجی، دکتر مهدی مولایی آرانی، دکتر ابراهیم فتحی و دکتر محمد ستوده.

بررسی کتب و مقالات و سایت‌های مرتبط، اسناد موجود را نیز بررسی و مطالعه کرده است.

ب. تحلیل اطلاعات

به تناسب رویکرد اتخاذ شده، برای تحلیل اطلاعات از روش تحلیل مضمون^۱ استفاده می‌شود. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است. در این روش داده‌های متنی پراکنده و متنوع به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌شود (عابدی، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

تحلیل مضمون ابزار تحقیقاتی منعطف و مفیدی است که برای تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده و مفصل، می‌توان از آن استفاده کرد. همچنین، تحلیل مضمون، روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود (Braun & Clarke, 2006: 83). تحلیل مضمون، صرفاً روش کیفی خاصی نیست، بلکه فرایندی است که می‌توان در اکثر روش‌های کیفی به کار برد. به طور کلی، تحلیل مضمون، شیوه‌ای است برای:

الف. دیدن متن؛

ب. برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب؛

ج. تحلیل اطلاعات کیفی؛

د. تبدیل داده‌ها به مفاهیم و ایجاد نظم منطقی (Boyatzis, 1998: 4).

فرایند تحلیل مضمون در این تحقیق، طی چند مرحله به ترتیب زیر انجام می‌گیرد.

۱. مطالعه محتوای مصاحبه‌ها

ابتدا مطالب حاصل از مصاحبه‌ها، مشاهدات و احیاناً مندرج در ادبیات عامیانه درباره

1. Thematic Analysis

پنجره فولاد را مطالعه و عبارت‌های متناسب با هدف محوری تحقیق، یعنی مضامین حاوی معانی ذهنی را استخراج می‌کنیم. هر چند همه مطالب در تحلیل و فهم موضوع دخیل هستند اما برای اختصار به مقتضای گنجایش مقاله علمی، نتایج نهایی به این جملات مستند خواهد بود.

۲. کدگذاری اولیه

جملات و عبارت‌های گزینش شده و حاوی منطوق یا مفهوم «پنجره فولاد» معمولاً متضمن برخی واژگان کلیدی است که از طریق تداعی معانی بر زبان مصاحبه‌شوندگان جاری شده است. این مفاهیم می‌توانند ما را به مضامین جهت دهنده رهنمون سازند؛ بنابراین برای سهولت انتقال، زیر این گونه واژه‌ها خط می‌کشیم. در واقع کلمات نشان‌دار (های لایت شده) به تسامح مضامین پایه^۱ محسوب می‌شوند.

۳. کدگذاری ثانویه

جملات حاوی مضامین مشترک را خوشه‌بندی و بر حسب محتوای غالب عنوان‌بندی می‌کنیم. در واقع هر کدام از این عنوان‌ها، مشعر به یک مضمون سازمان دهنده^۲ است. هر چند خوشه‌بندی نمی‌تواند کاملاً دارای طرد متقابل باشد؛ زیرا جملات معمولاً حاوی چند مضمون پایه است اما بر حسب معنای غالب جملات ذیل یک تیتتر قرار می‌گیرد.

۴. ترسیم شبکه مضامین

در جمع‌بندی نهایی مقاله، تلاش می‌شود با بهره‌گیری از تیتترهای فصول پیشین، مضامین فراگیر^۳ را استنباط و بر مدار مکانیسم منطقی، به سمت مدل مفهومی حرکت

1. Global
2. Organizing
3. Basic

نماییم. در این مرحله با ترسیم شماتیک شبکه مضامین و رتبه‌بندی آن‌ها از پایه تا فراگیر به معانی مشترک پنجره فولاد در اذهان کنشگران ایرانی دست می‌یابیم.

یافته‌های توصیفی

در این بخش عبارت‌های مربوط به خوشه مفهومی واحد را ضمن تبدیل از حالت گفتاری به وضعیت نوشتاری بدون شرح و توضیح، دسته‌بندی می‌کنیم و برحسب بیشترین قرابت، تحت یک عنوان قرار می‌دهیم. برای سهولت انتقال مطلب به خواننده، زیر کلمات کلیدی خط خواهیم کشید.

۱. حاجت‌خواهی:

«ای حاجت محتاج‌ترین‌ها، آقا! / ای ذکر دخیل بستنم، یا آقا! / یک لال کنار پنجره فولاد / یک دفعه صدا می‌زند: آقا! آقا»

«گرچه آهونیستم، اما پر از دل‌تنگی‌ام / ضامن چشمان آهوها، به دادم می‌رسی؟ / من دخیل التماس را به چشم‌ت بسته‌ام / هشتمین دردانه زهر را به دادم می‌رسی؟»

«برای طلب حاجت معمولاً به پنجره فولاد می‌رویم تا مکان‌های دیگر، در کنار پنجره فولاد افراد زیادی جمع می‌شوند و حاجت می‌گیرند». «من خودم دیدم که یک مریض کنار پنجره فولاد شفا گرفت. امام شفا می‌دهد اما کنار پنجره فولاد بیشتر شفا می‌دهد» (خانم دانشجو)

«بسیاری از مردم اعتقاد دارند در غل و زنجیر کردن فولاد حرم امام رضا روا شدن حاجت حتمی است»

«پنجره فولاد مأمن بسیاری از درماندگان است که به حضرت رضا پناه می‌آورند. پناه بی‌پناهان هیچ‌کس را بدون حاجت بر نمی‌گرداند»

«طناب‌ها و ریسمان‌های متعددی از پنجره فولاد بسته شده است. مردم با دخیل بستن به پنجره فولاد حاجت می‌گیرند»

۲. گره‌گشایی:

«بر پنجره فولاد نظر کردم و دیدم / منت کشی کورترین گره‌ها را / از گنبد زرین تو کردند
مشخص / معیارِ گران بودنِ هر خشت طلا را»

«پنجره فولاد مشبک است. در حرم امام رضا (علیه السلام) حلقه‌ها به هم گره خورده‌اند هر گره‌ای را باز می‌کند.»

«پنجره فولاد گره گشا است... پنجره فولاد رضا برات کربلا می‌ده»

«طنابی که پنجره فولاد بسته شود به دست امام رضا باز می‌شود. خداوند همه مریض‌ها را شفا دهد»

«مادر با اعتقادی کامل، ویلچر کودک خود را با نخ به پنجره فولاد بسته و ادعا می‌کند
شاید شفا پیدا کند امام رضای گره گشا ناامیدش نکن»

«وقتی می‌خواهم از حرم بیرون بروم من حاجتم را به پنجره فولاد گره می‌زنم به امید
گره گشایی از آن‌ها در دیدار بعدی»

«هرکسی از صحن انقلاب بگذرد ناخودآگاه بند دلش را به پنجره فولاد گره می‌زند»

۳. استحکام فولادین:

«پنجره فولاد از جنس فولاد است. مریض‌ها را شفا می‌دهد. محکم است مثل فولاد
ردخور ندارد»

«پنجره فولاد پنجره‌ای طلایی از جنس فولاد که هم سختی فولاد را دارد هم نرمی طلا،

پنجره‌ای است برای فولادی شدن زائر» (اسلامی تنها، عضو هیئت علمی دانشگاه)

«پنجره فولاد سازه محکمی است قیمت فولاد از آهن گران تر است. کنار پنجره فولاد از بقیه جاها با ارزش تر است خیلی محکم است یعنی دعا ردخور ندارد»

«ما تازه ازدواج کرده ایم... جلوی پنجره فولاد نشسته ایم تا دل های ما مثل پنجره فولاد به هم گره بخورد. زندگی مان استحکام پیدا کند»

«پنجره فولاد از جنس فولاد است یعنی اگر از آن آویزان بشوی اصلاً پاره نمی شود. دل انسان نرم است فولاد سخت است»

۴. امید و نگاه به بالا:

«نقاره اگر به دست و پا می آید / از عمق درونش به صدا می آید / شک نیست دوباره معجزه در راه است / از پنجره فولاد، شفا می آید» (ابراهیم طاهریان)

«پنجره در مقابل درب معنا دارد. فولاد جنس این پنجره است که در مقابل چوب جنس در است. در خصوص درب کنش ورود رخ می دهد؛ و در خصوص پنجره نگریستن و تماشا رخ می دهد. پنجره حریم ورود را حفظ می کند اما امکان ارتباط از دور نگاه کردن است که امید داشتن را در دل زائر زنده می کند؛ بنابراین پنجره نمادی از امید است» (دکتر غمامی، عضو هیئت علمی دانشگاه)

«پنجره فولاد به شما می گوید: اگر در بسته بود از پنجره وارد شو. هیچ وقت ناامید نشوید امام رضا (علیه السلام) کسی را ناامید نمی کند... من همیشه با امید به حرم می روم. اگر حاجت نداد حتماً صلاح نیست جایش چیز دیگری می دهد کرم امام قربانش بروم پایان ندارد.»

«پنجره فولاد، پنجره ای به امیدها و آرزوهای مقدس است. نمادی از حس حضور است»

«پنجره فولاد محل عرض ارادت مضطربان و ناامیدان از خلق خدا به ساحت ولی خداست»

«آستان آسمان دست دراز کرده تا پنجره فولاد تورا... در پنجره فولاد تو آفتاب دخیل بسته است... در کنار پنجره فولاد صدای بال فرشته را می توان شنید» (یک خانم دانشجو)

«پنجره فولاد در واقع فرودگاه است. ملائکه فوج فوج در آنجا وارد می شدند و خواسته دردمندان را به بالا می برند... کبوتران حرم امام رضا صحن انقلاب دانه می چینند و پرواز می کنند. در واقع آن ها گناهان را پاک می کنند و درد دل بی پناهان را به آسمان ها می برند همان طور که کبوترها دانه ها را می چینند امام رضا زائران مخلص را می چیند و انتخاب می کند»

«کبوترهای حرم ملائکه اند از جنس همان کبوترانی هستند که خبر شهادت امام حسین را به مدینه بردند. روی جنازه امام جواد (علیه السلام) سایه افکندند. الان هم درد دل زائران امام رضا (علیه السلام) را به خدا می رسانند آن ها نمی توانند از حرم دل بکنند همیشه دور حرم طواف می کنند»

۵. محل تلاقی آسمان و زمین

«یک آسمان عشق من و یک پنجره فولادتان / ای پنجره فولادتان اندازه هفت آسمان / مشتاق دیدارم ولی من آسمانی نیستم / تا آسمان راهم بده تا یک حضور جاودان»

«پنجره فولاد محل تلاقی عالم ماده و عالم معناست» (دکتر حمید پارسانیا، عضو هیئت علمی دانشگاه)

«پنجره در فضای باز است ارتباط با آسمان مستقیم است در فضای باز آدم بیشتر حال می کند نماز عید هم مستحب است در فضای باز باشد»

«چقدر باحال بود بعد از نماز صبح جلوی پنجره فولاد ایستاده بودم، نقاره می زدند... وقتی که که خورشید طلوع می کرد حس می کردم برکات از آسمان سرازیر می شود»

«روزنه ای از بهشت نمایان شد باران نور بر زمین بارید. پنجره ای برای آن ساختند نامش شد پنجره فولاد» (دکتر اسماعیلی، عضو هیئت علمی دانشگاه)

«پنجره ای برای پرواز به سوی بیکران هستی. در اینجا هوا برای پریدن مناسب است»

۶. شفا یافتن / استشفاء:

«شنیده ام که: «کسانی شبیه و شکل مرا»؛ / کنار پنجره ی فولاد می دهند شفا!...»

«کنار پنجره فولاد خسته و رفته / دلیم به شوق زیارت هزار تگّه شده / به صحن های حریمت جدا جدا رفته / کنار پنجره فولاد و موج بیماران»

«مریض ها و نیازمندان به پنجره فولاد دخیل می بندند. بسیاری از بیماران از طریق دخیل با پنجره فولاد شفا یافته اند» (دکتر پارسانیا، عضو هیئت علمی دانشگاه)

«پنجره فولاد برای زائرین حرم امام رضا نماد شفا گرفتن است»

«مکانی برای مشاهده ملتمسین به حضرت. کسانی که مشکل دارند و مریض هایی که شفا می خواهند...»

«پنجره فولاد یعنی شفاخانه امام رضا و خلوتگاه عشق»

۷. قدمت / تقدم:

در کنار پنجره فولاد همیشه به یاد دوران کودکی می افتم فکر می کنم ای کاش بتوانم حس و حال عاشقانه افرادی که پای پنجره فولاد هستند را درک کنم... (دکتر مولایی، عضو هیئت علمی دانشگاه)

«در حرم امام رضا (علیه السلام) خیلی پنجره هست اما قدیم ترینش پنجره فولاد است. خیلی ها در آنجا شفا یافته اند خیلی آدم های دردمند متوسل شده اند خیلی ها وصل شدند و به آنچه خواستند رسیدند»

«از قدیم من شنیده ام پنجره فولاد شفا می دهد خیلی ها جلوی پنجره فولاد از امام رضا

شفا گرفته‌اند خیلی‌ها حاجت گرفته‌اند»

«من شنیده‌ام قبل از توسعه حرم جلوی پنجره فولاد خیابان بوده و از آن زمان مقدس است»
 «بچه که بودم، هنوز مشهد را ندیده بودم؛ اما اسم پنجره فولاد را شنیده بودم. مادرم به یک خانمی می‌گفت: حتماً مرا کنار پنجره فولاد یاد کن»

۸. روابط ساختاری با اماکن مقدس:

«پنجره فولاد / سقاخانه و / گنبد طلا... / هر که در صحن است / محو این مثلث می‌شود...!»

«حرمت زودتر از کعبه مرا حاجی کرد / حج ما آخر ذی القعدة به پا بر خیزد / بر نمی‌گرم از این پنجره رؤیایی / تا تبسم بوزد از لب آن دریایی»

«پنجره فولاد رضا دل منو جلا میدهد / پنجره فولاد آقا برات کربلا میدهد / قسم به اون کاسه‌های طلائی سقاخونت / این دل سنگ منو، به کاسه‌ای جلا بده»

«پنجره فولاد رضا برات کربلا می‌ده / هر کی می‌ره کربلا از حرم رضا می‌ره / یه ارتباط خوبیه بین طوس و کربلا / دلم براش که تنگ می‌شه می‌رم پیش امام رضا»

«گرد حرم دویده‌ام منا و مروه دیده‌ام / اما بگم: هیچ کجا برای من صحن رضا نمی‌شود»

«از علی موسی‌الرضا تا علی مرتضی یک قدم فاصله است. کافی است کنار پنجره فولاد پنجره دل باز شود»

«پنجره فولاد دل آدم را از امام رضا (علیه السلام) به کربلا و مدینه گره می‌زند. حلقه اتصال است»

«پنجره‌ای از حرمت باز شد، روبه سوی مدینه، چقدر بوی مادر می‌دهد پنجره فولاد... حضرت مادر برای ایرانیان از بهشت سوغات انتخاب کرد و جبرئیل پیک مادر

شد تا در کنج حرمت پنجره‌ای رو به خانه مادر بزنند نامش را گذاشتند پنجره فولاد» (دکتر اسماعیلی، عضو هیئت علمی دانشگاه)

«وقتی روبه‌روی پنجره فولاد می‌نشینی پنجره فولاد پشت سر ضریح امام رضا علیه‌السلام است. شما رو به قبله هستی هم ضریح جلوی شماست. هم کعبه به هر دو احترام می‌گذاری شاید به این خاطر خیلی باحال است و بقیه پنجره‌ها روبه‌قبله نیستند»

«روبه‌روی پنجره فولاد می‌شود نماز خواند در حال نماز آدم ضریح را می‌بیند به امام احترام می‌کند از خدا حاجت می‌خواهند. خوب روبه‌روی قبله بودن خیلی مهم است»

«مکه هم بروی چند جا خیلی مقدس است. مسجد الحرام همه‌اش مسجد است و خیلی مقدس است. اصلاً بدون طهارت نمی‌شود وارد شد. کعبه خیلی مقدس است مرکز مسجد الحرام است. حجر اسماعیل، مقام ابراهیم جای بسیار ستودنی است. ضریح امام رضا (علیه‌السلام) مثل کعبه است. به نظر من پنجره فولاد به جای مقام ابراهیم است. پشت سر آن نماز می‌خوانند البته همه جای مسجد می‌شود نماز خواند اما بعد از طواف باید دو رکعت نماز پشت مقام خواند. پنجره فولاد این طور جایی است...»

«پشت مقام ابراهیم چاه زمزم قرار دارد که آب آن مقدس است. سقاخانه اسماعیل طلا مثل چاه زمزم است آبش شفاست. هر دو آب برای اسماعیل است»

۹. دگرگونی روحی:

«خوشبخت‌تر از مرا نشانم بدهید / دیوانه زنجیری سلطان شده‌ام / این معجزه پنجره فولاد رضاست / امروز اگر اهل و مسلمان شده‌ام»

«پنجره فولاد رضا دل منو شفا می‌ده / گریه کنای جدشوبرات کربلا می‌ده / آی رفقا آی رفقا امشب بیاین دعا کنیم / تا که بریم به کربلا، عرفه با امام رضا»

«حتی موقعی که مشهد نیستم دلم برای پنجره فولاد تنگ است. پنجره فولاد پنجره‌ای رو به سوی عشق است. خاستگاه عاشقان است هر جا باشی می‌توانی با دل سفر کنی»
«چنگ زدن بر پنجره فولاد، پولاد را آب می‌کند و اشک را از دیدگان فرومی‌بارد» (دکتر کرم الهی، عضو هیئت علمی دانشگاه)

«اطراف پنجره فولاد معمولاً شلوغ است خیلی‌ها آنجا حال پیدا می‌کنند من خودم وقتی به مریضان نگاه می‌کنم خیلی حس و حال پیدا می‌کنم بعضی وقت‌ها گریه‌ام می‌گیرد»

«در اطراف حرم حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه را دیدم. پرسید: چرا با لباس شخصی هستی... گفتم در حال تحقیق میدانی درباره پنجره فولاد هستم. گفت: راستی من در کنار پنجره فولاد خیلی حال پیدا می‌کنم شاید هیچ جای حرم مثل پنجره فولاد نباشد. البته دلیلش را نمی‌دانم ولی خیلی مؤثر است»

«نزدیک‌ترین ورودی به حرم مطهر امام که اغلب محل تجمع انسان‌های متألّم است. جایی برای درد دل است. با درد دل کردن انسان آرامش روحی پیدا می‌کند. من جلوی پنجره فولاد خیلی سبک می‌شوم»

«کنار پنجره فولاد حس و حال دیگری پیدا می‌کنم. حس می‌کنم خدا بیشتر توجه می‌کند. یک بار نیست، هر دفعه که مشهد میام یکی از جاهای باحال که حتماً زیارت می‌کنم پنجره فولاد است. وقتی روبه‌رویش می‌نشینم آرامش پیدا می‌کنم. سعی می‌کنم تمام درگذشتگان و دوستان را دعا کنم. برای همه التماس دعاکنندگان دعا می‌کنم. نمی‌دانم ولی یک جورایی حس می‌کنم قبول می‌شود»

۱۰. بارگاه / درگاه:

«وه چه تصویری است هر شب آبشاران بهشت / روبه‌روی حوض گوهرشاد زانو می‌زنند / هر سحر کوه گناهان را که می‌ریزد زمین / خادمانت مثل کاه از صحن جارو می‌زنند /

خسته از درهای بسته، دست‌های ناامید / عاقبت بر پنجره فولاد تو رو می‌زنند» (میلاد حسنی)

«برخی از مشهدی‌ها و خادمان امام رضا (علیه‌السلام) می‌گویند پنجره فولاد دفتر کار امام است»

«پنجره فولاد، درب ورودی امام است همچون باب جبرئیل در مدینه است. من خودم دیده‌ام باب جبرئیل در نیست پنجره است. آنجا جبرئیل وارد می‌شد و پیش پیامبر و فاطمه زهرا سلام‌الله علیهما می‌آمد»

«پنجره فولاد روزه‌ای برای درماندگان است. بعضی وقت‌ها آدم خجالت می‌کشد کنار ضریح برود؛ یعنی آدم احساس شرم می‌کند به امام نزدیک بشود. من خودم روز اول رفتم کنار پنجره فولاد نشستم بعد از مدتی احساس کردم اذن دادند از فردایش به حرم مشرف شدم. به هر حال حرم یک درباری دارد»

«پنجره‌ای برای غریب در کنار غریب»

۱۱. جوانمردی:

«نقاره می‌زنند؛ / مسیحی شفا گرفت / خلیلی عطا گرفت / کلیمی بها گرفت / یوسف دوباره سرمه ز پایین پا گرفت / با دست‌های لطف تو آزاد می‌شویم / وقتی دخیل پنجره فولاد می‌شویم...»

«مصلحت هست که بد، مست نگاهت باشد؟ / جرعه نه، از گرمیت یک دوسه لیوان بزند / دکترم گفته مریض است، دلش را ببرد / گره بر پنجره فولاد خراسان بزند...»

«پنجره فولاد مرا به یاد آهوی درمانده می‌اندازد. نمی‌دانم فکر کنم امام رضا همین‌جا آه‌ورا ضمانت کرد. به خاطر آن همه درماندگان، مریض‌های دکتر جواب داده، بدهکاران و همه کسانی که از همه‌جا ناامید هستند امام ضمانت می‌کند»

«کسانی که به هر دلیل نمی‌توانند داخل حرم شوند می‌آیند جلوی پنجره فولاد.

کسانی که عذر شرعی دارند... به آن‌ها هم نگاه می‌کند. حتی برخی گناه زیاد کرده‌اند رویشان نمی‌شود داخل حرم بشوند از اینجا به آقا سلام می‌دهند. گاهی آقا به گناهکارها بیشتر عنایت دارد آدم گناهکار مگر دل ندارد.»

«زمان قدیم اینجا خیابان بوده، لوطی‌ها هنگام عبور یک سلام مشت می‌دادند ورد می‌شدند. بعضی از آن‌ها به احترام امام رضا راه یافتند. توبه کردند. توبه کار پیش خدا خیلی احترام دارد. خداوند به احترام آن‌ها جلوی پنجره فولاد توبه را می‌پذیرد، به گناهکاران که به امام رضا پناه آورده‌اند توجه ویژه دارد»

«اگر در سقاخانه آب بخوری نمک‌گیر می‌شوی. مهمان آقا حساب می‌شوی. امام رضا (علیه السلام) اصلاً کل اهل بیت همین طورند. مهمان را دست‌خالی بر نمی‌گردانند. این‌ها اهل کرم‌اند. ای کریمی که از خزانه غیبت گبر و ترسا وظیفه خور داری دوستان را کجا کنی محروم تو که با دشمنان نظر داری. اهل بیت نعوذ بالله خدا نیستند ولی صفت خدایی دارند. مردند.»

۱۲. همبستگی با سقاخانه:

«پراز اعجاز، پراز همهمه سقاخانه / منم و زمزمه مبهم سقاخانه / به تن پنجره فولاد گره خوردم تا روی زخمم بچکد یک نم سقاخانه» (نیره کاشی)

«در حرم امام رضا مکان‌های زیادی برای آب خوردن هست؛ اما یکی سقاخانه است بنده در آنجا به سبب خوردن آب و ریختن آب روی دستم شفا گرفتم».

«سقاخانه اسماعیل طلاست واقعاً طلا است خیلی باارزش است آبش خوردن دارد مریض را شفا می‌دهد اصلاً باصفا است»

«اسماعیل طلا نام صحن امام رضا است که در آن سقاخانه وجود دارد»

«تابستان است خانم جوانی در کنار سقاخانه با یک لیوان یک بار مصرف آب خورده و

باقی مانده آن را به صورتش می‌پاشد به دوستش می‌گوید: بیا آب بخور. دوستش می‌گوید: تشنه نیستم. جواب می‌دهد. خینگه اینکه برای تشنگی نیست باید از این آب بخوری»
 «آدم خسته و لب تشنه‌تر از اسماعیل / تا بنوشانی ام از زمزم سقاخانه / منم و شیشهٔ بغضی که ترک خواهد خورد / عاقبت یک شب ابری دم سقاخانه»

نتیجه‌گیری

- پنجره فولاد به عنوان یک عنصر، به همراه سایر عناصر، همچون «گنبد طلا»، «ضریح»، «گوهرشاد»، «رواق»، «نقاره‌خانه»، «سقاخانه»، «موزه»، «سنگ‌آب» و... نظام^۱ حرم رضوی را تشکیل می‌دهند. مجموعه این عناصر که به دلیل روابط قاعده‌مند نظام محسوب می‌شود نسبت به نظام کلان اماکن مقدس شیعی یک خرده سیستم^۲ هستند؛ بنابراین، در اذهان مصاحبه‌شوندگان به همراه پنجره فولاد «مکه»، «منا و مروه»، «کربلا»، «مدینه» و «نجف» تداعی شده است. این روابط ساختارمند است و با همدیگر معنا پیدا می‌کنند.

- پنجره فولاد در زائران ایرانی وضعیت «نمادین» پیدا کرده و دربرگیرنده معانی متکثر و منعطف است. جوار پنجره دارای قداست ویژه و متمایز در درون یک مکان مقدس است. این مکان از یک سو ابهت جوار ضریح را ندارد یعنی افراد می‌توانند بدون قیود مرسوم مثلاً بدون غسل جنابت در آنجا حضور پیدا کنند. از سوی دیگر، حس می‌کنند به دلیل جوانمردی امام رضا (علیه‌السلام) عنایت و توجه در این مکان بیشتر است؛ بنابراین، حضور در کنار پنجره فولاد سودمندتر و کم‌هزینه‌تر است. از این جهت، از جایگاه ویژه برخوردار است.

- از مختصات مکان مقدس همچون بارگاه امام رضا (علیه‌السلام) تقدس‌زایی است. تمام متعلقات

1. system

2. sub system

حرم و هر آنچه پیرامون پنجره فولاد قابل مشاهده است، به شکلی مقدس تلقی می‌شود. آب، سنگ، فرش، جاروب، گلیم، کفش، غذا، کبوتر، دانه‌های گندم، زائر، خادم هر کدام فراخور حال خویش کسب تقدس می‌کند؛ اما برخی عناصر همچون «پنجره فولاد» از تقدس ویژه برخوردارند.

- شکل‌گیری وضعیت ممتاز برای پنجره فولاد در اذهان زائران به دلایل مختلفی همچون مسقف نبودن فضا و احساس اتصال مستقیم به آسمان، قرار گرفتن رو به قبله و پشت سر ضریح، کم مؤونه بودن حضور، قدمت توأم با تجربه‌های احساسی، شکل‌گیری احساسات عاطفی به وسیله مریض‌های طناب به گردن، نزدیکی به سایر نمادهای احساس برانگیز (سقاخانه، نقاره‌خانه)، انعکاس در ادبیات شاعرانه به عنوان ترجیع‌بند، مرتبط است. همه این عوامل «قداست ویژه» را به صورت انباشتی تقویت می‌کند.

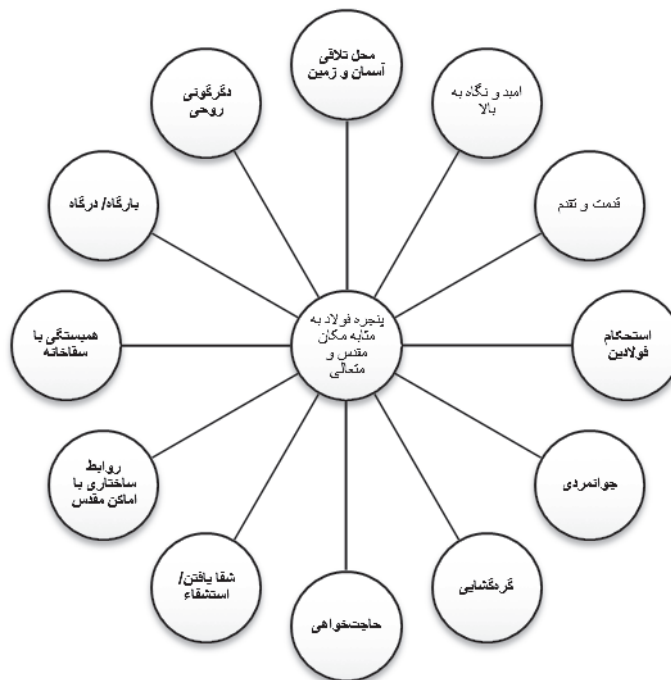
- تقدس ویژه پنجره فولاد از برهم‌کنش عوامل متعددی ناشی می‌شود که بعد «مروت جهان‌شمول» مهم‌ترین آن‌هاست. مفاهیم «کرامت»، «گره‌گشایی»، «آهوی در مانده»، «گناه‌کار»، «دیوانه»، «توبه‌کار»، «نمک‌گیری»، «مهمان آقا»، «دست‌خالی»، «مرد بودن»، «سلام‌مشتی» و «پناهندگی» ترجمان این بعد است که در فرهنگ ایرانی قدمت دیرینه دارد. تبلور فرهنگ ایرانی جوانمردی در حرم رضوی پیرامون «پنجره فولاد» متمرکز است.

- از ابعاد مهم پنجره فولاد در اذهان مصاحبه‌شوندگان بعد عاطفی آن است. این بعد با قدمت تجربه زیسته و بعد جوانمردی همبستگی کامل دارد. واژه‌های همچون: «شفا»، «مریض»، «موج‌بیماران»، «دخیل»، «شفاخانه»، «حاجت»، «ناامید»، «مضطر»، «بی‌پناه»، «دل‌تنگی»، «درمانده» و «التماس» ترجمان این بعد در اذهان ایرانی است.

- هرچند پنجره فولاد از میان عناصر سه‌گانه مکان مقدس، به دلیل سازه غیرطبیعی، فاقد عنصر «درخت» است اما بیشترین قرابت معنایی را با «سقاخانه» و «سنگ‌آب» دارد. علاوه بر این، در ذهن زائران پنجره دارای دو بعد صلابت به مثابه سنگ و جانپنداری به مثابه حیات داشتن است. واژه پنجره تداعی‌کننده زندگی در خشان و رو به بالا و واژه فولاد

تداعی کننده استحکام سنگ است.

- در جمع بندی نهایی و در پاسخ به سؤال اصلی می توان گفت: فراگیرترین مضمونی که پنجره فولاد را در اذهان مصاحبه شوندگان توضیح می دهد مکان «متمایز، متعالی و مقدس» است. به عبارت دیگر پنجره فولاد از تمام ویژگی ها و مختصات مکان مقدس برخوردار است. معانی ذهنی و همبسته به صورت خلاصه در نمودار زیر قابل مشاهده است.



منابع و مآخذ

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه. مصحح: علی اکبر غفاری. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۳۷۸ ق). عیون أخبار الرضا (علیه السلام). مصحح: مهدی لاجوردی. تهران: نشر جهان.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ ق). کشف الغمه فی معرفه الاثمه. به تصحیح هاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی هاشمی.
- اسمیت، فلیپ و الکزندر رایلی. (۱۳۹۴). نظریه فرهنگی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- الیاده، میرچا. (۱۳۸۵). رساله در تاریخ ادیان. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- _____ (۱۳۹۴). نمادپردازی امر قدسی و هنر. ترجمه محمدکاظم مهاجری. تهران: پارسه.
- _____ (۱۳۹۵). تاریخ اندیشه های دینی. ترجمه بهزاد سالکی. تهران: کتاب پارسه.
- _____ (۱۳۷۵). مقدس و نا مقدس. ترجمه نصرالله زنگویی. تهران: سروش.
- امامی سیگارودی، عبدالحسین؛ دهقان نیری، ناهید؛ رهنورد، زهرا؛ نوری سعید، علی. (۱۳۹۱). «روش شناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی». فصلنامه پرستاری و مامایی جامع نگر. سال ۲۲. شماره ۶۸. صص: ۵۶-۶۳.
- آیت اللهی، حمیدرضا. (۱۳۸۲). «مقایسه روش تحلیل فلسفی استاد مطهری در اخلاق و روش پدیدارشناسی». مقالات و بررسی ها. دفتر ۷۴. صص: ۱۱۷-۱۳۱.
- بررتون، جونل بی. (۱۳۷۷). «فضای مقدس». ترجمه مجید محمدی. فصلنامه نامه فرهنگ. سال ششم. بهار ۷۷. شماره ۲۹. صص: ۱۲۸-۱۴۵.
- بنی هاشمی خمینی، سید محمدحسن. (۱۳۷۸). توضیح المسائل مطابق با فتاواوی دوازده نفر از مراجع. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- خان محمدی، کریم. (۱۳۸۵). «تحلیل جامعه شناختی مناسک مذهبی در فرایند جهانی شدن (مطالعه موردی مناسک قالی شویان مشهد اردهال)». فصلنامه علمی پژوهشی شیعه شناسی. شماره ۱۳. صص: ۷۱-۹۰.
- _____ (۱۳۹۸). انسان شناسی فرهنگ مذهبی ایرانیان. قم: دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام).
- خمینی (امام)، روح الله. (۱۳۶۷). تحریر الوسیله. ترجمه محمد باقر موسوی همدانی. قم: دارالعلم.
- صادق گیوی، امیر. (۱۳۹۴). پنجره فولاد. چاپ چهارم. تهران: میراث اهل قلم.
- طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم. (۱۴۱۳ ق). دلائل الامامه. قم: بعثت.
- عابدی جعفری، حسن. (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین». فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی. سال پنجم. شماره دوم. صص: ۱۵۱-۱۹۸.
- عالم زاده، بزرگ. (۱۳۹۱). حرم رضوی به روایت تاریخ. چاپ پنجم. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- عناصری، جابر. (۱۳۸۳). «تأثیر تشیع بر ابنیه، اماکن و زیارتگاه های مذهبی در ایران». فصلنامه شیعه شناسی. سال دوم. شماره هفتم. صص: ۱۲۱-۱۴۶.
- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۹۶). روش شناسی مطالعات دینی. چاپ دهم. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- فروزان، بدر. (۱۳۲۴). تاریخ آستان قدس. مشهد: گنجینه کتابخانه آستان قدس رضوی.

- فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۴۱۵). تفسیر الصافی. به تحقیق حسین اعلمی. چاپ دوم. تهران: انتشارات الصدر.
- کتاک، فیلیپ کنراد. (۱۳۸۶). انسان‌شناسی (کشف تفاوت‌های انسانی). ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی.
- گروسی، فاضل خان. (بی‌تا). کتاب مقدس، (عهد قدیم). سفر خروج. (۳: ۵).
- لافورگ، رنه و رنه آلوندی. (۱۳۷۴). نمادپردازی، اسطوره و رمز (مجموعه مقالات). ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- محدث نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: موسسه آل البيت (علیه السلام).
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۷). مجموعه آثار. ج ۲۵. چاپ چهارم. تهران: صدرا.
- مولوی، عبدالحمید؛ مصطفوی، محمدتقی؛ شکورزاده، ابراهیم. (۱۳۸۸). «سیر تحول معماری و توسعه آستان قدس» (مقاله دایره المعارف ایرانیکا). ترجمه رجبعلی یحیایی. فصلنامه وقف میراث جاویدان. سال هفتم. شماره ۶۵. صص: ۳۲-۴۹.
- Boyatzis, R. E. (1998), Transforming qualitative information: thematic analysis and code development, Sage.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", Qualitative Research in Psychology, Vol. 3, No. 2, Pp. 101-77.
- Eliade, mireca, 1959 () the cacted and the profane: the nature of religion translated from the French by Willard R. trask, A Harvest book and world, newyork.

منابع اینترنتی

- حیدری، محمدرضا. (۱۳۹۸). «گزارش رئیس شورای شهر مشهد». خبر آنلاین. تاریخ مراجعه ۹۹/۶/۶. www.khabaronline.ir/news/1253932
- صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۸۷). پایگاه اطلاع رسانی تابناک. تاریخ درج خبر ۱۳۸۷/۸/۱۴. <https://www.tabnak.ir/fa/news/24092>
- صفارهرندی، محمدحسین. (۱۳۸۷). «پایتخت حقیقی ایران مشهد». آستان نیوز: پایگاه اطلاع رسانی آستان قدس رضوی. تاریخ درج خبر ۸۷/۵/۹. www.news.razavi.ir/fa/87701



مفهوم‌یابی در تمدن‌پژوهی؛

نقد روش‌شناختی کتاب «تمدن رضوی»

دریافت: ۱۳۹۹/۷/۳۰ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵

سید حسین حسینی^۱

چکیده

مطالعات تمدن‌پژوهی در قلمرو علوم انسانی کشور از رونق چندانی برخوردار نیست؛ به ویژه مسائل بسیاری وجود دارد که از زاویه رویکردهای مفهومی و روش‌شناختی پیرامون تمدن، نیازمند پژوهش است. از جمله این دست مسائل، مفهوم تمدن نوین اسلامی است. این مقاله به نقد پژوهشی کتاب تمدن رضوی می‌پردازد که می‌توان آن را در ذیل رویکردهای تمدن نوین اسلامی قرار داد؛ هرچند فاقد یک نگاه روش‌شناختی و علمی به مسئله است. پس از معرفی کتاب و سایر آثار نویسنده در این زمینه، به اهمیت مسئله تمدن نوین اسلامی اشاره شده و سپس به اجمال، اصول و مبانی نقد و تحلیل کتاب را بر می‌شمیریم که شامل نگاه روش‌شناختی به مسئله و زاویه دید شاخصه‌های یک کتاب علمی پژوهشی است. تحلیل کتاب در دو قسمت نقد شکلی و نقد محتوایی با توجه به ابعاد امتیازات و کاستی‌ها دنبال و نشان داده می‌شود که با وجود امتیازاتی مثل طرح بحث تمدن نوین اسلامی، توجه به نقش تمدن‌سازی ائمه شیعی و انفعالی ندانستن نقش ائمه (علیهم‌السلام) در تاریخ، اما دارای کاستی‌های ساختاری و روش‌شناختی است مانند: عدم تعیین نظام مفهومی، نبود نظم منطقی، غیر استدلالی و غیر مستند بودن، پَرشِ روش‌شناختی و فقدان جنبه تحلیلی. ضرورت تحلیل شبکه مفاهیم هم‌خانواده تمدن، ضرورت ترسیم و تبیین فلسفه تاریخ از منظر شیعی، اهمیت نقد روشمند متون تمدن‌پژوهی، توجه به نقش نسبت علم دینی با تمدن نوین اسلامی، ضرورت نگاه روش‌شناختی به مسئله تمدن و پابندی به لوازم و اقتضائات این دست مطالعات، بخشی از نتایجی است که این پژوهش در پایان بر آن تأکید می‌ورزد.

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی، تمدن نوین اسلامی، علم دینی، تمدن رضوی، تمدن‌پژوهی، نقد.

۱. استادیار فلسفه و تمدن‌پژوهی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: Drshhs44@gmail.com

۱. مقدمه

۱-۱. معرفی کتاب

کتاب «تمدن رضوی» برآمده از چند سخنرانی و مصاحبه در خصوص مولفه‌های تمدن‌ساز در مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام) است. نویسندگان در مقدمه توضیح می‌دهد که این اثر در ابتدای یک طرح و نظریه کلان است که هنوز در ابعاد آن باید فکر و تحقیق شود و خود اذعان می‌کند که انگیزه وی از چاپ آن، به دلیل حساسیت و ارزش موضوع و خالی بودن جای این بحث و ارتباط با موضوع تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی است و نه کامل بودن اثر (ر.ک: نجفی، ۱۳۹۶: ۱۳).

این کتاب از پنج فصل تشکیل شده است:

عنوان فصل اول، تمدن‌شناسی و تمدن اسلامی است که به مباحث مفهومی پرداخته و از چیستی تمدن، عناصر اصلی در تعریف تمدن و ویژگی‌های تمدن اسلامی سخن می‌گوید و در ادامه، از دو نظریه تکامل (در برابر نظریه انحطاط ابن خلدون) و نظریه پیوستگی (در مقابل نظریه گسستگی) برای فهم ذات تمدن رضوی و فهم دقیق نقاط عطف زندگی ائمه (علیهم السلام) یاد کرده است.

فصل دوم با عنوان مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام) مهم‌ترین فصل این کتاب قلمداد می‌شود و نقطه ثقل این مجموعه، بحث درباره مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام) است تا بحث در خصوص تمدن نوین اسلامی. نویسندگان بر همین اساس، زیرعنوان کتاب را «مولفه‌های تمدن‌ساز در مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام)» قرار داده است و باید گفت اتفاقاً این زیرعنوان، منطبق بر محتوای کتاب بوده و به مراتب دقیق‌تر از عنوان اصلی یعنی «تمدن رضوی» است چرا که در ادامه مقاله روشن خواهد شد که ترکیب تمدن رضوی، ترکیب مبهم و نادرستی است و نویسندگان کتاب نیز نتوانسته ادله قانع‌کننده‌ای در خصوص صحت این انتساب اقامه کند. به هر حال این فصل پس از تقسیم‌بندی دوره امامت ائمه (علیهم السلام)، به بحث مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام) ورود کرده و سپس برای تبیین نظام حاکم

بر حیات سیاسی امام رضا (علیه السلام)، به ویژگی‌های بنی عباس پرداخته و آن‌گاه شرایط دوران ولایت‌عهدی امام را بر شمرده است. با توجه به سیره سیاسی ایشان، در ادامه با تفکیک دو مفهوم اندیشه سیاسی و مکتب سیاسی و تبیین ویژگی‌های مفهوم مکتب، ویژگی‌های هجده‌گانه مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام) را بیان می‌کند.

فصل سوم کتاب، فرهنگ شیعی و تمدن رضوی نامیده شده و بر محور مفاد عهدنامه ولایت‌عهدی است. وی در این فصل به ابعاد تاریخی، سیاسی و فرهنگی تمدن رضوی پرداخته و به صورت استقرایی موارد سی‌و‌دو گانه‌ای را در ذیل این عنوان مطرح می‌کند و در ادامه، مفادی از عهدنامه را می‌آورد.

عنوان فصل چهارم، آینده‌پژوهی تمدن رضوی است که به نسبت تمدن رضوی با تمدن نوین اسلامی و تمدن برتر مهدوی می‌پردازد. وی هدف این فصل را طرح مفاهیم تمدن نوین اسلامی، تمدن برتر مهدوی، و نقد تمدن غرب دانسته تا به ابعاد طرح اصلی کتاب، شفافیت علمی بخشد و آن‌گاه به ذکر نکات ده‌گانه‌ای در این باره پرداخته است.

فصل پنجم با عنوان تمدن اسلامی و تمدن غربی، شامل ابعاد تمدنی بیداری اسلامی و تقابل آن با جنگ تمدن‌ها در غرب و نیز مناظره‌ای پیرامون تمدن نوین اسلامی و نسبت مدینه با تمدن است.

۱-۲. سایر آثار مرتبط نویسنده کتاب

از دکتر نجفی در خصوص مباحث تمدنی، کتاب‌های دیگری نیز چاپ شده که توجه به آن‌ها می‌تواند در تکمیل و تبیین مفاد کتاب تمدن رضوی یاری رسان باشد مانند: تمدن برتر، نظریه تمدن جدید اسلامی، فلسفه تحول تاریخ در شرق و غرب تمدن اسلامی، تفکر و تمدن، افق تمدن آینده انقلاب اسلامی، و دوباره در اوج. شاید در میان این منابع، اثر اول به کتاب تمدن رضوی نزدیک‌تر باشد چرا که به پاره‌ای مباحث مفهومی تمدن در ذیل عنوان تمدن نوین اسلامی، توجه نشان داده است (ر.ک: نجفی، ۱۳۹۰: ۳۰).

۱-۳. مسئله تمدن نوین اسلامی

مسئله تمدن نوین اسلامی از مسائل چالش برانگیز در محدوده مطالعات تمدن پژوهی است چراکه از اقتضائات امروز جامعه پس از انقلاب اسلامی شمرده می شود و آرمان های انقلاب اسلامی با آن گره خورده است؛ نمی توان از مفهوم انقلاب و ایجاد نظام های جدید اجتماعی مبتنی بر آن یاد کرد؛ اما از تحقق تمدن یاد نکرد. اگر مفاهیم انقلاب، نظام، حکومت، و تمدن الزاماً به یکدیگر وابسته نباشند اما می توانند مکمل هم باشند و هر آینه، قید دینی و اسلامی، این ارتباط را وثیق تر می کند^۱. از سوی دیگر عبارت تمدن نوین اسلامی در ادبیات جامعه علمی امروز، بسیار پُر استعمال و در عین حال با توجه به رویکردهای گونه گون از حیث مفهومی، بسیار اختلاف برانگیز شده است و به همین دلیل، مطالعات مفهومی تمدن پژوهی می تواند به ایجاد توافق نسبی مفهومی یاری رساند تا به ترسیم درستی از مولفه های آن دست یابیم؛ اما جدای از جنبه های ضروری فوق، آنچه برای نویسندگان این سطور، پژوهش در خصوص مسئله تمدن نوین اسلامی و مطالعات تمدن پژوهی را با اهمیت می سازد، نگاه روش شناختی به این مسئله و نیز نسبت تمدن دینی با علم دینی است^۲.

فقدان نگاه های روش شناختی به مسئله تمدن نوین اسلامی سبب شده تا حجم زیادی از منابع مرتبط با این موضوع، تنها مصرف ژورنالیستی داشته باشد و تولیدات علمی نادر در این خصوص نیز فاقد شاخصه های ارزش گذاری پژوهشی باشد و از این رو طرح مسئله در حد شعارهای کلی باقی بماند.

از سوی دیگر، فهم نحوه نسبت و جایگاه علم دینی در تمدن نوین اسلامی و تبیین و تحلیل ساختارهای علم دینی، وابسته به چگونگی تحلیل مولفه های تمدن نوین اسلامی است و الا علم دینی را محدود و محصور به مصادیق دانش های معاصر یا دانش های پیشینی در قرون گذشته خواهیم کرد و آن گاه به فهم درستی از تحول علوم انسانی دست پیدا نمی کنیم.

۱. در این زمینه ن.ب: میرباقری، ۱۳۹۴: ۳۶ و ن.ب: متولی امامی، ۱۳۹۴: ۱۳.

۲. در این خصوص ر.ک: حسینی، ۱۳۹۵: ۱۳ و ۲۰۸.

۱-۴. زاویه نگاه انتقادی

در این مقاله از دو زاویه، به نقد و تحلیل کتاب «تمدن رضوی» می‌پردازیم؛ اولاً نگاه روش‌شناختی به مسئله که به معنای تمرکز بر نقاط قوت و ضعف روش‌شناختی این اثر و تأکید بر مَشیِ روشی مفاد کتاب در تحلیل مسائل خواهد بود. این مبنای نقد، از نیاز امروز ما در محدوده مطالعات تمدن‌پژوهی و البته نقش کلیدی مباحث روش‌شناختی در راستی و ناراستی حل و تحلیل مسائل پژوهشی بر می‌خیزد. بر این مبنای هدف، ارائه تحلیل تاریخی یا سیاسی یا کلامی نیست، بلکه بیشتر، نکات روشی به چشم می‌آید. ثانیاً نویسنده این سطور بر مبنای وجود شاخصه‌های لازم در یک کتاب علمی^۱، به این اثر نگرسته و سپس از بود یا نبود امتیازات و کاستی‌ها سخن رانده است و بر این مبنای چنانچه معیار تحلیل را شاخصه‌های یک کتاب عمومی یا ترویجی قرار می‌دادیم، شاید جایی برای طرح بسیاری از نقدها نبود؛ زیرا این کتاب با معیارهای ترویجی همخوان است اما تأکید بر شاخصه‌های ضروری علمی و پژوهشی بود که نتیجه مقاله را به این سمت سوق داده که اثر حاضر را فاقد چنین معیارهای علمی می‌توان قلمداد کرد.

۲. نقد شکلی

۲-۱. امتیازات شکلی

از ویژگی‌ها و امتیازات شکلی و صوری این کتاب می‌توان مواردی را برشمرد:

۲-۱-۱. طرح جلد مناسب که با مفهوم تمدن رضوی و تمدن اسلامی، همخوانی دارد و حروف آن بر اساس «کوفی گلچین» موجود در گنبد مسجد گوهرشاد انتخاب شده است. همچنین در پشت جلد نیز به معرفی کوتاهی از محتوای کتاب پرداخته است.

۱. این شاخصه‌ها در سلسله کارگاه‌های متد نقد، ذیل دو عنوان معیارهای شکلی و محتوایی مطرح می‌شود؛ ر.ک: حسینی، ۱۳۹۴.

۲-۱-۲. کاغذِ سَبُک و مناسب یک کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای که مطالعه آن را بسیار راحت کرده است.

۳-۱-۲. اگرچه طراحی و صفحه‌آرایی آن ساده است؛ اما برای چنین کتابی مناسب به نظر می‌رسد. کتاب، دارای صحافی خوب و از حروف نگاری چشم‌نوازی برخوردار است و در کل، باید کار چاپ زیبای نشر آرما بر روی کاغذ کاهی را ستود.

۴-۱-۲. قواعد سجاوندی و نشانه‌های نوشتاری به خوبی استفاده شده است.

۲-۲. کاستی‌های شکلی

پاره‌ای از نقاط ضعف و نواقصی که به جنبه شکلی و ظاهری کتاب مربوط می‌شود عبارت است از:

۱-۲-۲. این اثر، نیازمند ویراستاری ادبی دقیق و غلط‌گیری است؛ چراکه عبارات نارسا، ناصحیح، محاوره‌ای و شلخته در آن وجود دارد مانند: ص ۳۵ سطر ۱۲ (کلمه «خوب»)، ص ۳۷ سطر ۱ («غریبان»)، ص ۳۸ سطر ۸، ص ۵۴ سطر ۸ («برملا کردن»)، ص ۶۹ سطر ۱۳ (کلمه «تمهیدات»)، ص ۹۷ سطر ۲ از آخر (کلمه «خواستگاهش»)، ص ۱۰۴ سطر ۶ (کلمه «جا»)، ص ۱۲۱ سطر ۱۰ (کلمه «به سوی دیگر»)، ص ۱۲۱ سطر ۱۵ (کلمه «ساخت»)، و غیره. همچنین، بهتر است نقطه‌چین‌ها نیز حذف شود مانند صفحات ۳۹، ۸۷، ۹۷ و غیره.

۲-۲-۲. پاره‌ای کتب مورد اشاره در متن، در فهرست منابع نیامده است مانند ص ۴۸ سطر ۶ از آخر، ص ۲۹ سطر ۴ از آخر، ص ۳۰ سطر ۲ از آخر و غیره.

۳-۲-۲. مطالب تکراری در کتاب به چشم می‌آید که زیننده یک اثر علمی نیست مانند: ص ۴۱ سطر اول که تکرار عنوان صفحه ۳۰ است، ص ۶۹ پاراگراف سوم، ص ۷۱ پاراگراف دوم، ص ۷۲ پاراگراف دوم، ص ۷۳ پاراگراف دوم، صفحه ۱۱۸ پاراگراف آخر و غیره.

۳. نقد محتوایی

۳-۱. امتیازات محتوایی

جدای از ابعاد شکلی و صوری، از نقاط قوت محتوایی و علمی این کتاب، می‌توان به مواردی اشاره کرد:

۳-۱-۱. طرح مسئله تمدن نوین اسلامی

نویسنده در مقدمه اشاره کرده که این کتاب، یک طرح و نظریه کلان است و هنوز در ابعاد آن باید فکر و تحقیق شود و این بحث را در ذیل موضوع تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی به صورت خاص، قرار می‌دهد (ر.ک: نجفی، ۱۳۹۶: ۱۳) که سخن درستی است و می‌توان تلاش این کتاب را در دامن زدن به مسئله تمدن نوین اسلامی و طرح بحث‌هایی پیرامون مرزهای آن با تمدن غربی ستود.

۳-۱-۲. پاسخ (به لازمه) به شبهه نقش انفعالی ائمه (علیهم‌السلام) و به ویژه امام رضا (علیه‌السلام)

یکی از امتیازات و استفاده‌هایی که از مباحث این کتاب می‌توان داشت، «پاسخ دهی به لازمه» (یعنی به اقتضای مفاد مباحث کتاب؛ هرچند امکان دارد خود نویسنده، چنین قصد و غرضی نداشته باشد)، به این شبهه است که ائمه معصومین (علیهم‌السلام) در برابر جبهه مقابل خود، نقشی انفعالی داشته و در موضع‌گیری‌ها و تصمیمات سیاسی اجتماعی، موضع فعال و رویکردی اصیل اتخاذ نکرده و به انتظار عکس‌العمل صرف می‌نشستند و در این خصوص، به صلح امام حسن (علیه‌السلام) یا قبول ولایت عهدی امام رضا (علیه‌السلام) اشاره می‌شود. اما در برابر چنین دیدگاهی، مباحث این کتاب، به ویژه درباره امام رضا (علیه‌السلام) نشان می‌دهد که سیره و روش سیاسی حضرت در برابر حکومت عباسی بر مبنای شاخصه‌های مکتب سیاسی ایشان شکل گرفته تا آنجا که نویسنده کتاب حتی از تعبیر «تمدن رضوی» یاد می‌کند (ر.ک: همان: ۳۳). اگرچه در ادامه، با استفاده و اطلاق این

عنوان (تمدن رضوی) مخالفت خواهیم کرد اما نویسنده کتاب با استناد به مفاد عهدنامه ولایت عهدی و ویژگی‌های مکتب سیاسی امام، نشان می‌دهد که موضع‌گیری ایشان از سر انفعال نبوده است. وی اشاره می‌کند که امام رضا (علیه السلام) از قبول ولایت عهدی، برای نشان دادن انحراف بدعت موروثی شدن خلافت، به خوبی استفاده کرده و به این وسیله مشروعیت خلفای اموی و عباسی را از بین می‌برد؛ همچنین به نقش امام در ایجاد جریان علمی و فرهنگی در خراسان و از آنجا به سراسر جهان اسلام و نیز نقش مناظره‌های علمی در توسعه دانش در تمدن اسلامی اشاره می‌کند (ر.ک: همان: ۵۴ تا ۵۹ و ۷۰ و ۹۳).

این مسئله، یعنی نقش فعال و موضع‌گیری غیر انفعالی ائمه معصومین (علیهم السلام) در برابر دشمنان خودشان، ریشه در یک اصل بنیادین دیگر یعنی مسئله ولایت تاریخی ائمه دارد. بدین معنا که حوزه نفوذ و دخالت ایشان (به عنوان «أولی الامر») در سلسله طولیه ولایت نبوی و ولایت الهیه)، تنها محدود به حدود فردی افراد یا جامعه و نظام اجتماعی و شرایط خاصی نمی‌شود؛ آنچنان که تصور کنیم حدود اختیارات و حوزه تأثیر ایشان در اندازه یک اندیشمند فکری یا مصلح اجتماعی است و بس؛ بلکه ولایت تاریخی ایشان متصرف در سرنوشت تاریخ بشری خواهد بود؛ همچنان که حوزه نفوذ و تأثیرگذاری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و پیامبران الهی نیز در تغییر و رشد حرکت تاریخی بشریت بوده است. در چنین فرضی نمی‌توان موضع‌گیری‌های ائمه را محدود یا منفعل صرف به شرایط اجتماعی ای دانست که از لحاظ زمانی در آن قرار گرفته‌اند. مبنای معرفت شناختی این اصل را بایستی در رویکرد فلسفه تاریخی از دیدگاه تشیع دنبال کرد و بر اهمیت آن در تحلیل و تفسیر مسائل تاریخی، تأکید دو چندان داشت (ر.ک: حسینی، ۱۳۹۷ ج).

۳-۱-۳. توجه به نقش تمدن‌سازی ائمه شیعی

تأثیر تمدنی ائمه معصومین (علیهم السلام) از مسائل مهمی است که در تحلیل حوادث تاریخ اسلام و فهم تمدن اسلامی و همچنین درک تمدن نوین اسلامی می‌تواند نقش کلیدی داشته باشد. این کتاب به تأثیرگذاری ائمه به ویژه امام رضا (علیه السلام) در تمدن‌سازی توجه می‌کند؛ چراکه نقطه ثقل آن، بررسی مولفه‌های تمدن‌ساز در مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام) است

که نشان دهنده توجه به نسبت تمدن‌سازی با مکتب سیاسی امام است تا آنجا که وی سه مفهوم تمدن رضوی، نظام علوی و نهضت حسینی را جلوه‌های جامعیت و تمامیت تمدن حداکثری اسلامی قلمداد می‌کند و تمدن رضوی را افقی متعالی به سوی تمدن نوین اسلامی و تمدن برتر مهدوی می‌داند. وی در فصل دوم کتاب، به مولفه‌هایی از مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام) اشاره می‌کند که در تمدن‌سازی مؤثر است مانند عنصر ملت‌سازی، امتزاج رهبری سیاسی و فکری، شهرسازی و توسعه دانش (ر.ک: نجفی، ۱۳۹۶: ۱۳، ۱۴ و ۴۸-۵۹).

۳-۱-۴. توجه به چند اصل تمدن‌پژوهی

در فصل چهارم کتاب به چند اصل تمدن‌پژوهی و روش‌شناختی دلالت داده که می‌توان آن‌ها را از امتیازات و نقاط قوت به حساب آورد که از آن جمله، عبارت از اصولی پنج‌گانه است:

۳-۱-۴-۱. اشاره به نکته‌ای روش‌شناختی در ذیل مباحث تمدن‌پژوهی کرده مبنی بر ضرورت تحلیل مفاهیم مرتبط با تمدن در سنجه با یکدیگر؛ مفاهیمی مانند: تمدن نوین اسلامی، تمدن برتر مهدوی، و نقد تمدن غرب (ر.ک: همان: ۱۰۳). اگرچه چنین ضرورتی در این کتاب به خوبی انجام پذیرفته و از مشکلاتی که اشاره خواهد شد، فقدان تعیین مفهومی است اما توجه به این اصل روش‌شناختی لازم است چرا که ما را در بازشناسی نقاط اشتراک و اختلاف مفاهیم یاری خواهد داد.

۳-۱-۴-۲. توجه به دو نوع نگاه به دین؛ شامل نگاه فردی و نگاه تمدنی به دین. دین در نگاه اول، محدود به حوزه امور فردی می‌شود و در نگاه دوم، امری تمدن‌ساز تلقی خواهد شد و نه فقط شریک در تمدن. نویسنده کتاب، رویکرد خود را به تمدن رضوی، در امتداد نگاه دوم می‌داند (ر.ک: همان: ۱۰۴).

۳-۱-۴-۳. به تحلیلی تمدنی اشاره کرده که نکته بسیار مهمی است مبنی بر اینکه اگر فردی در یک حوزه تمدنی زیست می‌کند اما متمایل و متعلق به حوزه تمدنی دیگری

است، حوزه تعلّق تمدنی وی بر حوزه تعلّق زیست او تقدّم دارد (ر.ک: همان: ۱۱۴). این تحلیل، از این جهت قابل توجه است که شامل وضعیت کلیّ جهان اسلام و مسلمانان کنونی نیز می‌شود؛ بدین معنا که اگر چه در مسلمانان در جغرافیای اسلامی زندگی می‌کنند ولی از آنجا که تحت تأثیر تمدن غرب قرار دارند، در حقیقت در حوزه نفوذ آن تمدن قرار گرفته‌اند؛ اما نکته آن است که این مسئله، نشان دهنده نفوذ و سیطره بی‌مهابای تمدن غربی است که باید دلیل آن را جست‌وجو کرد و خود نشانه‌ای بر معنای وسیع نفوذ تمدن غالب خواهد بود و ما را به سمت معنای سیطره‌های تمدن پیش می‌برد (در ادامه، توضیحاتی درباره راه حل این معضل در مسئله دانش تمدنی و علم دینی اشاره خواهد شد).

۳-۱-۴-۴. توجه به یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های تمدن اسلامی با تمدن غربی، در مسئله عقل خود بنیاد و مستقل از وحی که از عوامل شکل‌گیری تمدن غربی بوده است یعنی اومانیست فکری غالب غربی و غلبه ساحت نفسانی آدمی بر ساحت روحانی؛ غلبه ساحت مادی بشر که به بیان مارکوزه، توسعه و تکامل و نظام رفتاری تمدن جوامع امروزی را در اساس، غیر منطقی کرده است.^۱

نویسنده کتاب تمدن رضوی می‌گوید در تمدن اسلامی، عقل در سایه وحی و هماهنگ با آن است؛ اما این که مقصود از عقل هماهنگ با وحی، اشاره به کدام یک از رویکردهای شناخته شده است، روشن نیست؛ به ویژه اینکه در ادامه، مطالبی کلی درباره عقلانیت جدید و تفسیر دینی عقل (در برابر عقل خود بنیاد غربی) برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی مطرح کرده است (ر.ک: همان: ۲۱ و ۱۱۶).

۳-۱-۴-۵. در خصوص روش فهم تمدن نیز آورده است که دیدگاه غالب برای تحلیل تمدن اسلامی و مسائل تاریخ اسلام، متأثر از رویکردهای مستشرقین بوده که معمولاً در ذیل اقتضائات تمدن غربی و از زاویه مبانی فرهنگ غربی به آموزه‌ها و تراث اسلامی نظاره می‌کنند. توجه نویسنده به این نکته روشی، به ویژه در ارزیابی و طبقه‌بندی دیدگاه‌های

۱. پاره‌ای از ویژگی‌های تمدن غرب را در این کتاب دنبال کنید: مارکوزه، ۱۳۸۸: ۳۰.

تمدنی حائز اهمیت است. وی در ادامه، ادعا می‌کند طرح بحث تمدن رضوی، طرح تازه‌ای بیرون از دایرهٔ ایدئولوژیک شرق‌شناسان است که البته برای اثبات چنین ادعایی، نیازمند اقامهٔ دلایل متقنی است (ر.ک: همان: ۱۱۹).

۲-۳. کاستی‌های محتوایی

۱-۲-۳. مشکل نظام مفهومی

این اثر از جهت نحوهٔ استعمال مفاهیم اصلی تحقیق، بسیار آشفته و پُراشکال است؛ نه مفاهیم مستفاد، به درستی منقح شده و نه بر مبنای علمی مشخصی انتخاب شده است و حتی در مواردی، خود نیز پایبند به معانی به کار برده نیست. در این باره به مواردی ده‌گانه اشاره می‌کنیم:

۱-۲-۳-۱. وجود مشکل روش‌شناختی در تعریف تمدن: نویسندگان در فصل اول و ذیل عنوان چیهستی تمدن آورده: «یکی از عناصری که معمولاً در تمدن دیده می‌شود، شهرنشینی است و تمدن در روستاها، محیط‌های کوچک، جنگل‌ها، خط استوا و قطب شمال به وجود نمی‌آید» (ر.ک: همان: ۱۷).

این سخن بدین معناست که امری را در خارج از ذهن به عنوان مفهوم تمدن، پذیرفتیم و سپس خصوصیات آن را بر می‌شمردیم؛ حال آنکه این شیوه، نوعی مصادره به مطلوب محسوب می‌شود و در این صورت، دیگر نیازی به تعریف مفهوم تمدن نداریم چراکه از قبل، مصداق آن را تعیین کرده‌ایم! بدین‌سان بایستی از لحاظ روشی، مشخص کرد نقطهٔ شروع در تعریف مفهوم تمدن به کجا باز می‌گردد؟ مصداق خارجی یا لغت و مفهوم تمدن؟؛ یعنی امر و رویداد و پدیده‌ای را به عنوان مصداق تمدن می‌پذیریم و سپس خصوصیات و ویژگی‌های آن را بر می‌شمردیم یا اینکه از لغت و مفهوم شروع و تمدن را معنا می‌کنیم سپس هر آنچه در خارج از ذهن، مصداق آن مفهوم محسوب می‌شود، به عنوان مصادیق آن مفهوم می‌شناسیم؟ در هر دو صورت اما، تکلیف این کتاب از لحاظ روش‌شناختی، در

تعریف مفهوم تمدن روشن نیست.

هر آینه راه حل نگارنده، یک حرکت رفت و برگشتی؛ اما با اولویت روش دوم است که می‌تواند ما را در حل مسئله یاری رساند که موضوع بحث دیگری است (ر.ک: حسینی، ۱۳۹۵: ۴۴).

۳-۲-۱. ذیل عنوان عناصر اصلی در تعریف تمدن، از ۲۰ مسئله یاد شده و به بیان وی، این عناصر در تعریف تمدن اهمیت دارند (ر.ک: همان: ۲۱)؛ در حالی که اگر هم این موارد فهرست وار را از عناصر اصلی تمدن بدانیم، پرسش این است که به هر حال، ماهیت مفهومی تمدن چیست که دارای این عناصر می‌تواند باشد؟ در واقع به سوال چيستی مفهوم تمدن پاسخ نداده و صرفاً عناصری به صورت نامنظم در کنار یکدیگر فهرست شده‌اند. ضرورتاً در میان این دسته وسیع از عناصر دخیل، بایستی اولویت‌بندی صورت گیرد و نویسندۀ کتاب، مشخص کند کدام عنصر، اصلی و کدام یک، فرعی است و آیا همگی در یک رتبه و منزلت قرار دارند؟

از سوی دیگر بسیاری از عناصر شمرده شده، مبهم هستند و بر فرض که این شیوه تعریف (یک واژه) پذیرفته بود، در نهایت می‌توان گفت تعریف یک مفهوم مبهم با کمک مفاهیم مبهم دیگری صورت گرفته که منطقاً راهگشا نیست؛ مانند عنصر سوم (فرهنگ بارور) که این ابهام وجود دارد که آیا مقصود، خلاقیت است؟ یا در مورد عنصر پنجم (اخلاق مداری) آیا هر تمدنی به وقوع پیوندد، اخلاق مدار هم هست؟ یا عناصر ششم و هفتم (شکوفایی همه استعدادهای انسانی و شکوفایی هنرها و صنایع) به قدری وسیع و مبهم‌اند که هیچ امری از دایره شمول آن‌ها خارج نیست! یا مقصود از عنصر دهم (تکامل و پیشرفت ذاتی) مشخص نیست، یا درباره عناصر سیزدهم و چهاردهم (عالی‌ترین جنبه تلاش بشر برای ایجاد زندگی اجتماعی پویا و فرایند ارزش آفرینی) باید پرسید آیا تمامی تمدن‌ها چنین تکامل‌زا بوده و به فرایندی ارزش آفرین منتهی می‌شوند؟

مواردی از عناصر یاد شده نیز با یکدیگر هم‌پوشانی دارند مانند عناصر دوم و سوم و دوازدهم و هجدهم و مانند عناصر ششم و هفتم و هفدهم. این امور نشان از آن دارد که بدون

دقت‌های لازم در تعریف واژه تمدن، مطالب گوناگون و متفرقی به صورت فهرست وار طرح شده و نویسندگان نتوانسته در دایره وسیع عناصر دخیل، به یک جمع‌بندی تحلیلی نهایی دست یابند.

نکته افزودنی آن است که حتی اگر بخواهیم عناصر بیست‌گانه مذکور را معیاری برای تشخیص مفهوم تمدن از غیر تمدن قرار دهیم و درصدد برآییم با چنین ملاک‌هایی، تشخیص دهیم (مثلاً) چرا جامعه‌ای، مصداق تمدن هست یا خیر، پاره‌ای از این عناصر قابلیت معیار و میز بودن را ندارند چرا که با چنین ملاک‌هایی، نمی‌توان تمدن را از غیرتمدن متمایز کرد مانند: عنصر ششم، دهم، یازدهم (پیچیده‌تر از فرهنگ بودن)، سیزدهم، چهاردهم و هفدهم (بالفعل شدن ظرفیت‌های انسانی و استعدادهای بشری).

۳-۱-۲-۳. چنانچه یکی از اهداف فصل اول، ارائه تعریف تمدن بوده، اما در نهایت به چنین تعریف مفهومی روشن و دقیقی دست نمی‌یابیم و این امر، مشکل‌مبنایی این کتاب است به ویژه که عنوان آن را «تمدن رضوی» نیز نامیده. از این رو وقتی معنای روشنی از تمدن در دست نیست، جایی برای اطلاق عنوان تمدن رضوی هم نخواهد ماند. از این مهم‌تر، یکی از ضرورت‌های روش‌شناختی در مسئله تعریف مفاهیم، ضرورت تعیین مرزهای مفهومی معنایی بین واژه‌های هم‌ردیف و مرتبط است (ر.ک: حسینی، ۱۳۹۵: ۳۲)؛ نکته‌ای که نویسندگان نیز به اجمال و ناقص در فصول بعدی کتاب به آن اشاره‌ای داشته و به دلیل اهمیت روش‌شناختی این اصل، همین توجه هرچند کوتاه را از امتیازات آن تلقی کردیم (ر.ک: نجفی، ۱۳۹۶: ۱۰۳).

معمولاً در این فصل و در فصول بعدی مرزهای مشترک و اختلافی مفهوم تمدن با واژه‌هایی مانند فرهنگ، دین، جامعه، تاریخ، و انسان مشخص نیست و صرفاً در فصل اول، عناصری به صورت آشفتگی و ناقص بیان شده‌اند؛ به ویژه تفاوت مفهوم تمدن با فرهنگ بسیار پراهمیت است، در حالی که این مرزها تبیین نمی‌شوند.^۱ در یکی از پاورقی‌های

۱. از نمونه‌های آشفتگی در تعریف تمدن مانند آنچه کارل بکر در آغاز کتاب خود آورده که: تمدن را شامل تمامی فعالیت‌های انسان از قدیم‌ترین اعصار تاکنون به نحو تمام معنا کرده است. ر.ک: بکر، ۱۳۸۴: ۱ و نیز ر.ک: حسینی، ۱۳۹۵: ۳۱ و ن.ب: باودن، ۱۳۹۵: ۳۸-۴۶.

فصل اول، مراد از فرهنگ را، مجموعهٔ نمادها، مناسک، الگوها و آداب افراد در جامعه در زمینه‌های مختلف تکامل خود با یکدیگر، جوامع دیگر، محیط طبیعی و خدا می‌داند، اعم از اینکه ریشه‌های وحیانی یا بشری داشته باشند و به عبارتی فرهنگ را دستگاه تولید هویت در اعضا جامعه دانسته است (ر.ک: همان: ۱۸). اگر این تعریف از فرهنگ را بپذیریم و آن را در کنار عناصر اصلی‌ای که در تعریف تمدن ذکر کرده‌اند قرار دهیم، می‌توان این عناصر را در آن اجزا مندرج دانست؛ چراکه بسیار به یکدیگر نزدیک هستند و در این صورت، مرزهای تفاوت مفهومی فرهنگ با تمدن، چگونه باید شناخته شود؟

از سوی دیگر، در خصوص تعریف مفهوم فرهنگ به «دستگاه تولید هویت در اعضای جامعه»؛ با توجه به اینکه هویت را شخصیت وحدت یافته در بزرگسالی دانسته و شخصیت را نیز شیوه‌های رفتاری شخصی و سبک تعامل فرد با محیط طبیعی و اجتماعی و تعامل با متافیزیک می‌داند، بنابراین فرهنگ برابر با دستگاه تولید شیوه‌های رفتاری شخصی خواهد شد (ر.ک: همان: ۱۸). در این صورت می‌توان پرسید که ماهیت آن دستگاه چیست؟ جامعه یا دولت یا حاکمیت یا مردم یا نخبگان یا غیره؟، آیا فرهنگ، فقط دستگاهی است که به تولید هویت در بزرگسالی می‌پردازد و در غیر بزرگسالی، تولید هویتی ندارد؟، عنوان خصوصیات و شیوه‌های رفتاری، امری بسیار عام است و شامل فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی و غیره هم می‌شود و در این فرض، آیا فرهنگ، دستگاه تولید همهٔ امور است حتی اقتصاد و سیاست و دین و غیره؟، پس مرز و تمایز فرهنگ با سایر عناصر جامعه در چه خواهد بود؟

۳-۲-۱-۴. در پایان همین بحث به تعریفی از تمدن اشاره می‌کند که چون هر نوع هویتی، نیازهای خاصی را در جامعه ایجاد می‌کند، پس تمدن یعنی مجموعهٔ ابزارها و نظام‌های اجتماعی که برای رفع آن نیازها ایجاد می‌شود؛ یعنی تمدن برابر است با مجموعهٔ نظام‌های اجتماعی برای رفع نیازهای جامعه که از هویت برخاسته‌اند (ر.ک: همان: ۱۹). این تلقی از تمدن نیز، بسیار وابسته به مفهوم فرهنگ دانسته شده است و گویی تمدن‌ها تنها در پی پاسخ به نیازهای فرهنگی جوامع هستند حال آنکه تمدن‌ها بسیار اعم از فرهنگ‌اند. از سوی دیگر طبق این تعریف، تمدن‌ها صرفاً در جهت رفع نیاز

قرار دارند؛ اما از یاد نبریم که تمدن‌ها، خود نیازهای جدید و بسیار متنوعی هم تولید می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت که بسیار منفعلانه به مفهوم تمدن نگریسته حال آنکه تمدن‌ها اموری پویا هستند.

از جانب دیگر، نحوه‌ای از اشکال دور نیز در این گونه تعاریف استشمام می‌شود چرا که؛ یک. فرهنگ، دستگاه تولید هویت است.

دو. هر هویتی، نیازهای خاصی در جامعه ایجاد می‌کند.

سه. نظام‌های اجتماعی (سیاسی، اقتصادی، تربیتی، بهداشتی، امنیتی و غیره) و حتماً نظام فرهنگی نیز که برای رفع آن نیازها در جامعه ایجاد می‌شود، تمدن نام دارد (ر.ک: همان: ۱۹).

در نتیجه گویا، فرهنگ به ایجاد هویت می‌پردازد و سپس هویت، به تولید نیاز، و سپس فرهنگ نیز برای رفع نیاز است. با این وجود؛ فرهنگ، هم علت است و هم معلول! البته می‌توان به نوعی این سخن را هم درست دانست ولی در مقام تعریف، نمی‌توان چنین عمل کرد چرا که در تعریف فرهنگ، آن را هم ایجاد کننده نیاز و هم رافع نیاز دانسته‌ایم، گویا تعریف ما از فرهنگ این است که فرهنگ، امری است که هم ایجاد نیاز می‌کند و هم رفع نیاز!

۳-۲-۱-۵. بر اساس تعریف تمدن به مجموعه نظام‌های اجتماعی برای رفع نیازهای هویت جامعه؛ این تلقی، شامل هر جامعه انسانی محدودی نیز می‌شود و با این حساب، حتی یک روستا را می‌توان تمدن نامید در حالی که نویسنده، معتقد است تمدن در روستاها و محیط‌های کوچک به وجود نمی‌آید.

۳-۲-۱-۶. در یکی از پاورقی‌های فصل اول کتاب به «تعریف ناگفته مفروضی» از تمدن اشاره می‌کند که مشخص نیست آیا مورد قبول نویسنده کتاب قرار گرفته یا خیر؟ علاوه بر اینکه منبع آن مشخص نیست؛ اشاره دارد که: «... این تلقی، با تعریفی از تمدن

همسویی دارد که آن را حاصل تنازع بقا و انتخاب اصلح و خودسازگاری با محیط از راه استفاده ابزاری افراد هوشمند و خلاق از اشیاء طبیعی و سپس ساختن ابزارهای مناسب می‌دانند...» (همان: ۱۸). این برداشت، شبیه دیدگاه‌های تکامل‌گرایی داروینی است و به نحوی، مبنای تحلیل مفهوم تمدن را رویکردهای مبنای داروینی قرار می‌دهد و در نتیجه، تمدن برابر با ابزاری مادی برای حکومت یک فرهنگ قلمداد خواهد شد. پرسش این است که آیا نویسنده کتاب نیز، مبنای تحلیل مفهوم تمدن را، امری مادی‌گرایانه دانسته و آن را شامل تمدن اسلامی نیز می‌داند؟!

۷-۱-۲-۳. از آنجا که در این کتاب، مرزهای مفهومی تمدن به درستی روشن نشده، این مشکلات سایه خود را در بحث تمدن اسلامی نیز نشان می‌دهد؛ آنجا که در بیان ویژگی‌های تمدن اسلامی می‌گوید: «خاستگاه تمدن اسلامی در نگاه حداکثری با قرائت شیعه، وحی است. مبنای آن توحید و معاد، اصول آن ولایت و شریعت و عدالت، و اهداف آن قرب به خدا، توسعه عبودیت، انسان‌سازی، تن دادن جامعه به سرپرستی یک انسان کامل و ایجاد حیات طیبه است» (همان: ۲۳). علاوه بر ارائه نکات کلی، چنانچه به جای کلمه «تمدن اسلامی» در این عبارات، واژه «جامعه اسلامی» یا حتی «فرهنگ اسلامی» را جایگزین کنیم، همچنان این جملات درست خواهد بود! این امر، نشان دهنده فقدان مرزبندی دقیق، علمی و شفاف بین مفهوم تمدن با مفاهیم دیگری مانند جامعه و فرهنگ است.

۸-۱-۲-۳. در ذیل مشکلات مفهومی می‌توان به نحوه کاربرد واژه مکتب اشاره داشت. در فصل دوم کتاب و زیر عنوان معنای مکتب و مکتب سیاسی، مکتب را مجموعه جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌های یک انسان می‌داند (ر.ک: همان: ۳۶)؛ حال آنکه می‌توان پرسش کرد که مگر هر انسانی چند جهان‌بینی و چند ایدئولوژی می‌تواند داشته باشد؟ یعنی از سویی، سعی در ارائه تعریف دارد و از سویی اذعان دارد که این واژه‌ها خط کشی دقیق نداشته و هیچ یک در مغایرت با هم قرار ندارند (ر.ک: همان: ۳۹). به هر حال اگر این واژه‌ها با یکدیگر تفاوتی نداشته باشند، چرا به تعریف آن‌ها پردازیم؟ تردیدی نیست که مفاهیم با یکدیگر، متفاوت‌اند و بی‌دقتی دیگران دلیل تأیید نمی‌شود.

جالب اینجاست که ذیل عنوان معنای مکتب و مکتب سیاسی، سخنی دربارهٔ مکتب سیاسی بیان نشده است (ر.ک: همان: ۳۶-۳۹). از سویی، مکتب را مجموعه جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها دانسته و از سویی، یک سلسله اعتقادات و آداب کلی (ر.ک: همان: ۳۸)؛ مقصود از آداب کلی چیست؟ اگر ایدئولوژی است که آن‌ها کلی نیستند و اگر جهان‌بینی است، آن‌گاه ایدئولوژی چیست؟ از جانب دیگر مکتب را اعم از دین می‌داند در حالی که پیش از این، آن را مجموعهٔ جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌های یک «انسان» قلمداد کرده است؛ اگر مکتب، متعلق به انسان است، پس سرمنشاء مکاتب، انسان است و نه وحی و خدا. در جایی می‌گوید، مکتب اعم از دین است و در صفحاتی بعد آن را اعم از دین ندانسته و اعم از ایدئولوژی می‌داند! (ر.ک: همان: ۳۸ و ۴۰).

همهٔ این موارد نشان از آشفتگی مفهومی و عدم پابندی اثر به لوازم سخنان دارد؛ حال آنکه بهتر بود به جای اعم دانستن مکتب نسبت به دین، مرز بین مکتب و دین را در بشری بودن و الهی بودن تعریف کنیم (ر.ک: حسینی، ۱۳۹۰: ۲۵).

در ادامهٔ این بحث، موارد هشت‌گانه‌ای را به عنوان ویژگی‌های مکتب بر می‌شمرد که برخی از آن‌ها اصولاً ویژگی و خصوصیت نبوده، بلکه از جنس تعریف خود مکتب هستند؛ مانند مورد ۴ که «جهان‌بینی خاص و دستورالعمل‌هایی برای تحقق خود دارد»، یا مورد ۸ که «دین نیست، بلکه اعم از دین است». همچنین مورد ۱ و ۲ بسیار به یکدیگر نزدیک‌اند چرا که توضیح داده نشده تفاوت طرح جامع و منسجم با طرح نظام‌مند و هماهنگ چیست؟ مورد ۳ و ۶ و ۷ (یعنی متمایزکننده و الهام‌بخشی و حد و مرز مشخص داشتن) هم ابهام دارند و چنین می‌توان نتیجه گرفت که اصولاً ویژگی‌های مکتب، احصا و تبیین نشده بلکه تنها اموری کلی در کنار هم جمع آمده‌اند.

نکته این است که در میان مفاهیم بحث حاضر، تحلیل مفهوم مکتب بسیار اهمیت دارد چرا که تمدن‌ها معمولاً برآمده از مکاتب یا ادیان‌اند^۱. اگر چه مفهوم دین و مکتب از جهت ضرورت برخورداری از صفت نظام‌مندی، با یکدیگر مشابهت دارند، اما جنبهٔ

۱. در خصوص نسبت تمدن با دین، ن.ب: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۶۲.

بشری مکتب و جنبه‌الوهی دین، وجه فارق این دو محسوب می‌شوند. به بیان دیگر، واژه تمدن را نمی‌توان بر شخص و یا حتی جامعه و منطقه‌ای بار کرد و آبشخور تمدن‌ها، یا یک مکتب و نظام فکری قوی است یا ریشه در ادیان دارند مانند تمدن غربی و یا تمدن اسلامی (در قرون گذشته).

در خصوص واژه «مکتب سیاسی» باید افزود که در فصل دوم کتاب و ذیل عنوان «اندیشه سیاسی یا مکتب سیاسی؟»، هدف آن است که نخست به معنای مکتب سیاسی بپردازد تا سپس وارد بحث ویژگی‌های مکتب سیاسی امام رضا (علیه‌السلام) شود (ر.ک: نجفی، ۱۳۹۶: ۳۵-۴۰)، اما مشکل روش شناختی اینجاست که اصولاً مکتب سیاسی معنا نشده و در چنین فضایی، باید حدس زد که مقصود نویسنده چیست! با توجه به تعریف وی از مکتب (با همه آشفتگی‌های پیش‌یاد) به مجموعه جهان بینی‌ها و ایدئولوژی‌های یک انسان، احتمالاً مکتب سیاسی عبارت است از مجموعه جهان بینی‌های سیاسی و ایدئولوژی‌های سیاسی یک انسان که البته تعریفی درون متناقضی خواهد بود چرا که تعبیر جهان‌بینی سیاسی یا ایدئولوژی سیاسی نیازمند تبیین است به ویژه که معمولاً جهان‌بینی و ایدئولوژی‌ها اعم از سیاسی و غیر سیاسی قلمداد می‌شود. شاید هم منظور نویسنده از مکتب سیاسی، همان اندیشه سیاسی است و نه مکتب به معنایی که طرح کرده است و در این فرض، عنوان مکتب سیاسی، دقیق نخواهد بود. به بیان دیگر، نویسنده این اثر واژه مکتب را فقط در امور سیاسی به کار برده حال آنکه ویژگی‌های هجده گانه ذیل عنوان «مکتب سیاسی امام رضا (علیه‌السلام)»، به موارد غیرسیاسی نیز دلالت دارد!

۳-۲-۱-۹. در مواردی واژه تمدن مهدوی را به کار برده (ر.ک: همان: ۵۰) در حالی که به هیچ روی مفهوم آن روشن نیست و ظاهراً نویسنده در اطلاق بی قاعده واژه تمدن بر هر پدیده و ساختاری، مشکلی نمی‌بیند و مفهوم تمدن را بسیار کم مؤونه تلقی می‌کند به نحوی که از تمدن رضوی، تمدن جمهوری اسلامی، تمدن آل بویه و تمدن صفویه نیز یاد کرده است! این نوع استعمال عمومی یک واژه، امکان مرزگذاری‌های لازم بین واژه‌ها و استعمال تخصصی آن‌ها را از بین خواهد برد.

۳-۲-۱۰. می‌توان نتیجه گرفت که در فصل اول (تمدن‌شناسی و تمدن اسلامی)، به معنای روشن و دقیقی از مفهوم تمدن دست نمی‌یابیم و این امر، اشکالی مبنایی است چراکه عنوان کتاب، «تمدن رضوی» نامیده شده. وقتی مفهوم تمدن به درستی تعریف نشود، جایی برای اطلاق تمدن رضوی نیز وجود ندارد. از سوی دیگر در هیچ جای این اثر، به دلیل متقن یا وجوه صحت استناد عنوان «تمدن» بر تمدن رضوی بر نمی‌خوریم.

در فصل چهارم و در بحث از تفاوت تمدن اسلامی با تمدن مسلمانان، تفاوت تمدن رضوی با تمدن عصر عباسی را در تفاوت تمدن حداکثری (اسلامی) با تمدن حداقلی (مسلمانان) می‌داند و می‌گوید: «تمدن رضوی، حرکت از تمدن حداقلی به سوی تمدن حداکثری است» (همان: ۱۰۴)؛ حال آنکه اشاره شد تعبیر «تمدن رضوی» امری اثبات نشده است چه از حیث مفهومی و چه از جهت جنبه‌های وقوعی آن که آیا (در واقع) چنین امری با مختصات تمدنی ویژه‌اش به وقوع پیوسته یا خیر؟ چرا که دلایل کافی برای این که بتوان حرکت و قیام امام رضا (علیه‌السلام) را مصداق تحقق تمدن دانست، ارائه نشده است.

از جانب دیگر اضافه کرده که «تمدن اسلامی منبعث از فرهنگ ناب اسلامی است و همه بنیان‌ها و بن‌مایه‌ها و اصول این تمدن از متن دین اخذ می‌شود...» (همان)؛ در حالی که چگونه می‌توان تمامی وقایع تمدن اسلامی را دارای ریشه در متن دین دانست؟ سخن بر سر تمدن اسلامی پیشین است یا تمدن پسین در آینده؟ اگر گذشته که بسیاری امور ریشه در دین ندارد چه رسد به متون دینی! و اگر آینده، که در این فرض، بایستی از عنوان تمدن نوین اسلامی استفاده کرد و در هر حال، محدود کردن تمدن اسلامی به متن دین مشکل‌ساز است و مرزگذاری دقیق بین تمدن اسلامی و تمدن مسلمانان امری ضروری محسوب می‌شود.

پرسش بعدی این که چرا تمدن رضوی را تمدن حداکثری بدانیم؟ حتی اگر تمدن اسلامی را (طبق تعریف کتاب)، تمدن حداکثری بدانیم (به معنای تمدن اخذ شده از متن دین)، آیا تمدن رضوی در همه موارد، منبعث از متن دین بوده است؟

از سوی دیگر چرا تمدن اسلامی را منحصر به تمدن رضوی بدانیم؟؛ می‌توان گفت حرکت و قیام امام رضا (علیه السلام)، نقطه اوج تمدن اسلامی است، اما به چه دلیلی تمامی دوره تاریخی تمدن اسلامی را محدود به حرکت یک امام معصوم (علیه السلام) باید دانست؟ در همین زمینه اشاره کرده است که با وجود امام معصوم (علیه السلام)، شرایط حداکثری برای تمدن اسلامی پیش می‌آید (ر.ک: همان)؛ در حالی که هیچ دلیلی بر این امر اقامه نشده است. بدون تردید حضور امام معصوم (علیه السلام) موثر در رشد و ارتقای دین و آموزه‌های الهی است اما این ادعا که اسلام، به شرایط تحقق تمدنی دست نمی‌یابد مگر با حضور امام معصوم (علیه السلام)، محتاج ادله محکمی است.

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که بنیان این کتاب بر اساس مفهومی مبهم و ساختگی شکل گرفته و از این رو نویسنده آنچه خود می‌اندیشیده را به واقعیت‌های بیرونی تحمیل کرده و بی‌محابا از واژه‌سازی «تمدن رضوی» استفاده کرده حال آنکه دلایلی برای اثبات آن نیاورده است؛ بنابراین هنگامی که شالوده مفهومی اثری دچار آسیب جدی باشد دیگر نوبت به موارد دیگری نمی‌رسد. پیشتر در بند ۳-۲-۱-۱ مشکل نظام مفهومی اشاره شد که یکی از ریشه‌های این پندار نویسنده در استعمال عنوان تمدن رضوی، در نحوه تلقی ایشان از مفهوم تمدن و ناراستی شبکه مفهومی آن نهفته است.

در همین فصل درباره تعریف تمدن نوین اسلامی، آن را به رجوع هرچه بیشتر مسلمانان به دین و تقویت جلوه‌ها و ظواهر آن باز می‌گرداند با دو شیوه: ۱. احیای تمدن اسلامی بر اساس مولفه‌های تمدن‌های قبلی در چینی نو و ۲. احیای تمدن اسلامی با فرهنگ‌های جدید در ترکیبی جدید بین تعلق تمدنی و تعلق فرهنگی (ر.ک: همان: ۱۱۱). این گونه تعاریف مبهم را می‌توان فرار از تعریف قلمداد کرد چرا که چنین تعاریفی بایستی منطبق با تعاریف قبلی و شاخصه‌های چندگانه مطرح در فصل اول باشد در حالی که با تعاریف چند صفحه پیش درباره تمدن حداقلی و حداکثری هم مطابقت ندارد؛ آیا این تعریف، حداکثری است یا حداقلی؟ و جدای از این‌ها، نشانه‌هایی از دوری از اصالت تمدن اسلامی و رگه‌هایی از التقاط مبانی گوناگون و گاه نامتناجس تمدنی نیز به چشم می‌آید؛ چگونه می‌توان تمدن اسلامی را با فرهنگ‌های جدید مدرن مادی، احیا کرد؟

۳-۲-۲. نبود نظم منطقی

این اثر از جهت مولفه نظم منطقی، از دو سورتج می‌برد؛ نخست، فقدان نظم منطقی فصول و سپس نامنظمی مفاد هر فصل، که به نمونه‌هایی چهارگانه اشاره می‌شود:

۳-۲-۲-۱. ارتباط فصل اول، با فصول دیگر بریده بوده و بنابر آنچه گذشت، مفاهیم محتوایی آن در فصول بعدی ضربه شده است.

۳-۲-۲-۲. با مرور به عناوین فصل دوم، نشانه آشفتگی و پراکندگی در آن آشکار است؛ به عنوان نمونه بدون تعریف مکتب سیاسی، از «مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام)» آغاز می‌کند و در ادامه، به «معنای مکتب و مکتب سیاسی» می‌پردازد و سپس دوباره به «ویژگی‌های دوران امامت و ابعاد مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام)» باز می‌گردد که به تکرار عناوین و مطالب نیز منجر شده است (ر.ک: همان: ۳۰-۴۱).

۳-۲-۲-۳. در فصل دوم ذیل عنوان «ویژگی‌های مکتب»، به هشت ویژگی و سپس ذیل عنوان «ویژگی مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام)»، به ۱۸ ویژگی اشاره شده است، حال آنکه ارتباط ویژگی‌های هشت‌گانه با ۱۸ مورد روشن نیست؛ در حالی که به صورت منطقی باید ویژگی‌های مکتب بر ویژگی‌های مکتب سیاسی صدق کند؛ اما آنچه در این بحث ارائه شده، دو دسته متفاوت است. نهایتاً انتظار می‌رفت از توصیف این ویژگی‌ها، به اثبات و تحلیل تمدن رضوی که مهم‌ترین مدعای این اثر است، دست یابیم حال آنکه چنین استدلالی وجود ندارد.

۳-۲-۲-۴. در فصل چهارم به ۱۰ مسئله می‌پردازد که هیچ‌گونه ارتباط و نظم تعریف شده‌ای بین آن‌ها وجود ندارد و تنها مطالب متفرقی کنار هم قرار گرفته‌اند مانند: تفاوت تمدن اسلامی با تمدن مسلمانان، هویت تمدنی، قلب تمدن و هویت تمدنی، تمدن نوین اسلامی، تعلّق تمدنی، نظریه پیوستگی، ملت‌سازی، دیدگاه شرق‌شناسان، جایگاه عقل، مصداق نظریه شیعی و ولایی تمدن (ر.ک: همان: ۱۰۴-۱۲۲). از آنجا که ارتباط منطقی این مسائل با یکدیگر تبیین نشده، چنانچه آن‌ها را به جای هم طرح کنیم، هیچ تفاوتی

نخواهد کرد! علاوه بر این که در مواردی هم پوشانی و تکرار وجود دارد و ارتباط این دست مسائل با عنوان کلی فصل (آینده پژوهی تمدن رضوی) تبیین نشده باقی مانده است. آیا مسائل دهگانه را از ویژگی‌های تمدن رضوی قلمداد کنیم یا تعریف آن یا تبیین مفاهیمی که در اول این فصل اشاره شد که باید به آن‌ها پرداخت و یا غیره؟

۳-۲-۳. فقدان استناد

از مهم‌ترین نواقص این اثر، مستند نبودن مفاد آن است که در اکثر صفحات مشاهده می‌شود. به عنوان نمونه در بحث از ویژگی‌های مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام) آورده: مکتب رضوی، نوعی مدینه فاضله دینی به رهبری امام معصوم (علیه السلام) و انسان کامل است که دو عنصر اعتدال و تفکر، مقوم آن است (ر.ک: همان: ۵۳)؛ اما هیچ مستندی برای این سخنان ارائه نمی‌دهد؛ به ویژه که در موضع اثبات مکتب سیاسی امام قرار دارد و قاعدتاً باید به مصادیق و مستندات تاریخی تمسک می‌کرد و نه حتی دلایل کلامی؛ اگرچه به چنین دلایلی نیز روی نیاورده است؛ یا مواردی مانند: ص ۳۱-۳۱ و نیز عمده مطالب فصل سوم.

در زاویه فقدان استندهای لازم، موارد بسیاری از ذکر نکردن منابع یا نحوه ارجاعات نادرست وجود دارد که این اثر را از صورت یک کار علمی پژوهشی خارج کرده است مانند: ص ۱۹ سطر ۴ از آخر، ص ۲۰ پاورقی ۲، ص ۲۹ سطر ۳ از آخر، ص ۳۲ پاورقی، ص ۳۵ سطر ۲ از آخر، ص ۳۶ سطر ۱۴ و سطر آخر، ص ۳۷ سطر ۶ و پاورقی ۱، ص ۳۸ سطر ۱۵، ص ۴۰ پاورقی ۱، ص ۴۱ سطر ۱۰ و ۱۸، ص ۴۲ سطر ۵، ص ۴۴ پاورقی ۳، ص ۴۸ سطر ۵ از آخر، ص ۴۹ سطر ۹، ص ۵۱ سطر ۸، ص ۵۶ سطر ۱، ص ۵۶ پاورقی ۱، ص ۵۸، ص ۵۹ سطر ۱۳، ص ۶۰، ص ۶۱، ص ۶۶ سطر ۸، ص ۷۱ پاورقی ۱، ص ۷۷ سطر ۲، ص ۸۳ سطر ۵، ص ۸۳ پاورقی ۱، ص ۸۷ سطر ۲ و ۱۲، ص ۸۹ سطر ۱۲ و ۱۸، ص ۹۱ سطر ۳، ص ۹۵ سطر ۴، ص ۹۹ سطر ۸، ص ۱۰۰ سطر ۲، ص ۱۰۹ سطر ۷ و سطر ۲ از آخر، ص ۱۱۰ سطر ۲، سطر ۵ از آخر، ص ۱۱۸ سطر ۱۱، ص ۱۱۹ سطر ۸، ص ۱۲۰ سطر ۳ از آخر، ص ۱۲۱ سطر ۷ از آخر، ص ۱۲۹

سطر ۱۴، ص ۱۳۱ سطر ۲، ص ۱۳۲ سطر ۷ از آخر، ص ۱۳۷ سطر ۸ از آخر، و غیره.

۳-۲-۴. فقدان استدلال

اگر مستدل بودن را به عنوان یک شاخصه علمی بپذیریم، می‌توان اذعان کرد این اثر به صورت عمومی فاقد این امر است و به سمت ادعاهای کلی یا استدلال‌های غیر تحلیلی روی آورده و از این رو، احتیاج به بازنگری اساسی دارد. به عنوان نمونه به مواردی ده‌گانه اشاره می‌شود:

۳-۲-۴-۱. در بحث از ویژگی‌های تمدن اسلامی و برای رسیدن به اهداف آن، از چهار مرحله یاد می‌کند؛ مرحله اول: توسعه کمی و کیفی فرهنگ اسلامی و شکل‌گیری جامعه اسلامی، مرحله دوم: حاکمیت سیاسی اسلام، مرحله سوم: شکل‌گیری منطق تولید علم مبتنی بر منطق وحی و فراهم شدن فضای عقلانیت اسلامی و مرحله چهارم: تولید علوم، ارائه محصولات علمی، ساخت ابزارهای کارآمد و تأمین نیاز معیشتی جامعه اسلامی (ر.ک: همان: ۲۳). مطالبی کلی، مبهم و غیر مستدل که در ذیل هر یک، ده‌ها پرسش قابل طرح است؛ مقصود از توسعه کمی و کیفی چیست؟ کدام فرهنگ اسلامی؟ فرهنگ شیعی یا غیرشیعی؟ الگوی جامعه اسلامی کدام است؟ جمهوری اسلامی ایران یا جمهوری اسلامی پاکستان یا مثلاً عربستان سعودی؟ مقصود از منطق تولید علم مبتنی بر منطق وحی چیست؟

اگرچه در این میان توجه به ضرورت و اهمیت تولید علم قابل تأمل است اما این مسئله، موضوع مطالعات علم دینی با قرائت‌ها و دیدگاه‌های گوناگونی است (ر.ک: حسینی، ۱۳۹۷ الف؛ حسینی ۱۳۹۷ ب) و طرح آن در این کلیت، گره‌ای از چالش‌های موجود باز نمی‌کند؛ اگر مقصود از تولید علم، تأکید بر روند رشد و افزایش جریان تولید علم موجود در پارادایم‌های جهان معاصر است که این علوم با مبانی تمدن اسلامی که خود نویسنده نیز پیشتر، خاستگاه آن را، وحی و مبانی آن را توحید و معاد دانسته، در تضاد و تفاوت آشکاری است و اگر مقصود، تأکید بر محور سه بوده که به نحوی به تکرار گرویده است.

۳-۲-۴. در نتیجه‌گیری فصل سوم، مطالبی را در خصوص تمدن رضوی برمی‌شمرد که همگی جنبه شعاری دارد و هیچ دلیل منطقی بر صحت انتساب کلمه تمدن بر حرکت و قیام امام رضا (علیه السلام) اقامه نمی‌کند و اتفاقاً تمامی موارد نه‌گانه‌ای که در خصوص ویژگی‌های تمدن رضوی بر شمرده است، می‌توان در باب مثلاً تمدن علوی، تمدن حسنی، تمدن حسینی، تمدن صادقی و تمدن مهدوی نیز صادق دانست و در این صورت، مرزها و تفاوت‌های مفهومی چه خواهد شد؟ در این بحث به مواردی پرداخته‌اند مانند اینکه تمدن رضوی، تمدن پاکی‌ها و توحید محور است، یا تناسب اجزای معرفت و علم با هنر و اخلاق، یا جنبه باقی و تکاملی بودن تمدن رضوی یا جنبه تقدس یا تناسب انسان کامل و مدینه فاضله و ... (ر.ک: نجفی: ۷۳) که هیچ یک دلیل خاص بر مدعای خاص نمی‌شود بلکه مصادیق شمرده شده، اعم از مدعا هستند. بنابراین آنچه مولف کتاب به امام رضا (علیه السلام) یا عهد ایشان نسبت داده، اصولاً قابل انتساب به اسلام و ادوار تاریخی حضور ائمه دیگر نیز است و بر این مبنا چنین سخنانی، نوعی خروج موضوعی از بحث علمی تلقی می‌شود. این تلقی اشتباه ناشی از تلقی محدود از مفهوم تمدن است و به نظر می‌رسد نویسنده در مواردی مفهوم تمدن را با مفهوم فرهنگ یکسان پنداشته و در هر حال نتوانسته مرزهای روشنی بین این مفاهیم تعریف کند و همین امر سبب چنین آشفتگی‌هایی شده است.

۳-۲-۴. بحث از ویژگی‌های مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام)، به هیچ روی مستدل نیست چراکه صرفاً عناوینی به صورت یک ادعا مطرح شده‌اند. مثلاً نخستین ویژگی این مکتب، جاودانگی به معنای امتداد یک تفکر و زنده بودن آن دانسته شده، اما هیچ استدلالی برای آن اقامه نمی‌شود (ر.ک: همان: ۴۱).

در ویژگی دوم آورده که تمدن رضوی از نظر وسعت سرزمین‌های اسلامی، وسیع‌تر از نظام علوی است (ر.ک: همان)؛ اما نوعی مصادره به مطلوب محسوب می‌شود چراکه تا این قسمت بحث، به هیچ وجه امری به نام «تمدن رضوی» اثبات نشده است؛ علاوه بر این که قاعده آن بود که از ویژگی‌های مذکور مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام) به چنان برداشتی دست یابیم که مثلاً کار و حرکت امام (علیه السلام) را مصداق عنوان «تمدن» قلمداد کنیم.

مضافاً این ابهام وجود دارد که به چه دلیل وسعت سرزمین‌های اسلامی در عصر خلافت عباسی را می‌توان محصول تمدن رضوی (بر فرض اثبات آن) دانست؟ جدای از این که وسعت سرزمین، دلیلی بر ظهور تمدن نیست زیرا یکی از مولفه‌های تمدن، بُعد جهانی و فرا سرزمینی آن است (ر.ک: حسینی، ۱۳۹۵: ۴۸).

در ویژگی سوم، از برتری فرهنگی نام می‌آورد ولی استدلالی بر آن نیاورده است. از آنجا که برتری فرهنگی و شاخصه‌های آن را معنا نکرده، در ادامه، از برتری علمی جریان امامت یاد می‌کند و نتیجه می‌گیرد: «... در نتیجه، برتری فرهنگی از آن شیعیان شد و برتری فرهنگی، زمینه برتری تمدنی شد» (ر.ک: نجفی، ۱۳۹۶: ۴۲).

آیا برتری فرهنگی با برتری علمی یکسان نیست؟ بر مبنای کدام استدلال و تحلیل، از برتری فرهنگی (مفروض) به برتری تمدنی دست می‌یابیم؟ حال آنکه اشاره شد اصل وقوع تمدن رضوی نیز اثبات نشده است.

در حاشیه این بحث به نکته‌ای می‌پردازد که امامت، پیش از امام رضا (علیه السلام) نیز برتری فرهنگی داشته اما خلفا اجازه ظهور و بروز این برتری را نمی‌دادند (ر.ک: همان)؛ حال باید پرسید که این، چگونه برتری است؟ اگر مقصود از برتری، در عالم واقع و نفس الامر است که البته همه شیعیان، معتقد به حقانیت ائمه معصومین (علیهم السلام) هستند چه در عالم ظاهر غلبه با آنان باشد یا نباشد؛ اما هنگامی که سخن از برتری فرهنگی می‌رود، برتری عینی و واقعی مراد است. این موارد، نشان از ضعف استدلال و بی دقتی در به کارگیری اصطلاحات و بار مفهومی آنان دارد.

در حاشیه ویژگی چهارم، دوره‌های آل بویه، صفویه و جمهوری اسلامی ایران را مصداق تمدن‌سازی دانسته است (ر.ک: همان: ۴۵)، حال آنکه از لحاظ مفهومی، واژه تمدن بسیار گسترده‌تر از این دوره‌های تاریخی بوده و حتی این مصداق با مراحل چهارگانه شکل‌گیری تمدن اسلامی که در فصل اول بدان پرداخته نیز سازگار نیست (ر.ک: همان: ۲۳) و بر این اساس، نمی‌توان آن‌ها را مصداق تمدن دانست.

در بیان ویژگی ششم مانند ویژگی پنجم و سایر موارد، خطایی روش شناختی به چشم می‌خورد و آن استعمال عنوان تمدن رضوی، پیش از اثبات آن است حال آنکه علت طرح بحث ویژگی‌های مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام) این بود که اثبات شود حرکت امام رضا (علیه السلام)، مصداق تمدن رضوی است اما به گونه‌ای مصادره به‌مطلوب شده و گویا این امر را پیش فرض گرفته است. این آشفتگی تا آنجا ادامه پیدا می‌کند که گاه، مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام) را در کنار مفهوم تمدن رضوی، قرار داده و ظاهراً یکی می‌پندارد (ر.ک: همان: ۴۷).

در کتاب، اشاره می‌شود که هنر و علوم در تمدن رضوی شکوفا شده و یکی از شاخص‌های تمدن، رونق ادبیات و هنر بوده و شعر دُعِلِ متعلق به این تمدن است (ر.ک: همان). نه تنها مطالب این قسمت غیرمستند است و به دلایل و مصادیق چنین رشد و شکوفایی و به‌ویژه میزان بُرد جهانی و تمدنی آن اشاره‌ای نشده که حتی مشخص نیست بر اساس چه منطقی، تمدن رضوی (بر فرض قبول اطلاق) بر تمدن اسلامی ترجیح داده شده چراکه رشد و شکوفایی علمی در این دوره را باید متعلق به تمدن اسلامی دانست و اگر مفهوم تمدن رضوی، حقیقتی داشته باشد، در دل تمدن اسلامی معنا می‌یابد. از این گذشته، رونق ادبیات و هنر یکی از شاخصه‌های ظهور تمدن است و نه همه آن. از سوی دیگر حتی در همین نشانه نیز نمی‌توان وجود یک یا چندین اثر ادبی را دلیل رونق ادبیات و هنر در یک دوره تاریخی دانست چه اینکه مسئله بسیار فراتر است.

همین استدلال‌ها که از یک امر جزئی بر یک حکم کلی نتیجه گرفته می‌شود، در بحث ویژگی هفتم نیز وجود دارد آنجا که ملت‌سازی را صرفاً به استقبال ایرانیان از امام رضا (علیه السلام) و احترام به صحن و حرم تلقی می‌کند (ر.ک: همان: ۴۸)؛ در حالی که این امور تنها بخشی از یک کل است؛ به علاوه، مفهوم ملت‌سازی نیز به درستی تعریف نشده است.

در ویژگی نهم، از انسان‌سازی یاد کرده و می‌توان استدلال مطرح شده را بدین‌گونه مرتب کرد: ۱. میان انسان با جامعه و تمدن ارتباط عمیقی وجود دارد، ۲. تمدن مادی، انسان مادی پرورش می‌دهد، ۳. برتری فرهنگی مکتب رضوی به دلیل وجود انسان کامل

است، ۴. پس انسان، جامعه و تمدنی که امام معصوم ایجاد می‌کند باید با آن سنخیت داشته باشد و ۵. به نظر افلاطون ارجاع داده شده که باید در رأس مدینه فاضله، رئیس فاضل باشد مانند جامعه مهدوی (ر.ک: همان: ۵۰).

اگر از اظهار نظر در خصوص صحت و سقم نظر افلاطون گذر کنیم، اما بند چهارم این استدلال محل تأمل است. اگرچه جامعه‌ای که این افتخار را دارد تا امام معصوم (علیه السلام) در رأس آن قرار گیرد، باید با آن سنخیت داشته باشد، اما الزاماً چنین نیست چرا که این امکان هست که مردم با امام، همراهی نداشته باشند شبیه جامعه نبوی، علوی و غالب جوامعی که انبیا و اولیای الهی در آن حضور داشتند. با وجود اینکه امام معصوم (علیه السلام) از نهایت تلاش خود برای سرپرستی و هدایت جامعه فروگذار نمی‌کند اما جامعه‌پذیری مردم، امری انسانی و اختیاری و طرفینی است و صرف وجود انسان کامل، برای کمال جامعه کافی نخواهد بود.

در ویژگی دهم، از زنده شدن همه حوادث تاریخ اسلام در جریان تمدن رضوی یاد می‌کند (ر.ک: همان: ۵۲)، اما علاوه بر ابهام این موضوع، می‌توان پرسید که آیا این امر از ویژگی‌های یک دوره تاریخی است یا ویژگی‌های یک مکتب سیاسی؟

ویژگی یازدهم را به ممزوج بودن رهبری سیاسی و فکری و تبلور این وحدت در تمدن رضوی اختصاص داده (ر.ک: همان)، حال آنکه این امر از ویژگی‌های خط کلی امامان شیعه است و نه فقط مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام) و چنانچه سخن بر سر تبلور این موضوع در دوره امام رضا (علیه السلام) باشد، باید دلایل و مستندات چنین تبلوری در موضع‌گیری‌ها و تصمیمات امام رضا (علیه السلام) نسبت به ائمه دیگر تحلیل شود، اما چنین کاری در این اثر صورت نگرفته است.

ویژگی دوازدهم را آشکار کردن انحراف در خلافت موروثی دانسته است. از میان موارد دیگر، این تنها موردی است که می‌توان آن را دلیل بر مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام) تلقی کرد و نویسنده کتاب برای آن با «ولیعهد قرار دادن امام رضا (علیه السلام) به دست مأمون» استدلال کرده است (ر.ک: همان: ۵۴).

اگر چه در این مورد، شبه استدلالی مطرح شده (برخلاف موارد دیگر که نمی‌توان آن‌ها را استدلال لقب داد)، اما همچنان این مصداق نیز دلیلی بر صحت انتساب عنوان «تمدن» بر دوره امامت امام رضا (علیه السلام) نمی‌شود. استدلال نویسنده این است که امام رضا (علیه السلام) با قبول ولایت عهدی، در برابر انحراف خلافت موروثی که نقطه بحرانی مضاعف بود، ایستاد. وی در ادامه می‌گوید این کار امام رضا (علیه السلام) مثل حرکت امام حسین (علیه السلام) بود که در برابر تبدیل خلافت به سلطنت قیام کرد (ر.ک: همان).

نکته آن است که اگر تبدیل خلافت به موروثی شدن آن، دلیل حرکت امام رضا (علیه السلام) است چرا که این بحران، یک انحراف بزرگ بود و اگر تبدیل خلافت به سلطنت (توسط یزید) نیز دلیل قیام امام حسین (علیه السلام) است، پس بر مدار این تحلیل، باید تبدیل امامت به خلافت (در جریان سقیفه) نیز دلیل قیام امام علی (علیه السلام) باشد چه اینکه این امر هم بسیار مهم بود و در واقع ریشه دو انحراف بعدی محسوب می‌شد.

عجیب است که نویسنده کتاب در این مورد می‌گوید: «در تبدیل امامت به خلافت (جریان سقیفه)، امام معصوم (علیه السلام) به مصلحت سکوت می‌کند...» (همان: ۵۵). مشکل در وجه تحلیل حرکت کلی ائمه است و الا اگر ملاک، مسئله انحراف بوده، تبدیل خلافت به سلطنت با تبدیل امامت به خلافت، دارای وجوه مشابهی هستند و مورد دوم انحراف عمیق‌تری محسوب می‌شود و بر این وزن، وجهی برای سکوت امام علی (علیه السلام) باقی نمی‌ماند!

در ویژگی سیزدهم، مانند هفتم، دوباره از ملت‌سازی یاد کرده و مشخص نیست چرا این دو بحث، یکی نشده‌اند؟ علاوه بر اینکه مطالبی غیر مرتبط و غیر مستدل آمده است.

از نمونه تحلیل‌های ضعیف، درهم ریختن دوره‌های زمانی مختلف و نتیجه‌گیری‌های کلی است که در ویژگی چهاردهم و پانزدهم با طرح مسئله توسعه شهرنشینی و شهرسازی، بدان پرداخته شده است؛ چگونه و بر اساس چه مستندات می‌توان توسعه شهر مشهد پس از شهادت امام رضا (علیه السلام) و سده‌های تاریخی را یکی از ویژگی‌های دوران امامت و ابعاد مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام) دانست؟

ویژگی شانزدهم را گسیل محبان اهل بیت (علیهم‌السلام) و سپس ایجاد یک جریان بزرگ علمی در خراسان می‌داند (ر.ک: همان، ص ۵۸)، حال آنکه آیا ایجاد یک جریان علمی را می‌توان مصداقی از شاخصه‌های «مکتب سیاسی» امام رضا (علیه‌السلام) تلقی کرد؟ علاوه بر آن که اسناد و دلایل کافی نیز بر این امر اقامه نکرده و فقط به تعدادی از شاگردان حضرت اشاره شده است که می‌تواند یکی از شواهد باشد. برای اثبات تحقق یک جریان بزرگ علمی در حدّ تمدنی، نیازمند بیان نمونه‌هایی از ایجاد مکاتب علمی نو، حوزه‌های فکری و تعلیمی و تدریسی، انتشار کتب و دستاوردهای علمی، حجم تعداد استادان و شاگردان پرورش یافته، حلقه‌های فکری و بحث و مناظره، گرایش‌ها و فریق‌گوناگون اندیشه‌ای و اختلاف آرا و مذاهب، رونق روزافزون نقد و انتقادهای فکری هستیم.

۳-۲-۴. در فصل سوم به نکات متفرق و پراکنده‌ای پرداخته که می‌توانست در فصل دوم جای گیرند و گاهی تکرار مطالب فصل پیشین است. در این فصل ذیل عنوان «ابعاد تاریخی، سیاسی، فرهنگی تمدن رضوی» به ۳۲ بند اشاره شده که در ظاهر، ابعادی از وجوه توجیه اطلاق تمدن رضوی‌اند، ولی هیچ یک و حتی همه با هم نیز نمی‌توانند دلیلی بر صحت چنین انتسابی باشند (ر.ک: همان: ۶۵-۷۳)؛ از سویی، نکاتی که مربوط به دوره‌های مختلف حضور امام و نیز پس از امام است و حوزه‌های اسلامی و معاصر، با یکدیگر مخلوط شده‌اند و از این رو حوزه‌های زمانی بحث مشخص نیست و از سوی دیگر، اکثر موارد جنبه شهری یا نهایتاً در محدوده یک جامعه است و نه جهانی، تا مجوزی برای اطلاق واژه تمدن باشد.

در بند ۱ همین فصل، یکی از شاخصه‌های تمدن رضوی را شهرسازی دینی دانسته که در مشهدالرضا وجود دارد (ر.ک: همان)، حال آن که نفس شهرسازی دلیل وجود و ظهور تمدن نیست بلکه شهرسازی مقدمه جامعه‌سازی است و یکی از ارکان چندگانه تحقق تمدن، تحقق یک جامعه است. از طرفی، هر جامعه و هر شهری مقدمه تحقق تمدن اسلامی نخواهد شد بلکه باید شهر دینی و جامعه اسلامی شکل گیرد تا در پی آن، تمدن اسلامی و رضوی به وجود آید. از این گذشته، بخش وسیعی از شهرسازی مشهد در دوره‌های مدرن بوده و بر چه مبنایی، شهرسازی در کل شهر مشهد و حتی حرم رضوی را

شهرسازی دینی و اسلامی بنامیم؟

۳-۲-۴-۵. در فصل چهارم می‌گویید نبود عامل مهم انسان کامل در برخی سطوح، تمدن اسلامی گذشته را از حداقی به حداکثری نرساند و هرچه حضور انسان کامل در قلب تمدن اسلامی شیعی، عمیق‌تر و اساسی‌تر باشد، حوزه نفوذ تمدن هم بیشتر می‌شود (ر.ک: همان: ۱۰۸ و ۱۱۳). در این صورت باید پرسش کرد چرا در دوره پیامبر ﷺ و امام علی (علیه السلام)، تمدن اسلامی به پیشرفت‌های دوره‌های پسینی خود دست نیافت؟ این امر نشان می‌دهد پیشرفت و پس رفت تمدن اسلامی، تک عاملی نیست و عامل مهم حضور عینی و علنی امام معصوم (علیه السلام)، بدون جمع عوامل مختلف سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بشری دیگر نمی‌تواند به تنهایی در تحقق دامنه‌های تمدن اسلامی کافی باشد. بی‌توجهی نویسنده به مسائلی از این دست باعث شده بخش‌هایی از این اثر تمایل به نوعی جبرگرایی اعتقادی یا نوع خفیفی از غلو پیدا کند. از زاویه نگاه کلامی شیعی، همواره باید از دو آسیب فکری پرهیز کنیم: نخست، افراط‌گرایی سلفی که به حذف نقش ائمه معصومین (علیهم السلام) و نادیده انگاشتن عنصر عصمت منجر می‌شود و سپس، تفریط‌گرایی غالی محوری که به نسبت دادن‌های خلاف حق و واقع به ساحت ائمه (علیهم السلام) کشیده خواهد شد. غلو ائمه نیز از شدیدترین حالات تا کم‌رنگ‌ترین آن قابل امتداد است مانند آن که گاهی نقش ائمه نسبت به سایرین بیش از حد بزرگ جلوه داده شود. از سوی دیگر در مباحث جبر و اختیار باید دقت بسیار داشت که به افراط جبرگرایی و تفریط اعتزالی گرفتار نشده و با وسواس بیشتری از اظهارنظرهایی که حضور امام معصوم (علیه السلام) در رأس تمدن را به معنای نفی نقش‌های اجتماعی سایر عناصر تلقی می‌کند، پرهیز کنیم.

۳-۲-۴-۶. در بحث تفاوت تمدن اسلامی با تمدن غربی آورده است: «تمدن اسلامی بر اساس «مَنِ غُلُو» انسان شکل گرفته و تمدنی متعالی است، یعنی همه قوای انسان در خدمت تعالی بشر است ...» (همان: ۱۱۵). جدای از اینکه مطالبی از این دست، جنبه شعاری دارد و نه تحلیلی و استدلالی، این ادعای حداکثری که نظام تمدنی بتواند تمامی قوای انسان را در خدمت تعالی بشر قرار دهد، امکان تحقق ندارد چرا که به هر حال تمدن‌ها با انسان‌ها سر و کار دارند و از سوی دیگر، تمدن اسلامی نیز با اعجاز الهی کار

خود را پیش نمی‌برد، پس چگونه ممکن است که همه قوای انسان و همه قوای انسانی را بتواند در خدمت تعالی بشر به کار گیرد؟ اضافه باید کرد که این نوع سخنان حداکثری و جبرگرایانه با دیدگاه‌های قبلی نویسنده در خصوص تمدن غربی و استفاده از تکنولوژی نیز سازگاری ندارد (ر.ک. همان: ۹۸).

نتیجه آن است که تکلیف کتاب از لحاظ انتخاب مبانی روش‌شناختی خط فکری خود روشن نیست؛ گاه بر مبنای نگاه‌های حداکثری پیش می‌رود و گاه در مثال پذیرش خلافت توسط امام علی (علیه السلام)، رو به نگاه‌های حداقلی آورده است (ر.ک: همان: ۱۶۷). بدین‌سان از جهت مشی روشی نمی‌توان این اثر را در یک وزن ثابت و موزون دید چراکه دارای پُرش‌های روشی بسیاری است و غالباً توجیه ناپذیر باقی مانده‌اند. اکثر بندهایی که در بحث تفاوت تمدن اسلامی با تمدن غربی اشاره شده یا جنبه تحلیلی و استدلالی ندارد یا به مصادیق عینی آن‌ها پرداخته نشده است. از این موارد، تنها می‌توان به بند «ز» اشاره کرد که بسیار مهم است اما در این بند نیز مصادیقی ارائه نمی‌شود (ر.ک: همان: ۱۱۵ و ۱۱۶).

۳-۲-۴-۷. در فصل چهارم به نکته مهمی درباره روش فهم تمدن می‌پردازد که مسئله‌ای روش‌شناختی است یعنی این که دیدگاه غالب در درک تمدن اسلامی و تاریخ اسلام، دیدگاه مستشرقین است که خود، ذیل تمدن و فرهنگ غرب می‌اندیشند و بیشتر می‌خواهند شناخت تاریخ و فرهنگ و تراث اسلامی را با «صورتی غربی» نگاه کنند و در نهایت، به فلسفه و تاریخ هگل و برتری ذهنیت غربی بر شرقی ختم می‌شود؛ وی ادامه می‌دهد که طرح تمدن نوین اسلامی و تمدن رضوی با این دیدگاه‌ها در تقابل است؛ هم با نتایج و هم با پیش فرض‌های آن‌ها (ر.ک: همان: ۱۱۹).

این سخن، نکته روش‌شناختی درستی است اما کافی به نظر نمی‌رسد چراکه چاره آن است که نشان دهیم تفاوت‌های روش‌شناختی این دو نوع نگاه چه بوده و در مبنای اهداف، و راهکارها با یکدیگر، چه اختلاف‌هایی دارند؟ و الا این امکان وجود دارد که در ظاهر امر، نام تمدن رضوی و تمدن نوین اسلامی را بیاوریم اما چون مرزگذاری‌های

دقیقی در روش و رویکردهای فکری و نظری با منیش مستشرقین غربی نگذارده ایم، نهایتاً به همان دامی خواهیم افتاد که از آن گریزان بودیم.

۳-۲-۴-۸. در فصل چهارم به نکته‌ای مبنایی در تفاوت تمدن غربی با تمدن نوین اسلامی دلالت داده و آن مسئله عقلانیت و عقل خود بنیاد مستقل از وحی در تمدن غرب است و این که برای رفتن به سمت تمدن نوین اسلامی، باید به عقلانیت جدید و تفسیر دینی عقل توجه شود ولی این عقل مانند عقل خود بنیاد غربی نیست (ر.ک: همان: ۱۲۱). با این وجود، هیچ تبیینی از مقصود خود درباره عقل ارائه نداده و توضیحات ضمیمه نیز بر ابهامات، افزوده است مانند اینکه: عقل در تمدن نوین اسلامی، فقط عقل فلسفی نیست بلکه عقل عرفانی و عقل فقهی و عقل کلامی و سایر علوم هم هست! یا اینکه عقل عملی به حوزه عینیت تمدنی نزدیک‌تر است یعنی عقل تمدنی، عقل جمعی است! و یا اینکه عقل تمدن اسلامی، فراتر و جامع‌تر و جدای از عقل مدرن و عقل فلسفی صرف است و این عقل در سایه وحی و نقل قرار دارد. سپس اشاره کرده که عقل تمدن دینی در سایه وحی، با نظریه فطرت تکمیل می‌شود و دست آخر، مطالبی کلی در باب فطرت مطرح می‌کند (ر.ک: همان).

اینکه شاخصه‌های نظریه فطرت کدام است و در این بحث چه نقشی ایفا می‌کند، از ابهامات جدی این فراز است. از جانب دیگر مقصود نویسندگان از عقل تمدنی و ملحقات آن، به هیچ وجه روشن نیست و خلط همه اصطلاحات و مفاهیم با یکدیگر، نشان از عدم تنقیح مباحث دارد. در این خصوص ضروری است به نقش عقل (با توجه به عوامل دیگر) در شکلگیری تمدن نوین اسلامی پرداخته و تبیین کنیم آیا عقل را به عنوان منبع یا روش یا چارچوب یا رویکرد یا پارادایم تمدن نوین اسلامی به‌کار می‌بریم؟ و در هر صورت، مولفه‌های مفهومی آن کدام است؟

هر آینه باید پیش از همه این‌ها به دقت و با جامع‌نگری، به تعریف روشنی از تمدن نوین اسلامی پرداخت و پیش از این، مقصود خود از علم و نقش آن در تمدن نوین اسلامی و سپس دانش تمدنی را روشن سازیم و الا بدون این مقدمات لازم، به کلی گویی‌هایی این

چنین دچار خواهیم شد.

در این راستا در فصل اول و ذیل عناصر اصلی تعریف تمدن، به عنصر «فراگیر شدن خردورزی و عقلانیت» اشاره شده که نشان از نوعی تناقض و ناهماهنگی در طرح بحث دارد چراکه اگر این بند را به عنوان یکی از عناصر تعریف تمدن (در کلیت خود) بدانیم، آن‌گاه جای ابهام وجود دارد که آیا هر تمدنی، به فراگیر شدن خردورزی و عقلانیت منجر می‌شود؟ آیا تمدن غربی نیز که به بیان خود نویسنده بر محور عقل خودبنیاد اومانستی مستقل از وحی بنیاد شده، مصداق خردورزی و عقلانیت محسوب می‌شود؟ و اگر مقصود از این عناصر، تبیین مولفه‌های تمدن اسلامی است (آنچنان که در پراکنش این عنصر به عقلانیتی که در مناظره‌های امام (علیه السلام) رشد کرده اشاره می‌کند)، پس چرا تیترا اصلی بحث را به «تعریف تمدن» (بدون قید اسلامی) اختصاص داده است؟ علاوه بر اینکه، از محتوای سایر عناصر ۱۹ گانه نیز چنین امری بر نیامد.

۳-۲-۴-۹. در بحث از چیستی تمدن می‌گوید: یکی از عناصری که معمولاً در تمدن دیده می‌شود، شهرنشینی است؛ تمدن در روستاها، محیط‌های کوچک، جنگل‌ها، خط استوا و قطب شمال به وجود نمی‌آید. سپس استدلال می‌کند که وقتی نیازهای اولیه انسان مثل خوراک و پوشاک و مسکن رفع شد، آدمی به امور متعالی نظر می‌کند (ر.ک: همان: ۱۷).

این استدلال مبتنی بر پیش فرضی است که هر تمدنی، متعالی بوده و تلاش برای ایجاد تمدن، در هر فرضی، نشانه تعالی انسان است، حال آنکه به واقع آیا هر تمدنی، متعالی است و نشانه رشد و پیشرفت بشریت خواهد بود؟ آیا در هر فرضی، علم و هنر، ارجمند محسوب می‌شود؟ از سوی دیگر به چه دلیلی انسان‌های نیازمند و فقیر، نتوانند به امور متعالی نظر کنند؟ آیا هر فرد یا جامعه‌ای که بیشتر نیازمند نیازهای اولیه انسانی خود هستند، الزاماً فقر فکری و فرهنگی بیشتری دارند؟ جالب‌تر این که بر مبنای چنین استدلال‌هایی، می‌توان تمدن‌های حوزه شرق و یا جهان اسلام را در مقایسه با تمدن‌های جهان اول و غرب عالم، دارای ضعف فکری و فرهنگی بیشتری دانست!

بایسته است درباره ملاک قرار دادن شهرنشینی در مفهوم تمدن، دقت کنیم و درست‌تر آن که به جای «شهرنشینی»، از ضرورت عنصر «جامعه» یاد شود چراکه تمدن‌ها از جامعه و سپس جوامع چندی سر می‌زنند و اگر جامعه‌ای، به وجود نیاید و سپس جوامعی با یکدیگر متحد نشوند تا زمینه‌های جهانی شدن و بین‌المللی شدن تمدنی را فراهم آورند، آن تمدن آرمانی شکل نخواهد گرفت، اما این امر الزاماً به معنای ضروری دانستن شهرنشینی در برابر روستانشینی نیست، چراکه تمدن‌ها از جامعه‌ای سر می‌زنند ولی به آن جامعه و مهد تولد خود، محدود نمی‌شوند (ر.ک: حسینی، ۱۳۹۵: ۴۹)

۳-۲-۴-۱۰. در سرآغاز فصل دوم کتاب به نکته بسیار مهمی اشاره کرده ولی به اجمال از آن می‌گذرد؛ یعنی اینکه برای درک امتداد و سیر متعالی تمدن اسلامی، باید حیات سیاسی امامان شیعی (علیهم‌السلام) را بررسی کرد (ر.ک: نجفی، ۱۳۹۶: ۲۹)؛ حال آنکه نه تنها فهم تمدن اسلامی به فهم و تحلیل حیات سیاسی وابسته است که حتی وابسته به حیات اجتماعی و فرهنگی و دینی ائمه (علیهم‌السلام) نیز هست و از طرف دیگر فهم مفاد مکتب هر یک از ائمه نیز در گرو فهم و تحلیل درست کلیت و نظام مندی مکتب یکپارچه ائمه معصومین (علیهم‌السلام) در راستای حرکت و نهضت پیامبر اسلام ﷺ خواهد بود. از این رو، فهم مکتب سیاسی امام رضا (علیه‌السلام) وابسته به فهم کلیت مکتب ائمه و نحوه تحلیل فلسفه تاریخی آن است و برای درک دقیق اثر تاریخی هر یک از امامان معصوم (علیهم‌السلام) در مسیر حرکت تکاملی تاریخ بشریت، بایستی کار آن امام را در نقشه کلی حرکت ائمه (علیهم‌السلام) مورد تحلیل و بررسی قرار داد چه اینکه کُلُّهُم نُوْرٌ وَاحِدٌ (ر.ک: حسینی، ۱۳۹۷: ج).

۴. نتیجه گیری

از دستاوردهای پژوهش می‌توان به این موارد اشاره کرد؛ اول: نقد دقیق و علمی یک اثر به معنای اهمیت و نقش آن اثر در حوزه مربوط است و به دلیل تعلق این کتاب به رویکرد تمدن‌نویین اسلامی و تلقی خاص آن از مفهوم تمدن رضوی، تحلیل و نقد آن موضوعیت پیدا می‌کند. دوم: از جمله ضرورت‌های نقدپژوهی در حوزه مطالعات تمدن‌نویین اسلامی

آن است که کتب و مقالات این قلمرو پژوهشی، به نقد و ارزیابی علمیِ روشمندی گذاشته شود و پژوهشگران منتقد با الگوهای روشی لازم، «نقد شکلی» این آثار را همراه با «نقد محتوایی» و «نقد روش‌شناختی» مد نظر قرار دهند (ر.ک: حسینی، ۱۳۹۴). سوم: فهم و تبیین مفهوم تمدن وابسته به تحلیل شبکه مفاهیم هم‌خانواده آن است یعنی فرهنگ، جامعه، انسان و تاریخ. از این رو، درستی یا نادرستی استعمال واژه تمدن رضوی وابسته به الگوی تحلیلی چنین شبکه مفهومی است. طبیعتاً هر چه بتوان این شبکه مفهومی را به نحو نظام‌مندتری ارائه کرد، به تحلیل دقیق‌تری از مفهوم تمدن دست می‌یابیم. چهارم: از جمله مسائلی که تحلیل دقیق مفهوم تمدن رضوی وابسته به آن است، تحلیل نقش ائمه معصومین (علیهم‌السلام) در تاریخ بشری است چرا که بدون رویکرد فلسفه تاریخی به نقش ائمه، نگاه به مفاهیمی این‌چنینی، در ابعاد فردی و یا جزئی‌نگری‌های خُرد، محصور خواهد شد. این مسئله مهم در ذیل ضرورت اهمّ دیگری جای می‌گیرد و آن، مطالعات فلسفه تاریخ از منظر شیعی است که متأسفانه هنوز در فضای جامعه علمی ما به صورت جدّی به آن پرداخته نشده است.^۱ پنجم: «اصول روش‌شناسی مطالعات تمدن‌پژوهی» در ادبیات جامعه علمی پس از انقلاب اسلامی، از جمله حلقه‌های مفقودی است که با همه اهمیت روش‌شناختی آن در طرح و تحلیل مسائل این حوزه مطالعاتی، کمتر بدان پرداخته شده و همین امر، سبب بروز خطاهای روشی بسیاری می‌شود مانند: عدم تعین نظام مفهومی، پُرش‌های روشی یا نبود نظم منطقی. ششم: نقش تمدن‌سازی ائمه شیعی (علیهم‌السلام) در ایجاد و شکل‌گیری «تمدن اسلامی»، امری غیرقابل تردید است اما باید این نقش را در ذیل جایگاه سرنوشت‌ساز تاریخی ایشان در مسیر هدایت بشری، به تحلیل گذارد و با این وجود نباید پنداشت که هر یک از ائمه (علیهم‌السلام) تمدنی منحصر به فرد برای خود تأسیس کرده‌اند. و هفتم: لازمه ضروری مطالعات تمدن‌پژوهی در قلمرو تمدن نوین اسلامی، نگاه تمدنی به دین به عنوان امری تمدن‌ساز است؛ در برابر دیدگاه‌هایی که دین را محدود به نگاه‌های فردی و شخصی می‌سازد.

۱. در این باره ن. ب: نجفی، ۱۳۹۴: ۲۲.

منابع و مأخذ

- باودن، برت؛ تیریایان، ادوارد؛ دباشی، حمید. (۱۳۹۵). *راه ناهموار تمدن؛ هفت مقاله درباره تمدن*. گزینش محمد ملا عباسی. تهران: ترجمان علوم انسانی.
- بکر، کارل لوتوس و دنکاف، فردریک. (۱۳۸۴). *سرگذشت تمدن*. ترجمه علی محمد زهما. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۶). *جستارهای نظری درباره تمدن*. تدوین و تحقیق حبیب الله بابایی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حسینی، سید حسین. (۱۳۹۰). *مبادی دین پژوهی؛ چیستی، چرایی و چگونگی*. تهران: انتشارات آوای نور.
- (۱۳۹۵). *تمدن پژوهی؛ مطالعات مفهومی تمدن اسلامی*. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- (۱۳۹۷ ب). *از علم دینی تا توسعه فرهنگی در کرسی های نظریه پردازی*. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- (۱۳۹۴). *«اصول راهنمای تنظیم مقالات نقد»*. کارگاه پژوهشی متد نقد کتاب. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مارکوزه، هربرت. (۱۳۸۸). *انسان تک ساحتی*. ترجمه محسن مویدی. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- متولی امامی، سید محمد حسین. (۱۳۹۴). *جستارهایی نظری درباره تمدن اسلامی*. قم: نشر معارف.
- میرباقری، سید محمد مهدی. (۱۳۹۴). *اندیشه تمدن نوین اسلامی*. قم: انتشارات تمدن نوین اسلامی.
- نجفی، موسی. (۱۳۹۴). *فلسفه تحول تاریخ در شرق و غرب تمدن اسلامی*. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- (۱۳۹۰). *تمدن برتر*. اصفهان: نشر آرما.
- (۱۳۹۶). *تمدن رضوی؛ مولفه های تمدن ساز در مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام)*. اصفهان: نشر آرما.

منابع اینترنتی

- حسینی، سید حسین. (۱۳۹۷ ج). «نقش تاریخی ائمه معصومین (علیهم السلام)؛ نگاه فلسفه تاریخی». *خبرگزاری میزان*. کد خبر: ۴۸۶۸۹۶.
- (۱۳۹۷ الف). «فلسفه را گِل آلود نکنیم؛ امکان و امتناع علم دینی». *خبرگزاری طلیعه*. کد خبر: ۶۵۳۴۶.



ارزش‌یابی کتاب‌های کودک تولید شده در

مقاله پژوهشی

معاونت تبلیغات آستان قدس رضوی از نگاه کودک^۱

دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲۶ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۸

رها شکفته^۲، سیدمحمد نوعی^۳

چکیده

در این بررسی پنج کتاب از بین کتاب‌ها و تولیدات معاونت تبلیغات آستان قدس رضوی بررسی شد. در ارزش‌یابی کتاب‌های کودک سه هدف دنبال شد که عبارت است از ارزش‌یابی کتاب‌های مورد بررسی در زمینه «محتوا، ساخت و پرداخت و تصاویر» از نگاه کودک. جامعه آماری در این پژوهش کلیه کودکان ۶ تا ۱۱ ساله ساکن در شهر مشهد است که پاییز ۱۳۹۸ به حرم مطهر رضوی وارد شدند. حجم نمونه ۶۳ کودک بود که با روش هدفمند انتخاب شدند. رویکرد تحقیق ارزش‌یابانه و روش مورد بررسی تحلیل مضمون با ابزار مصاحبه نیمه ساخت یافته است. نتایج نشان داد که کتاب «من؛ شال سبز؛ بابا» بیشترین جذابیت را برای کودکان در ابعاد مختلف به همراه داشته است. به عبارت دیگر بهترین ارزش‌یابی از سوی کودکان به این کتاب تعلق دارد. پس از آن کتاب «ابرک و دختر دانا» به واسطه ساخت و پرداخت متفاوت و تصاویر رنگارنگ کمترین انتقادات را به خود اختصاص داده است. کتاب «مثل امام رضا باش» با وجودی که جذابیت‌های فراوانی برای کودکان داشت اما نقدهایی را نیز به همراه داشته است. عنوان دستوری و طولانی بودن کتاب مهم‌ترین آن‌هاست. مهم‌ترین نقدهایی که به کتاب «عماد و کاروان غول‌ها» وارد است از یک طرف تصاویری است که بیشتر رنگ‌های تیره در آن‌ها به کار رفته و از طرف دیگر عنوان کتاب است. بیشترین نقد و ضعیف‌ترین ارزش‌یابی را کتاب «خانه پدری» به خود اختصاص داده است که جذابیت پایینی برای کودکان به همراه داشته است.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌یابی، کتاب‌های کودک، داستان‌های رضوی، سیره رضوی.

۱. این مقاله از پژوهش «ارزش‌یابی کتاب‌های کودک تولید شده در اداره تولیدات آستان قدس رضوی» استخراج شده است.

۲. دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول): Rshkofte78@gmail.com

۳. دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد: mmnoei@yahoo.com

بیان مسئله

تبدیل کتاب‌خوانی به یک فرهنگ گسترده و مستمر نیازمند پرورش نسلی است که از نخستین سال‌های زندگی با کتاب آشنا باشد. یکی از راهکارهای ترغیب کودکان برای همنشینی با کتاب ایجاد علاقه‌مندی است. این راهکار در دوران کودکی باید در قالب انتخاب کتاب‌هایی سازگار با روحیه کنجکاو و کودکانه آن‌ها صورت گیرد. افزایش سرانه مطالعه در کشور به برنامه جامع نیاز دارد که لازمه اجرایی شدن آن، ایجاد علاقه‌مندی به کتاب از دوران کودکی است. هر چند تاکنون برنامه و راهبردهای فراوانی برای افزایش سرانه مطالعه در کشور ارائه شده، اما متوسط سرانه مطالعه ایران نشانگر آن است که برای تحقق این مسئله مهم نیازمند برنامه بلند مدتی هستیم که علاقه‌مندی به کتاب از کودکی شروع و در بزرگسالی نهادینه شود. در یک نگاه کلی هدف اصلی آستان قدس رضوی به عنوان مجموعه‌ای فرهنگی اشاعه فرهنگ رضوی است. یکی از راه‌های این اشاعه توجه به دوران کودکی به عنوان شالوده بزرگسالی است. آنچه در کودکی در ذهن و روح افراد درونی می‌شود در بزرگسالی بسیاری از رفتارهای او را شکل می‌دهد؛ بنابراین می‌توان با راه یافتن به دنیای کودکی، وی را برای روزهای بزرگسالی با سبک زندگی رضوی آماده ساخت. اگر این مهم تحقق یابد در آینده با جامعه‌ای سالم و با اخلاق روبه‌رو خواهیم بود. برای نفوذ به دنیای کودکی باید کودک شد و از دریچه نگاه او به اطراف نگریم. کودک با ذهن خلاق و کنجکاو خود آماده است که به دنیاهای باور نکردنی و تخیلی سفر کند. این دنیای تخیلی و رویایی را می‌توان با کتاب‌های قصه و داستان برای کودک ترسیم کرد. کتاب‌هایی که در معاونت تبلیغات آستان قدس رضوی به چاپ می‌رسد اغلب دارای درون‌مایه مذهبی است. موضوعاتی که کتاب‌های کودکانه را تشکیل می‌دهد مربوط به زندگی ائمه، ویژگی‌ها و صفات ایشان، وقایع تاریخی اسلام و موارد مشابه است. سالیانه تعداد زیادی کتاب در رده‌های سنی مختلف الف، ب و ج برای استفاده کودکانی که به حرم مطهر می‌آیند به چاپ می‌رسد. برای تعیین محتوای کتاب‌ها، اتاق‌های فکر تخصصی برگزار و درباره محتوا، قالب، شاعر یا نویسندگان تصمیم‌گیری می‌شود. تمام این موارد مستلزم صرف هزینه‌های گزافی است. استفاده بجا از این هزینه‌ها مستلزم

شناخت است. شناخت از اینکه این کتاب‌ها تا چه میزان توانسته است کودک را به وقایع تاریخی دین حساس و کنج‌کاو کند؟ تا چه میزان علاقهٔ کودکان را به شخصیت‌های دینی برانگیخته است؟ این کتاب‌ها چقدر توانسته قوهٔ تخیل و خلاقیت او را پرورش دهد؟ مهارت‌های کلامی و نوشتاری او با خواندن این کتاب‌ها چقدر ارتقا یافته است؟ سبک نگارش این کتاب‌ها تا چه حد برای کودکان جذاب بوده است؟ چقدر او را به مطالعه ترغیب کرده؟ در مجموع این کتاب‌ها چه میزان از فایده‌مندی را با خود به همراه داشته است؟ این نوشتار در نظر دارد با روش علمی ارزش‌یابی، به سؤال‌هایی از این نوع پاسخ دهد. هدف اصلی در این بررسی، ارزش‌یابی پنج کتاب حوزه کودک تولید شده در ادارهٔ تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی بر مبنای ملاک‌های مشخصی از نگاه کودک است. این کتاب‌ها^۱ عبارت است از «مثل امام رضا باش»^۲، «ابرک و دختر دانا»^۳، «عماد و کاروان غول‌ها»^۴، «من؛ شال سبز؛ بابا»^۵ و «خانه پدری»^۶؛ بنابراین سؤال اصلی تحقیق این است که کودکان، کتاب‌های کودک تولید شده در ادارهٔ تولیدات آستان قدس رضوی را در هر یک از ملاک‌های ارزش‌یابی رایج چگونه ارزیابی می‌کنند؟

اهداف تحقیق

اهداف تحقیق در این پژوهش ارزش‌یابی کتاب‌های کودک در زمینه محتوا، ساخت و پرداخت و تصاویر کتاب‌های مورد بررسی است.

۱. کتاب‌های مورد بررسی جدیدترین و پرتیراژترین محصولات تولید شده در معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی است که توسط کارفرما به محقق معرفی شده است.
۲. این کتاب مناسب گروه سنی (ج) است که با بیان کودکانه و با استفاده از پرندگان به بیان صفاتی از امام رضا (علیه السلام) در قالب داستان پرداخته است.
۳. در این کتاب دو داستان گنجانده شده که نام داستان دیگر «آقای خورشید مهربان» است.
۴. کتاب «عماد و کاروان غول‌ها» مناسب گروه سنی (ج) است که به داستانی می‌پردازد که شجاعت امام جواد (علیه السلام) در محور اصلی آن قرار دارد.
۵. این کتاب برای گروه سنی (ج) نوشته شده و داستان آن مربوط به سفر خیالی یک فرزند شهید دفاع حرم است که با استفاده از یک شال جادویی در طول تاریخ سفر می‌کند. این داستان به شکل شعر بیان شده است.
۶. خانه پدری دربارهٔ زندگی امام زمان (عج) است که این داستان از زبان سرداب بیان شده است.

مرور مفهومی

ارزش‌یابی

«ارزش‌یابی» فعالیت نظام‌داری است که طی آن ملاک‌هایی برای ارزش‌گذاری تعیین می‌شود، اطلاعاتی دربارهٔ وضعیت موضوع یا پدیدهٔ مد نظر فراهم می‌آید و با مقایسهٔ این دو (وضع موجود و ملاک‌ها) از ارزش و سودمندی موضوع یا پدیده خبر می‌دهد (موسی پور، ۱۳۷۶ به نقل از موسی پور، ۱۳۸۱: ۱۲۰). بر این اساس، کسی که به کار ارزش‌یابی اقدام می‌کند نیازمند آن است که تصمیم بگیرد که از کدام منبع و با چه شیوه‌ای ملاک‌های ارزش‌گذاری را به دست آورد و تحلیل کند و در عین حال یافته‌های حاصل از فعالیت خود را چگونه و به چه مراجعی عرضه کنند تا در جهت اعتلای وضع مورد استفاده قرار بگیرند. در ارزش‌یابی کم و بیش سه چیز مقبول می‌افتد: نخست آنکه برای ارزش‌یابی ملاک‌ها و معیارهایی لازم است تا با محک زدن واقعیات با استفاده از آن‌ها ارزش واقعیات تعیین شود و دوم آنکه در ارزش‌یابی درک و شناخت پدیده یا موضوع ارزش‌یابی ضرورت دارد و سوم یافته‌های ارزش‌یابی را باید برای استفاده به مرجعی عرضه کرد (موسی پور، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

ملاک‌های ارزش‌یابی

شورای کتاب کودک (۱۳۷۳) ملاک‌هایی را برای انتخاب کتاب مناسب کودک معرفی کرده است که می‌توان از آن‌ها به عنوان ملاک‌های رایج ارزیابی کتاب کودک نام برد. سال ۱۳۹۲ نوکارتیزی و ضیغمی ملاک‌های انتخاب کتاب کودکان و والدین را بر حسب ملاک‌های شورای کتاب بررسی کرده و تعدادی از ملاک‌های جدید به آن‌ها افزوده‌اند. این ملاک‌ها عبارت است از:

محتوا،

ساخت و پرداخت،

زبان و شیوه نگارش،

تصاویر و نحوه ارائه (مشخصات ظاهری).

محتوا

درون‌مایه به درون‌مایه موجود (درون‌مایه آشکار و درون‌مایه پنهان) و درون‌مایه تهی (حذف شده) تقسیم می‌شود. درون‌مایه آشکار داستان در قالب یک جمله و به صورت روشن بیان می‌شود. گاهی نیز نویسندگان شیوه‌های غیرصریح را برای تصویر و تشریح درون‌مایه‌ها بر می‌گزینند. برای نمونه، درون‌مایه‌ها را در افکار و عواطف و تخیلات شخصیت‌های داستان می‌گنجانند تا خواننده از طریق تفسیر این افکار و تخیلات و براینده موضوع داستان به درون‌مایه آن پی ببرد. این درون‌مایه‌ها را که به طور ضمنی در لایه‌های پنهان داستان به کار می‌رود، درون‌مایه پنهان می‌گویند. درون‌مایه تهی، از ناگفته‌ها سخن می‌گوید؛ از آنچه باید باشد و نیست. این ناگفته‌ها، نادیده گرفته شده‌ها و این پیغام‌های از قلم افتاده درون‌مایه تهی یا پوچ یا حذف شده است. درون‌مایه‌ای که ممکن است زیر تأثیر ایدئولوژی نویسندگان بزرگسال در ادبیات داستانی کودک نادیده گرفته شود. موضوع داستان مفهوم یا مفاهیمی است که درون‌مایه و شکل داستان بر محور آن گسترش می‌یابد. هر داستان یک هسته یا گرانیگاه دارد که تمام مفاهیم گزاره‌ها و شگردهای شکل‌سازی را به طرف خود جذب می‌کند. موضوع داستان نیز به دو دسته موضوع موجود و موضوع تهی تقسیم می‌شود. موضوع موجود موضوعی است که اندیشه زیربنایی داستان است و هسته یا گرانیگاه داستان محسوب می‌شود، موضوع تهی موضوعی است که باید در ادبیات داستانی به کار گرفته شود؛ ولی نادیده گرفته شده است. آیزنر برنامه درسی مدارس را به سه دسته آشکار و پنهان و پوچ تقسیم کرده است. به نظر او آنچه در برنامه مدرسه از قلم افتاده دارای اهمیتی معادل آن چیزی است که در برنامه مدرسه‌ها گنجانده شده است. آیزنر این برنامه از قلم افتاده را برنامه درسی پوچ می‌نامد. بنا بر باور او آنچه نادیده گرفته می‌شود در حقیقت بی اثر و تهی نیست؛ زیرا تصمیم‌هایی که

افراد می‌گیرند و انتخاب‌ها و گزینش‌های آن‌ها فقط از آنچه می‌دانند اثر نمی‌پذیرد بلکه تحت تأثیر آنچه نمی‌دانند نیز است. کودکان نیز فقط از آنچه داستان به صورت آشکار یا پنهان بیان می‌کند اثر نمی‌پذیرند بلکه تحت تأثیر آنچه نمی‌گویند نیز هستند؛ از این رو لازم است که ناگفته‌ها، نادیده گرفته شده‌ها و پیغام‌های از قلم افتاده داستان نیز بررسی شود (مهر محمدی و امین خندقی، ۱۳۸۸: ۳۰). در مجموع بر اساس موارد فوق می‌توان ابعاد مختلف محتوا را به صورت زیر معرفی کرد:

۱. بر انگیزتن حس کنجکاوی خواننده: انتظار است کتاب‌های کودک طوری طراحی شده باشد که پس از خواندن آن‌ها کودک به محیط اطرافش حساس‌تر شود و سؤالات جدیدی برایش به وجود آید. همچنین راغب شود تا کتاب‌های بیشتری را بخواند.

۲. دارا بودن مفاهیم و افکار ارزشمند: با توجه به این که اشاعه مفاهیم ارزشی چون صداقت، دوستی، درستکاری و موارد مشابه از اهداف انتشار کتاب‌های کودک است می‌باید کودک به یک یا چند مفهوم ارزشی در این کتاب‌ها دست یافته باشد.

۳. تناسب با تجربه‌ها، نیازها، علاقه و توانایی‌های کودکان: با توجه به این که کودکی زمینه‌ساز شخصیت فرد در بزرگسالی است، لازم است به این نکته توجه شود که کودک نیاز به یادگیری چه محتوایی دارد؟ همچنین چه داستان‌هایی برای او جذابیت بیشتری دارد؟ به عنوان مثال استفاده از حیوانات به عنوان شخصیت‌های اصلی در دوران کودکی می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. همچنین با توجه به دایره لغات محدود در سنین کودکی، لازم است توانایی کودک در زمینه فهم داستان مورد توجه قرار گیرد (آقا گل زاده، ۱۳۷۹: ۷).

۴. جدا بودن از تعصب و پیش‌داوری: پیش‌داوری در معنای متعارف به مجموعه‌ای از آرا، باورها و تصورات اشاره دارد که از تاریخ به ارث برده ایم (شِرت، ۱۳۸۷: ۱۳۱) در زبان انگلیسی از واژه Prejudice برای اشاره به مفهوم پیش‌داوری استفاده می‌شود که ماخوذ از ریشه لاتینی Praejudicium و ناظر به داوری قبل از دلیل‌آوری است. پیش‌داوری در این معنا حکمی است که قبل از تایید کامل پذیرفته شود. یعنی حکمی که پیش از اقامه دلیل بر تایید آن، معتبر دانسته شود (Swayne, 1987:39) در اصطلاح دیگر پیش‌داوری به مثابه

خطایی تعریف می‌شود که شخص حتی پس از مشاهده شواهد کافی و آگاه شدن از خطا بودن آن همچنان در استدلال‌های خویش به آن چنگ می‌زند. در این معنا Prejudice در تقابل با prejudgetment قرار دارد. Prejudgment به آن دسته از خطاهای فکری گفته می‌شود که فرد پس از آگاه شدن از خطا بودن آن‌ها از اعتقاد به آن‌ها دست کشیده و امر بدیلی را جایگزین‌شان می‌کند. از این منظر، تفاوت بین Prejudice و prejudgetment به عمل اخلاقی فرد معتقد به یک پیش‌داوری باز می‌گردد. به گونه‌ای که اصرار و سماجت آگاهانه به امری اشتباه Prejudice و استفاده ناآگاهانه از باوری نادرست prejudgetment نام دارد (Gordon, 1954:9) با توجه به تعاریفی که از پیش‌داوری ارائه شد می‌توان نتیجه گرفت که رسالت کتاب‌های کودک این است بدون ارائه دلایل کافی و فقط از سر درگیر کردن احساسات کودک تفکر خاصی را به او القا نکند و او را به گونه‌ای تربیت نکند که در بزرگسالی با این تفکر القا شده در دوران کودکی بدون بررسی دلایل موجود در موضوع خاصی پیش‌داوری کند.

به دور بودن از نصیحت‌های مستقیم: کتاب کودک باید به گونه‌ای طراحی شود که بدون اشارات مستقیم کودک را به جهت اهداف کتاب هدایت کند.

جذابیت محتوا: موضوع طوری باشد که کودک برای خواندن آن رغبت نشان دهد. مثلاً بیش از یک بار آن را بخواند بتواند داستان‌ش را تعریف کند. بعد از خواندن دوباره مراجعه و یک به یک مرورش کند.

دارا بودن آغازی جذاب و تأثیر گذار: شروع جذاب و هیجان‌انگیز یک کتاب زمینه‌ساز این است که خواننده با علاقه بیشتری به مطالعه ادامه کتاب بپردازد. در عین حال آغازی خسته‌کننده و کسل‌کننده احتمالاً به رها شدن کتاب خواهد انجامید.

قابل درک بودن ابعاد مختلف کتاب برای کودک: چپ‌نشد مطالب کتاب و انتخاب واژه‌ها باید به گونه‌ای باشد که کودک در درک آن‌ها دچار مشکل نشود.

ترویج نکردن آسان‌پسندی و تقویت تفکر مستقل: آسان‌پسند نبودن مخاطب و بالا

بودن توقع او، نویسنده کتاب را وادار می‌کند برای ارائه هر چه بهتر اثر فرهنگی خود زحمت بیشتری متقبل شود و دست به تولیدات فاخر تری بزند. به نقل از متخصصان دانشگاه آلاباما «تفکر مستقل به فرایند درک دنیای اطراف بر اساس مشاهدات و تجربیات شخصی افراد و فارغ از گفته‌های دیگران اطلاق می‌شود». فکر مستقل به نحوه تأمین و به کارگیری اطلاعات توسط ما بستگی دارد. تفکر مستقل یعنی به جای واکنش نشان دادن به دیدگاه‌های دیگران یا رد کردن آن‌ها قادر باشید ابتکار عمل را در دست بگیرید (آقا گل زاده، ۱۳۷۹: ۸).

ساخت و پرداخت

منظور از ساخت و پرداخت کتاب نحوه چینش مطالب و پردازش شخصیت‌های داستان است. طبق معیارهای رایج ارزیابی ابعاد این متغیر عبارت است از:

معرف محتوا بودن عنوان کتاب: عنوان باید به گونه‌ای انتخاب شود که مصرف‌کننده با دیدن این عنوان محتوای کلی داستان را حدس بزند و این نکته می‌تواند به انتخاب او بر اساس علائق‌اش کمک کند.

نحوه ارائه کتاب: منظور از نحوه ارائه کتاب در این بررسی شکل ظاهری کتاب مانند نوع ورقه‌های کتاب، جلد کتاب، کیفیت ظاهری کتاب، نوع فونت به کار رفته و موارد مشابه است.

زبان و شیوه نگارش

سبک توضیحی^۱ وقتی نویسنده کتاب سبک توضیحی را انتخاب می‌کند، سعی می‌کند به توضیح یک مفهوم بپردازد تا اطلاعات از خود وی به دامنه وسیعی از خوانندگان با

1. Expository

توانایی‌های مختلف انتقال یابد. نگارش توضیحی حاوی نظرات نویسنده نیست و بیشتر بر حقایقی تاکید دارد که مقبولیت عامه دارند. مثلاً توضیح یک مفهوم در ریاضی و آمار.

سبک توصیفی^۱: نگارش توصیفی را می‌توان در کتاب‌های داستان پیدا کرد. هرچند در مکتوبات غیرداستانی نیز این سبک استفاده شده است. برای مثال، خاطرات و کتاب راهنمای سفر. هنگامی که نویسنده‌ای به سبک توصیفی می‌نویسد، در حقیقت در حال نقاشی کردن با کلمات است تا بتواند فرد، مکان یا چیزی دیگر را برای مخاطبان به تصویر بکشد. نویسنده احتمال دارد که از استعاره یا آرایه‌های ادبی دیگر استفاده کند تا از طریق حواس پنج‌گانه اصلی درک و تصویر ذهنی خود را به بهترین شکل ممکن نشان دهد؛ اما مولف سعی نمی‌کند که مخاطبان خود را با توصیف ساده هر آنچه دقیقاً می‌بیند متقاعد کند، بلکه رنگ و لعابی ادبی و زیبا نیز به آن می‌بخشد.

نگارش متقاعدکننده یا مجاب‌کننده^۲: نگارش متقاعدکننده یکی از سبک‌های نگارشی اصلی در مقالات دانشگاهی و علمی است. وقتی نویسنده‌ای از سبک نگارشی متقاعدکننده استفاده می‌کند، سعی در این دارد تا عقیده یا موقعیتی را چنان بیان کند تا مخاطب متقاعد شود. سبک متقاعدکننده شامل نظرات مولف و سوگیری‌های ذهنی او نیز می‌تواند باشد که خود می‌تواند شامل قضاوت‌ها و دلایلی باشد که مولف برای متقاعد کردن مخاطب از آن‌ها استفاده می‌کند.

سبک نگارش روایتی^۳: سبک نگارشی روایتی، تقریباً همیشه برای نگارش آثار طولانی خواه داستانی و خواه غیرداستانی استفاده می‌شود. هنگامی که مولف از این سبک استفاده می‌کند علاوه بر اینکه قصد انتقال اطلاعات را دارد بلکه سعی می‌کند داستانی را بسازد که در آن عناصری مانند شخصیت‌ها، تعارضات و مکان رخداد و امثالهم نیز باشد.

داستان‌هایی که برای کودکان نوشته می‌شود، دارای سبک خاصی است. کودکان هنگام به نمایش در آوردن داستان، جهان واقعی را که کلمات گوینده نماینده آن است، بازسازی

1. Descriptive

2. Persuasive

3. Narrative

می‌کنند. در جریان این فرایند است که ناهماهنگی بین جهان و کلمات، به شیوه جدیدی آشکار می‌شود (تولان، ۱۳۸۶: ۳۲۷). کودکان طالب هنجارگریزی‌های خلاقانه از معیارهای رایج و بهره‌وری از آن‌ها هستند و در داستان‌های کودکان، روایتگری غلبه خیر بر شر به گونه‌ای آشکار دیده می‌شود (همان: ۳۵۴).

تصویر

تصویر در کتاب‌های داستان دروازه‌ای برای ورود کودک به قلمرو خیال‌انگیز داستان‌ها و شعرهایی است که کودک آن را ابتدا به کمک خط‌ها و رنگ‌ها در تصویر و سپس واژه‌ها جست‌وجو می‌کند و می‌آموزد که چگونه ارتباط میان خط‌ها به ایجاد شکل و ارتباط میان رنگ‌ها به ایجاد حجم و واقعی جلوه دادن پدیده‌ها در فرایند نقاشی می‌انجامد. همچنین می‌آموزد شناخت دنیای پیرامونش با چه ویژگی‌هایی همراه است. تصویر نخستین عامل و انگیزه کودک در انتخاب کتاب و پرورش سلیقه‌های او در فهم جلوه‌های دیداری هنر نقاشی است و به کودکان فرصت می‌دهد تا درباره خود و محیط پیرامون خود بیندیشند و محیط زندگی را بهتر بشناسند (نیکوسخن، ۱۳۹۱: ۱۷۹). در داستان‌های کودکان، تصاویر همراه متن هستند و در پیشبرد روایت نقش بسیاری ایفا می‌کنند. این تصاویر در پی اعتبار بخشیدن یا تأیید بصری بر آن چیزی هستند که متن بیان می‌کند و با بهره‌گیری از ابزار غیرکلامی، روایت را به پیش می‌برند. آثار ادبی در سنین کودکی بیشتر بر مبنای الگوهای آوایی بنا می‌شوند. صورت‌گراترین آثار ادبی مربوط به کودکان است و بار معنایی در آن‌ها کمترین سهم را دارد. همچنین استفاده از نقاشی در کتاب‌های کودکان به درک معنا و مفهوم نوشته کمک می‌کند و آنان را به خواندن کتاب برمی‌انگیزاند (آقا گل زاده، ۱۳۷۹: ۸).

تناسب تصویر با متن و درک خوانندگان: به باور بسیاری از منتقدان و هنرمندان، تصویرسازی مرز میان هنرهای نقاشی و گرافیک است. در این هنر ما در قید متن و مخاطب به صورت کاملاً جدی هستیم. به عبارتی تصویرگر باید بتواند با تصاویر خود

متن را توضیح دهد و تفسیر کند. حتی تصویرگر باید بتواند با تصاویر خود دانش‌هایی را به متن اضافه کند که نویسنده اشاره‌ای به آن‌ها نکرده است. همچنین این تصویرساز باید با آثار خود درک تصویری مخاطب را نیز بالا ببرد. برای اینکه تصویرسازها بتوانند در بخش ادبیات کودک به موفقیت برسند، نه تنها به مهارت بالایی در تصویرسازی و داستان‌سرایی بلکه به دانشی قوی در زمینه سلیقه مخاطب نیز نیاز دارند. تصویرسازها باید دانشی عمیق راجع به ادبیات کودک داشته باشند و بتوانند تشخیص دهند چه موضوعاتی برای هر گروه سنی مناسب است. تصویرگری کتاب کودک هم هیجان‌انگیز است و هم چالشی؛ زیرا به برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و سخت‌کوشی زیادی نیاز دارد.

روان‌شناسان کودک نیز بر این اعتقاد هستند که کودک در نقاشی کشیدن، خیالات خود را به تصویر نزدیک می‌کند. تصویرسازان حوزه کودک نیز خیال خود را به دنیای خیال کودکان نزدیک می‌کنند و با توانایی‌های خود آن خیالات را به تصویر می‌کشند. تصاویر کتاب‌های کودک باید به گونه‌ای باشد که خواننده قادر باشد با استفاده از آن‌ها تخیل کند و داستان‌های تازه‌ای خلق کند.

چارچوب مفهومی و مدل تحلیل

همچنان که در مقدمه ذکر شد ملاک‌های انتخاب کتاب کودک و والدین که توسط کاربزی و ضیغمی در سال ۹۲ انجام شد، به عنوان محورهای ارزش‌یابی در این بررسی مورد استفاده قرار گرفت که به دلیل تلخیص محورها و شباهت محتوایی، بعد زبان و شیوه نگارش ذیل محور ساخت و پرداخت قرار گرفت و محورهای ارزش‌یابی به سه بعد تبدیل شد. از این رو محور ساخت و پرداخت خود دارای سه بعد است که عبارت است از: «معرف محتوا بودن عنوان کتاب، نحوه نگارش، نحوه ارائه».^۱ طبق تعاریف نظری محور محتوا دارای ابعاد «بر انگیزختن حس کنجکاوی خواننده، دارا بودن مفاهیم و افکار

۱. منظور از نحوه ارائه کتاب در این بررسی شکل ظاهری کتاب مانند نوع صفحات کتاب، جلد کتاب، کیفیت ظاهری کتاب، نوع فونت به کار رفته و موارد مشابه است.

ارزشمند، تناسب با تجربه‌ها نیازها و علاقه و توانایی‌های کودکان، جدا بودن از تعصب و پیش‌داوری، به دور بودن از نصیحت‌های مستقیم، جذابیت محتوا» است؛ اما خاص بودن پاسخگویان (طیف کودک و سن پایین) بعد محتوا را به دو بعد اصلی جذابیت موضوع و نوع مواجهه کودک با کتاب محدود ساخت. همچنین در زمینه تصویر پس از تحلیل مصاحبه‌های اکتشافی در پاسخ به سؤالات تحقیق در نهایت موفق شدیم کتاب‌های مورد بررسی را از دیدگاه کودکان در سه بخش تحلیل کنیم که عبارت است از: «تناسب تصاویر با محتوا، جذابیت رنگ و جذابیت تصویر».

سؤالات تحقیق در ذیل ارائه شده است.

محتوای کتاب‌های مورد بررسی تا چه میزان برای کودکان جذابیت داشته است؟

نوع مواجهه کودکان با کتاب‌های مورد بررسی چگونه است؟

پاسخگویان نحوه ارائه کتاب‌های مورد بررسی را چگونه ارزیابی می‌کنند؟

پاسخگویان تناسب عنوان و محتوا را در کتاب‌های مورد بررسی چگونه ارزیابی می‌کنند؟

نحوه نگارش کتاب‌های مورد بررسی (قابلیت فهم) چگونه است؟

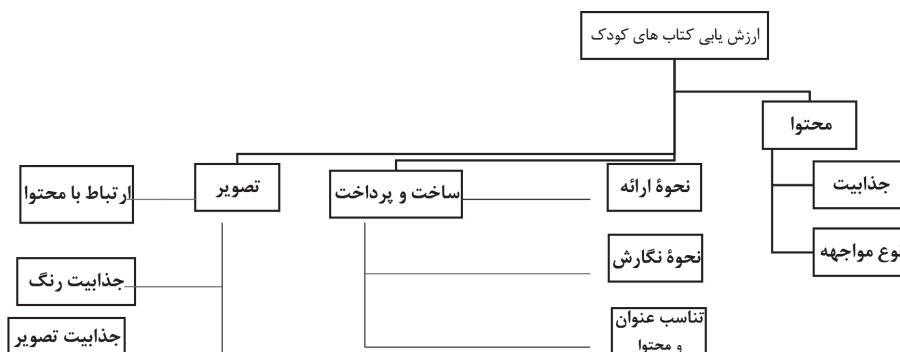
تصاویر کتاب‌های مورد بررسی از لحاظ ارتباط با محتوا چگونه اند؟

تصاویر کتاب‌های مورد بررسی از لحاظ جذابیت رنگ چگونه اند؟

تصاویر کتاب‌های مورد بررسی از لحاظ جذابیت تصویر چگونه اند؟

پس از تحلیل مصاحبه‌ها مدل نهایی تحقیق را می‌توان به شکل زیر ارائه نمود:

نمودار (۱) مدل مفهومی تحقیق



پیشینه تجربی تحقیق

مقاله‌ای با عنوان مقایسه میزان اهمیت ملاک‌های رایج در انتخاب کتاب کودک برای والدین و کودکان در شهر مشهد توسط نوکاریزی و ضیغمی در سال ۹۲ به چاپ رسید. روش تحقیق در این بررسی ارزیابانه و جامعه آماری شامل دو گروه کودک و والدین است. یافته‌ها نشان داد مهم‌ترین ملاک برای کودکان زبان و شیوه نگارش و برای والدین تصاویر بود. محقق دان (۱۹۲۱) در بررسی‌های خود دریافت آنچه بیش از همه انتخاب کودک را در خرید کتاب شکل می‌دهد، طرح داستان و ساخت و پرداختنی است که خواننده را غافلگیر کند (Dunn, 1921). همچنین انجمن کتاب کودک ایرلند^۱ (۲۰۰۲) "عنوان کتاب" و "توصیه یک دوست؛ معلم؛ خانواده یا کتابدار" را به عنوان عواملی که در انتخاب کتاب برای دانش‌آموزان دارای اهمیت است معرفی کرد. در بین عوامل آن انجمن، تنها عنوان کتاب با نتایج پژوهش فوق همخوانی داشته است. نویسنده دلیل آن را وجود تفاوت‌های فرهنگی بین جوامع مختلف مخصوصاً جوامع غربی و شرقی می‌داند. به طوری که شاید توجه به توصیه معلم دوست و خانواده در زمینه مطالعاتی در فرهنگ غربی جایگاه بسیار ارزشمندتری نسبت به فرهنگ ایرانی داشته باشد. به نظر می‌رسد آنچه برای والدین

1. Children's Books Ireland (2002). What's the story: the reading choices of Young People in Ireland. Dublin: Children's Books Ireland. Retrieved June 2011, 11, from: <http://lis.sagepub.com/content/239/4/40.full.pdf+html>.

بیش از همه در انتخاب کتاب کودک اهمیت دارد نقش آموزشی مطالعه برای کودکان است و هنوز هم درک والدین از مطالعه کودک در راستای مطالعه درسی است و ادبیات کودکان را بخشی از درس یا کمک به درس ایشان تلقی می‌کنند.

در بررسی تأثیر تصویرسازی بر جذب مخاطب کتاب‌های داستانی کودک گروه سنی ب و ج کودکان به عنوان بیننده و شنونده در پیوند با کتاب‌های تصویری در نظر گرفته شدند. واکنش آن‌ها فقط به ۱۵ کتاب داستانی بررسی شد نتایج نشان داد که شیوه تصویرسازی کتاب کودک در روند یادگیری کودکان در مطالب نقش اساسی دارد (نیکوسخن، ۱۳۹۱: ۱۹۳).

مرور پیشینه تجربی حوزه کتاب کودک نشان می‌دهد اگرچه به ملاک‌های انتخاب کتاب از سوی کودکان توجه شده؛ اما هنوز پژوهش جدی با نمونه قابل توجه در زمینه ارزش‌یابی از نگاه کودک انجام نشده است. البته پژوهش کاریزی و ضیغمی (۱۳۹۲) در زمینه بررسی نظرات کودکان در مقایسه با معیارهای رایج تا حدی به موضوع این پژوهش نزدیک است با این تفاوت که در بررسی مذکور کتاب خاصی مورد توجه قرار داده نشده و معیارهای ارزش‌یابی کتاب به طور کلی بررسی شده است. در این طرح پژوهشی کودکان به هر یک از معیارها رتبه‌ای داده‌اند و در نهایت رتبه‌بندی معیارها معرفی و معیارهای دیگری توسط کودکان و والدین به فهرست مد نظر افزوده شد. این بررسی در نظر دارد دیدگاه خود کودک را به طور مستقیم درباره کتاب‌های مورد بررسی جویا شود و بر اساس مدل تحلیل که در بالا ذکر شد، مورد تحلیل قرار دهد.

روش تحقیق

رویکرد پژوهش در این بررسی ارزش‌یابانه به صورت کیفی و روش تحقیق مورد بررسی تحلیل مضمون است. یکی از روش‌های کارآمد تحلیل کیفی، تحلیل مضمون است. این روش مهارت‌های اساسی مورد نیاز برای بسیاری از تحلیل‌های کیفی را فراهم می‌کند (Holloway & Todders, 2003:251) تحلیل مضمون یکی از مهارت‌های عام و مشترک در تحلیل‌های کیفی است. به همین دلیل بویاتزیس آن را نه روشی خاص بلکه

ابزاری مناسب برای روش‌های مختلف معرفی می‌کند (Boyatzis, 1998:4). در این نوشتار تحلیل مضمون بر روی متن مصاحبه‌های ساخت‌یافته‌ای انجام شد که حاصل مصاحبه عمیق با ۶۳ کودک بود. روش کار در این بررسی به صورت کدگذاری باز، محوری، گزینشی بوده است. مهم‌ترین هدف خرد کردن و فهم متن و پیوند اجزای به دست آمده با یکدیگر و تدوین مقوله‌ها و منظم کردن آن‌ها بر اساس محتوا بود. در کدگذاری باز مفاهیم اولیه شناسایی و بر اساس خصایص و ابعادشان بسط داده شد. بر این اساس ابتدا داده‌ها از هم مجزا و عبارات بر اساس واحدهای معنایی دسته‌بندی و کدها به آن‌ها ضمیمه شد. دوم دسته‌بندی کدها بر اساس پدیده‌های کشف شده در داده‌ها و سوم کدگذاری مجدد مقوله‌های به دست آمده در دستور کار قرار گرفت. در این مرحله می‌باید مقوله‌ها از کدهای مرحله اول انتزاعی‌تر بوده و به شکل بارزی نمایانگر محتوای مقوله باشد (فلیک، ۱۳۹۰: ۴۲۰). جامعه آماری در این پژوهش کلیه کودکان ۶ تا ۱۱ سال است که پاییز ۱۳۹۸ به حرم مطهر رضوی وارد شدند. برای تعیین نمونه در این بررسی ابتدا ۵۱۰ نمونه به صورت پرسشگری با نمونه‌گیری تصادفی در درب‌های پر رفت و آمد حرم مطهر شناسایی شدند. به این ترتیب که تعدادی سؤالات مربوط به ویژگی‌های زمینه‌ای آن‌ها پرسیده شد و یکی از کتاب‌های مورد بررسی که با سن کودک تناسب داشت به آن‌ها اهدا شد. در توصیف نمونه این بخش از تحقیق می‌توان گفت ۶۰ درصد دختر و ۴۰ درصد پسر هستند. ۳۶ درصد نمونه زیر ۸ سال ۳۴ درصد ۸ تا ۱۰ سال و ۳۰ درصد بالای ۱۰ تا ۱۲ سال داشتند. ۶۷ درصد از پاسخگویانی که به این بخش از تحقیق پاسخ دادند پدر یا مادر کودک هستند. ۶۰ درصد از پاسخگویان دارای خانواده‌های ۴ نفر و کمتر بوده و ۴۰ درصد بالای ۴ نفر جمعیت دارند. پدران و مادران کودکانی که کتاب را هدیه گرفته‌اند به ترتیب ۴۰ و ۳۲ درصد زیر دیپلم هستند. اکثریت پدران این کودکان دارای مشاغل رتبه‌های متوسط بوده و اکثر مادرانشان خانه‌دار هستند. ۴۷ درصد از آن‌ها ساکن منطقه ۲ و ۳ مشهد بوده و ۱۵ درصد ساکن منطقه ۴ و ۵ و تنها ۳/۲ درصد ساکن منطقه یک هستند. در مرحله بعد از نمونه‌های مربوط به هر کتاب ۱۵ تا ۲۰ مورد به صورت هدفمند، به شکلی که توزیع اجتماعی فرهنگی آن‌ها حفظ شود، انتخاب و برای مصاحبه دعوت شدند و در نهایت ۶۳

مصاحبه انجام شد. جدول زیر نمونه تحقیق را نشان می دهد.

جدول ۱- نمونه تحقیق

شماره ردیف	نام کودک	اسم کتاب	سن	شماره ردیف	نام کودک	اسم کتاب	سن
۱	ابوالفضل	عماد و کاروان گولها	۱۰	۳۳	حنانه	مثل امام رضا باش	۱۲
۲	ابوالفضل	عماد و کاروان گولها	۱۱	۳۴	زهرا	مثل امام رضا باش	۱۰
۳	پردیس	عماد و کاروان گولها	۱۱	۳۵	زهرا	مثل امام رضا باش	۱۰
۴	رقیه	عماد و کاروان گولها	۱۰	۳۶	سوگند	مثل امام رضا باش	۱۱
۵	روح الله	عماد و کاروان گولها	۱۱	۳۷	سیدمجتبی	مثل امام رضا باش	۱۰
۶	زینب	عماد و کاروان گولها	۱۱	۳۸	محمدمحسن	مثل امام رضا باش	۱۱
۷	زینب	عماد و کاروان گولها	۱۱	۳۳	فاطمه	مثل امام رضا باش	۱۱
۸	سجاد ا	عماد و کاروان گولها	۱۰	۳۹	ریحانه	خانه پدری	۸
۹	سجاد خ	عماد و کاروان گولها	۱۰	۴۰	سیده فاطمه	خانه پدری	۱۲
۱۰	سمیه	عماد و کاروان گولها	۱۲	۴۱	محمد مهدی	خانه پدری	۸
۱۱	فاطمه	عماد و کاروان گولها	-	۴۲	نازنین زهرا	خانه پدری	۸
۱۲	محمدحسین	عماد و کاروان گولها	۱۱	۴۳	یاسمین	خانه پدری	۹
۱۳	محمدسعید	عماد و کاروان گولها	۱۱	۴۴	یگانه	خانه پدری	۹
۱۴	فاطمه	عماد و کاروان گولها	۱۰	۴۵	امیرعلی	خانه پدری	۹
۱۵	فواد	عماد و کاروان گولها	۱۲	۴۶	زهرا سادات	خانه پدری	۹
۱۶	فاطمه	عماد و کاروان گولها	۸	۴۷	ریحانه	خانه پدری	۸
۱۷	فاطمه زهرا	شال سبز	۱۱	۴۸	سیده فاطمه	خانه پدری	۱۲
۱۸	ابوالفضل	شال سبز	۱۱	۴۹	محمد مهدی	خانه پدری	۸
۱۹	امیررضا	شال سبز	۱۰	۵۰	ابوالفضل	خانه پدری	۹

۲۰	امیررضا	شال سبز	۱۱	۵۱	ابوالفضل	خانه پدری	۱۱
۲۱	سید امیرحسین	شال سبز	۱۱	۵۲	محمد	خانه پدری	۱۰
۲۲	فاطمه	شال سبز	۱۲	۵۳	مبین	ابرک	۷
۲۳	محمدرضا	شال سبز	۱۰	۵۴	محمدحسین	ابرک	۷
۲۴	یاسین	شال سبز	۱۱	۵۵	زهرا	ابرک	۸
۲۵	مهدیه	شال سبز	۹	۵۶	معصومه	ابرک	۷
۲۶	مهلا	شال سبز	۱۰	۵۷	امیرحسین	ابرک	۷
۲۷	محدثه	شال سبز	-	۵۸	ایلیا	ابرک	۷
۲۸	سما	شال سبز	-	۵۹	پارسا	ابرک	۷
۲۹	فاطمه	شال سبز	۱۱	۶۰	ساره	ابرک	۷
۳۰	ابوالفضل	مثل امام رضا باش	۱۰	۶۱	فاطمه	ابرک	۷
۳۱	امیرحسین	مثل امام رضا باش	۱۱	۶۲	فاطمه	ابرک	۹
۳۲	امیرعلی	مثل امام رضا باش	۱۰	۶۳	فاطمه	ابرک	۷

یافته‌ها

ارزش‌یابی کتاب‌های مورد بررسی در بعد محتوا

محتوا در دو بعد بررسی شد: بعد جذابیت محتوا و نوع مواجهه پاسخگو. منظور از جذابیت محتوا این است که کتاب‌های مورد بررسی چه جایگاهی برای پاسخگو داشته و مخاطب این کتاب را نقد کرده یا مورد تمجید و ستایش قرار داده است. در زمینه جذابیت و پاسخ‌هایی که کودکان به سؤالات در این زمینه ارائه کرده‌اند می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم کرد که عبارت است از:

جذاب پندار مطلق،

غیر جذاب پندار مطلق،

جذاب پندار منتقد.

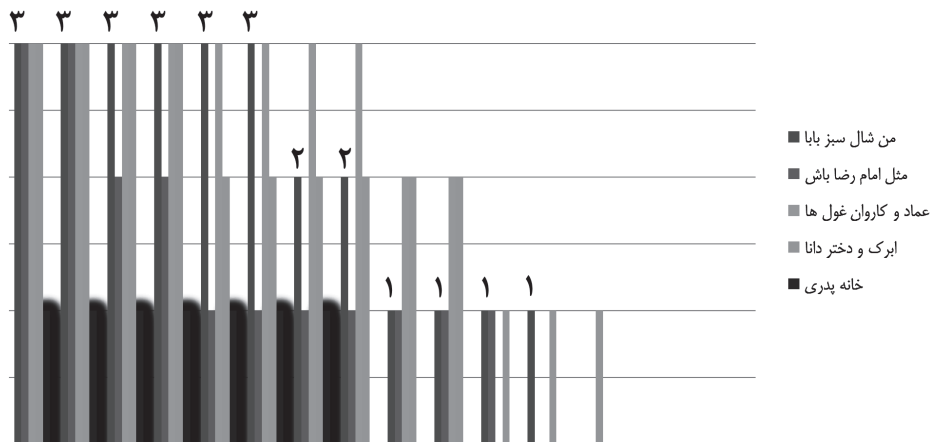
دسته اول کسانی هستند که کتاب را مطلقاً جذاب دانسته و تنها به تعریف و تمجید کتاب پرداخته‌اند و به هیچ عنوان حرفی از ایرادات کتاب به میان نیاورده‌اند. دسته دوم پاسخگویانی هستند که تنها به نقد کتاب پرداخته و از ایرادات آن سخن گفته‌اند و هیچ اشاره‌ای به جذابیت‌های کتاب نکرده‌اند. و دسته سوم افرادی هستند که در عین حال که به جذابیت‌های کتاب اشاره داشته‌اند به نقد آن هم پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که کتاب‌های «من شال سبز بابا و ابرک و دختر دانا» بیش از همه دارای مخاطبان جذاب پندار مطلق است. کتاب «عماد و کاروان غول‌ها و مثل امام رضا باش» دارای مخاطبان جذاب پندار منتقد و کتاب «خانه پدری» بیش از سایر کتاب‌ها دارای مخاطبان غیر جذاب پندار مطلق است. از سوی دیگر بخشی از پاسخگویان در مواجهه با محتوای بعضی کتاب‌ها به امان‌های ظاهری که در لایه‌های آشکار کتاب آمده است اشاره کرده‌اند؛ اما بخشی دیگر در این مواجهه از سطح لایه‌های ظاهری فراتر رفته و به مفاهیم انتزاعی اشاره کرده‌اند؛ بنابراین دو نوع مواجهه را در ارتباط با کتاب‌های مورد بررسی می‌توان شناسایی کرد: مواجهه تجربی، مواجهه انتزاعی. جدول زیر نمونه‌ای از تحلیل در بعد جذابیت و نمودار بعد از آن نوع مواجهه با کتاب را به تفکیک نشان می‌دهد.

جدول (۲) نمونه‌ای از تحلیل بعد جذابیت

نام کتاب	عبارت مرتبط	مقوله باز	مقوله محوری	مقوله گزینشی
مثل امام رضا باش	خوب بود. درباره امام رضاع بود. حدیث‌هایی که می‌گفتن به نظر من همه جاش خوب بود. واقعاً خوب بود. چون خصوصیات امام رضا و حدیث مثلث و این‌ها داشت خوب بود. حسابان و تندر و دانا اینا همه‌شون اسم‌هایی بودن که خیلی مهم بود	محتوا	جذابیت	جذاب پندار مطلق
	خیلی حدیث‌های قشنگی یاد گرفتم. مثلاً همین حدیث مثلث تا حالا نمی‌دونستم. اینکه مثل خدا را زدار باشیم مثل پیامبر ص با مردم مدارا کنیم مثل امام‌ها در روزهای سخت تحمل کنیم.	محتوا	نوع مواجهه	واقعی

جذاب پندار منتقد	جذابیت	محتوا	خیلی خوب بود. اسم یه پسره عماد بود. هزار تا اسم داشت. بعد همه صداش می‌کردن هزار اسمی اسمش عماد بود ولی عماد صداش نمی‌کردن بهش می‌گفتن بچه هزار اسمی چون موقعی که بارون می‌اومد فرار می‌کرد مثل پشه ویز ویز می‌کرد. موقعی که رعد و برق می‌زد فرار می‌کرد می‌رفت یه جا... از همین بچه‌هایی که عماد رو مسخره می‌کردن (خوشم نیومد)	عماد و کاروان غول‌ها
انتزاعی	نوع مواجهه	محتوا	فهمیدم که نترسیم. در برابر دشمن نترسیم. نتیجه: که مثلاً ما بچه‌ها با هم یکدل باشیم می‌تونیم آمریکا رو شکست بدیم مثلاً الان باید با هم باشیم یکی که بره گروه دیگه به درد نمی‌خوره	
جذاب پندار مطلق	جذابیت	محتوا	من سردار سلیمانی رو دقیقاً نمی‌دونستم که داعش رو نابود کرده و تو جنگ هشت ساله دفاع مقدس بوده. من شال سبز بابا را انتخاب می‌کنم. آخر قصه‌اش شعری بود برای بچه‌ها عالی بود. تمام در مورد سردار سلیمانی و این‌ها خیلی خوب با زبون ساده توضیح داده بود	من شال سبز بابا
انتزاعی	نوع مواجهه	محتوا	فهمیدم که باید اگه حتی تو سختی هم بودیم دینمون رو از دست ندیم. می‌خواست بگه از گذشته قبل از این که هنوز ما به دنیا نیومده بودیم چیزهایی رو که اتفاق افتاده برامون توضیح بده.	
واقعی	نوع مواجهه	محتوا	فهمیدم که روز عصر عاشورا بود که اون رفتش اون جا توی حرم.. فهمیدم کربلا سید الشهداست. یعنی جایی که امام حسین شهید شدن اون جا.	
جذاب پندار مطلق	جذابیت	محتوا	خیلی خوب بود یعنی در مورد امام‌ها بود چیز می‌داد خیلی خوب بود. ابرک دانا با امام کاظم با دخترشون و آقای خورشید مهربان امام رضا بود خیلی خوب بود.	ابرک و دختر دانا
انتزاعی	نوع مواجهه	محتوا	فهمیدم که نباید نا امید بشم از خدا که بارون نمیداد باید امید داشته باشم. می‌خواست به بچه‌ها بگه که مثلاً چی بشه نمی‌دونم یک امامی هست که مثلاً مهرپونه هر کاری بخوای برات انجام می‌ده. نویسنده می‌خواست بگه دختری هست به نام معصومه که علمش از همه بالاتره. نتیجه گرفتم امید داشته باشم. به اسم خودم افتخار کنم.	(آقای خورشید مهربان)

خانۀ پدری	محتوا	جذابیت	غیر جذاب پندار مطلق
وقتی من داشتم این کتاب رو می خوندم سرداب که خودش داشت تعریف می کرد من اصلاً نمی دونستم که سرداب رو چطوری داره تعریف می کنه چون این ها بیرون و چطوری داره این ها رو تعریف می کنه. از صفحه ۶ جای قلب ها اصلاً نفهمیدم این جا منظورت چیه. اینی که الان کشیده من الان نمی دونم خود همین امام ها رو هم باید رنگ کنم یا نه. کتاب های سرگرم کننده مثلاً کتاب نقاشی این ها برای بچه های هم سن و سال من خوبه ولی خب من کتاب های داستانی رو خیلی بیشتر دوست دارم. دوست دارم علمم افزایش پیدا کنه.			



نمودار ۲- نوع مواجهه با کتاب

در نمودار بالا نمره یک به معنای مواجهه صرفاً تجربی کودکان با کتاب، نمره ۲ نشانه مواجهه تجربی و انتزاعی با کتاب و نمره ۳ که بالاترین سطح یادگیری را می رساند نشانه مواجهه انتزاعی کودکان با کتاب است. کتاب هایی که بیش از همه مواجهه انتزاعی کودکان را برانگیخته است، کتاب «من شال سبز بابا» و همچنین «عماد و کاروان غول ها» است که ۵۰ درصد از پاسخگویان مواجهه انتزاعی با آن را از خود بروز داده اند. پس از آن «ابرك و دختر دانا» است که بیش از دو کتاب باقی مانده مواجهه انتزاعی با کتاب

را از سوی پاسخگویان بر انگیزته است. به عبارت دیگر بیش از همه پاسخگویان در این کتاب‌ها به لایه‌های پنهان آن اشاره کرده‌اند. در نهایت کتاب مثل «امام رضا باش و خانه پدری» بیشترین مواجهه واقعی با کتاب را از سوی مخاطب با خود به همراه داشته است. می‌توان گفت در این زمینه پایین‌ترین سطح یادگیری را برای کودکان به همراه داشته است چرا که کودک در زمینه مواجهه یا یادگیری از کتاب به روایت داستان یا مطالبی که در کتاب به صورت مستقیم ارائه شده بسنده کرده و برداشت عمیق‌تری از آن نداشته است. این در حالی است که دو کتاب مذکور بیش از بقیه کتاب‌ها جنبه آموزش مستقیم داشته است. به عبارت دیگر با این تحلیل می‌توان گفت هرچه نویسنده سعی در ارائه مطالب به صورت مستقیم داشته باشد، کمتر به فهم عمیقی از کتاب از سوی مخاطب دست می‌یابد و بر عکس هرچه مطالب به صورت غیر مستقیم و داستانی به کودک منتقل شود، سطح عمیق‌تری از یادگیری را در وی شاهد خواهد بود.

ارزش‌یابی کتاب‌های مورد بررسی در بعد ساخت و پرداخت

ساخت و پرداخت کتاب‌های تحقیق در سه بعد (تناسب عنوان و محتوا، نحوه نگارش و نحوه ارائه) بررسی شد. تناسب عنوان و محتوا یکی از ابعاد مهمی است که می‌تواند ارزش‌یابی یک اثر را کامل کند. عنوان می‌تواند نقش بسیار مهمی در جذب شدن یا نشدن مخاطب به یک محصول فرهنگی باشد.^۱ واضح است که این موضوع مختص کتاب نیست بلکه یک فیلم، یک نقاشی و حتی یک نمایشگاه هنری نیز می‌تواند عنوانی را دارا باشد که مخاطبان زیادی را به خود جلب کند. این موضوع در مورد کودکان نیز صادق است. عنوان باید طوری طراحی شود که گویای محتوای اثر فرهنگی باشد در عین حال مخاطب را به خواندن داستان یا دیدن فیلم یا شرکت در نمایشگاه و... جذب کند.

عناوین کتاب‌های بررسی شده در این پژوهش عبارت است از: خانه پدری، عماد و کاروان غول‌ها، ابرک و دختر دانا (آقای خورشید مهربان)، من شال سبز، بابا و مثل امام رضا باش.

۱. انجمن کتاب کودک ایرلند (۲۰۰۲)

جدول (۳) نمونه‌ای از تحلیل کتاب‌های بررسی شده در بعد ساخت و پرداخت

مقوله‌بندی مقوله‌بندی مقوله‌بندی	مقوله‌بندی مقوله‌بندی مقوله‌بندی	مقوله‌بندی مقوله‌بندی مقوله‌بندی	عبارت	
مقوله‌بندی مقوله‌بندی مقوله‌بندی	مقوله‌بندی مقوله‌بندی مقوله‌بندی	مقوله‌بندی مقوله‌بندی مقوله‌بندی	عبارت	
متناسب	تناسب عنوان و محتوا	ساخت و پرداخت	بله چون امام رضا از کارهایی که انجام می‌داد داشت تعریف می‌کرد گفته‌اگه این کارها رو انجام بدی آدم خوبی می‌شی.	مثل امام رضا باش
سادگی	نوع نگارش	ساخت و پرداخت	من تو این کتاب اصلا گیج نشدم ولی به کتاب گرفته بودم ادبی بود و سطحش سخت بود اون معلوم بود تو سن من.	
تناسب تعداد صفحات	نحوه ارائه	ساخت و پرداخت	این کتاب به اندازه است نه اون قدر زیاده که آدم حوصله اش سر بره بگه چقد زیاده نه اون قدر کمه.	
استحکام و مقاومت	نحوه ارائه	ساخت و پرداخت	صد نفر بخون خراب نمی‌شه اگه خوب نگهداری کنن.	
عدم تناسب	تناسب عنوان و محتوا	ساخت و پرداخت	راجع به جنگ می‌خواد صحبت کنه چون وقتی عکسش رو دیدم یک مرد سوار اسب با شمشیر بود.	عماد و کاروان غول‌ها
پیچیدگی	نوع نگارش	ساخت و پرداخت	اینجا نوشته بود تنها روزی که با خیال راحت لباس‌هایم را پوشیدم و از خانه بیرون می‌آمدم آن روز هم غول‌ها بود. من یه چیز دیگش هم گیج شدم این پسر اول می‌ترسیده ولی وقتی دورش همه مردم باشن نمی‌ترسه. تناقض داره.	
عدم تناسب متن	نحوه ارائه	ساخت و پرداخت	دوست دارم ظاهر کتاب هم کارتونی نباشه. واقعی باشه. چون کارتونی زیاد دوست ندارم. چون وقتی کارتونی باشه فکر می‌کنی واقعی نیست.	
متناسب	تناسب عنوان و محتوا	ساخت و پرداخت	فکر می‌کردم در مورد مدافعان حرم باشه شال سبز بابا با این لباسی که روی جلد است شبیه رزمنده هاست.	من شال سبز بابا

متناسب	نوع نگارش و نحوه ارائه	ساخت و پرداخت	من گنج نشدم. جاهاش خیلی خوب بود. هر جایی که متن شعر بود نقاشش هم مال خودش بود.	ابره و دختر دانا
متناسب	تناسب عنوان و محتوا	ساخت و پرداخت	فکر می‌کردم راجع به امام رضاست چونکه خیلی امام رضا رو دوست دارم.	
چالش برانگیز	نحوه ارائه	ساخت و پرداخت	اول گفتم خدایا این‌ها چرا این طوریه بعد به مامانم گفتم گفت این‌ها که چرخوندی یکی در میون شده باید یکی در میون بخونی	خانه پدری
عدم تناسب	تناسب عنوان و محتوا	ساخت و پرداخت	چون خانه پدری [یعنی] چون فکر کردم بچه‌های یتیم امام علی می‌رفت بهشون کمک می‌کرد فکر کردم در همون موره	

در تحلیل بعد ساخت و پرداخت می‌توان گفت «خانه پدری» بیش از اینکه مفهوم اصلی داستان مانند «امام زمان» و «سرداب» و موارد دیگر را به ذهن متبادر سازد، ذهن کودکان را به سمت خانه، پدر، مادر، املاک و مال و اموال برده است. پس می‌توان گفت کمتر کسی است که با دیدن عنوان متوجه محتوای اصلی داستان شده باشد؛ مگر اینکه با کمک تصاویر فهمیده باشد که محتوای داستان مذهبی و دربارهٔ ائمه نوشته شده است. بنابراین با اطمینان می‌توان گفت خانه پدری عنوان مناسبی برای این کتاب نیست. این موضوع دربارهٔ کتاب عماد و کاروان غول‌ها نیز صادق است. مرور پاسخ‌های کودکان نشان می‌دهد که عنوان کتاب هر چیزی را به ذهن پاسخگویان نزدیک کرده است به جز داستان اصلی کتاب. بخش قابل توجهی از پاسخ‌ها از این عنوان «جنگ» را برداشت کرده‌اند در حالی که داستان کتاب دربارهٔ جنگ نیست. این نمی‌تواند یک نقطه قوت برای یک محصول فرهنگی باشد. کودک با دیدن عنوان باید تا حدی متوجه کلیات داستان بشود. اگر عنوانی چون «عماد و امام جواد» یا «امام جواد و کاروان غول‌ها» یا موارد مشابه به کار برده شده بود لاقلاً کودک می‌فهمید که داستان دربارهٔ یکی از ائمه است و محتوای مذهبی دارد. کتاب «مثل امام رضا باش» عنوانی جدی و دستوری است. گویی یک کتاب درسی است و به کودک می‌خواهد تکالیف درسی را القا کند.

چنین عنوانی نمی‌تواند او را به مطالعه کتاب برانگیزد. در عناوین پیشنهادی کودکان نیز می‌بینیم که به ذکر نام پرنده^۱ در عنوان تاکید کرده‌اند. شاید این پیشنهاد از سوی آنان به این دلیل باشد که به این طریق فانتزی بودن کتاب و بیان داستانی آن قبل از خواندن کتاب نمایانتر بوده و کودکان با دیدن عنوان می‌فهمیدند که با یک کتاب خشک درسی مواجه نیستند بلکه قرار است داستانی از زبان یک شخصیت خیالی برای آن‌ها نقل شود و برایشان جذاب تر می‌شد.

«شال سبز» نشان دهنده مذهبی بودن داستانی است که کودک با آن مواجه است پس کودک تا حدی می‌داند که قرار است یک داستان مذهبی را بخواند. کلمه «بابا» در کنار شال سبز موضوع جنگ و شهادت، دفاع و وطن را به ذهن کودک متبادر ساخته است. البته تصاویر روی جلد هم همزمان با عنوان می‌تواند در جذب کودک مؤثر باشد. در این کتاب تصویر جلد یک کودک را نشان می‌دهد که شال سبز بر پیشانی بسته است؛ بنابراین با اطمینان نمی‌توان گفت این عنوان و تصویر، متناسب با محتواست اما حداقل می‌توان گفت موضوعاتی که کودکان در اولین برخورد با کتاب به ذهنشان رسیده است کاملاً متفاوت با محتوای کتاب نیست (در مقایسه با کتاب خانه پدری و عماد) بلکه موضوعات مشابه مانند حضرت زینب، مدافعین حرم و موارد مشابه را به یاد او آورده است. در عنوان «ابریک و دختر دانا» از یک طرف جنبه فانتزی^۲ کتاب را (در مقایسه با مثل امام رضا باش) می‌توان دید و از طرف دیگر به شخصیت اصلی داستان اشاره می‌کند که می‌تواند کودک را کنجکاو کند که منظور از دختر دانا کیست (در مقایسه با عماد و کاروان غول‌ها که هیچ اثری از امام جواد در عنوان دیده نمی‌شود). در زمینه زبان و شیوه نگارش می‌توان گفت استفاده از مفاهیم و واژه‌های سنگین بدون اشاره به معنی آن‌ها در پاورقی، از نقاط ضعف کتاب‌های بررسی شده است. مانند (مرو و جارچی) در داستان ابریک، استفاده از کلمه عربی (حدیث مثلث) در کتاب مثل امام رضا باش و (صحن الغیبه) در داستان

۱. شخصیت اصلی کتاب پرنده‌ای به اسم «بغبغو» است.

۲. منظور از فانتزی بودن یعنی غیر واقعی منظور این است که بیان داستان از زبان یک ابر می‌تواند برای کودک جذاب باشد و چه بهتر که این موضوع در عنوان نمایان باشد.

خانه پدری. علاوه بر این در روند داستان بعضی جریاناتی که در داستان اتفاق افتاده است باعث ایجاد سردرگمی بین پاسخگویان شده است مانند روایت داستان از زبان سرداب در کتاب «خانه پدری». جان بخشیدن به اشیا یکی از روش‌هایی است که می‌تواند جذابیت کتاب را برای کودک افزایش دهد و تخیل او را تقویت کند. مثلاً در داستان ابرک یک ابر راوی داستان است و در پاسخ‌های کودکان نشانی از سردرگمی در این زمینه دیده نمی‌شود. به عبارت دیگر کودک به راحتی توانسته است با راوی داستان (ابرک) ارتباط برقرار کند و در این مورد اظهار سردرگمی نکرده است؛ اما در این کتاب بیان داستان از زبان سرداب برای کودکان تا حدی گیج کننده است در حالی که کتاب خانه پدری را کودکان بزرگ‌تری (از لحاظ سنی) مطالعه کرده‌اند؛ اما در این زمینه بیشتر از کتاب ابرک، اظهار سردرگمی کرده‌اند لذا در استفاده از اشیای بی‌جان برای روایت کتاب باید جنبه شفافیت و وضوح آن مد نظر نویسنده قرار بگیرد تا به جای لذت بردن از متن از کتاب گیجی و کلافگی را برای کودک به همراه نداشته باشد. در نحوه ارائه، کودکان کتاب‌هایی با ورقه‌های روغنی و گلاسه را بیش از سایر کتاب‌ها مستحکم و با دوام و زیبا ارزیابی می‌کنند. کتاب مثل امام رضا باش، شال سبز و ابرک از نظر پاسخگویان دوام بیشتری دارد و کمتر به موضوع امانتداری اشاره شده است اما در مورد کتاب ابرک که کلاً متفاوت طراحی شده، نگرانی کودکان از خراب شدن آن در پاسخ‌هایشان دیده می‌شود. در مجموع می‌توان گفت از لحاظ ساخت و پرداخت کودکان کتاب‌هایی را می‌پسندند که اولاً عنوان جذابی داشته باشد یعنی محتوای داستان را منعکس و او را برای خواندن داستان کنجکاو کند، ساده و روان نوشته شده و از مفاهیم ثقیل و نامفهوم در آن‌ها استفاده نشده باشد و همچنین دارای ورقه‌های محکم و ضخیم باشد که به سرعت خراب نشود.

ارزش‌یابی کتاب‌های بررسی شده در بعد تصویر

این بخش از مقاله به تحلیل بعد تصویر از دیدگاه کودکان اختصاص دارد. در جدول زیر نمونه‌ای از عبارات مرتبط با این موضوع گنجانده و سعی شده است که به صورت باز محوری و گزینشی مقوله‌بندی شود.

جدول (۴) نمونه‌ای از تحلیل ارزش‌یابی کتاب‌ها از بعد تصویر

نام کتاب	عبارت	مقوله بندی باز	مقوله‌بندی محوری	مقوله بندی گزینشی
خانه پدری	بعضی از جاهاش کمی تیره بود. رنگ‌هاش مثلاً اینجا این دره سرداب می‌دونم قهوه‌ایه ولی اگه دورش رو به کم روشن می‌کردن به نظر من قشنگ‌تر بود.	جذابیت تصویر	تناسب رنگ و تصویر	عدم تناسب رنگ ها با واقعیت
	خوب بود. من سفیده رونمی‌ذاشتم. نه این رو سفید نمی‌ذاشتم چون دشمن‌ها سفید نمی‌پوشن ولی سربازهای امام‌ها می‌پوشن. این رو قهوه‌ای می‌کردم یا سیاه اینجا این رو قرمز می‌کردم چون این دشمن امامه. بعضی‌هاشون ایراد داشتن.	جذابیت تصویر	تناسب رنگ و تصویر	تناسب نداشتن رنگ‌ها بادنیای ذهنی کودکان
ابرک و دختر دانا	خوب بود. وقتی که بارون میاد تیره می‌شه یه کوچولو زشت می‌شه همه جا سیاه می‌شه زشت می‌شه	جذابیت تصویر	جذابیت رنگ	استفاده از رنگ‌های تیره
	خوب بود. اگه من بودم بازم همین رنگی می‌کردم چون بهشون میاد	جذابیت تصویر	جذابیت رنگ‌ها	تناسب
من شال سبز بابا	عالی مثل واقعیت بود. منم بودم باز از همین رنگ‌ها استفاده می‌کردم. لباسش باز منده‌ها جوهره. چفیه می‌اندازه بعد این محاسن اش رو سیاه، بال‌ها سفید خیلی زیبا می‌شه لبیک یا زنبش سر مه ای است خیلی عالی	جذابیت تصویر	جذابیت تصویر	ترغیب به مطالعه

من شال سبز بابا	واقعا آدم دلش می‌خواست بدون‌ه چه اتفاقی افتاد چی شده که پدر شهید بال درآورده	جذابیت تصویر	جذابیت تصویر	ترغیب به مطالعه
عماد و کاروان غول‌ها	این عکسش نه عکس صفحه اول. چون اصلا کاروان غول‌ها دیده نمی‌شد. با توجه به متن هم اینجا که می‌گه تنها کسی که من رو با اسم صدا می‌زد اضافه است. ولی بقیه اش خوبه.	جذابیت تصویر	ارتباط متن و تصویر	عدم استفاده از تصویر مناسب با سن
مثل امام رضا باش	رنگ‌هاش جذابیت داشت ولی بغوغوتوی یه جا کرم آبی و یه جا کرم و بنفشه.	جذابیت رنگ	ناهماهنگی رنگ‌ها	عدم جذابیت

آنچه در مجموع درباره تصاویر کتاب‌های کودک می‌توان گفت این است که رنگ‌های تیره مورد پسند کودکان قرار نمی‌گیرد. آن‌ها رنگ‌های شاد و روشن را دوست دارند و تمایل دارند از این گونه رنگ‌ها در داستان‌های مربوط به آن‌ها استفاده شود. کودکان هماهنگی تصاویر با دنیای واقعی را دوست دارند. همچنین استفاده از رنگ‌های واقعی را به رنگ‌های غیر واقعی ترجیح می‌دهند مثلاً کبوتر را دوست دارند خاکستری یا سفید باشد چون در دنیای واقعی کبوتر سفید یا خاکستری است. همچنین دشمنان باید رنگ‌های تیره به تن کنند چون با فرهنگ‌سازی‌هایی که انجام شده است در ذهن کودک دشمن لباس سیاه به تن دارد. این تناسب برای کودکان دارای اهمیت است.

کودک دقت فراوانی دارد و به تمام بخش‌های کتاب توجه می‌کند. کودک دوست دارد یک شیء را که در کتاب یک رنگ مشخص دارد در سرتاسر کتاب همان رنگ را داشته باشد. اگر این گونه نباشد نظام ذهنی او به هم می‌ریزد و نمی‌تواند با داستان ارتباط برقرار کند. وی دلش می‌خواهد هر چیزی را که در داستان مورد اشاره قرار گرفت تصویرش را هم ببیند. حتی او دوست دارد صورت امام جواد را در داستان «عماد و کاروان غول‌ها» و صورت حضرت معصومه را در داستان «ابره و دختر دانا» ببیند. تصویر ارتباط عمیقی بین ذهن کودک و داستان ایجاد می‌کند حتی این ارتباط را در ذهن بزرگسالان هم ممکن

است بتوان مشاهده کرد؛ اما کودک به دلیل بصری بودن بیشتر به تصویرسازی نیاز دارد. تصاویر زشت و ناهنجار برای کودکان جایگاهی ندارد. آن‌ها دوست دارند تصاویر زیبا را ببینند و با رنگ‌های شاد بیشتر ارتباط برقرار می‌کنند. از طرف دیگر، فرصت رنگ‌آمیزی دادن به کودکان در کتاب‌های کودک و اینکه اجازه دارند یک تصویر را طبق میل و سلیقه خودشان رنگ‌آمیزی کنند برایشان جذاب است و آن‌ها را به کتاب و داستان‌های آن بیشتر جذب می‌کند.

نتیجه‌گیری

کتاب «من شال سبز بابا» برای کودکان جذابیت‌های زیادی داشته است. مرور تاریخ اسلام و مواجه کردن مخاطب با شخصیت‌هایی چون بلال حبشی برای کودک جذاب است. در عین حال حرکت روایی شخصیت داستان در طول تاریخ با استفاده از یک شال سبز و عبور کردن او از قسمت‌های مهم تاریخ چون واقعه عاشورا و رسیدن به زمان جنگ همه برای پاسخگویان جذاب است. جنبه تخیلی کتاب در عین حال پیوند آن با واقعیت توانسته است برای کودکان در عین جذاب بودن مفید باشد. همچنین حضور شخصیت‌های معاصر چون حسین فهمیده و قاسم سلیمانی در داستان نیز بر جذابیت کتاب افزوده است. استفاده از یک شال سبز واقعی بر روی کتاب و بیان شعری ساده، کودکان را بیش از پیش به مطالعه این کتاب برانگیخته و تصاویر کتاب نیز با رنگ‌های شاد و متنوع برای کودکان جذاب بوده است. «شال سبز» نشان دهنده مذهبی بودن داستانی است که کودک با آن مواجه است. پس کودک تا حدی می‌داند که قرار است یک داستان مذهبی را بخواند. کلمه «بابا» در کنار شال سبز ممکن است موضوع جنگ و شهادت، دفاع و وطن را به ذهن کودک برساند. البته تصاویر روی جلد نیز همزمان با عنوان می‌تواند کمک کننده باشد. در این کتاب تصویر جلد یک کودک را نشان می‌دهد که شال سبز بر پیشانی بسته است؛ بنابراین با اطمینان نمی‌توان گفت این عنوان و تصویر متناسب با محتواست؛ اما حداقل می‌توان گفت موضوعاتی که کودکان در اولین

برخورد با کتاب به ذهن‌شان رسیده است کاملاً متفاوت با محتوای کتاب نیست (در مقایسه با کتاب خانه پدری و عماد) بلکه موضوعات مشابه مانند حضرت زینب، مدافعین حرم و موارد مشابه را به یاد او آورده است. این کتاب از جمله مواردی است که مواجهه انتزاعی بالایی را بین کودکان برانگیخته است.

کتاب «ابرک و دختر دانا» دارای یک ارائه متفاوت و منحصر به فرد است. این کتاب به صورت ابر طراحی شده و حالت چرخشی دارد و در عین حال دارای دو داستان است. رنگ‌های شاد و تصاویر فانتزی زیبا با بیان معماگونه (دختر دانا و آقای خورشید مهربان) که کودک را کنجکاو می‌کند که بداند این افراد چه کسانی هستند به داستان جذابیت می‌بخشد. در عین حال بیان داستان از زبان یک ابر نیز آن را برای پاسخگویان جذاب‌تر می‌کند. به طور کلی می‌توان گفت این کتاب در عین حال که در بعد تصویر و ساخت و پرداخت خوب و مناسب عمل کرده است. در بعد محتوا نیز موفق بوده و توانسته است یک موضوع عمومی و تکراری (بارش باران با دعای امام (علیه السلام)) را با یک بیان داستان‌گونه جذاب دوباره برای کودکان نقل کند به طوری که باعث شگفتی آن‌ها در زمینه دعای باران شود. موضوعی که شاید کودکان قبلاً شنیده باشند اما بیان جذاب این کتاب توانسته است توجه آن‌ها را به این موضوع جلب کند.

کتاب «مثل امام رضا باش» برای کودکان جذابیت‌های زیادی داشته است. این کتاب با محوریت صفات و ویژگی‌های امام رضا ع با بیانی متفاوت و به دور از نصیحت‌ها و آموزش‌های مستقیم به کودکان آموخته است که نماز اول وقت بخوانند، صبور باشند، صلح را دوست داشته باشند، خوش اخلاق باشند و... به عبارت دیگر روایت داستان از زبان یک کبوتر، با تصاویر رنگارنگ و جذاب و کارتونی برای آن‌ها جنبه خشک و آموزشی را کمرنگ کرده و بیشتر به آن ویژگی مفرح و جذاب بخشیده و باعث شده است کودکان از مطالعه یک کتاب دینی مذهبی لذت ببرند و با صفات‌های امام (علیه السلام) آشنا شوند و سعی کنند ایشان را الگوی خود قرار دهند. با وجود این نقدهایی نیز به این کتاب وارد است از جمله اینکه در بعد نوع مواجهه با کتاب بیشترین مواجهه از نوع تجربی بوده است که این نکته نمی‌تواند نقطه قوتی برای یک محصول فرهنگی باشد چرا که معنای آن این

است که کتاب نتوانسته است مخاطب را به لایه‌های عمیق‌تری از سطح خود ببرد و او را در ظاهر کتاب و لایه‌های سطحی آن گیر انداخته است. همین موضوع باعث شده این نتیجه‌گیری حاصل شود که جنبه آموزش نسبتاً مستقیم این کتاب از تأثیرگذاری آن کاسته است. علاوه بر این انتقاداتی که از سوی خود مخاطب نیز مطرح شده به طولانی بودن کتاب مربوط است. در این کتاب ۱۰ صفت امام با بیان داستانی منتقل شده که همین موضوع باعث کسل‌کنندگی آن نزد کودکان شده است. علاوه بر این، نقد دیگری که به این کتاب می‌توان وارد کرد به بعد ساخت و پرداخت و عنوان آن مربوط است. «مثل امام رضا باش» عنوانی جدی و دستوری است. گویی یک کتاب درسی است و به کودک می‌خواهد تکالیف درسی را القا کند، چنین عنوانی نمی‌تواند او را به مطالعه کتاب برانگیزد. در عناوین پیشنهادی کودکان نیز می‌بینیم که به ذکر نام پرنده در عنوان تأکید کرده‌اند. شاید این پیشنهاد از سوی آنان به این دلیل باشد که به این طریق فانتزی بودن کتاب و بیان داستانی آن قبل از خواندن کتاب نمایان‌تر بوده و کودکان با دیدن عنوان می‌فهمیدند که با یک کتاب خشک درسی مواجه نیستند بلکه قرار است داستانی از زبان یک شخصیت خیالی برای آن‌ها نقل شود و برایشان جذاب‌تر می‌شد.

نتایج نشان می‌دهد که کتاب «عماد و کاروان غول‌ها» دارای جذابیت‌های فراوانی است. استفاده از شخصیت‌های متنوع و کاربرد تمثیل و تشبیه به این کتاب جذابیت بیشتری بخشیده است. نبود نتیجه‌گیری مستقیم و آزاد گذاشتن کودکان در برداشت از کتاب و همچنین استفاده از یک شخصیت دینی برای الگوسازی در راستای تبلیغ شهامت توانسته است تا حد زیادی مفهوم اصلی را منتقل کند و در عین حال که آن‌ها را برای مدتی سرگرم ساخته، به آن‌ها مفهوم مد نظر کتاب را بیاموزد. البته در بخش تحلیل تصویر و ساخت و پرداخت روشن می‌شود که این کتاب دارای اشکالاتی است اما نمی‌توان آن‌ها را مانعی در جهت جذابیت محتوای این کتاب برای کودکان دانست. مهم‌ترین نقدهایی که به این کتاب وارد است از یک طرف تصاویری است که بیشتر رنگ‌های تیره در آن‌ها به کار رفته و این نکته مورد پسند بیشتر پاسخگویان قرار نگرفته و از طرف دیگر عنوان کتاب است. مرور پاسخ‌های کودکان نشان می‌دهد که عنوان کتاب هر چیزی را به ذهن

پاسخگویان نزدیک کرده است به جز داستان اصلی کتاب. بخش قابل توجهی از پاسخ‌ها از این عنوان «جنگ» را برداشت کرده‌اند در حالی که داستان کتاب درباره جنگ نیست. کودک با دیدن عنوان باید تا حدی متوجه کلیات داستان بشود. اگر عنوانی چون «عماد و امام جواد» یا «امام جواد و کاروان غول‌ها» یا موارد مشابه به کار برده شده بود لاقلاً کودک می‌فهمید که داستان درباره یکی از ائمه است و محتوای مذهبی دارد.

نتایج نشان می‌دهد که کتاب خانه پدری بیش از اینکه جنبه داستانی داشته باشد، جنبه آموزشی دارد و سعی دارد به طور مستقیم به پاسخگویان اطلاعاتی منتقل کند. اطلاعاتی در زمینه زمان غیبت امام زمان، زمان تولد ایشان و محل غیبت و همچنین اطلاعاتی درباره مادر و پدر ایشان که در این کتاب گفته شده است، از جمله موارد تکراری است که معمولاً در کتاب‌های درسی نیز گفته می‌شود. لذا این کتاب نکته پیچیده غیر قابل فهمی نداشته و کودکان به راحتی به محتوای آن اشاره کرده‌اند. همچنان که قبلاً هم گفته شد عنوان «خانه پدری» بیش از اینکه مفهوم اصلی داستان مانند «امام زمان» و «سرداب» و موارد دیگر را به ذهن متبادر سازد، ذهن کودکان را به سمت خانه، پدر، مادر، املاک، و مال و اموال برده است. لذا می‌توان گفت کمتر کسی است که با دیدن عنوان متوجه محتوای اصلی داستان شده باشد مگر اینکه با کمک تصاویر فهمیده باشد که محتوای داستان مذهبی و درباره ائمه نوشته شده است؛ بنابراین می‌توان گفت خانه پدری عنوان مناسبی برای این کتاب نیست. خلاقیت‌هایی که نویسندگان در کتاب به خرج داده، مانند رنگ‌آمیزی و سؤالاتی که در کتاب پرسیده شده زیاد نتوانسته جذابیت را برای خواننده افزایش دهد. کودکان به این کتاب نگاه آموزشی دارند و به خوبی آموخته‌های آن را فرا گرفته‌اند؛ اما لذت زیادی از خواندن کتاب در گفته‌های آن‌ها دیده نمی‌شود. در جدول زیر می‌توان ارزش‌یابی کتاب‌های بررسی شده را به صورت خلاصه مشاهده کرد.

جدول (۵) ارزش‌یابی کلی کتاب‌های بررسی شده بر اساس معیارهای ارزش‌یابی

معیارهای ارزش‌یابی		محتوا				ساخت و پرداخت		تصویر	
کتاب	جذابیت محتوا	نوع مواجهه		تناسب عنوان و محتوا	نوع نگارش	نحوه ارائه	تناسب با محتوا	جذابیت رنگ و تصویر	
		جذاب پندار مطلق	جذاب پندار منتقد	واقعی	انتزاعی				
من، شال سبز، بابا	✓	-	-	-	✓	✓	✓	✓	✓
ابرک و دختر دانا/ آقای خورشید مهربان	-	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
مثل امام رضا باش	-	✓	✓	✓	✓	-	✓	✓	✓
عماد و کاروان غول‌ها	-	✓	✓	✓	✓	-	✓	-	-
خانه پدری	-	-	-	✓	-	-	✓	-	-

در نهایت می‌توان گفت کودکان در مواجهه با کتاب (من، شال سبز، بابا) جذاب پندار مطلق هستند. به این معنا که غالباً این کتاب را جذاب دانسته و نقدی به آن وارد نکرده‌اند. مواجهه با این کتاب بیش از اینکه تجربی باشد انتزاعی است. به این معنا که این کتاب توانسته است کودک را به لایه‌های زیرین محتوای خود ببرد و او را از محتوای سطحی خود جدا کند. به لحاظ نوع نگارش، تناسب عنوان و محتوا، نحوه ارائه و تصویر این کتاب بیشترین درجه تأیید را از سوی مخاطب به خود اختصاص داده است.

کودکان در برابر کتاب‌های (ابرک و دختر دانا)، (مثل امام رضا باش) و (عماد و کاروان غول‌ها) جذاب پندار منتقد هستند. به عبارت دیگر در عین حال که این کتاب‌ها را جذاب می‌دانند نقدهایی نیز بر آن‌ها وارد می‌کنند. نوع مواجهه با هر سه کتاب هم واقعی و هم انتزاعی است. با توجه به اینکه مخاطب کتاب (ابرک) کودکان گروه الف هستند، نمی‌توان این مواجهه واقعی را نقطه ضعفی برای کتاب در نظر گرفت؛ اما در دو کتاب دیگر که مخاطب آن کودکان با سنین بالاتر هستند، می‌باید مواجهه انتزاعی بر تجربی غلبه داشته باشد. لذا هرچه مواجهه تجربی در کتاب بیشتر باشد می‌تواند نقطه ضعف پررنگی برای یک محصول فرهنگی باشد. خانه پدری کتابی است که هیچ‌گونه جذابیتی برای کودکان به همراه نداشته در عین حال تنها مواجهه واقعی با محتوای کتاب را از سوی کودکان داشته است. تناسب نداشتن عنوان و محتوا و تصاویر با رنگ‌های ناهماهنگ نیز از دیگر نقاط ضعف این کتاب است.

در مجموع می‌توان گفت کتابی برای حوزه کودکان مناسب است که مخاطبان آن جذاب پندار مطلق و منتقد باشند، نوع مواجهه با محتوای کتاب انتزاعی باشد، تناسب عنوان و محتوا وجود داشته باشد و از تصاویر رنگی و یکسان در کتاب استفاده شده باشد.

منابع و مآخذ

- آفاگل زاده، فردوس. (۱۳۷۹). «ویژگی های متون ادبی از دیدگاه زبان شناسی». مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی. شماره ۹۱. صص: ۱-۱۲.
- تولان، مایکل. (۱۳۸۶). *روایت شناسی (درآمدی زبان شناختی - انتقادی)*. ترجمه سیده فاطمه علوی و فاطمه نعمتی. تهران: سمت.
- شرت، ایون. (۱۳۸۷). *فلسفه علوم اجتماعی قاره ای*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- فلیک، اووه. (۱۳۹۹). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- موسی پور، نعمت الله. (۱۳۸۱). «مبانی نظری الگوهای ارزش یابی آموزشی». فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. شماره ۲۳ و ۲۴. صص: ۱۱۹-۱۴۳.
- مهر محمدی، محمود؛ امین خندقی، مسعود. (۱۳۸۸) «مقایسه ایدئولوژی های برنامه درسی آیزنر با میلر: نگاهی دیگر». *مطالعات تربیتی و روان شناسی*. دوره ۱۰. شماره ۱. صص: ۲۷-۴۵.
- نوکاریزی، محسن؛ ضیغمی، مجید. (۱۳۹۲). «مقایسه میزان اهمیت ملاک های رایج انتخاب کتاب کودک برای والدین و کودکان در شهر مشهد». *تحقیقات اطلاع رسانی و کتاب های عمومی*. دوره ۱۹. شماره ۳. صص: ۱۴۳-۳۶۱.
- نیکوسخن، سودابه. (۱۳۹۱). «فصلنامه تحلیلی پژوهشی کتاب مهر». شماره ۸. صص: ۱۷۸-۱۹۸.
- Boyatzis, R. E. (1998), *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*, Sage Publications, Inc.
- Dunn, F. W. (1921). Interest Factors in Primary Reading Material. *Contributions to Education*, 82-70, 113.
- Gordon W. Allport (1954), *The Nature of Prejudice*, Cambridge, Mass.: Addison-Wesley Publishing Co., Inc.
- Holloway, I. & Todres, L. (2003), "The Status of Method: Flexibility, Consistency and Coherence", *Qualitative Research*, Vol. 3, No. 3, Pp. 357-345.
- Swayne Barthold, Lauren, (1987) *Prejudice and understanding: Gadamer`s ontological hermeneutics*, George Washington University.

چکیده های انگلیسی

English Abstracts

Evaluation of Children's Books Produced in the Advertising Department of Astan Quds Razavi in the Eyes of Children¹

Raha Shekofteh ² Seyed Mohammad Noei ³

Received: November 16 ,2020

Accepted: February 16 , 2021

Abstract

In this review, five books from the books and productions of the advertising deputy of Astan Quds Razavi were reviewed. In the evaluation of children's books, three goals were pursued, which is to evaluate the books in the field of "content, construction and structure and images" from the perspective of the child. The statistical population in this study is all children aged 6 to 11 years old living in Mashhad who entered the holy shrine of Razavi in the fall of 1398. The sample was 63 children who were selected by purposive sampling. The research approach is evaluative and the studied method is content analysis with semi-structured interview tools. The results showed that the book "I; Green scarf; Dad" has been the most attractive for children in different dimensions. In other words, the best evaluation by children belongs to this book. After that, the book "Abrak and the Wise Girl" received the least criticism due to its different construction and structure and colorful pictures. The book "Be Like Imam Ridā (as)", although it had many attractions for children, also had some criticisms. The title of the command and the length of the book are the most important of them. The most important critiques of the book "Emad and the Caravan of Giants" are, on the one hand, the images in which most of the dark colors are used, and on the other hand, the title of the book. The book "Father's House" has the most criticism and the weakest evaluation, which has had a low appeal for children.

Keywords: Evaluation, Children's books, Razavi stories, Razavi biography.

1. This article is extracted from the research «Evaluation of children's books produced in Astan Quds Razavi Production Office».

2. PhD in Economic Sociology and Development, Ferdowsi University of Mashhad (Corresponding Author). Rshekofte78@gmail.com

3. PhD in Economic Sociology and Development, Ferdowsi University of Mashhad. mmnoei@yahoo.com

Conceptology in Civilization Research; Methodological Critique of the Book "Razavi Civilization"

Sayyed Hossein Hosseini ¹

Received: October 21 ,2020

Accepted: December 05 , 2020

Abstract

The study of civilization in the realm of humanities in our country does not have much of a boom; in particular, there are many issues that need to be researched from the perspective of conceptual and methodological approaches to civilization. Among such issues is the concept of new Islamic civilization. This article deals with the research critique of the book Razavi Civilization, which can be placed under the approaches of new Islamic civilization; however, this book lacks a methodological and scientific view of the issue. After the introduction of the book and other works of the author in this field, the importance of the issue of new Islamic civilization has been mentioned, and then we briefly enumerate the principles and foundations of book criticism and analysis, which includes a methodological view of the problem and a perspective of the characteristics of a scientific research book. The analysis of the book is done in two parts: formal criticism and content criticism according to the dimensions of the advantages and disadvantages; and then it is shown that despite the advantages such as the discussion of the new Islamic civilization, attention to the role of civilization of Shiite Imams and passive ignorance of the role of Imams (as) in history, but this book has structural and methodological shortcomings, such as: lack of definition of conceptual system, lack of logical order, non-argumentative and undocumented, methodological flaws and lack of analytical aspect. The necessity of analyzing the network of concepts of the family of civilization, the necessity of drawing and explaining the philosophy of history from the Shiite perspective, the importance of methodical critique of civilization texts, paying attention to the role of the relationship between religious science and new Islamic civilization, the need for a methodological view of the issue of civilization and adherence to the requirements of such studies are some of the results that this study emphasizes in the end.

Keywords: Methodology, New Islamic Civilization, Religious Science, Razavi Civilization, Civilization Research, Criticism.

1. Assistant Professor of Islamic Philosophy and Civilization, Institute of Humanities and Cultural Studies. Drshhs44@gmail.com

Phenomenological Study of Steel Window of Mashhad al-Riḍā (as)

Karim Khanmohammadi ¹

Received: September 07 ,2020

Accepted: November 08 ,2020

Abstract

The pilgrimage city of Holy Mashhad, which has been called the religious and cultural capital of Iran, in addition to the shrine of Imam Riḍā (as) contains surrounding symbols that play a role in the general culture of the people. Religious symbols, while representing the culture of the people, have a great impact on the representation and continuity of culture. Therefore, the study of symbols, especially religious symbols, is of particular importance from the perspective of cultural studies. One of the most important and famous symbols around the Razavi shrine is the "steel window". By adopting a phenomenological approach and employing the concept of "sacred place" by Mircea Eliade, the author has used the techniques of "interview", "observation", "participation" and "examination of documents" to discover the mental meanings of pilgrims living around the steel window. The analysis of the findings of the field study with the method of "content analysis" shows that the steel window with the comprehensive theme of "holy and sublime place", in the Iranian mentality is considered as the confluence of heaven and earth, a part of the great structure of Shiite holy places, a stronghold, invigorating, healing, hopeful, heartwarming, transformative, stimulating chivalry and the Shrine of Imam Riḍā (as).

Keywords: Mashhad al-Riḍā (as), Steel Window, Phenomenology, Imam Riḍā (as).

1. Associate Professor, Department of Cultural Studies and Communication, Baqer al-Uloom University.
khanmohammadi49@yahoo.com

The Role of Pilgrimage to the Shrine of Imam Riḍā (as) in Quality of Life

Yazdan Shirmohammadi ¹ Akbar Bahmani ² Mojghan Mastanrad ³

Received: August 19 ,2020

Accepted: November 19 ,2020

Abstract

In this study, the effect of constructive experience of pilgrimage on the benefits of religious pilgrimage due to peace of mind, escape from experiences, unique experience during pilgrimage, interactive experiences and brand image are discussed. The brand image of the pilgrimage-religious collection is the perceptions and ideas that are formed from the whole existence of the collection in the minds of the pilgrims. This research is considered as applied in terms of purpose and in terms of research method is in the category of descriptive survey research. The statistical population of the study is the tourists of Holy Mashhad (Imam Riḍā's royal court), and in the model of this study, 14 variables were measured and 510 questionnaires were collected by simple random sampling. Statistical analyzes were performed using SPSS and Amos software. Cronbach's alpha coefficient was used in the inferential analysis of the data, KMO test tool and Cruet Bartlett were used to determine the internal stability, and structural equation modeling method was used to determine the appropriateness of the sample size and the accuracy of factor separation and to determine the causal relationship between the variables. The findings of this study indicate that the constructive experience of pilgrimage affects the benefits of religious travel through peace of mind, escape from experiences, unique experience during pilgrimage, interactive experiences of pilgrims and the brand image of the royal court of Imam Riḍā (as). The results of this study also showed that the travel benefits of religious tourists have a positive and significant effect on the health status of tourists. The results of this study showed that religious tourism can provide many material, spiritual and cultural opportunities for religious cities.

Key words: Constructive experience of pilgrimage, Religious tourism, Tourism brand, Religious culture.

1. Assistant Professor of Business Management, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Y.Shirmohammadi@pnu.ac.ir

2. Assistant Professor of Public Management, Payame Noor University, Tehran, Iran.
Bahmani.akbar@gmail.com

3. MA in Business Administration, Payame Noor University, Tehran, Iran. Mastanrad@gmail.com

Compilation of the Structure of Extracurricular Activities

According to the Methodology of Imam Ridā (as)¹

Habibollah Taghipour² Effat Abbasi³ Marjan Kian⁴

Mohammad Ali Rezayi Kermani Nasab Poor⁵

Received: July 17 ,2020

Accepted: October 18 ,2020

Abstract

The purpose of this article is to compile and present the structure of extracurricular activities in schools with emphasis on the way of life and educational method of Imam Ridā (as). The study method is content analysis and the research community includes researchers and university professors in the field of education as well as professors in the seminary who specialize in the basics of Razavi biography. The research sample of 17 of the mentioned experts was purposefully selected by snowball method and they were interviewed semi-structured. The method of interviewing in the first stage was with the seminary experts to codify the themes and concepts of the text and in the second stage the interview with academic experts was to confirm the selected codes appropriate to the extracurricular activities of the schools. Based on the findings, in the above structure of the school curriculum in accordance with the Razavi biography, the dimensions and components of the identified program, the topics and the executive methods of each were stated. According to the results of this study, for extracurricular activities in schools in accordance with the Razavi biography, the use of executive methods such as holding camps and scientific trips, discussion and debate sessions, group study and research, worship, etc. in different sections was suggested.

Keywords: Content analysis, Razavi educational biography, Extracurricular activities, schools, Educational themes.

1. This article is extracted the author's doctoral dissertation.

2. PhD Student, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran. habibollahtaghipour@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Curriculum Studies, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) e.abbasi@khu.ac.ir

4. Associate Department of Curriculum Studies, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran. kian@khu.ac.ir

5. Associate Professor of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. rezai@um.ac.ir

Investigating the Needs of Disabled Pilgrims in Religious Places

..... (Case Study: Razavi Shrine)

Mehdi Basouli ¹ Saeedeh Derakhsh ²

Received: June 26 ,2020

Accepted: September 23 ,2020

Abstract

The desire to attend religious places is not specific to a particular group, and all members of society tend to visit and enjoy the spiritual atmosphere of these places. This tendency has spread more and more in different social groups. People with disabilities are one of those groups who, due to their limitations, have less opportunity to be in crowded places. This article has been compiled with the aim of identifying the important needs of disabled pilgrims to visit the Razavi shrine. In compiling this article, a qualitative and quantitative approach has been used, and by reviewing documents and theoretical studies and interviewing experts and using the content analysis method, six main dimensions and 31 components required by disabled pilgrims are identified and then using fuzzy cognitive mapping method, the relationships of these factors and determining the important dimensions are investigated. According to this analysis, ease of access, adaptation and rehabilitation are the three main dimensions of the needs of disabled pilgrims, for each of which components have been identified in order to formulate operational solutions.

Keywords: Disabled pilgrims, Razavi shrine, Content analysis, Fuzzy cognitive mapping.

1. Assistant Professor of Research, Jahad Daneshgahi, (Corresponding author). basouli@acecr.ac.ir

2. PhD student in Tourism Management, Yazd University of Science and Art. s.derakhsh@stu.sau.ac.ir

Analysis of the Social Approach of Imam Riḍā (as) in the Face of the Leaders of the Zaydiyya (By Modeling the Method of Narrative Discourse Analysis (PDAM))

Maliheh Akbari ¹ Hosein Khakpour ² Ebrahim Noori ³

Received: February 23 ,2020

Accepted: May 20 ,2020

Abstract

Conduct and speech behavior of Imam Riḍā (as) can be considered as a model in interactions. During this period, "Zaydiyya" is considered one of the most revolutionary Shiite sects that was not much approved and supported by the Imam of his time. Imam Reza's interactions with the Zaydiyya sect as a deviant friend provide an organized pattern of behavior that will pave the way for new issues.

This article uses a descriptive-analytical method to identify the social approaches of Imam Riḍā (as) discourse in the face of the leaders of the Zaydiyya sect. Imam Riḍā (as) has left valuable behavioral guidelines in social discourses related to the public and scholars, by raising the issues of monotheism, Imamate and Wilayah and answering questions and doubts. These discourses are also indirectly influenced by the third element of the discourse (Ma'mun Abbasi-Power). The basic axes of creating the discourse of Imam Riḍā (as) with the leaders of the Zaydiyya sect (deviant friend), against the common enemy (Ma'mun), has been done with the aim of enlightenment and guidance; but the main axes in creating Razavi discourse with Ma'mun are with the aim of explanation and non-compromise, which is sometimes accompanied by taqīya (precaution) in commenting. In each of these approaches, we come to the central signs that play an important role in analyzing the discourse of Imam Riḍā (as) with Zaydiyya.

Key words: Imam Riḍā (as), Social Approach, the Analysis of narrative discourse, Zaydiyya.

1. MA in Quran and Hadith, Sistan and Baluchestan University, Iran, Zahedan. salma.akbari800@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Sistan and Baluchestan University, Iran, Zahedan (Corresponding Author). dr.khakpour@theo.usb.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Islamic Studies, Sistan and Baluchestan University, Iran, Zahedan. e.noori@theo.usb.ac.ir

Address:

No 3 ,34 Kamyab St. Kamyab Blvd. Mashhad,
9145983738, Iran.

Tel: +98 51 32283044-49

Fax: +98 51 32284452

|||||

► **Approach:**

with an academic and research approach, this journal accepts articles with their main focus on Imam Reza (a.s) which are authored in various areas including ideological, theological, juridical (fiqh) , interpretive, Hadith, historical and comparative as well as other scientific aspects of the Erudite of Mohammad (PBUH) Family.

|||||

Journal of Razavi Culture

Imam Reza(A.S) International Foundation for Culture and Arts

Vol. 9, Issue. 35, Autumn 2021

Managing Director: Mahmoud Reza Barazesh

Editor in Chief: Jalal Dorakhshah

Executive Director: Mohammad Ali Nedae

Seyyed Mohammad Reza Ahmadi Tabatabai: Associate Professor,
Researcher at Imam Reza(A.S.) International Foundation for Culture and
Arts

Hasan Bashir: Professor of Imam Sadiq (A.S.) University

Jalal Dorakhshah: Professor, Imam Sadeq(A.S.) University

Farshad Shariat: Professor of Imam Sadiq (A.S.) University

Hosseinali Ghobadi: Professor of Tarbiat Modares University

Dariush Motalebi: Associate Professor Researcher at Imam Reza(A.S.)
International Foundation for Culture and Arts

Seyyed Alireza Vasei: Associate Professor, Research Center for Islamic
Sciences and Culture

Mohammad Hadi Homayoon: Professor, Researcher at Imam Reza(A.S.)
International Foundation for Culture and Arts

Editor: Nematollah Panahi, Mohammad Ali Nedae

Abstract Translator: Mohammad Reza Aram

Cover Design and Layout: Fahimeh Naji